



حضرت سید محمد علی عیسیٰ
در فضیلت
در پرتو روایات

سید جواد رضوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیمای
حضرت محمدی (عج)
در قرآن

در پرتو روایات

رضوی، جواد، ۱۳۵۴ --

سیمای حضرت مهدی (عج) در قرآن در پرتو روایات / مولف جواد رضوی -
بوشهر: موعود اسلام، ۱۳۸۲.
۲۴۰ ص.

ISBN 964 - 7716 - 15 - X: ۱۲/۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. [۲۴۰]: همچنین به صورت زیرنویس.

۱. مهدویت -- جنبه های قرآنی. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -

-- جنبه های قرآنی. الف. عنوان.

۲۹۷/۱۵۹ BP ۱۰۴ / م ۸۶

۱۶۲۸۱ - ۸۲م

کتابخانه ملی ایران

ISBN 964 - 7716 - 15 - X

شابک X - ۱۵ - ۷۷۱۶ - ۹۶۴



مؤسسه انتشاراتی موعود اسلام

وابسته به صندوق قرض الحسنه حضرت مهدی (عج) بوشهر

شناسنامه کتاب:

نام کتاب: سیمای حضرت مهدی در قرآن در پرتو روایات

مؤلف: سید جواد رضوی

ناشر: انتشارات موعود اسلام

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

نوبت و تاریخ چاپ: دوم / پاییز ۱۳۸۳

چاپ: شریعت

قیمت: ۱۲۰۰ تومان

آدرس: بوشهر، خیابان لیان، تلفن: ۲۵۲۴۹۳۳، دورنگار: ۲۵۲۲۳۰۴

مرکز پخش: قم - تلفکس: ۷۸۳۱۸۳۱-۲

* کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است *

فهرست مندرجات

۹	□ پیشگفتار.....
۲۱	□ سورة بقره.....
۲۳	علت و حکمت غیبت امام عصر <small>علیه السلام</small> در روایات.....
۲۳	الف. خروج مؤمنین از اصلاب کفار.....
۲۳	ب. عدم بیعت کسی بر گردن آن حضرت.....
۲۵	ج. آزمایش مردم.....
۲۵	د. اجرای سنت های انبیاء <small>علیهم السلام</small> درباره حضرت مهدی (عج).....
۲۷	ه. ترس از کشته شدن.....
۲۷	و. نافرمانی مردم.....
۴۱	تشبیه غیبة المهدی <small>علیه السلام</small> بغیبة داود <small>علیه السلام</small>
۴۳	شبهات غیبت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> به غیبت حضرت داود <small>علیه السلام</small>
۴۶	الحکمة هی معرفة القائم <small>علیه السلام</small>
۴۶	حکمت، همان شناخت امام زمان <small>علیه السلام</small> می باشد.....
۴۸	□ سورة آل عمران.....
۴۸	فضل التقیة فی عصر الغیبة.....
۵۰	فضیلت تقیه در دوران غیبت.....
۵۶	الرجعة فی عصر الغیبة.....
۵۷	رجعت در زمان حضرت قائم <small>علیه السلام</small>
۶۵	□ سورة نساء.....
۷۶	□ سورة مائده.....
۸۱	خزی الکفار علی ید المهدی <small>علیه السلام</small>
۸۱	ذلت و خواری کفار به دست حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۸۵	□ سورة انعام.....

۸۵	خروج السفیانی من المحتوم
۸۵	خروج سفیانی از نشانه‌های قطعی است
۸۹	آیات قبل ظهور المهدي <small>علیه السلام</small>
۹۰	نشانه‌های قبل از ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۹۱	□ سورة اعراف
۱۰۵	□ سورة انفال
۱۰۸	□ سورة توبه (برائت)
۱۱۵	المهدي <small>علیه السلام</small> من الصادقين
۱۱۵	حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> از صادقین است
۱۱۷	□ سورة يونس
۱۱۷	فضل انتظار فرجه <small>علیه السلام</small> و فضل شیعتہ فی زمن الغیبة
۱۱۸	فضیلت انتظار فرج و مقام شیعه در عصر غیبت
۱۲۸	□ سورة هود
۱۲۹	من علامات الظهور، النداء من السماء
۱۲۹	از نشانه‌های ظهور، ندایی از آسمان است
۱۳۱	احوال اصحابه و انصاره <small>علیه السلام</small> و عددهم و شعارهم
۱۳۱	احوال یاوران حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> و تعداد و شعار آنها
۱۳۴	المهدي <small>علیه السلام</small> بقية الله في الأرض
۱۳۵	حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> بقیة الله و خلیفة خدا در زمین است
۱۳۸	□ سورة رعد
۱۴۱	□ سورة ابراهيم
۱۴۳	□ سورة حجر
۱۴۳	رجم الشيطان في عهد المهدي <small>علیه السلام</small>
۱۴۳	رجم شیطان در زمان ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>

- الوقت المعلوم يوم قيام القائم عليه السلام ١٤٤
- وقت معلوم؛ روز قيامت حضرت مهدي عليه السلام مي باشد ١٤٤
- سورة نحل ١٤٧
- سورة اسراء ١٥٠
- سورة مريم ١٥٨
- سورة انبياء ١٦٠
- سورة حج ١٦٤
- سورة مؤمنون ١٦٨
- سورة نور ١٧٠
- سورة شعراء ١٧٤
- سورة نمل ١٧٨
- سورة قصص ١٨١
- سورة عنكبوت ١٨٢
- سورة روم ١٨٤
- سورة لقمان ١٨٥
- سورة سجده ١٨٧
- سورة سبأ ١٨٨
- سورة يس ١٩٨
- سورة صافات ٢٠١
- سورة ص ٢٠٣
- سورة فصلت ٢٠٥

- ٢٠٦ □ سورة شوريٰ
- ٢١٠ □ سورة زخرف
- ٢١٢ □ سورة جاثيه
- ٢١٣ □ سورة فتح
- ٢١٦ □ سورة ذاريات
- ٢١٧ □ سورة قمر
- ٢١٨ □ سورة رحمن
- ٢١٩ □ سورة حديد
- ٢٢٣ □ سورة ملك
- ٢٢٥ □ سورة معارج
- ٢٢٨ □ سورة مدثر
- ٢٣٠ □ سورة تكوير
- ٢٣٢ □ سورة انشاق
- ٢٣٣ □ سورة طارق
- ٢٣٥ □ سورة غاشيه
- ٢٣٦ □ سورة فجر
- ٢٣٧ □ سورة شمس
- ٢٣٨ □ سورة ليل
- ٢٣٩ □ سورة عصر
- ٢٤٠ □ منابع و ماخذ



پیشگفتار

از: حجة الاسلام محمد محمدی اشتهاردی

قرآن‌شناسی از طرق مختلف

مراحل شناخت قرآن

درباره قرآن، قبل از هر چیز باید آن را شناخت، چنان که خود قرآن در آیات متعدد به این مطلب تصریح نموده است از جمله می‌فرماید:

«أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا؛

آیا در آیات قرآن نمی‌اندیشند و تدبّر نمی‌کنند، یا بر دل‌هایشان قفل‌ها زده شده است؟»^۱

و امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

وَ تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ، وَ تَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ وَ اسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ؛

قرآن را فراگیرید که بهترین گفته‌ها است، و در آن بیندیشید که بهار قلب‌ها است، و از نورش شفا بجویید که شفای دل‌های بیمار است.^۲

از سوی دیگر شناخت قرآن دارای مراحل است، مانند: شناخت سطحی، شناخت علمی، شناخت فلسفی و شناخت عرفانی و مراحل دیگر.

شناخت کامل قرآن، جز برای اهلش میسر نیست، بر همین اساس طبق روایات

۱. محمد (ص) ۲۴.

۲. نهج البلاغه، خطبة ۱۱۰.

متعدد از امامان علیهم‌السلام، آنان که مورد خطاب مخصوص قرآن (یعنی پیامبر و امامان معصوم) هستند قرآن را می‌شناسند، چنان که امام باقر علیه‌السلام ضمن گفتاری با قتاده (که قرآن را طبق نظریه خود بدون توجه به سخنان معصومین علیهم‌السلام تفسیر می‌کرد) فرمود:

«إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِّطَ بِهِ؛

قرآن را کسی که مورد خطاب به قرآن است می‌شناسد»^۱

منظور از این سخن (خُوِّطَ بِهِ) ظاهراً این است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان علیهم‌السلام و بعضی از خواص مصداق روشن قرآن هستند، و آیات قرآن در سیره درخشان زندگی آنها تجسم و عینیت یافته است، چنان که گویند، حضرت علی علیه‌السلام قرآن ناطق است، قطعاً چنین افرادی قرآن را کامل‌تر می‌شناسند.

به عنوان مثال، حضرت رضا علیه‌السلام یادی از زیدبن امام سجّاد علیه‌السلام انقلابی بزرگ شهید، نمود و او را تمجید کرد، سپس فرمود:

«وَكَانَ زَيْدٌ وَاللَّهِ مِمَّنْ خُوِّطَ بِهِ فِي الْآيَةِ؛ وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ»^۲

سوگند به خدا، زید از کسانی است که با این آیه مورد خطاب قرار گرفته (و مصداق روشن این آیه است) و در راه خدا به طور کامل جهاد کنید، و او شما را برگزید»^۳

تفسیر، کلید فهم قرآن

شناخت قرآن بستگی به تفسیر قرآن دارد، واژه تفسیر در اصل از واژه فسر (بر وزن عصر) به معنی پرده‌برداری و آشکار کردن و توضیح دادن مطلبی است و واضح ساختن آن است، و در یک کلمه تفسیر به معنی نیکو آشکار کردن، و پرده برداشتن از پوشیده‌ای است»^۴

بنابراین برای شناخت قرآن باید مفسران و قرآن‌شناسان محقق و صاحب‌نظران را

۱. روضة الكافی، ص ۳۱۱ و ۳۱۲.

۲. حج - ۷۸.

۳. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۴۹.

۴. اقتباس از شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، ج ۳، ۴۵۸.

شناخت، و به تفسیر آنها توجه کرد، تا مرحله‌ای از قرآن را شناخت.

باید توجه داشت که تفسیر قرآن دارای انواع مختلف است، و تفسیر کامل آن تفسیری است که همه این انواع در آن، مورد توجه قرار گیرند مانند:

۱. تفسیر مفردات؛ و واژه‌های قرآن

۲. تفسیر ترتیبی؛ که آیات قرآن به ترتیبی که اکنون در دسترس همه است، تفسیر گردد.

۳. تفسیر موضوعی؛ که با کنار هم قرار دادن آیات قرآن بر اساس موضوعات مختلف از اصول و فروع، عقیدتی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی انجام می‌شود، و پس از مقایسه و جمع‌بندی، نتیجه‌گیری می‌گردد.

۴. تفسیر ارتباطی؛ که موضوعات مختلف قرآن (مثلاً ایمان و تقوا و عمل صالح) در رابطه با همدیگر مورد توجه قرار می‌گیرند، که با مقایسه دقیق این موضوعات در آیات قرآن و پیوند آنها نسبت به همدیگر، مطالب جالب و تازه‌ای کشف می‌گردد.

۵. تفسیر کلی یا جهان‌بینی؛ مثلاً مفسر تمام محتوای قرآن را در رابطه با جهان هستی در نظر می‌گیرد، و کتاب تکوین را با کتاب تدوین پیوند می‌دهد^۱ این نوع تفسیر همان است که گاهی می‌گوییم؛ روح قرآن با چنان مسأله و برخورداردی سازگار نیست، یا روح قرآن طرفدار حمایت از مستضعفین، و رفع شکاف عمیق طبقاتی است.

آیات محکم و متشابه در قرآن

در قرآن دوگونه آیات وجود دارد، آیات محکمت و آیات متشابهات، چنان که در قرآن می‌خوانیم:

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ، وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ...

او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد، که قسمتی از آن آیات محکم (صریح و روشن) که اساس قرآن می‌باشند (و هر گونه پیچیدگی در آیات دیگر

۱. اقتباس از تفسیر موضوعی پیام قرآن، ج ۱، ص ۱۹.

با مراجعه به آنها برطرف می‌گردد) و قسمتی از آن متشابه [یعنی آیاتی که به خاطر بالا بودن سطح مطلب، وجهات دیگر، در نگاه اول دارای احتمالات مختلف است، ولی با توجه به آیات محکم، تفسیرشان آشکار می‌گردد] است.^۱

نتیجه این که بخشی از آیات قرآن، آیات محکمت (روشن) هستند، مانند «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ؛ هیچ چیزی همانند خدا نیست»^۲ و بخشی آیات، متشابه (غیر روشن) هستند، مانند «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ؛ دست خدا بالای دست آنها است»^۳

با مقایسه این دو آیه روشن می‌شود که منظور از دست، دست معمولی نیست، بلکه کنایه از قدرت الهی است، زیرا خدا نظیر ندارد.^۴

متأسفانه چنان که قرآن (در آیه ۷ سوره آل عمران) می‌فرماید: آنان که قلب منحرف و بیمار دارند، با تمسک به آیات متشابه (بدون توجه به آیات محکم) فتنه‌انگیزی می‌کنند، و با تفسیر به رأی، در پی انحراف افکار مردم هستند.

در روایت آمده: شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: «فرق بین قرآن و فرقان (نام دیگر قرآن) چیست؟» آن حضرت در پاسخ فرمود: «منظور از قرآن همه کتاب قرآن است، ولی منظور از فرقان آیات محکمت (روشن) قرآن است که عملی به آن واجب می‌باشد»^۵

بطن‌ها و تأیلهای قرآن

مطلب دیگر این که گرچه ظاهر قرآن، و آنچه که از ظواهر آیات استفاده می‌شود، حجت است، ولی قرآن یک کتاب عمیق و ژرفی است که غیر از ظواهر آن، معانی عمیق دیگری نیز دارد، در این راستا امام علی علیه السلام می‌فرماید:

وَإِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ، وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ، لَا تَفْنَى عَجَائِبُهُ وَ لَا تَنْقُضِي غَرَائِبُهُ وَلَا تُكْشَفُ

۱. آل عمران - ۷.

۲. شوری - ۱۱.

۳. فتح - ۱۰.

۴. فلسفه وجودی آیات متشابه در قرآن را در تفسیر نمونه ج ۲ ص ۴۳۵ تا ۴۳۷ مطالعه کنید.

۵. نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۱۰.

الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ؛

قرآن دارای ظاهری زیبا و شگفت‌انگیز، و باطنی پرمایه و عمیق است، نکات شگفت‌انگیز آن فانی نگردد. و اسرار نهفته آن پایان نپذیرد، تاریکی‌های نادانی جز به آن برطرف نخواهد شد.^۱

امام باقر علیه السلام در ضمن گفتاری به جابر فرمود:

«إِنَّ لِلْقُرْآنِ بَطْنًا وَ لِلْبَطْنِ بَطْنٌ؛ قرآن دارای بطن (معنی ناپیدا) است، و بطن آن نیز دارای بطن می‌باشد.»^۲

و نیز فرمود:

«مَا فِي الْقُرْآنِ آيَةٌ إِلَّا وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ؛

در قرآن هیچ آیه‌ای نیست، مگر این که دارای معنی ظاهری و باطنی است.»^۳ و حضرت علی علیه السلام در ضمن گفتاری، امامان علیهم السلام را حاملان بطون قرآن^۴ یعنی آگاهان به اسرار باطنی قرآن خواند. نتیجه این که: قرآن دارای معانی مختلف است، که بعضی از ظاهر آیات آن استفاده می‌شود و بعضی از معانی باطنی قرآن است.

باید توجه داشت که بخشی از معانی باطنی قرآن همان تأویل قرآن است، که دانستن تأویل قرآن اختصاص به راسخون در علم که همان پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام باشند دارد، چنان که در قرآن می‌خوانیم:

«وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ؛

تأویل و معانی باطنی قرآن را جز خدا و راسخان در علم و دانش الهی، نمی‌دانند.»^۵

۱. نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۸.

۲. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۹۱ و ۹۵.

۳. همان، ص ۹۴.

۴. همان، ج ۳۶، ص ۳۵۶.

۵. آل عمران - ۷.

در روایات متعددی نقل شده که منظور از راسخون در علم، پیامبر ﷺ و امامان معصومین ﷺ هستند و از امام باقر ﷺ و امام صادق ﷺ نقل شده که فرمودند:

«نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ، وَ نَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ؛

راسخون در علم ما هستیم و ما تأویل قرآن را می دانیم.»^۱

باید توجه داشت که بطون قرآن، همان تأویل قرآن می باشد، به عبارت روشن تر تنزیل قرآن همان ظاهر قرآن است که نازل شده و تأویل آن، همان باطن قرآن است که راسخان در علم به آن آگاهی دارند چنان که فضیل بن یسار می گوید: از امام باقر ﷺ پرسیدم: منظور از این روایت چیست که «هیچ آیه ای در قرآن نیست، مگر این که دارای معنی ظاهری و معنی باطنی می باشند؟»

امام باقر ﷺ در پاسخ فرمود:

ظَهْرُهُ تَنْزِيلُهُ، وَ بَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ، مِنْهُ مَا قَدْ مَضَىٰ وَ مِنْهُ مَا لَمْ يَكُنْ، يَجْرِي كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ...؛

ظاهر قرآن همان تنزیل قرآن است، باطن قرآن همان تأویل قرآن است، زمان بخشی از تأویل قرآن گذشته، و زمان بخشی^۲ هنوز محقق نشده، مسأله تأویل قرآن مانند جریان سیر خورشید و ماه، به سیر خود ادامه می دهد و متوقف نمی ماند.» و در پایان فرمود: «تأویل قرآن را جز خدا و راسخون در علم نمی دانند، و ما آن را می دانیم.»^۳

برای تکمیل این بحث، نظر شما را به حدیثی از امام باقر و امام صادق ﷺ که در اصول کافی آمده است جلب می کنیم:

این دو بزرگوار در تفسیر «وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» [آل عمران / ۷] فرمودند:

«پیامبر خدا ﷺ بزرگ ترین راسخان در علم بود، خداوند متعال همه آنچه را که از

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۳؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۱ ص ۳۱۶.

۲. مانند آیاتی که به وجود اقدس امام عصر (عج) تأویل شده اند.

۳. بصائر الدرجات، ص ۱۹۶؛ بحار، ج ۹۲، ص ۹۷ و ۹۸.

تنزیل و تأویل قرآن بر او نازل کرده به او فهمانید، خداوند هرگز چیزی به او نازل نکرد که تأویل (معنی باطنی) آن را به او نیاموزد، و اوصیای او بعد از او (امامان معصوم علیهم السلام) همه این‌ها را می‌دانند...»^۱

بعضی از محققین مدعی هستند که معنی «راسخون در علم» مفهوم وسیعی دارد، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام مصداق اکمل و روشن آن هستند، بنابراین افرادی مانند ابن عباس نیز جزء راسخون است، چنان که از ابن عباس نقل شده که من از راسخون هستم. ولی این نظریه با روایات متعدد سازگار نیست، و اگر فرضاً ابن عباس چنین ادعا کرده باشد، از این رو است که او به امامان علیهم السلام نزدیک بود، و بخشی از علم تأویل را از آنها آموخته بود.

بخشی پیرامون تنزیل و تفسیر به رأی

چنان که گفتیم تنزیل همان ظاهر آیات است که به همین صورت از سوی خداوند نازل شده، و آنچه که از ظاهر آیات قرآن استفاده می‌شود. مثلاً: نماز را بپا دارید، امر به معروف و نهی از منکر کنید ولی تأویل در اصل از اول به معنی بازگشت به چیزی است، همچنین پرده برداشتن از روی اسرار چیزی یک نوع تأویل است، و اگر تعبیر خواب را تأویل می‌گویند نیز به همین جهت است، بنابراین هر کار و سخنی را که به هدف نهایی برسانیم تأویل نامیده می‌شود، نتیجه این که: تأویل معنی عمیق و باطنی قرآن است، و از ظاهر قرآن استفاده نمی‌شود، مانند سه کار از کارهای عجیب خضر علیه السلام که در قرآن (در آیه ۶۵ تا ۸۲ سوره کهف) آمده است که ظاهری زننده داشت (مانند سوراخ کردن کشتی، و خراب کردن دیواری که مال یتیمان بود، و درست کردن آن، و کشتن نوجوان) ولی باطنی نیک داشت، و خضر پس از بیان باطن این امور، به موسی علیه السلام گفت:

«ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا؛

این بود راز و پشت پرده کارهایی که نتوانستی در برابر آنها شکیبایی کنی»^۲

۱. اصول کافی، ج ۱ ص ۲۱۳.

۲. کهف - ۸۲.

بنابراین تأویل، راز پنهانی و معنی نهانی است که راسخان در علم به آن آگاهی دارند. امام باقر علیه السلام در فرق بین تنزیل و تأویل در قرآن فرمود: «ظَهْرُهُ تَنْزِيلُهُ، وَ بَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ؛ ظاهر معنی قرآن، همان تنزیل قرآن است، باطن معنی قرآن، همان تأویل قرآن می باشد.»^۱ در حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل شده فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله آنچه را که قرآن بر او نازل شد، از تنزیل و تأویل قرآن را به من آموخت (فَيَعَلَّمَنِي تَأْوِيلَهُ وَ تَنْزِيلَهُ)»^۲

و در حدیث دیگر آمده پیامبر صلی الله علیه و آله در ضمن گفتاری فرمود: «بر شما باد که در فهم قرآن به علی علیه السلام مراجعه کنید، زیرا او مانند من به قرآن آگاهی دارد، به ظاهر و باطن، به محکم و متشابه قرآن مطلع است، علی علیه السلام (در عصر خلافت خود) بر اساس تأویل قرآن، با دشمنان می جنگد، چنان که من بر اساس تنزیل قرآن با دشمنان می جنگم.»^۳

تفسیر به رأی و نکوهش شدید آن

روش صحیح تفسیر قرآن آن است که بر اساس فهم لغات قرآن از لغت شناسان ماهر و بر اساس روایات و گفتار معصومین، و علمای بزرگ با اسلوب شناخته شده باشد، و در مقابل این تفسیر، باطل است که از آن به تفسیر به رأی تعبیر می شود.

تفسیر به رأی یعنی انسان پیش داوری های خود را اساس قرار دهد، و آیات متشابه قرآن را بر اساس آن تفسیر کند، و در حقیقت شاگرد قرآن نباشد بلکه معلم قرآن باشد، و نظریات خود را بر قرآن تحمیل کند، که این گونه تفسیر تحمیل است نه تفسیر، و یک نوع تحریف معنوی قرآن می باشد.

قرآن به این مطلب تصریح نموده آنجا که می فرماید:

فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَ ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ؛

اما آنها که در دل هایشان انحراف است به دنبال آیات متشابه هستند، تا فتنه انگیزی

۱. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۹۷.

۲. همان.

۳. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۱۶.

کنند (و مردم را گمراه سازند) و تفسیر (نادرستی) برای آن می‌طلبند.^۱

نگارنده گوید: از این آیه و روایات چنین برداشت کرده‌ام که تأویل قرآن اگر از طریق راسخون در علم (پیامبر و امامان معصوم) باشد، یک نوع تفسیر است و مورد قبول می‌باشد، ولی اگر از ناحیه دیگران باشد، لغزشگاه خطرناکی است که نوعاً به تفسیر به رأی منتهی می‌شود، و چنین تفسیری مردود است.

در نكوهش تفسیر به رأی روایات بسیاری نقل شده از جمله: رسول اکرم ﷺ فرمود خداوند متعال می‌فرماید:

«مَا آمَنَ بِي مَنْ فَسَّرَ بِرَأْيِهِ كَلَامِي؛

کسی که کلام مرا طبق رأی خود تفسیر کند، ایمان به من ندارد.»^۲

و نیز در ضمن گفتار مشروحی فرمود:

«وَمَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَقَدْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ؛

و کسی که قرآن را به رأی خود تفسیر کند، دروغی را به خداوند متعال نسبت داده و به خدا تهمت زده است.»^۳

حضرت رضا علیه السلام در ضمن گفتار مشروحی به علی بن جهم فرمود:

إِتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُنْسِبْ إِلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ الْفَوَاحِشَ، وَتَتَأَوَّلَ كِتَابَ اللَّهِ بِرَأْيِكَ؛

از خدا پروا کن، نسبت‌های ناروا به اولیاء خدا نده (که مبادا) کتاب خدا (قرآن) را طبق رأی خودت معنی کنی...»^۴

از این عبارت استفاده می‌شود که تفسیر به رأی یک نوع تأویل است، و تأویل بر دو گونه است ۱- تأویل صحیح (چنانکه گفتیم طبق قرآن، ویژه راسخان در علم است)

۱. آل عمران - ۷.

۲. تفسیر نورالثقلین، ج ۱ ص ۳۱۳ و ۳۱۴.

۳. همان، ص ۳۱۳.

۴. همان، ص ۳۱۸.

۲- تأویل باطل که همان تفسیر به رأی می‌باشد.^۱

توضیحی دیگر پیرامون تفسیر به رأی، و تأویل صحیح

آیات زیادی در قرآن وجود دارد، که در روایات اسلامی، تفسیرهای گوناگونی برای آنها ذکر شده است، که بعضی هماهنگ با ظاهر آیات است، و بعضی معانی باطنی آیات را بیان می‌نماید به عنوان مثال؛ معنی ظاهری آیه «عَنِ النَّبَأِ الْعَظِيمِ» (آیه ۲ سوره نبأ) مسأله معاد است، ولی در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است «نبأ عظیم، مسأله ولایت است»^۲ این همان تأویل است. جمع بین این ظاهر و باطن از دو راه ممکن است:

۱. «نبأ» (خبر) مفهوم وسیعی دارد که این واژه شامل همه آنها می‌شود، ولی هنگام نزول آیه، بیش از همه، مسأله معاد مورد نظر بوده است، ولی این موضوع مانع از آن نیست که آیه مصداق‌های دیگری نیز داشته باشد.

۲. چنانکه ممکن است یک آیه معانی متعددی داشته باشد، که از میان آنها یک معنی ظاهر است، و معانی دیگر بطون قرآن است، که به کمک قرآن یا گفتار معصومین علیهم السلام از آن استفاده می‌شود و به تعبیر دیگر دلالت التزامی به آن معنی باطنی دارد، که برای همه کس، جز خاصان روشن نیست و در این راستا تأکید می‌کنیم که فهم باطن قرآن بدون قرائن، یا سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصومین علیهم السلام جایز نیست، و وجود بطون برای قرآن نباید دستاویزی برای هوسبازان شود و آنها بخواهند آیات قرآن را به رأی و میل خود، هرگونه تفسیر نمایند.^۳

برای روشن شدن مطلب نظر شما را به دو فراز زیر که یکی نمونه‌ای از تفسیر به رأی، و دیگری نمونه‌ای از تأویل صحیح قرآن است جلب می‌کنیم:

۱. شیخ صدوق در کتاب معانی الاخبار از امام محمد باقر علیه السلام نقل می‌کند: چند نفر از یهود به اتفاق «حیی بن أخطب» و برادرش به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و حروف مقطعه

۱. بحار الانوار، ج ۹۲، از صفحه ۱۰۷ تا ۱۱۱، بیست حدیث در نکوهش تفسیر به رأی نقل شده است.

۲. تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۱۹.

۳. اقتباس از تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۱۱ و ۱۲.

قرآن «الم» را دست‌آویز خود قرار داده و گفتند: طبق حساب ابجد، الف مساوی با یک، و لام مساوی با ۳۰ و میم مساوی با ۴۰ می‌باشد پس نتیجه گرفتند که دوران بقای امت پیامبر اسلام بیش از ۷۱ سال نیست.

پیامبر ﷺ برای شکستن سوءاستفاده و تفسیر به رأی آنها، به آنها فرمود: چرا تنها «الم» را محاسبه کرده‌اید؟ چرا «المص» و «الر»، و سایر حروف مقطعه را محاسبه نمی‌کنید؟ بلکه منظور از این حروف چیز دیگری است، در این هنگام در رد یهود، آیه ۷ سوره آل عمران نازل شد^۱

این یک نمونه از تفسیر به رأی و تأویل باطلی است که جمعی از یهود عنود به آن دست زدند.

۲. نمونه‌ای از تأویل صحیح که امام صادق علیه السلام آیات ۱۹ تا ۲۲ الرحمن را تلاوت فرمود:

«مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ - بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ؛... يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ؛

خداوند دو دریای مختلف (شور و شیرین و گرم و سرد) را در کنار هم قرار داد، در حالی که با هم تماس دارند - در میان آن دو برزخی است که یکی به دیگری غلبه نکند - ... - از آن دو لؤلؤ و مرجان خارج می‌شود.»^۲

آنگاه فرمود: منظور از دو دریای عمیق که هیچ یک بر دیگری تجاوز نمی‌کند، علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام است، و از این دو دریا لؤلؤ و مرجان یعنی حسن و حسین علیهما السلام خارج شده‌اند.

این مطلب هم در کتب شیعه و هم در کتب اهل تسنن نقل شده است^۳

این نمونه‌ای از تأویل قرآن است که چون از امام معصوم علیه السلام نقل شده مورد قبول است و منافاتی با معنی ظاهری قرآن ندارد، زیرا واژه‌های قرآن مفهوم گسترده و مصادیق

۱. تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۱۳.

۲. الرحمن - ۱۹ و ۲۰ و ۲۲.

۳. تفسیر قمی، ج ۲ ص ۳۴۲؛ تفسیر الدر المنثور، ج ۶، ص ۱۴۲.

مختلفی دارند، یکی از ظاهر استفاده می‌شود، و دیگری از معانی باطنی است.

کتاب حاضر

در قرآن آیات متعددی وجود دارد که از طرف معصومین علیهم‌السلام به امام مهدی (عج) تأویل شده‌اند، مانند آیات: ۹ صف، ۵ قصص، ۱۰۵ انبیاء، ۵۵ سوره نور و... کتاب‌هایی که پیرامون حضرت مهدی (عج) به فارسی نوشته شده، معمولاً به ذکر همین آیات یا اندکی بیشتر اکتفا کرده‌اند، ولی نویسنده این کتاب دانشمند محترم جناب آقای سید جواد رضوی، پس از تحقیقات و بررسی‌ها، ۱۴۲ آیه را ذکر کرده^۱ که به وجود مقدس حضرت مهدی (عج) و امور مربوط به آن حضرت، تأویل شده است، و همه این موارد مطابق مدارکی که ذکر نموده از امامان معصوم علیهم‌السلام نقل شده است و به جای خود یک کتاب ابتکاری و جالب به نظر می‌رسد، و بیانگر تبعات وسیع نگارنده است، کتابی است ارزشمند به ویژه از این رو که قرآن در عمق معانی خود، به مسأله مهدویت، توجه بسیار و عمیق داشته است ما نیز به پیروی از قرآن باید توجه همه جانبه به مسأله حضرت مهدی (عج) و قیام آن حضرت داشته باشیم، موفقیت نویسنده محترم را از درگاه الهی خواهانیم، امید آنکه خوانندگان، از این کتاب بهره فراوان ببرند.

حوزه علمیه قم: محمد محمدی اشتهاردی

تابستان ۱۳۸۲ ش

۱. قطعاً آیات دیگری نیز در این راستا وجود دارد.

سورة بقره

● آیه اول

«الْم * ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ
وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»؛

□ «الف، لام، میم، این است کتابی که در آسمانی بودن آن هیچ تردیدی نیست و راهنمای پروا پیشگان است و آنها (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب ایمان می آورند و نماز را برپا می دارند و از تمام نعمت‌ها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم انفاق می کنند.»

۱. عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ الرَّقِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» قَالَ: مَنْ أَقَرَّ بِقِيَامِ الْقَائِمِ أَنَّهُ حَقٌّ ۲.

داود بن کثیر رقی از امام صادق عليه السلام روایت می کند که در تفسیر این قول خدای تبارک و تعالی: «الذین یؤمنون بالغیب» فرمود: یعنی کسی که ایمان به قیام قائم عليه السلام داشته باشد و آن را حق بداند.

۲. عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ قَالَ «سَأَلْتُ الصَّادِقَ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «الْم ذَلِكَ

۱. سورة بقره، آیه ۱ - ۳.

۲. کمال الدین و تمام النعمة ج ۲ باب ۳۳ ص ۱۴ ح ۱۹.

الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين الذين يؤمنون بالغيب» فقال: «الْمُتَّقُونَ» شيعة عليّ ﷺ و«الغَيْبُ» فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ»^۱.

یحیی بن ابوالقاسم گوید: از امام صادق ﷺ از تفسیر این آیه سؤال کردم: «الم ذلك الكتاب... بالغيب» حضرت فرمود: مقصود از «متقين» شیعیان علی ﷺ هستند و مقصود از «ایمان به غیب» ایمان به حضرت بقیة الله ﷺ است که غایب خواهد بود.

۳. روى الحافظ سليمان القندوزى الحنفى فى ينابيع المودة باسناده عن جابر بن عبد الله الانصارى قال: دخل جندل بن جنادة بن جبیر اليهودى على رسول الله ﷺ و سألته عن اشياء و اسلامه على يد النبى ﷺ فى حديث طويل الى أن قال: سئل النبى ﷺ عن أوصيائه، فعدهم النبى (ص) له، الى أن قال ﷺ: «... فبعده ابنه محمد، يُدعى بالمهدى والقائم والحجة، فيغيب ثم يخرج فاذا خرج يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً. طوبى للصابرين فى غيبته، طوبى للمقيمين على محبته اولئك الذين وصفهم الله فى كتابه و قال: «هدى للمتقين الذين يؤمنون بالغيب» الى آخر الحديث^۲.

قندوزى حنفى در ينابيع المودة از جابر بن عبدالله انصارى روايت کرده، گوید: جندل بن جنادة بن جبیر اليهودى خدمت رسول اکرم ﷺ مشرف شد (در حدیثى طولانى از مسائلى سؤال کرد از جمله: عرضه داشت: يا رسول الله! به من بفرما اوصيائى بعد از خودت را تا به آنها گرايش پيدا کنم و به دامان آنها چنگ زنم. حضرت فرمود: اوصيائى من دوازده نفر مى باشند: اول ايشان، سيد اوصياء پدر امامان پاكيگان است و... بعد از او فرزندش محمد که خوانده مى شود به مهدى قائم و حجّت، غایب خواهد شد تا زمانى که بيرون آيد و زمين را از عدل و داد پر کند آن طور که از ظلم و ستم پر شده باشد و خوشا به احوال صبرکنندگان در غيبت، خوشا به حال كسى که ايشان را دوست مى دارد آنها اشخاصى هستند که خدا در کتاب خود در وصف آنها فرموده: هدى للمتقين الذين... تا آخر حديث.

۱. همان ج ۲۰.

۲. ينابيع المودة ج ۲ باب ۷۶ ص ۳۸۸.

□ علت و حکمت غیبت امام عصر علیه السلام در روایات

با تحقیق در روایات و بررسی احادیث چنین مستفاد می‌شود که برای غیبت، علل و حکم مختلفی بیان شده است که بعضی از آنها عبارتند از:

○ الف. خروج مؤمنین از اصلاب کفار

۴. عن محمد بن ابی عمیر عمّن ذکره، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قلت له: ما بال امیر المؤمنین علیه السلام لم یقاتل مخالفیه فی الاوّل؟ قال: لآیه فی کتاب الله عزّوجلّ: «لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً» قال: قلت: و ما یعنی بتزالیهم؟ قال: ودائع مؤمنون فی اصلاب قوم کافرین و كذلك القائم علیه السلام لن یظهر أبداً حتّی تخرج ودايع الله عزّوجلّ فاذا خرجت ظهر علی من ظهر من أعداء الله عزّوجلّ فقتلهم^۱.

محمد بن ابی عمیر، از یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام نقل کرده که از حضرت سؤال کردم: چرا امیر المؤمنین علیه السلام با مخالفین خود، در همان ابتدای غصب خلافت جنگ نکرد؟

امام صادق علیه السلام فرمود: علت آن آیه‌ای است که در قرآن آمده و خداوند در آن آیه می‌فرماید: «اگر کافران از مؤمنان جدا شوند ما اهل کفر را عذاب دردناکی خواهیم نمود.» گفتم معنای تزایل (جدا شدن) کفار و مؤمنین چیست؟ حضرت فرمودند: منظور، امانت‌های مؤمنین در اصلاب (پشت پدرهای) کافرین بوده.

سپس فرمود: «و چنین است قائم آل محمد علیه السلام که او نیز ظاهر نگردد تا مؤمنان از اصلاب کفار جدا شوند و چون چنین شود او قیام خواهد نمود و دشمنان خدا را خواهد کشت.»

○ ب. عدم بیعت کسی بر گردن آن حضرت

۵. عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «صاحبُ هذا الأمرِ تُعمى و لا أدتُهُ علیّ اهداا

۱. سوره فتح، آیه ۲۵.

۲. کمال الدین ج ۲ ص ۶۴۱ و غل الشرايع ج ۱ ص ۴۹۰ باب ۱۲۲ ح ۲.

الْخَلْقِ لَيْلًا يَكُونُ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ^۱»

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود: «صاحب این امر (امام زمان علیه السلام) ولادتش بر مردم مخفی است تا چون ظهور کند بیعت هیچ کس بر گردش نباشد.

۶. عن هشام بن سالم، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «يَقُومُ الْقَائِمُ عليه السلام وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ^۲»

هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود: «وقتی حضرت قائم علیه السلام قیام کند، بیعت هیچ کس بر گردش نخواهد بود.»

۷. عن حسن بن علي بن فضال عن أبيه، عن أبي الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام أنه قال: «كَأَنِّي بِالشَّيْعَةِ عِنْدَ فَقْدِهِمُ الثَّلَاثَ مِنْ وُلْدِي كَأَلْتَمِعِ يَطْلُبُونَ الْمَرْعَى فَلَا يَجِدُونَهُ، قُلْتُ لَهُ: وَ لِمَ ذَاكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: لِأَنَّ إِمَامَهُمْ يَغِيبُ عَنْهُمْ، فَقُلْتُ: وَ لِمَ؟ قَالَ: لِئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ^۳»

حسن بن فضال می گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: «گویی شیعیانم را می بینم که هنگام مرگ سومین فرزندم (امام حسن عسکری علیه السلام) در جستجوی امام خود، همه جا را می گردند اما او را نمی یابند.»

[راوی می گوید] عرض کردم: چرا غایب می شود؟ حضرت فرمود: «برای اینکه وقتی با شمشیر قیام می کند، بیعت کسی در گردش وی نباشد.»

۸. عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «صاحب هذا الأمر تغيب ولادته عن هذا الخلق كيلاً يكون لأحد في عنقه بيعته إذا خرج و يصلح الله عز وجل أمره في ليلة [واحدة]^۴»

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: «صاحب این امر (حضرت مهدی ارواحنا فداه) ولادتش بر این مردم مخفی و پوشیده است تا چون ظهور کند بیعت هیچ

۱. کمال الدین ج ۲ باب ۴۳ ص ۲۳۱ ح ۱.

۲. همان، ح ۳.

۳. همان، ح ۴.

۴. همان، ح ۵.

کس بر گردنش نباشد و خدای تعالی امر او را در یک شب اصلاح می فرماید.»

○ ج. آزمایش مردم

۹. عن موسى بن جعفر عليه السلام قال: إذا فُقِدَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ فَأَلَّهِ اللهُ فِي أَدْيَانِكُمْ لَا يُزِيلُكُمْ عَنْهَا أَحَدٌ، يَا بَنِيَّ إِنَّهُ لَا بَدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ، إِنَّمَا هِيَ مِخْنَةٌ مِنَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ امْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ...^۱

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: هنگامی که پنجمین فرزندم غایب شد، مواظب دین خود باشید مبادا کسی شما را از دین خارج کند او ناگزیر غیبتی خواهد داشت به طوری که گروهی از مؤمنان از عقیده خویش برمی گردند خداوند به وسیله غیبت بندگان خویش را آزمایش می کند... .

۱۰. عن أبي عبد الله جعفر بن محمد عن آبائه عليهم السلام قال: «زاد الفرات على عهد أمير المؤمنين عليه السلام فركب هو و ابناه الحسن والحسين عليهما السلام فمرّ بثقيف، فقالوا قد جاء على يرد الماء، فقال علي عليه السلام أما والله لأقتلن أنا و ابناي هذان و لبيعثن الله رجلاً من ولدي في آخر الزمان يطالب بدمائنا و ليغيبن عنهم تمييزاً لأهل الضلالة حتى يقول الجاهل بالله في آل محمد من حاجة^۲».

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «... آگاه باشید! به خدا قسم من و دو پسر من (امام حسن و امام حسین علیهما السلام) کشته خواهیم شد و خدا در آخر الزمان مردی از فرزندانم را برمی انگیزد که انتقام خون ما را بگیرد. او از دیده مردم غائب می شود به خاطر آنکه گمراهان شناخته شوند و طوری می شود که افراد نادان می گویند خدا با آل محمد صلوات الله علیهم کاری نداشته است و زیاد برایش مهم نبوده اند که هیچ اثری از آنها نیست.»

○ د. اجرای سنت های انبیاء علیهم السلام درباره حضرت مهدی (عج)

۱۱. عن عبد الله بن الفضل الهاشمي قال: سمعت الصادق جعفر بن محمد عليه السلام يقول: «انَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً لَا بَدَّ مِنْهَا يَرْتَابُ فِيهَا كُلَّ مَبْطَلٍ» فقلت له: و لم جعلت

۱. اصول کافی ج ۱ ص ۳۳۷ ح ۲ باب فی الغیبه.

۲. مکیال المکارم ج ۱ ص ۱۳۱ ح ۳۰۵.

فداك؟ قال ﷺ: «لأمر لم يؤذن لنا في كشفه لكم» قلت: فما وجه الحكمة في غيبته؟ قال ﷺ: «وجه الحكمة في غيبته وجه الحكمة في غيبات من تقدّمه من حجج الله تعالى ذكره؛ إنّ وجه الحكمة في ذلك لا ينكشف إلا بعد ظهوره كما لا ينكشف وجه الحكمة لما أتاه الخضر ﷺ من خرق السفينة و قتل الغلام و إقامة الجدار، لموسى ﷺ إلا وقت افتراقهما يا ابن الفضل إنّ هذا الامر أمر من أمر الله و سرّ من سرّ الله و غيب من غيب الله و متى علمنا أنّه عزّوجلّ حكيم، صدّقنا بأنّ أفعاله كلّها حكمة و إنّ كان وجهها غير منكشف لنا.»

عبدالله بن فضل هاشمی می گوید: از امام صادق ﷺ شنیدم که می فرمود: «به درستی که برای صاحب این امر (حضرت ولی عصر روحی فداه) غیبتی هست که از آن گریزی نیست و هر کس که ایمان واقعی نداشته باشد در آن غیبت به شک و دودلی می افتد.» عرض کردم: فدایت شوم غیبت برای چه؟ فرمودند: «به خاطر چیزی که اجازه نداریم آن را به شما بگوییم*» عرض کردم: پس حال که علت غیبت معلوم نیست پس بفرمایید چطور چیزی را که ما نمی دانیم بگوییم خدا روی حکمت انجام داده است و غیبت چه اثری دارد؟ فرمودند: «همان حکمتی که در غیبت بعضی از حجج الهی بود اینجا هم هست و کشف هم نمی شود مگر بعد از ظهور حضرتش، همان طوری که حکمت کارهای حضرت خضر ﷺ برای حضرت موسی ﷺ کشف نشده مگر وقت جدا شدن این دو از یکدیگر.» ای فرزند فضل! به درستی که این امر (غیبت) امری است از کارهای مهم خدا و سری است از اسرار الهی و مطلب غیب و پوشیده‌ای است از مسائل غیبی پروردگار و وقتی که ما بدانیم خدای تعالی حکیم است پس تصدیق می کنیم که کارهای همگی روی حکمت و صحیح هستند اگر چه علت آن برای ما معلوم نباشد.»

۱۲. عن حنّان بن سدير، عن أبيه، عن أبي عبدالله ﷺ قال: إنّ للقاء ﷺ منّا غيبة يطول أمدها، فقلت له: و لم ذاك يا بن رسول الله؟ قال: إنّ الله عزّوجلّ أبى إلا أن يجرى فيه سنن الأنبياء ﷺ في غيباتهم و أنّه لا بدّ له يا سدير من استيفاء مدد غيباتهم، قال الله عزّوجلّ

۱. «علل الشرايع» ج ۱ ص ۲۸۷ باب ۱۷۹ ح ۸؛ کمال الدین ج ۲ ص ۲۳۴ ح ۱۱.

*. در بعضی از روایات از سؤال نسبت به این مسأله - یعنی مسأله غیبت - نهی شده و به آیه شریفه «لا تسألوا عن اشیاء ان تبدلکم تسؤکم» استناد گردیده است [مانده / ۱۰۲].

«لترکبنّ طبقاً عن طبق^۱» ای سنناً علی سنن من کان قبلکم^۲.

سَدیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: «برای قائم ما غیبتی خواهد بود که مدّت آن بسیار طولانی می‌باشد» [سَدیر می‌گوید: عرض کردم: برای چه ای فرزند رسول خدا؟ حضرت فرمودند: «برای اینکه خداوند می‌خواهد سنّت‌های انبیای گذشته در او پیاده شود و مدّت غیبت آنها در غیبت امام زمان (عج) به سر آید.» و سپس به آیه شریفه «لترکبنّ طبقاً عن طبق» استناد فرمود، یعنی سنّت‌های امت‌های گذشته در شما جاری خواهد شد.

○ هـ. ترس از کشته شدن

۱۳. عن زُرارة قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: يا زُرارة لا بدّ للقاءِ من غيبتِ، قلتُ: و لِمَ؟ قال: يخافُ على نفسه - و أوماً بيده إلى بطنه -^۳ و في روايةٍ أخرى: «يخافُ على نفسه الذَّبْحَ»^۴.

زراره گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ای زراره به درستی که برای قائم، غیبتی است، [راوی گوید: پرسیدم: برای چه؟ حضرت فرمود: بر جان خویش می‌ترسد - و با دست به شکمش اشاره کرد.

و در روایت دیگری حضرت می‌فرماید: می‌ترسد که او را ذبح کنند.

○ و. نافرمانی مردم

یکی دیگر از دلایل غیبت و محروم بودن ما از فیوضات و برکات وجود مقدّس حضرت بقیّة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف، نافرمانی مردم و گناهان و لغزش‌های اجتماع شیعیان است و این مطلب در توقیع شریفی که حضرت بقیّة الله (ارواحنا فداه) به شیخ مفید داشته‌اند، تأیید شده، و آن توقیع ذیلاً از نظر خواننده گرامی می‌گذرد.

۱۴. «و لو أنّ أشیاعنا و فقههم الله لبطاعتیه علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم لما تأخّر عنهم الیمن بلقائنا و لتعجّلت لهم السعادة بمشاهدتنا علی حقّ المعرفة و

۱. سورة انشقاق، آیه ۱۹.

۲. بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۱۴۲ ح ۲.

۳. کمال الدین ج ۲ باب ۴۴ ص ۲۳۳ ح ۷.

۴. همان ح ۱۰.

صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَخْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ وَاللَّهُ
الْمُسْتَعَانُ وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ...»^۱

«اگر شیعیان ما - که خداوند آنها را به طاعت و بندگی خویش موفق بدارد - در وفای به عهد و پیمان الهی اتفاق و اتحاد می داشتند و عهد و پیمان الهی را محترم می شمردند، سعادت دیدار ما به تأخیر نمی افتاد و زودتر از این به سعادت دیدار ما نائل می شدند در صورتی که بر اساس معرفت واقعی و راست گویی و صداقت آنها نسبت به ما بود (یعنی اگر در دوستی با ما صادق بودند). آنچه که موجب جدایی ما و دوستانمان گردیده و آنان را از دیدار ما محروم نموده است، گناهان و خطاهای آنان نسبت به احکام الهی است و خداوند تنها یاری کننده و کفایت کننده تمام کارها و امور ما و بهترین وکیل برای ماست...»

از مجموع این روایات، فقط بعضی از علل غیبت حضرت صاحب الزمان - عجل الله تعالی فرجه - را می توان فهمید و البته دسترسی به تمام علل ممکن نیست؛ زیرا چنان که در روایت یازدهم ملاحظه می شود حکمت غیبت تا زمان ظهور حضرت بر مردم روشن نخواهد شد. بنابراین، شاید بتوان گفت که تمام آنچه در روایات آمده است جزئی از علل غیبت آن حضرت است نه تمام علل.

● آیه دوم

﴿فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾^۲؛

□ «پس آدم کلماتی از پروردگارش دریافت داشت و خداوند توبه او را پذیرفت؛ چرا که او توبه پذیر و مهربان است.»

۱. احتجاج طبرسی ج ۲ ص ۴۹۸ (طبع بیروت).

۲. سوره بقره، آیه ۳۷.

۱۵. عن المفضل بن عمر، عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام قال: سألتُهُ عن قولِ الله عزَّوجلَّ: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ^۱؛ ما هذه الكلمات؟ قال: هي الكلمات التي تلقاها آدم من ربه فتاب الله عليه وهو أنه قال: «أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ إِلَّا تُبِتَ عَلَيَّ» فتاب الله عليه إنه هو التَّوَابُ الرَّحِيمُ. فقلتُ له: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا يَعْنِي عَزَّوَجَلَّ بِقَوْلِهِ: «فَاتَمَّهَنَّ»؟ قال: يَعْنِي فَاتَمَّهَنَّ إِلَى الْقَائِمِ اثْنَى عَشَرَ إِمَامًا تِسْعَةً مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عليه السلام. قال المفضل: فقلتُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ فَأَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً عَقِبِهِ^۲» قال: يَعْنِي بِذَلِكَ الْإِمَامَةَ جَعَلَهَا اللَّهُ تَعَالَى فِي عَقِبِ الْحُسَيْنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، قَالَ: فقلتُ له: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ فَكَيْفَ صَارَتِ الْإِمَامَةُ فِي وُلْدِ الْحُسَيْنِ دُونَ وُلْدِ الْحَسَنِ عليه السلام وَهُمَا جَمِيعًا وَلَدَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ سِبْطَاهُ وَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟ فَقَالَ عليه السلام: إِنَّ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ كَانَا نَبِيِّنِ مُرْسَلَيْنِ وَ أَخَوَيْنِ فَجَعَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ النَّبُوَّةَ فِي صُلْبِ هَارُونَ دُونَ صُلْبِ مُوسَى عليه السلام وَ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ أَنْ يَقُولَ: لِمَ فَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ، وَ إِنَّ الْإِمَامَةَ خِلَافَةَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي أَرْضِهِ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَقُولَ: لِمَ جَعَلَهُ اللَّهُ فِي صُلْبِ الْحُسَيْنِ دُونَ صُلْبِ الْحَسَنِ عليه السلام، لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى هُوَ الْحَكِيمُ فِي أَفْعَالِهِ لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْأَلُونَ^۳.

مفضل بن عمر گوید: از امام صادق عليه السلام درباره آیه شریفه «و اذ ابتلى ابراهيم ربه بلكمات» سؤال کردم که این چه کلماتی است؟ حضرت فرمود: آنها کلماتی بودند که آدم عليه السلام آنها را از پروردگار خویش دریافت کرد و بر زبان جاری نمود و خداوند توبه‌اش را پذیرفت و آنها عبارت بودند از این که فرمود: «خدایا! از تو می‌خواهم به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین توبه‌ام را بپذیری.» و خداوند توبه او را پذیرفت. به راستی که او توبه‌پذیر مهربان است. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! معنای فرمایش خدای عزوجل از کلمه «فاتمهن» چیست؟ حضرت فرمود: یعنی دوازده امام را با قائم عليه السلام کامل گردانید که نه امام آنها از فرزندان حسین عليه السلام خواهند بود.

۱. بقره / ۱۲۴.

۲. سوره زحرف، آیه ۲۸.

۳. کمال الدین و تمام النعمة ج ۲ باب ۳۳ ص ۴۰ ح ۵۷.

مفضل گفت: عرض کردم، ای فرزند رسول خدا! مرا از معنی این کلام الهی که می‌فرماید: «و جعلها كلمةً باقيةً فی عقبه» آگاه کنید. حضرت فرمود: مقصود از آن امامت است که خداوند آن را تا روز قیامت در نسل امام حسین علیه السلام قرار داده است.

[راوی گوید:] عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! چرا امامت، اختصاص به فرزندان حسین علیه السلام یافت نه فرزندان امام حسن علیه السلام؛ در حالی که هر دو از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و نوه‌های دختری او و سرور جوانان اهل بهشت بوده‌اند؟ حضرت فرمود: موسی و هارون دو پیامبر مرسل و دو برادر بودند و خدای تعالی نبوت را در ذریه هارون قرار داد نه در سلاله موسی و هیچ کس نمی‌تواند بگوید که چرا خداوند این کار را انجام داد؟ و امامت خلافت خدای عزوجل در روی زمین است و کسی حق ندارد بگوید چرا خداوند آن را در نسل و ذریه فرزندان حسین علیه السلام قرار داد و در فرزندان امام حسن علیه السلام قرار نداد؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی در کارهای خود حکیمانه عمل می‌کند و از آنچه انجام می‌دهد مورد سؤال قرار نمی‌گیرد و مردم مورد سؤال و پرسش قرار خواهند گرفت.



● آیه سوم

﴿لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾^۱

□ «و برای آنان [کافران و شرک‌گرایان] در دنیا رسوایی بزرگ و در آخرت عذابی سهمگین خواهد بود.»

۱۶. روی الطبری باسناده عن السدی فی قوله تعالی: «لهم فی الدنيا خزی» أما خزیهم فی الدنيا إذا قام المهدي و فتحت القسطنطينیه قتلهم، فذلك الخزی^۲.

اسباط از سدی نقل کرده که گفت: منظور از آیه «لهم فی الدنيا خزی» این است که به

۱. سوره بقره، آیه ۱۱۴.

۲. تفسیر الطبری ج ۱ ص ۳۹۹؛ مجمع‌البیان ج ۱ ص ۱۹۰.

هنگام قیامت حضرت مهدی (عج) بیت المقدس به آغوش اسلام باز می‌گردد و تجاوزکاران به کیفر کردار زشت خویش می‌رسند و حضرت، آنان را از دم تیغ می‌گذراند.

● آیه چهارم

﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تَوَلَّوْا فَوَجَّهَ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ لَكُمْ دُونَهُ رَبًّا أَلَا بِذَلِكَ نَحْذَرُ الْكُفْرَ أَنْ يُضِلَّكُمْ سُبُلَكُمْ فَيَنْزِلَ عَلَيْكُمْ مِنْ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ مَاءٌ فَسَوَّيْنَا لِلْكَافِرِينَ الصَّخْرَةَ الْحَمِيقَةَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكٰفِرِينَ﴾

□ «و مشرق و مغرب از آن خداست؛ پس به هر سو رو کنید خدا آنجاست. به راستی که خداوند گشایشگر و داناست.»

۱۷. عن الامام أمير المؤمنين عليه السلام: ... الذي تنزل به الملائكة في الليلة التي يفرق فيها كل أمر حكيم: من خلقٍ و رزقٍ و أجلٍ و عملٍ و عُمرٍ و حياةٍ و موتٍ و علمٍ غيب السماوات والأرض والمعجزات التي لا تنبغى إلا الله و أصفياه و السفرة بينه و بين خلقه و هم وجه الله الذي قال: «فأينما تولوا فثم وجه الله» هم بقیة الله، یعنی المهدی یأتی عند انقضاء هذه النظرة فيملا الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً^۱.

روایت فوق الذکر رسلاً از امیرالمؤمنین عليه السلام نقل شده که می‌فرماید: «آن کسی که فرشتگان در شبی که همه امور مانند: آفرینش، رزق و روزی، اجل، عمل، عمر، زندگی، مرگ، علم غیب آسمان‌ها و زمین و معجزات که اختصاص به خداوند و پاکان و رسولان او دارد، مقدر می‌شوند، بر او نازل می‌گردند. آنها تجلی خداوند می‌باشند که خداوند خود فرموده: «و به هر سو رو کنید خدا آنجاست» آنان ذخیره خداوند هستند یعنی حضرت مهدی (عج) در پایان این مدت می‌آید و زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آنچنان که از ظلم و ستم پر شده است.»

۱. سوره بقره، آیه ۱۱۵.

۲. الاحتجاج ج ۱ ص ۲۴۰؛ بحار الأنوار ج ۹۳ ص ۱۱۸.

● آیه پنجم

«و إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا
قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»^۱؛

□ «(به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود و او به خوبی از عهده این آزمایش‌ها برآمد خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» ابراهیم عرض کرد: از دودمان من (نیز امامانی قرار بده) خداوند فرمود: «پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد.»

۱۸. روی الشيخ الصدوق باسناده عن المفضل عن عمر بن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام قال: سألته عن قول الله عز وجل: «و اذ ابتلى ابراهيم ربه بكلمات فاتمهن» ما هذه الكلمات؟ قال عليه السلام: هي الكلمات التي... الخ الحديث.
ترجمه و متن کامل این حدیث در ذیل آیه ۳۷ سوره بقره گذشت.



● آیه ششم

«أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنِّي
بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَ إلهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ إِلَهًا
وَاحِدًا وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»^۲؛

□ «آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، شما حاضر بودید؟ در آن هنگام که به فرزندان خود گفت: «پس از من، چه چیز را می‌پرستید؟» گفتند: خدای تو و خدای پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، خداوند یکتا را و ما در برابر او تسلیم هستیم.»

۱. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۲. سوره بقره، آیه ۱۳۳.

۱۹. روى العیاشی بإسناده عن جابر، عن أبی جعفر علیه السلام قال: سألته عن تفسیر هذه الآیة من قول الله: «اذ قال لبنیه ما تعبدون... إلهاً واحداً» قال: جَرَتْ فِی الْقَائِمِ علیه السلام ^۱.
 جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده و گفت: «از آن حضرت درباره تفسیر آیه: «اذ قال لبنیه... واحداً» سؤال کردم. حضرت فرمود: «این آیه درباره حضرت (قائم علیه السلام) صادق است.»

و فی تفسیر الصافی عن العیاشی و قال: اقول: لعلّ مراده علیه السلام أنّها جاریة فی قائم آل محمد علیه السلام فكلّ قائم منهم یقول حین موته ذلك لبنیه و یجیبونه بما أجابوا به ^۲.
 و در تفسیر صافی در ذیل همین گفتار، گفته: شاید، مراد امام باقر علیه السلام این باشد که آیه مزبور درباره ائمه از آل محمد علیهم السلام باشد چون هر قائمی از ایشان در هنگام مرگ به قائم بعد از خود و به همه فرزندان این سفارش را می‌کرد و آنان هم همین پاسخ را می‌دادند.

● آیه هفتم

﴿وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيئُهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تُكَونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللهُ جَمِيعاً إِنَّ اللهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ ^۳؛

□ «هر طایفه‌ای قبله‌ای دارد که خداوند آن را تعیین کرده است؛ (بنابراین زیاد درباره قبله گفتگو نکنید و به جای آن) در نیکی‌ها و اعمال خیر بر یکدیگر سبقت جویید! هر جا باشید خداوند همه شما را (برای پاداش و کیفر در برابر نیک و بد، در روز رستاخیز) حاضر می‌کند زیرا او بر هر کاری تواناست.»

۲۰. روى الفضل بن شاذان بإسناده عن أبی بصیر، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: کان

۱. تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۶۱ ح ۱۰۲. اثبات الهداة ج ۷ ص ۹۳ ح ۵۴۴.

۲. تفسیر الصافی ج ۱ ص ۲۸۶ (طبع دارالکتب الاسلامیة).

۳. سورة بقره، آیه ۱۴۸.

امیرالمؤمنین علیه السلام يقول: «لا يزال الناس ينقصون حتى لا يُقال (الله) فإذا كان ذلك، ضرب يعسوبُ الدين بذنبه، فبيعت الله قوماً من أطرافها يجيئون قزحاً كقزح الخريف والله إنني لأعرفهم وأعرف أسماءهم و قبائلهم و اسم أميرهم و هم قومٌ يحملهم الله كيف شاء من القبيلة الرجل والرجلين حتى بلغ تسعة فيتوافون من الآفاق ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً، عدّة أهل بدر و هو قول الله: «أينما تكونوا يأت بكم الله جميعاً إن الله على كل شيءٍ قدير» حتى إن الرجل ليحببني فلا يحل حبوته حتى يبلغه الله ذلك^۱.

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام و ایشان از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: پیوسته از دین و اعتقاد مردم کاسته می شود تا آنجا که نام (خدا) برده نشود در آن هنگام پیشوای دین پای خود را به زمین می زند و خداوند گروهی را پیرامون او برمی انگیزاند که همانند ابرهای پاییزی پی در پی می آیند. به خدا سوگند من آنها را می شناسم و نام آنها و قبایل آنان و نام رؤسای آنها را می دانم، آنان افرادی هستند که خداوند هر گونه که بخواهد آنان را می آورد از هر قبیله یک یا دو مرد - تا نه نفر - و بدین ترتیب سیصد و سیزده مرد به تعداد اهل بدر از گوشه و کنار گرد هم می آیند و این است معنای فرموده خدای سبحان که می فرماید: «هر کجا باشید خداوند همگی شما را گرد می آورد...»

۲۱. عن ضريس عن ابي خالد الكابلي عن علي بن الحسين و محمد بن علي عليهما السلام أنه قال: الفقهاء قوم يفقدون من فرشهم فيصبحون بمكة و هو قول الله عزّوجلّ: اينما تكونوا يأت بكم الله جميعاً؛ و هم اصحاب القائم عليه السلام^۲.

ضريس از ابو خالد کابلی از امام سجّاد و امام باقر علیهما السلام روایت کرده است که فرمودند: مفقودین، گروهی هستند که از خوابگاهها و بسترهای خویش ناپدید شده و صبحگاهان در مکه هستند و این است تفسیر کلام خداوند: «هر کجا باشید خداوند همه را حاضر می کند» و آنان (ناپدید شدگان) اصحاب و یاران حضرت قائم علیه السلام هستند.

۲۲. عن ابي خالد الكابلي عن سيّد العابدین علی بن الحسين عليه السلام قال: المفقودون عن

۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۴: منتخب الأثر ص ۴۷۶ ح ۷ عن غيبة الطوسي.

۲. اثبات الهداة ج ۷ ص ۹۰ ح ۵۳۴.

فرشهم ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا عدة اهل بدر، يصبحون بمكة و هو قول الله: اينما تكونوا يأت بكم الله جميعاً؛ و هم اصحاب القائم عليه السلام ^۱.

ابو خالد کابلی از امام سجّاد عليه السلام نقل کرده که فرمود: کسانی که شب هنگام از بسترهای خود ناپدید می شوند سیصد و سیزده نفر به تعداد اهل بدر هستند و صبحگاهان در مکه حضور پیدا می کنند و این است تأویل این آیه: «هر کجا باشید خداوند همه شما را حاضر می کند» و اینها اصحاب حضرت قائم عليه السلام هستند.

۲۳. روی ثقة الاسلام الكليني (ره) بإسناده عن أبي خالد، عن أبي عبدالله عليه السلام (و عن أبي جعفر عليه السلام) في قول الله عزّوجلّ: «فاستبقوا الخيرات» قال: الولاية، و قوله تبارك و تعالی: «اينما تكونوا يأت بكم الله جميعاً» يعنى أصحاب القائم عليه السلام الثلاثمائة والبضعة عشر رجلاً، قال: و هم والله الامّة المعدودة، قال: يجتمعون والله في ساعة واحدة قزع كقزع الخريف ^۲.

ابو خالد از امام باقر عليه السلام روایت کند که آن حضرت درباره فرمایش خدای عزوجلّ «فاستبقوا الخيرات» فرمود: منظور از نیکی ها ولایت (اهل بیت عليه السلام) است و منظور از «اينما تكونوا...» اصحاب حضرت قائم عليه السلام هستند که تعداد آنها بیشتر از سیصد و ده نفر مرد هستند و فرمود: و آنها هستند به خدا سوگند «امت معدوده» و آنها در یک ساعت گرد هم می آیند مانند پاره های ابر پاییز (که کنار هم جمع می شوند).

● آیه هشتم

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ
وَالنَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ ^۳؛

□ «قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال ها و جان ها

۱. اثبات الهداة ج ۶ ص ۴۴۵ ح ۲۳۵؛ کمال الدین ج ۱ ص ۶۵۶ ح ۲۱.

۲. روضة الكافي ص ۳۱۳.

۳. سورة بقره، آیه ۱۵۵.

و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم و بشارت ده به استقامت کنندگان.»

۲۴. عن الثمالی قال: سألت ابا جعفر عليه السلام عن قول الله: «و لنبلونکم...» فقال: ذلك جوع خاص و جوع عام فأما بالشام فإنه عام و أما الخاص بالكوفة يخص و لا یعم ولكنه يخص بالكوفة أعداء آل محمد عليه السلام فیهلكم الله بالجوع و أما الخوف فإنه عام بالشام و ذاك الخوف إذا قام القائم عليه السلام و أما الجوع فقبل قیام القائم عليه السلام و ذلك قوله: «و لنبلونکم بشيء من الخوف و الجوع»^۱

ثمالی گوید: از امام باقر عليه السلام درباره تفسیر این آیه: «قطعاً همه شما را با چیزی از ترس و گرسنگی آزمایش می‌کنیم» سؤال کردم، حضرت فرمود: این دو نوع گرسنگی است یکی خاص و دیگری عام اما در شام عمومی است ولی در کوفه مخصوص گروه معینی است. در کوفه شامل دشمنان آل محمد عليه السلام است و خداوند آنان را به وسیله گرسنگی هلاک می‌کند و اما «ترس» در شام دامنگیر همه می‌شود و این ترس در هنگام ظهور قائم عليه السلام است اما گرسنگی قبل از ظهور قائم عليه السلام است و این است تأویل فرمایش خداوند که می‌فرماید: «قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و... مورد آزمایش قرار می‌دهیم.»

۲۵. عن محمد بن مسلم قال: سمعتُ ابا عبد الله عليه السلام یقول: إنَّ قُدَّامَ الْقَائِمِ عَلامَاتٌ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِلْمُؤْمِنِينَ قُلْتُ: وَ مَا هِيَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ؟ قَالَ: ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «و لنبلونکم» یعنی - المؤمنین قبل خروج القائم عليه السلام - «بشيء من الخوف و الجوع و نقص من الأموال و الأنفس و الثمرات و بشر الصابرين» قال: یبْلُوهُمْ «بشيء من الخوف» من ملوک بنی فلان فی آخر سلطانهم «و الجوع» بغلاء أشعارهم، «و نقص من الأموال» قال: كساد التجارات و قلة الفضل و نقص من الأنفس قال: موت ذریع «و نقص من الثمرات» قال: قلة ریح ما یزرع «و بشر الصابرين»، عند ذلك بتعجيل خروج القائم عليه السلام ثم قال لي: يا محمد هذا تأويله إنَّ الله تعالى یقول: «و ما یعلم تأويله إلا الله و الراسخون فی العلم»^۲

۱. تفسیر العیاشی ج ۱ ص ۶۸ ح ۱۲۵.

۲. کمال الدین ج ۲ ص ۶۴۹ ب ۵۷ ح ۳: اثبات الهداة ج ۳ ص ۷۳۱ ب ۳۴ ح ۷۶.

محمد بن مسلم گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرمود: پیش از ظهور قائم نشانه‌هایی از جانب خدای تعالی برای مؤمنان به وجود خواهد آمد. [راوی گوید:] گفتم: فدایت گردم آن نشانه‌ها چیست؟ حضرت فرمود: آنها فرمایش خدای عزوجل است: «و لنبلونکم؛ یعنی قطعاً شما را می‌آزماییم» یعنی مؤمنین را قبل از ظهور قائم علیه السلام به وسیله «ترس و گرسنگی و کاستی در مال و جان و محصولات آزمایش می‌کنیم و صبرکنندگان را مژده بده.» فرمود: خداوند آنان [مؤمنین] را با ترس و وحشت از پادشاهان بنی فلان در آخر سلطنت آنان و گرسنگی در اثر گرانی قیمت‌ها می‌آزماید (و کاستی در اموال) یعنی کساد داد و ستد و کمبود بهره و سود (و کاستی جان‌ها) یعنی: مرگ فراگیر (و کاستی فراورده‌ها) یعنی: سود و بهره اندک محصولات به کمی غله و زراعت و برکات میوه‌ها (و صابران را مژده بده) یعنی در این سختی‌ها، صبرکنندگان را به تعجیل خروج حضرت قائم علیه السلام بشارت ده. سپس فرمود: ای محمد! این تأویل این آیه است، خداوند می‌فرماید: «تأویل آن را جز خدا و راسخان در علم نمی‌دانند.»

۲۶. عن أبي بصير قال: قال ابو عبدالله عليه السلام: لا بدّ أن يكون قدام القائم سنة يجوع فيها الناس و يصيبهم خوف شديد من القتل و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات فإن ذلك في كتاب الله ثم تلا هذه الآية: «و لنبلونکم بشيءٍ من الخوف و الجوع و نقص من الأموال و الانفس و الثمرات و بشر الصّابرين»^۱.

ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: قبل از ظهور قائم علیه السلام قطعاً سالی خواهد آمد که مردم در آن سال دچار قحطی شده و از نگرانی مردن به شدت بیمناک خواهند شد و اموال و دارایی و جان‌ها و محصولات آنها دستخوش کاستی خواهد شد و این معنا در کتاب الهی بیان شده است و سپس این آیه شریفه را تلاوت فرمود: «و شما را به وسیله ترس و گرسنگی و...».

۱. سوره آل عمران، آیه ۲.

۲. اثبات الهداة ج ۱ ص ۱۶۸ ح ۹۳.

● آیه نهم

﴿أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ﴾^۱؛
 □ «اینها، همان‌ها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده و آنها
 هستند هدایت‌یافتگان.»

۲۷. عن عبدالله بن ربيعه قال:... في حديث طويل في فضل النبي ﷺ والأئمة عليهم السلام جاء فيه:... ثم المنتظر بعده اسمه اسم النبي ﷺ يأمر بالعدل و يفعله و ينهى عن المنكر و يجتنبه، يكشف الله به الظلم و يجلو به الشك و العمی يرعى الذنب في أيامه مع الغنم و يرضى عنه ساكن السماء و الطير في الجو و الحيتان في البحار يا له من عبد ما أكرمه على الله، طوبى لمن أطاعه و ويل لمن عصاه، طوبى لمن قاتل بين يديه فقتل أو قتل، أولئك عليهم صلوات من ربهم و رحمة و أولئك هم المهتدون و أولئك هم المفلحون و أولئك هم الفائزون^۲.»

عتیق بن یعقوب از عبدالله بن ربیع نقل کرده که گفت: در حدیثی طولانی در فضیلت پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام آمده است: «... سپس امام منتظر است که نام او نام پیامبر ﷺ است به عدل و داد دستور می‌دهد و از منکر نهی نموده و دوری می‌گزیند خدا به واسطه‌ی او شک و تردید و کوردلی را نابود می‌سازد تا جایی که گرگ و گوسفند در حکومت حضرت در آسایش زندگی می‌کنند و مرغان اهل آسمان‌ها و ماهیان دریاها از او خشنودند. او عجب بنده‌ای است که این چنین مورد کرامت الهی واقع می‌شود. خوشا به حال کسی که از او اطاعت کند و وای بر آن کس که از او نافرمانی نماید. خوشا به حال آن کسی که به امر او به قتال برخاسته و کشته شده یا بکشد: «آنهايند که برايشان درووها و رحمت پروردگارشان نثار شده و هم آنان هستند هدایت‌شدگان و هم آنانند رستگاران، هم آنانند پیروزمندان.»

۱. سورة بقره، آیه ۱۵۷.

۲. بحار الأنوار ج ۳۶ ص ۲۱۷.

﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾؛

□ «آیا انتظار دارند که خداوند و فرشتگان در سایه‌هایی از ابرها به سوی آنان بیایند و همه چیز انجام شده و همه کارها به سوی خدا بازمی‌گردد.»

۲۸. روی العیاشی عن جابر قال: قال أبو جعفر عليه السلام في قول الله تعالى: «فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ» قال: ينزل في سبع قباب من نور، لا يُعلم أيها هو حين ينزل في ظهر الكوفة، فهذا حين ينزل^۱.

جابر از امام باقر عليه السلام نقل کرده که درباره این آیه می‌فرماید: [حضرت قائم عليه السلام] هنگام ورود به عراق در میان هفت قبه نور فرود می‌آید و معلوم نیست که او در کدام یک از آنها قرار دارد.

۲۹. عن أبي حمزة عن أبي جعفر عليه السلام قال: إنه نازل في قباب من نور حين ينزل بظهر الكوفة على الفاروق فهذا حين ينزل، وأما: قضى الأمر، فهو الوسم على الخرطوم يوم يوسم الكافر^۲.

ابو حمزه از امام باقر عليه السلام روایت کرده است که حضرت فرمود: او [قائم عليه السلام] هنگامی که در کوفه بر فاروق (نام منطقه‌ای در کوفه) فرود می‌آید در هودج‌هایی از نور هبوط می‌کند. این در هنگام فرود آمدن، ولی، امر خدا که تمام شد (بعد از دابة الأرض) آن علامت نهادن بر بینی‌هاست، روزی که بر پیشانی کافر علامت زده می‌شود.

۱. سوره بقره، آیه ۲۱۰.

۲. تفسیر العیاشی ج ۱ ص ۱۰۳ ح ۳۰۱.

۳. العیاشی ج ۱ ص ۱۰۳ ح ۳۰۳؛ و کتاب الصافی ج ۱ ص ۲۴۳.

● آیه یازدهم

«فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اعْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ، قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلْقُوا اللَّهَ كَمَ مِّنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»^۱

□ «و هنگامی که طالوت (به فرماندهی لشکر بنی اسرائیل منصوب شد، و) سپاهیان را با خود بیرون برد، به آنها گفت «خداوند، شما را به وسیله یک نهر آب، آزمایش می کند. آنها (که به هنگام تشنگی) از آن بنوشند، از من نیستند و آنها که جز یک پیمانه با دست خود، بیشتر از آن نخورند از من هستند» جز عده کمی، همگی از آن آب نوشیدند، سپس هنگامی که او و افرادی که به او ایمان آورده بودند، از آن نهر گذشتند (از کمی نفرات خود، ناراحت شدند و عده ای) گفتند: «امروز، ما توانایی مقابله با «جالوت» و سپاهیان او را نداریم» اما آنها که می دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد گفتند: «چه بسیار گروه های کوچکی که به فرمان خدا بر گروه های عظیمی پیروز شدند!» و خداوند با استقامت کنندگان است.»

۳۰. عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إِنَّ أَصْحَابَ طَالُوتَ ابْتُلُوا بِالنَّهْرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ» وَإِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ عليه السلام يُبْتَلُونَ بِمِثْلِ ذَلِكَ^۲.

ابوبصیر از امام صادق عليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: به راستی که یاران طالوت به نهری که خداوند فرمود: «شما را به نهری مورد آزمایش قرار می دهم» مورد آزمایش قرار داد یاران حضرت قائم عليه السلام نیز مورد آزمایشی قرار خواهند گرفت.

۳۱. عن حماد بن عثمان قال: قال ابو عبد الله عليه السلام: لا يخرج القائم عليه السلام في أقل من الفئته و

۱. سوره بقره، آیه ۲۴۹.

۲. الغيبة النعمانی ص ۳۱۶ ب ۲۱ ح ۱۳؛ اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۱۶ ب ۳۲ ح ۳۶۷.

لا تكون من الفئة أقل من عشرة آلاف^۱.

این حدیث مرسلاً از حماد بن عثمان نقل شده که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت قائم علیه السلام با کمتر از یک گروه ظهور نمی‌کند و آن گروه نیز کمتر از ده هزار نفر نیستند.



● آیه دوازدهم

«فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ قَتَلَ دَاوُدَ جَالُوتَ وَ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَ عِلْمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ»^۲

□ «سپس به فرمان خدا، آنها سپاه دشمن را به هزیمت واداشتند و «داود» (نوجوان نیرومند و شجاعی که در لشکر «طالوت» بود)، «جالوت» را کشت و خداوند حکومت و دانش را به او بخشید و از آنچه می‌خواست به او تعلیم داد و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی‌کرد زمین را فساد فرا می‌گرفت ولی خداوند نسبت به جهانیان لطف و احسان دارد.»

○ تشبیه غیبه المهدی علیه السلام بغیبه داود علیه السلام

۳۲. روی الشيخ الصدوق (ره) باسناده عن محمد بن عماره، قال: قلت للصادق جعفر بن محمد علیه السلام: أخبرني بوفاة موسى بن عمران علیه السلام فقال... فاستتر الأئمة بعد يوشع بن نون إلى زمان داود علیه السلام أربع مائة سنة و كانوا أحد عشر و كان قوم كل واحد منهم يختلفون إليه في وقته و يأخذون عنه معالم دينهم حتى انتهى الأمر إلى آخرهم، فغاب عنهم ثم ظهر لهم فبشروهم بداود علیه السلام و أخبرهم أن داود علیه السلام هو الذي يطهر الأرض من جالوت و جنوده و يكون فرجهم في ظهوره فكانوا ينتظرونه، فلما كان زمان داود علیه السلام كان له أربعة

۱. اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۴۸ ب ۳۲ ح ۵۴۹.

۲. سوره بقره، آیه ۲۵۱.

إِخْوَةٍ وَ لَهُمْ أَبٌ شَيْخٌ كَبِيرٌ وَ كَانَ دَاوُدُ ﷺ مِنْ بَيْنِهِمْ خَامِلَ الذَّكْرِ وَ كَانَ أَصْغَرَ إِخْوَتِهِ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّهُ دَاوُدُ النَّبِيُّ الْمُنْتَظَرُ الَّذِي يُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ جَالُوتَ وَ جُنُودِهِ وَ كَانَتِ الشَّيْعَةُ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ قَدْ وُلِدَ وَ بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ كَانُوا يَرَوْنَهُ وَ يُشَاهِدُونَهُ وَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّهُ هُوَ.

فَخَرَجَ دَاوُدُ ﷺ وَ إِخْوَتُهُ وَ أَبُوهُمْ لَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ وَ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ دَاوُدُ وَ قَالَ: مَا يَصْنَعُ بِي فِي هَذَا الْوَجْهِ، فَاسْتَهَانَ بِهِ إِخْوَتُهُ وَ أَبُوهُ وَ أَقَامَ فِي غَنَمِ أَبِيهِ يَرْعَاهَا فَاسْتَدَّ الْحَرْبُ وَ أَصَابَ النَّاسَ جَهْدٌ فَرَجَعَ أَبُوهُ وَ قَالَ لِدَاوُدَ: إِحْمِلْ إِلَى إِخْوَتِكَ طَعَامًا يَتَّقُونَ بِهِ عَلَى الْعَدُوِّ وَ كَانَ ﷺ رَجُلًا قَصِيرًا، قَلِيلَ الشَّعْرِ، طَاهِرَ الْقَلْبِ، أَخْلَاقُهُ نَقِيَّةٌ، فَخَرَجَ وَالْقَوْمُ مُتَقَارِبُونَ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ، قَدْ رَجَعَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ إِلَى مَرْكَزِهِ فَمَرَّ دَاوُدُ ﷺ عَلَى حَجَرٍ فَقَالَ الْحَجَرُ لَهُ بِنْدَاءٍ رَفِيعٍ: يَا دَاوُدُ خُذْنِي فَاقْتُلْ بِي جَالُوتَ فَإِنِّي إِنَّمَا خُلِقْتُ لِقَتْلِهِ فَأَخَذَهُ وَ وَضَعَهُ فِي مِخْلَاطِهِ الَّتِي كَانَتْ تَكُونُ فِيهَا حِجَارَتُهُ الَّتِي كَانَ يَرْمِي بِهَا غَنَمَهُ فَلَمَّا دَخَلَ الْعَسْكَرَ سَمِعَهُمْ يُعْظَمُونَ أَمْرَ جَالُوتَ فَقَالَ لَهُمْ: مَا تُعْظَمُونَ مِنْ أَمْرِهِ فَوَاللَّهِ لَئِن عَايَنْتُهُ لَأَقْتُلَنَّهُ فَتَحَدَّثُوا بِخَبْرِهِ، حَتَّى أُدْخِلَ عَلَى طَالُوتَ فَقَالَ لَهُ: يَا فَتَى مَا عِنْدَكَ مِنَ الْقُوَّةِ وَ مَا جَرَّبْتَ مِنْ نَفْسِكَ؟ قَالَ: قَدْ كَانَ الْأَسَدُ يَعْدُو عَلَى الشَّاةِ مِنْ غَنَمِي فَأَدْرِكُهُ فَأَخْذُ بِرَأْسِهِ وَ أَفْكُ لِحْيَتِهِ عَنْهَا فَأَخْذُهَا مِنْ فِيهِ وَ كَانَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى طَالُوتَ أَنَّهُ لَا يَقْتُلُ جَالُوتَ إِلَّا مَنْ لَبَسَ دِرْعَكَ فَمَلَأَهَا فِدْعًا بِدِرْعِهِ فَلَبِسَهَا دَاوُدُ ﷺ فَاسْتَوَتْ عَلَيْهِ فِرَاعُ ذَلِكَ طَالُوتَ وَ مَنْ حَضَرَهُ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ فَقَالَ: عَسَى اللَّهُ أَنْ يَقْتُلَ بِهِ جَالُوتَ، فَلَمَّا أَصْبَحُوا وَالتَّقَى النَّاسُ قَالَ دَاوُدُ ﷺ: أَرُونِي جَالُوتَ فَلَمَّا رَأَاهُ أَخَذَ الْحَجَرَ فَرَمَاهُ بِهِ فَصَكَ بِهِ بَيْنَ عَيْنَيْهِ فَدَمَعَهُ وَ تَنَكَّسَ عَنْ دَابَّتِهِ فَقَالَ النَّاسُ: قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَ مَلَكَهُ النَّاسُ حَتَّى لَمْ يَكُنْ يُسْمَعُ لِطَالُوتَ ذِكْرٌ وَاجْتَمَعَتْ عَلَيْهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيْهِ الرُّبُورَ وَ عَلَّمَهُ صَنْعَةَ الْحَدِيدِ فَلَيِّنَهُ لَهُ وَ أَمَرَ الْجِبَالَ وَالطَّيْرَ أَنْ تُسَبِّحَ مَعَهُ وَ أَعْطَاهُ صَوْتًا لَمْ يُسْمَعْ بِمِثْلِهِ حُسْنًا وَ أَعْطَاهُ قُوَّةً فِي الْعِبَادَةِ وَ أَقَامَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ نَبِيًّا.»

وَ هَكَذَا يَكُونُ سَبِيلُ الْقَائِمِ ﷺ لَهُ عِلْمٌ إِذَا حَانَ وَقْتُ خُرُوجِهِ انْتَشَرَ ذَلِكَ الْعِلْمُ مِنْ نَفْسِهِ وَ أَنْطَقَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَنَادَاهُ: أَخْرِجْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ فَاقْتُلْ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَ لَهُ سَيْفٌ مُعَمَّدٌ إِذَا حَانَ وَقْتُ خُرُوجِهِ اقْتَلَعَ ذَلِكَ السَّيْفُ مِنْ غَمْدِهِ وَ أَنْطَقَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَنَادَاهُ السَّيْفُ أَخْرِجْ

يَا وَلِيَّ اللَّهِ فَلَا يَحِلُّ لَكَ أَنْ تَقْعُدَ عَنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ، فَيَخْرُجُ اللَّهُ وَ يَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَيْثُ تَقِفُهُمْ وَ يُقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَ يَحْكُمُ بِحُكْمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ^۱.

○ شباهت غیبت حضرت مهدی علیه السلام به غیبت حضرت داود علیه السلام

محمد بن عماره از پدرش روایت کند که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مرا از وفات موسی بن عمران علیه السلام باخبر کن، حضرت (بعد از بازگو کردن جریان قبض روح حضرت موسی علیه السلام) فرمود: ... و ائمه پس از یوشع بن نون تا زمان داود علیه السلام به مدت چهارصد سال مخفی بوند و تعداد آنها یازده تن بود و یاران هر یک از آنها به نزد آن ائمه رفت و آمد داشتند و معالم دین خود را از آنها می آموختند تا آن که نوبت به آخرین آنها رسید و او غایب شد و پس از ظهورش بشارت به داود علیه السلام داد و گفت: داود همان کسی است که زمین را از جالوت و لشکریانش پاک خواهد ساخت و فرج ایشان در ظهور اوست و آنها نیز در انتظار او بودند و چون زمان داود رسید آنان چهار برادر بودند و پدر پیری داشتند و داود در میان ایشان از همه کوچکتر بود و کسی از وی یاد نمی کرد و نمی دانست که او، داود پیامبر است که منتظر اویند، همان کسی که زمین را از جالوت و لشکریانش پاک می سازد. اما شیعیانش می دانستند که او به دنیا آمده و به سنّ نیرومندی رسیده است او را می دیدند و مشاهده می کردند اما نمی دانستند که او همان داود است.

پس از آن روزی داود و برادران و پدرشان با طالوت به جبهه جنگ رفته بودند و داود از آنها بازمانده بود و می گفت در این جبهه چه کاری از من برمی آید و پدر و برادرانش نیز او را خوار و بی مقدار می شمردند. او در میان گوسفندان پدر باقی مانده بود و آنها را می چرانید و جنگ شدت گرفت و مردم گرفتار شدند. پدرش از جبهه برگشت و به داود گفت: طعامی به نزد برادرانت ببر تا در برابر دشمن تقویت شوند و داود علیه السلام مردی کوتاه قد و کم مو و پاکدل و خوش اخلاق بود، به جبهه رفت و دید لشکر به گرد یکدیگر فراهم آمده و هر یک در سنگر خود موضع گرفته است. داود علیه السلام به سنگی گذشت و سنگ با ندای بلندی به وی گفت: ای داود! مرا بردار و جالوت را با من به قتل برسان که من برای کشتن او آفریده شده ام. داود علیه السلام آن سنگ را برداشت و در خُرجین خود گذاشت که در آن

سنگ‌هایی برای پرتاب به گوسفندان خود جمع می‌کرد. چون به میان لشکر رسید شنید که امر جالوت را بزرگ می‌شمارند و به آنها گفت: چرا او را بزرگ می‌شمارید؟ به خدا سوگند اگر چشمم به او بیفتد او را خواهم کشت. سخن او را بازگو کردند تا آن که به طالوت رسید و به داود گفت: ای جوان! تو چقدر است و چه تجربه‌ای برای خود اندوخته کرده‌ای؟ داود گفت: چه بسا بوده که شیر به گوسفندی از گله‌ام حمله کرده است و من خود را به آن رسانیده و سر شیر را گرفته و دهانش را باز کرده و گوسفند را آزاد ساخته‌ام. و خدای تعالی به طالوت وحی کرده بود که جالوت را کسی می‌تواند به قتل برساند که زره تو را بپوشد و بر تنش اندازه باشد، زره خود را خواست و داود علیه السلام آن را پوشید و بر قامتش اندازه بود و طالوت و حاضرانش از بنی اسرائیل متعجب شدند و طالوت گفت: امید است خداوند به دست او جالوت را بکشد. چون صبح شد و دو لشکر در مقابل هم قرار گرفتند، داود گفت: جالوت را به من نشان بدهید و چون او را دید، آن سنگ را برداشت و به طرف او پرتاب کرد، و سنگ میان دو چشمش را شکافت و به مغز سرش رسید و از مرکب سرنگون شد و مردم گفتند: داود، جالوت را کشت و او را به فرمانروایی برگزیدند و دیگر نامی از طالوت نبود. بنی اسرائیل نیز به گرد او درآمدند. خدای تعالی زبور را بر وی فرو فرستاد و صنعت آهن را تعلیم وی کرد و آن را برایش نرم گردانید و به کوه‌ها و پرنده‌ها دستور داد که به همراه او تسبیح گویند و صدای خوش به او عطا فرمود که مثل آن شنیده نشده است و در عبادت توانمندش ساخت و او را پیامبر بنی اسرائیل قرار داد.

روش قائم علیه السلام نیز چنین است او را علمی است که چون وقت خروجش نزدیک شود و آن علم از جانب او منتشر شود و خدای تعالی آن را گویا کرده و ندا کند: ای ولی خدا! بیرون آی و دشمنان خدا را به قتل برسان و او را شمشیری است در غلاف و چون وقت خروجش نزدیک شود از غلاف بدر آورد و خدای تعالی آن را گویا کند و آن شمشیر ندا کند: ای ولی خدا! بدر آی، دیگر روا نیست که از دشمنان خدا تقاعد کنی. او بدر آید و دشمنان خدا را هر کجا بیابد خواهد کشت و حدود خدا را اقامه کرده و به حکم خدای تعالی فرمان دهد.



«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛

□ «کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه یکصد دانه باشد و خداوند آن را برای هر کس بخواهد دو یا چند برابر می‌کند و خدا (از نظر قدرت و رحمت) وسیع و (به همه چیز) داناست.»

۳۳. عن الفضل بن محمد الجعفی قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله: (كمثل حبة أنبت سبع سنابل) قال: الحبة فاطمة عليها السلام والسبع السنابل سبعة من ولدها، سابعهم قائمهم، قلت: الحسن؟ قال: إن الحسن إمام من الله مفترض طاعته ولكن ليس من السنابل السبعة أولهم الحسين عليه السلام و آخرهم القائم عليه السلام. فقلت: قوله في كل سنبله مائة حبة، قال: يولد الرجل منهم في الكوفة مائة من صلبه وليس ذلك إلا هؤلاء السبعة^۲.

فضل بن محمد جعفی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره فرمایش خداوند متعال (مثل دانه‌ای که هفت خوشه رویاند) سؤال کردم. حضرت فرمود: منظور از حبه، حضرت فاطمه عليها السلام است و هفت خوشه، هفت نفر از فرزندان اوست که هفتمین آنها قائم عليه السلام است. [راوی گوید:] عرض کردم: آیا امام حسن عليه السلام نیز جزء این هفت نفر است؟ حضرت فرمود: امام حسن عليه السلام از ناحیه خداوند امام و پیشوایی است که اطاعتش واجب است ولی از خوشه‌های هفت‌گانه نیست بلکه اولین فرد آنان امام حسین عليه السلام و آخرین آنها قائم عليه السلام است. عرض کردم: این که خداوند فرمود: «فی کل سنبله مائة حبة» منظور چیست؟ حضرت فرمود: از هر یک از خوشه مردان آنها در کوفه یکصد نفر به وجود

۱. سورة بقره، آیه ۲۶۱.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۴۸ ب ۳۲ ح ۵۵۰.

می آید و آنها جز این هفت تن نیستند.

● آیه چهاردهم

«يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»^۱؛

□ «(خدا) دانش و حکمت را به هر کس بخواهد می دهد و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است و جز خردمندان (این حقایق را درک نمی کنند، و) متذکر نمی گردند.»

○ الحکمة هی معرفة القائم علیه السلام

۳۴. روى أن أبا بصير سأل الامام الباقر علیه السلام عن قول الله تعالى: «و من يؤت الحکمة فقد أوتى خيراً كثيراً» ما عنى بذلك؟

فقال: معرفة الامام و اجتناب الكبائر، و من مات و ليس فى رقبته بيعة لامام، مات ميتة جاهلية و لا يُعذر الناس حتى يعرفوا إمامهم، فمن مات و هو عارف بالإمامة، لم يضره تقدم هذا الأمر أو تأخر، فكان كمن هو مع القائم فى فسطاطه، قال: ثم مكث هنيئة ثم قال: لا بل كمن قاتل معه، ثم قال: لا بل - والله - كمن استشهد مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم^۲.

○ حکمت، همان شناخت امام زمان علیه السلام می باشد

ابوبصیر روایت می کند که از امام باقر علیه السلام سؤال کرد که مقصود از آیه: «و به هر کس دانش داده شود خیر فراوانی داده شده است» چیست؟ حضرت فرمود: مقصود از حکمت و دانش، شناخت امام و اجتناب از گناهان کبیره است و کسی که از دنیا برود و بیعت امامی بر گردنش نباشد مانند دوران جاهلیت از دنیا رفته و مردم معذور نیستند تا اینکه امام خویش را بشناسند، کسی که بمیرد و به امامت (امام زمان خودش) آشنا باشد، تقدیم و

۱. سوره بقره، آیه ۲۶۹.

۲. بحار الانوار ج ۲۷ ص ۱۲۶ ح ۱۱۶؛ اعلام الدین ص ۴۵۹.

تأخیر ظهور، به او زیانی نمی‌رساند، او همانند کسی است که در خیمه و چادر حضرت با
اوست. سپس فرمود: خیر، بلکه همانند کسی است که در رکاب او مبارزه کند، و بعد
فرمود: خیر، بلکه - به خدا سوگند - همانند کسی است که در رکاب رسول خدا ﷺ
شہید شده باشد.

سورة آل عمران

● آیه پانزدهم

«لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقْيَةً وَ يُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ»^۱

□ «افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد (و پیوند او به کلی از خدا گسسته می‌شود) مگر اینکه از آنها بپرهیزید (و به خاطر هدف‌های مهمتری تقیه کنید) خداوند شما را از (نافرمانی) خود، برحذر می‌دارد و بازگشت (شما) به سوی خداست.»

○ فضل التقیه فی عصر الغیبه

۳۵. عن عمّار الساباطی قال: قلتُ لأبي عبد الله عليه السلام: أَيُّمَا أَفْضَلُ: الْعِبَادَةُ فِي السِّرِّ مَعَ الْإِمَامِ مِنْكُمْ الْمُسْتَتِرِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ أَوْ الْعِبَادَةُ فِي ظُهُورِ الْحَقِّ وَدَوْلَتِهِ، مَعَ الْإِمَامِ مِنْكُمْ الظَّاهِرِ؟

فَقَالَ: يَا عَمَّارُ! الصَّدَقَةُ فِي السِّرِّ وَاللَّهُ أَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَةِ فِي الْعَلَانِيَةِ وَكَذَلِكَ وَاللَّهُ

عِبَادَتِكُمْ فِي السِّرِّ مَعَ إِمَامِكُمُ الْمُسْتَتِرِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ وَ تَخَوُّفِكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ وَ حَالِ الْهُدْنَةِ أَفْضَلُ مِمَّنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ ذِكْرُهُ فِي ظُهُورِ الْحَقِّ مَعَ إِمَامِ الْحَقِّ الظَّاهِرِ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ وَ لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ مَعَ الْخَوْفِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ مِثْلَ الْعِبَادَةِ وَالْأَمْنِ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ.

وَاعْلَمُوا أَنَّ مَنْ صَلَّى مِنْكُمْ الْيَوْمَ صَلَاةَ فَرِيضَةٍ فِي جَمَاعَةٍ مُسْتَتِرًا بِهَا مِنْ عَدُوِّهِ فِي وَقْتِهَا فَاتَمَّهَا، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ خَمْسِينَ صَلَاةً فَرِيضَةً فِي جَمَاعَةٍ وَ مَنْ صَلَّى مِنْكُمْ صَلَاةَ فَرِيضَةٍ وَحْدَهُ مُسْتَتِرًا بِهَا مِنْ عَدُوِّهِ فِي وَقْتِهَا فَاتَمَّهَا، كَتَبَ اللَّهُ بِهَا لَهُ خَمْسًا وَ عِشْرِينَ صَلَاةً فَرِيضَةً وَحْدَانِيَّةً وَ مَنْ صَلَّى مِنْكُمْ صَلَاةً نَافِلَةً لِقَوْتِهَا فَاتَمَّهَا، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ صَلَوَاتٍ نَوَافِلَ وَ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ حَسَنَةً، كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ بِهَا عِشْرِينَ حَسَنَةً وَ يُضَاعَفُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ حَسَنَاتِ الْمُؤْمِنِ مِنْكُمْ إِذَا أَحْسَنَ أَعْمَالَهُ وَ دَانَ بِالتَّقِيَّةِ عَلَى دِينِهِ وَ إِمَامِهِ وَ نَفْسِهِ وَ أَمْسَكَ مِنْ لِسَانِهِ، أضعافاً مضاعفةً إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ كَرِيمٌ.

قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ، قَدْ وَاللَّهِ رَغَبْتَنِي فِي الْعَمَلِ وَ حَشَشَنِي عَلَيْهِ وَلَكِنْ أَحِبُّ أَنْ أَعْلَمَ كَيْفَ صِرْنَا نَحْنُ الْيَوْمَ أَفْضَلُ أَعْمَالًا مِنْ أَصْحَابِ الْإِمَامِ الظَّاهِرِ مِنْكُمْ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ وَ نَحْنُ عَلَى دِينِ وَاحِدٍ؟ فَقَالَ: إِنَّكُمْ سَبَقْتُمُوهُمْ إِلَى الدُّخُولِ فِي دِينِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ إِلَى الصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ وَفِقِهِ وَ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ سِرًّا مِنْ عَدُوِّكُمْ مَعَ إِمَامِكُمُ الْمُسْتَتِرِ، مُطِيعِينَ لَهُ صَابِرِينَ مَعَهُ، مُنْتَظِرِينَ لِدَوْلَةِ الْحَقِّ، خَائِفِينَ عَلَى إِمَامِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ مِنَ الْمُلُوكِ الظَّلَمَةِ تَنْظُرُونَ إِلَى حَقِّ إِمَامِكُمْ وَ حُقُوقِكُمْ فِي أَيْدِي الظَّلَمَةِ، قَدْ مَنَعُوكُمْ ذَلِكَ وَ اضْطَرُّوكُمْ إِلَى حَرْبِ الدُّنْيَا وَ طَلَبِ الْمَعَاشِ مَعَ الصَّبْرِ عَلَى دِينِكُمْ وَ عِبَادَتِكُمْ وَ طَاعَةِ إِمَامِكُمْ وَ الْخَوْفِ مِنْ عَدُوِّكُمْ فَبِذَلِكَ ضَاعَفَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَكُمْ الْأَعْمَالَ فَهَنِيئًا لَكُمْ.

قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ، فَمَا تَرَى إِذَا أَنْ نَكُونُ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ وَ يَظْهَرُ الْحَقُّ وَ نَحْنُ الْيَوْمَ فِي إِمَامَتِكَ وَ طَاعَتِكَ أَفْضَلُ أَعْمَالًا مِنْ أَصْحَابِ دَوْلَةِ الْحَقِّ وَ الْعَدْلِ؟ فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ أَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يُظْهَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْحَقُّ وَ الْعَدْلُ فِي الْبِلَادِ وَ يَجْمَعَ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَ يُؤَلِّفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلِفَةٍ وَ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فِي أَرْضِهِ وَ تَقَامَ حُدُودُهُ فِي خَلْقِهِ وَ يَرُدُّ اللَّهُ الْحَقَّ إِلَى أَهْلِهِ فَيُظْهَرُ حَتَّى لَا يُسْتَخْفَى بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ أَمَا

وَاللّٰهُ يٰۤاَعْمَارُ! لَا يَمُوْتُ مِنْكُمْ مَيِّتَ عَلٰى الْحَالِ الَّتِي اَنْتُمْ عَلَيْهَا اِلَّا كَانَ اَفْضَلَ عِنْدَ اللّٰهِ مِنْ كَثِيْرٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَّ اَحَدٍ فَاَبْشِرُوْا.

○ فضیلت تقیه در دوران غیبت

عمار ساباطی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: کدام یک از این دو بهتر است؟ عبادت پنهانی با امام پنهان از شما خانواده در زمان دولت باطل یا عبادت در زمان ظهور و دولت حق با امام آشکار از شما؟ حضرت فرمود: ای عمار! به خدا که صدقه دادن پنهانی از صدقه دادن آشکار بهتر است و همچنین به خدا عبادت شما در پنهانی با امام پنهانتان در زمان دولت باطل و ترس شما از دشمن و در حال صلح با دشمن (و تقیه از او مانند دوران ائمه بعد از امام حسین علیه السلام) بهتر است از کسی که عبادت کند خدای عزوجل را در زمان ظهور حق با امام بر حق آشکار و در زمان دولت حق عبادت با ترس و در زمان دولت باطل مانند عبادت در زمان امنیت و دولت حق نیست و بدانید هر کس از شما که در این زمان نماز واجبش را در وقتش به جماعت گزارد و از دشمنش پنهان کند و آن را تمام و کامل بجا آورد، خدا برای او ثواب پنجاه نماز واجب به جماعت گزارده بنویسد و کسی که از شما نماز واجبش را فردای و در وقتش بخواند و درست و کامل بجا آورد و از دشمنش پنهان کند، خدای عزوجل ثواب بیست و پنج نماز واجب فردای برایش بنویسد و هر کس از شما که یک نماز نافله را در وقتش بخواند و کامل ادا کند خدا برای او ثواب ده نماز نافله بنویسد و آن که از شما کار نیکی انجام دهد، خدای عزوجل برای او به جای آن بیست حسنه و پاداش بنویسد و حسنات مؤمن از شما را خدای عزوجل چند برابر کند اگر حسن عمل داشته باشد و نسبت به دین و امام و جان خود به تقیه معتقد باشد و زبان خود را نگه دارد همانا خدای عزوجل کریم است. من عرض کردم: قربانت گردم، به خدا که شما مرا به عمل تشویق فرمودی و برانگیختی ولی من دوست دارم بدانم دلیلش چیست که اعمال ما از اعمال اصحاب امامی که آشکار باشد در زمان دولت حق بهتر است با وجود این که همه یک

دین داریم؟

حضرت فرمود: زیرا شما در وارد شدن به دین خدای عزوجل و انجام دادن نماز و روزه و حج و هر کار خیر و دانشی بر ایشان سبقت دارید و نیز نسبت به عبادت خدای عزوجل در پنهانی از دشمن با امام پنهان سبقت دارید، در حالی که مطیع او هستید و مثل او صبر می‌کنید و در انتظار دولت حق می‌باشید و درباره امام و جان خود از سلاطین ستمگر ترس دارید، حق امام (چون منصب امامت و خمس) و حقوق خود را (مانند زکات و خراج) در دست ستمگران می‌بینید که از شما باز می‌گیرند و شما را به کسب و زراعت در دنیا و طلب روزی ناچار می‌کنند، علاوه بر موضوع صبر شما نسبت به دین و عبادتتان و اطاعت از امام و ترس از دشمنتان، بدین جهت است که خدای عزوجل ثواب اعمال شما را چند برابر فرموده است، گوارا باد بر شما.

[راوی گوید:] عرض کردم: قربانت گردم، پس در صورتی که ما در زمان امامت شما و فرمان برداری از شما نیکوکارتر و با ثواب بیشتر از اصحاب دولت حق و عدالت باشیم، شما عقیده ندارید [آرزو نکنیم] که ما از اصحاب حضرت قائم باشیم و حق ظاهر شود؟ فرمود: سبحان الله! شما دوست ندارید که خدای تبارک و تعالی حق و عدالت را در سرزمین‌ها ظاهر کند؟ و وحدت کلمه پدید آورد؟ و میان دلهای پراکنده الفت دهد؟ و مردم خدا را در روی زمینش نافرمانی نکنند؟ و حدود خدا در میان خلقش اجرا شود و خدا حق را به اهلش برگرداند تا حق آشکار شود و از ترس هیچ یک از مردم حق پوشیده نگردد به خدا، ای عمار! هر کدام از شما (شیعیان) بر این حالی که اکنون دارید (عبادت با خوف و تقیه) بمیرد از بسیاری از شهداء بدر و أحد بهتر و برتر است پس مژده باد شما را.



● آیه شانزدهم

﴿فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَ أَنْبَتَهَا نَبَاتاً حَسَناً وَ كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا

دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا. قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكَ هَذَا
قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ^۱؛

□ «خداوند، او [مریم] را به طرز نیکویی پذیرفت و به طرز شایسته‌ای، (نهال وجود) او را رویانید (و پرورش داد) و کفالت او را به (زکریا) سپرد. هر زمان زکریا وارد محراب او می‌شد، غذای مخصوصی در آنجا می‌دید. از او پرسید: «ای مریم! این را از کجا آورده‌ای؟!» گفت: «این از سوی خداست. خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می‌دهد.»

۳۶. روی العیاشی باسناده عن نجم، عن أبي جعفر عليه السلام أنه قال: «إِنَّ فَاطِمَةَ ضَمِنَتْ لِعَلِيِّ عليه السلام عَمَلَ الْبَيْتِ وَالْعَجْنَ وَالْخِيزَ وَ قَمَّ الْبَيْتِ، وَ ضَمِنَ لَهَا عَلِيُّ عليه السلام مَا كَانَ خَلْفَ الْبَابِ مِنْ نَقْلِ الْحَطَبِ وَ أَنْ يَجِيءَ بِالطَّعَامِ، فَقَالَ لَهَا يَوْمًا: يَا فَاطِمَةُ هَلْ عِنْدَكَ شَيْءٌ؟ قَالَتْ: لَا وَالَّذِي عَظَّمَ حَقَّكَ مَا كَانَ عِنْدَنَا مِنْذُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ شَيْءٌ تُقْرِيكَ بِهِ! قَالَ: أَفَلَا أَخْبَرْتَنِي؟! قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم نَهَانِي أَنْ أَسْأَلَكَ شَيْئًا. فَقَالَ: لَا تَسْأَلِي ابْنَ عَمِّكَ شَيْئًا إِنْ جَاءَكَ بِشَيْءٍ عَفْوًا وَالْأَفْلَا تَسْأَلِيهِ.

قال: «فخرج علي عليه السلام فلقى رجلاً فاستقرض منه ديناراً، ثم أقبل به و قد أمسى فلقى مقداد بن الأسود، فقال للمقداد: ما أخرجك في هذه الساعة؟

قال: الجوع، والذي عظم حَقَّكَ يا أمير المؤمنين؛ قال عليه السلام: فهو أخرجني فقد استقرضت ديناراً و سأوثرك به، فدفعه إليه فأقبل فوجد رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم جالساً و فاطمة تصلي و بينهما شيء مغطى، فلما فرغت أحضرت ذلك الشيء فاذا جفنة من خبز و لحم، قال عليه السلام: يا فاطمة أنى لك هذا؟! قالت: «هو من عند الله ان الله يرزق من يشاء بغير حساب.»

فقال رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم: ألا أحَدُّثُكَ بِمَثَلِكَ وَ مَثَلِهَا؟ قال: بلى، قال: مَثَلُ زَكَرِيَّا إِذْ دَخَلَ عَلَى مَرْيَمَ الْمِحْرَابِ فَوَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا، قال: يا مريم أنى لك هذا؟ قالت: «هو من عند الله ان الله يرزق من يشاء بغير حساب» فأكلوا منها شهراً و هي الجفنة التي يأكل منها

القائم عليه السلام و هی عندنا!»

در تفسیر عیاشی از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «فاطمه علیها السلام برای امیرالمؤمنین علیه السلام کارهای خانه را از قبیل: خمیر کردن و نان پختن و نظافت را تقبل نمود و علی علیه السلام نیز برای فاطمه کارهای خارج خانه را از قبیل: فراهم کردن هیزم و گندم تقبل نمود. روزی علی علیه السلام به فاطمه علیها السلام فرمود: «آیا غذایی در خانه دارید؟» حضرت فاطمه فرمود: «به خدا سوگند، سه روز است چیزی در خانه نداریم که از شما پذیرایی کنم!»

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «چرا مرا باخبر نکردی؟!» حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مرا نهی نموده که از شما چیزی درخواست کنم و فرموده: چیزی از پسرعموی خود درخواست مکن، اگر چیزی برای شما آورد بپذیر و الا چیزی از او مخواه.» [امام باقر علیه السلام] می فرماید: «علی علیه السلام از خانه خارج شد و از مردی یک دینار قرض گرفت و به طرف خانه آمد که برای خانواده خود غذایی فراهم نماید، در بین راه به مقدار برخورد کرد، حضرت از او سؤال کرد که چرا در چنین ساعتی از خانه خود بیرون آمده‌ای؟ مقدار گفت: به حق خدایی که تو را - ای امیرالمؤمنین - بر ما بزرگ داشته، جز گرسنگی چیزی مرا از خانه خارج نکرده است!

حضرت علی علیه السلام فرمود: همان گرسنگی نیز مرا از خانه خارج نموده و من یک دینار قرض گرفته‌ام و تو را بر خود مقدم می‌دارم، آن را بگیر.» پس دینار را به مقدار داد و به طرف خانه آمد ناگاه دید که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در کنار فاطمه علیها السلام نشسته و فاطمه مشغول نماز خواندن است و غذایی سرپوشیده بین آنهاست و چون حضرت فاطمه علیها السلام از نماز خود فارغ شد ظرف را جلو آورد، حضرت دید که در آن ظرف نان و گوشت وجود دارد. به فاطمه علیها السلام فرمود: ای فاطمه! این غذا را از کجا آورده‌ای؟ حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «این غذا از طرف خداوند آمده، او هر که را بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد!»

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آیا به تو خبر ندهم که مثل تو و فاطمه، مثل کیست؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بلی، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مثل شما، مثل

زکریا و مریم است، وقتی که زکریا در محراب نزد مریم آمد و غذایی را نزد او دید به او گفت: این غذا از کجا آمده؟! مریم گفت: این غذا از طرف خداوند آمده، او هر که را خواهد بدون حساب روزی می دهد! [امام باقر علیه السلام] فرمود: پس از آن یک ماه از آن غذا خوردند و تمام نشد و این همان غذایی است که حضرت مهدی علیه السلام از آن استفاده خواهد نمود و الآن نزد ما می باشد.»

● آیه هفدهم

﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ إِنِّي فَتَوَقَّيْكَ وَرَافِعُكَ وَ مَطَهَّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا
وَ جَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ
مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾^۱

□ «(به یاد آورید) هنگامی را که خدا به عیسی فرمود: من تو را برمی گیرم و به سوی خود بالا می برم و تو را از کسانی که کافر شدند پاک می سازم و کسانی را که از تو پیروی کردند تا روز رستاخیز، برتر از کسانی که کافر شدند قرار می دهم، سپس بازگشت شما به سوی من است و در میان شما در آنچه اختلاف داشتید، داوری می کنم.»

روی ابن حماد باسناده عن المشايخ، عن كعب قال: - و لم يسنده إلى النبي صلى الله عليه وآله - لما رأى عيسى بن مريم قلّة من معه، شكى إلى الله تعالى، فقال الله: «أنتى رافعك الی و متوقّيك» و ليس من رفعت عندي يموت، و أنتى باعثك على الأمور الدجال فقتله، ثمّ تعيش بعد ذلك أربعة و عشرين سنة، ثمّ أتوفاك ميتة الحقّ^۲.

صفوان بن عمرو، از مشایخ از کعب الاحبار نقل کرده و آن را به پیامبر صلى الله عليه وآله نسبت نداده است و گفته: هنگامی که عیسی بن مریم همراهان اندک خود را دید نزد خدای

۱. سوره آل عمران، آیه ۵۵.

۲. الفتن لان حماد ص ۱۶۳.

متعال شکایت کرد خداوند فرمود: «من تو را نزد خود بالا می‌برم و می‌میرانم» و این‌گونه نیست که هر که را نزد خود بالا برم، بمیرد، بلکه تو را بر دجال یک چشم برمی‌انگیزانم و تو او را به قتل می‌رسانی و پس از آن بیست و چهار سال زندگی خواهی کرد و سپس تو را می‌میرانم، مردنی حق و حقیقت.

● آیه هجدهم

«إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا
وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ»؛

□ «آنها هستند که از او پیروی کردند و (در زمان و عصر او، به مکتب او وفادار بودند، همچنین) این پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده‌اند از همه سزاوارترند و خداوند ولی و سرپرست مؤمنان است.»

۳۸. روی العیاشی عن عبدالأعلى الجبلی (الحلبی - خ) قال: قال ابو جعفر علیه السلام: - فی حدیث له - واللّه لکأنی أنظر الیه و قد أسند ظهره إلى الحجر، ثم ینشد الله حقّه ثم یقول: یا ایّها الناس من یحاجّنی فی الله، فأنا أولى الناس بالله و من یحاجّنی فی آدم فأنا أولى الناس بآدم، یا ایّها الناس من یحاجّنی فی نوح فأنا أولى الناس بنوح، یا ایّها الناس من یحاجّنی فی ابراهیم، فأنا أولى الناس بإبراهیم.^۲

عبدالأعلى جبلی گفت: امام باقر علیه السلام فرمود: ... به خدا سوگند، گویی به او [قائم] می‌نگرم که با پشت به حجرالأسود تکیه زده و آنگاه خدا را به حق خودش سوگند می‌دهد و سپس می‌گوید: ای مردم! هر کس درباره خدا با من محاجّه و بحث کند من سزاوارترین فرد به خدا هستم و هر کس درباره نسبت حضرت آدم علیه السلام با من بحث نماید، من سزاوارترین شخص به آدم علیه السلام هستم، ای مردم هر کس درباره نسبت بانوح با من احتجاج

۱. سوره آل عمران، آیه ۶۸.

۲. تفسیر العیاشی ج ۲ ص ۵۶ ح ۴۹.

کند، من سزاوارترین مردم به نوح علیه السلام هستم، ای مردم هر کس درباره ابراهیم علیه السلام با من احتجاج نماید، من سزاوارترین فرد به ابراهیم می باشم.

● آیه نوزدهم

«وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلَيَّ ذَلِكَمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ»^۱

□ «و (به خاطر آورید) هنگامی را که خداوند، از پیامبران (و پیروان آنها)، پیمان مؤکد گرفت، که هر گاه کتاب و دانش به شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می کند به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید! سپس خداوند به آنها گفت: آیا به این موضوع اقرار دارید؟ و بر آن، پیمان مؤکد بستید؟ گفتند: آری اقرار داریم! خداوند به آنها گفت: پس گواه باشید! و من نیز با شما از گواهانم.»

○ الرَّجْعَةُ فِي عَصْرِ الْغَيْبَةِ

۳۹. عن فيض بن أبي شيبه قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: و تلا هذه الآية: و اذ أخذ الله ميثاق النبيين لما آتيتكم من كتاب و حكمة... الى آخر الآية، قال: لتؤمنن برسول الله صلى الله عليه وآله و لتنصرن أمير المؤمنين عليه السلام قلت: و لتنصرن أمير المؤمنين؟ قال: نعم من آدم فهلم جرأ، و لا يبعث الله نبياً و لا رسولا الا رد الى الدنيا حتى قاتل بين يدي أمير المؤمنين عليه السلام .^۲

۱. سورة آل عمران، آیه ۸۱

۲. تفسیر العیاشی ج ۱ ص ۱۸۱ ح ۷۶.

○ رجعت در زمان حضرت قائم علیه السلام

فیض بن ابی شیبہ گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که این آیه شریفه را تلاوت می‌کرد: «و آنگاه خداوند عهد و پیمان پیامبران را گرفت که آنچه را از کتاب و حکمت برایتان آوردم...» تا آخر آیه، فرمود: البته برای اینکه به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان بیاورید و امیرالمؤمنین علیه السلام را یاری کنید؟ فرمود: آری، از آدم علیه السلام گرفته تا کنون، خداوند هیچ پیامبر و رسولی را مبعوث نکرد جز اینکه به دنیا برگردانده می‌شود تا در رکاب امیرالمؤمنین علیه السلام نبرد کند.



● آیه بیستم

﴿أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾^۱

□ «آیا آنها غیر از آیین خدا می‌طلبند؟! (آیین او همین اسلام است) و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند از روی اختیار یا از روی اجبار، در برابر (فرمان) او تسلیم‌اند و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند.»

۴۰. روی العیاشی باسناده عن رفاعه بن موسی، قال: سمعتُ أبا عبد الله علیه السلام يقول: «و له اسم من فی السموات والارض طوعاً و کرهاً» قال: إذا قام القائم علیه السلام لا تبقى أرض إلا نودی فیها بشهادة أن لا اله الا الله و أن محمداً رسول الله صلی الله علیه و آله.^۲

رفاعة بن موسی از امام صادق علیه السلام نقل کرده و گوید: از آن حضرت شنیدم درباره آیه شریفه: «هر که در آسمان‌ها و زمین است خواه و ناخواه تسلیم او می‌شود» فرمود: هنگامی که امام عصر (روحی فدا) قیام کند هیچ سرزمینی باقی نمی‌ماند مگر اینکه در آن به یگانگی خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله گواهی داده می‌شود.

۱. سوره آل عمران، آیه ۸۳

۲. تفسیر العیاشی ج ۱ ص ۱۸۳ ح ۸۱

۴۱. عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: ... و ينادى مناد في شهر رمضان من ناحية المشرق عندما تطلع الشمس يا أهل الهدى اجتمعوا و ينادى من ناحية المغرب بعدما يغيب الشمس يا أهل الضلالة اجتمعوا، و من الغد عند الظهر تكور الشمس فتكون سوداء الى قرية بساحل البحر عند الكهف الفتية و يبعث الله الفتية من كهفهم إليهم رجل يقال له تملیخا و الآخر كمسلمينا و هما الشهداء المسلمون للقائم فيبعث أحد الفتية إلى الروم فيرجع بغير حاجة و يبعث بالآخر، فيرجع بالفتح فيومئذ تأويل هذه الآية «و له أسلم من في السموات و الارض طوعاً و كرهاً.»

از امیرالمؤمنین عليه السلام منقول است که می فرماید: هنگام طلوع آفتاب و در ماه مبارک رمضان از طرف مشرق منادی ندا می دهد: ای اهل هدایت همگی جمع شوید و منادی دیگر از طرف مغرب پس از غروب آفتاب ندا می دهد: ای اهل گمراهی، اجتماع کنید. فردای آن روز در هنگام ظهر خورشید گرفته و هوا به شدت تاریک خواهد شد. در روز سوم با خروج دابة الأرض میان حق و باطل جدایی می افتد و رومیان به سوی شهری که در کنار دریا جنب غار اصحاب کهف قرار دارد روی می آورند و خداوند اصحاب کهف را از غارشان به سوی آنان برمی انگیزاند. یکی از آنها مردی است که نام او تملیخاست و دیگری مانند مسلمانان ماست و هر دو از گواهانی هستند که به فرمان امام سر تسلیم فرود می آورند. حضرت یکی را به روم می فرستد و او کاری صورت نداده مراجعت می کند. دیگری را اعزام می کند که وی فتح کرده و برمی گردد. این است تأویل این آیه: «تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند از روی اختیار یا از روی اجبار در برابر فرمان او تسلیم هستند.»

۴۲. عن ابن بكير قال: سألت أبا الحسن عليه السلام عن قوله: «و له أسلم من في السموات و الأرض طوعاً و كرهاً» قال: أنزلت في القائم عليه السلام إذا خرج باليهود و النصرارى و الصابئين و الزنادقة و أهل الردة و الكفار في شرق الأرض و غربها فعرض عليهم، فمن أسلم طوعاً أمره بالصلوة و الزكاة و ما يؤمر به المسلم و يجب الله عليه و من لم يسلم ضرب

عنه، حتى لا يبقى في المشارق والمغرب أحد إلا وحّد الله^۱.

ابن بکیر گوید: از امام کاظم علیه السلام درباره آیه شریفه: «و له أسلم...» سؤال کردم. حضرت فرمود: این آیه درباره حضرت قائم علیه السلام نازل شده که در مشرق و مغرب زمین بر یهود و نصاری و ستاره پرستان و بی دینان و مرتدان و کفار خروج کند و اسلام را بر آنها عرضه فرماید، هر که به میل و رغبت اسلام آورد او را دستور به نماز و زکات و سایر واجبات می دهد و هر که امتناع کند گردش را می زند تا در مشرق و مغرب جز خداپرست باقی نمی ماند.

۴۳. روی علی بن عقبه، عن أبيه قال: إذا قام القائم علیه السلام حکم بالعدل، و ارتفع في أيامه الجور و أمّنت به السُّبُل و أخرجت الأرض برکاتها و ردّ کلّ حقّ إلى أهله و لم یبق أهل دینٍ حتى یظهروا الاسلام و یعترفوا بالایمان. أما سمعت الله سبحانه یقول: «و له أسلم من فی السموات والأرض طوعاً و کرهاً و الیه یرجعون» و حکم بین الناس بحکم داود و حکم محمد صلی الله علیه و آله و سلم، فحينئذٍ تُظهر الأرض کنوزها و تبدی برکاتها و لا یجد الرجل منکم یومئذ موضعا لصدّقه و لبرّه، لشمول الغنی جمیع المؤمنین^۲.

علی بن عقبه از پدرش روایت کرده، گوید: هنگامی که قائم علیه السلام قیام نماید به عدل حکم نموده و در زمان حکومتش جور برطرف گردیده و راهها امنیّت یافته و زمین برکت هایش را خارج ساخته و هر حقی به اهلش بازگشته و اهل هیچ دینی نخواهند ماند مگر آنکه اظهار اسلام نموده و به ایمان معترف می گردند. آیا سخن خدای سبحان را نشنیده ای که می فرماید: «و برای او هر چه در آسمانها و زمین است از روی اختیار یا اکراه تسلیم گردید و به سوی او باز خواهید گشت» و در میان مردم حکومت داودی و محمدی صلی الله علیه و آله و سلم را رواج می دهد و به ظاهر و باطن حکومت می کند. در این هنگام، زمین گنج های خود را بیرون می کند و برکاتش را ابراز می دارد و ثروت چنان عالمگیر می شود که هر گاه کسی بخواهد صدقه بدهد یا کمکی بنماید مستحقّی پیدا نمی کند.



۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۴۰: اثبات الهداة ج ۷ ص ۹۶ ح ۵۵۲.

۲. ارشاد شیخ مفید ص ۷۰۵ ح ۷.

● آیه بیست و یکم

﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾^۱؛

□ «در آن نشانه‌های روشن (از جمله) مقام ابراهیم است و هر کس داخل آن [خانه خدا] شود، در امان خواهد بود.»

۴۴. روی الصدوق (ره) باسناده عن أبي زهير بن شبيب بن أنس، عن بعض أصحابه عن أبي عبدالله عليه السلام في حديث عن محاجته عليه السلام أبا حنيفة، جاء فيه: فقال أبو بكر الحضرمي، جُعِلَتْ فداك الجواب في المسألتين الأولتين؟ فقال عليه السلام: يا أبا بكر! سيروا فيها ليالي و أياماً آمنين، فقال: مع قائمنا أهل البيت و أما قوله: «و من دخله كان آمناً» فمن بايعه و دخل معه و مسح على يده و دخل في عقد أصحابه كان آمناً^۲.

زهیر بن شیبب بن انس از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند که آن حضرت در پاسخ سؤال ابوبکر حضرمی [که از امام صادق عليه السلام سؤال کرده بود: فدایت شوم جواب دو مسأله اول و دوم چیست] فرمود:

ای ابوبکر مقصود از «سیروا فیها لیالی و ایاماً آمنین؛ شب‌ها و روزهایی را در آن با امنیت و آرامش بگردید» این است که: با قائم ما اهل بیت سیر و مسافرت کنید که در ایمنی کامل می‌باشید و مراد از «و من دخله کان آمناً؛ هر کس داخل آن شود ایمن خواهد بود» این است که هر کس با قائم ما بیعت کرده و در زمره یاران ایشان باشد و دست آن بزرگوار را مسح کند و در گروه یارانش باشد در امنیت و آرامش خواهد بود و از هر گزندی در امان می‌باشد.

● آیه بیست و دوم

۱. سوره آل عمران، آیه ۹۷.

۲. علل الشرایع ص ۸۹ ب ۸۱ ح ۵.

﴿بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾^۱؛

□ «آری؛ (امروز هم) اگر استقامت و تقوا پیشه کنید و دشمن به همین زودی سراغ شما بیاید خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان که نشانه‌هایی با خود دارند، مدد خواهد داد.»

۴۵. روی العیاشی باسناده عن ضریس بن عبدالملک، عن أبی جعفر علیه السلام قال: إن الملائكة الذين نصروا محمداً صلی الله علیه و آله يوم بدر فی الأرض ما سعدوا بعد و لا یصعدون حتی ینصروا صاحب هذا الأمر و هم خمسة آلاف^۲.

ضریس بن عبدالملک از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: فرشتگانی در روز جنگ بدر برای یاری پیغمبر صلی الله علیه و آله فرود آمدند هنوز به آسمان بالا نرفته‌اند و نخواهند رفت تا اینکه حضرت صاحب الامر علیه السلام را یاری نمایند و تعداد آن فرشتگان پنج هزار نفر می‌باشند.

۴۶. روی الشیخ المفید باسناده عن أبی بکر الحضرمی، عن أبی جعفر علیه السلام قال: کأنی بالقائم علیه السلام علی نجف الکوفة قد سار إليها من مکة فی خمسة آلاف من الملائكة جبرئیل عن یمینه و میکائیل عن شماله و المؤمنون بین یدیه و هو یفرق الجنود فی البلاد^۳.

ابوبکر حضرمی گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: گویا هم‌اکنون حضرت قائم علیه السلام را می‌بینم که به اتفاق پنج هزار فرشته که جبرئیل از طرف راست و میکائیل از طرف چپ و مؤمنان در پیشاپیش او قرار دارند، از مکه به نجف وارد شده و از آنجا لشکریان خود را به اطراف پراکنده می‌سازد.

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۲۵.

۲. تفسیر العیاشی ج ۱ ص ۱۹۷ ح ۱۳۸.

۳. ارشاد المفید ص ۷۰۱ ح ۱.

● آیه بیست و سوم

﴿وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾^۱؛

□ «و ما این روزها (ی پیروزی و شکست) را در میان مردم می گردانیم...»

۴۷. عن زرارة، عن أبي جعفر عليه السلام في قوله تعالى: «و تلك الايام نداولها بين الناس» قال: ما زال منذ خلق الله آدم دولة الله و دولة لابليس، فأين دولة الله، أنما هو قائم واحدًا. زرارہ از امام باقر عليه السلام روایت کرد، کہ آن حضرت درباره فرمایش خدای تعالی: «و تلك الايام...» فرمودند: پیوسته از زمان حضرت آدم عليه السلام، خداوند دولت و حکومتی داشته و ابلیس نیز صاحب دولت بوده است، بنابراین پس دولت خدا کجاست؟! آگاه باش کہ دولت خدا همان دولت قائم عليه السلام است.

● آیه بیست و چهارم

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمُ الصَّابِرِينَ﴾^۲؛

□ «آیا چنین پنداشتید کہ (تنها با ادعای ایمان) وارد بهشت خواهید شد در حالی کہ خداوند هنوز مجاهدان از شما و صابریں را مشخص نساخته است؟»

۴۸. عن أبي محمد بن أبي نصر، عن الرضا عليه السلام قال: و كان جعفر عليه السلام يقول: والله لا يكون الذي تمدون إليه أعناقكم حتى تميزوا و تمحصوا، ثم يذهب من كل عشرة شيء و لا يبقى منكم إلا الأندر، ثم تلا هذه الآية: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا...»^۴.

۱. سورة آل عمران، آية ۱۴۰.

۲. تفسير العياشي ج ۱ ص ۱۹۹ ح ۱۴۵؛ اثبات الهداة ج ۱ ص ۱۳۵ ح ۲۵۸.

۳. سورة آل عمران، آية ۱۴۲.

۴. قرب الإسناد ص ۱۶۲؛ بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۶۵.

احمد بن محمد بن ابی نصر از امام رضا علیه السلام و آن حضرت از امام صادق علیه السلام روایت فرموده که: سوگند به خداوند آن رخدادی که به سوی آن گردن می کشید واقع نمی گردد تا اینکه از یکدیگر مشخص شوید و مورد امتحان و آزمایش قرار گیرید. سپس از هر ده نفر برخی از بین می روند و جز اندکی از شما باقی نمی ماند. آنگاه حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: «آیا چنین پنداشتید که وارد بهشت خواهید شد...»

● آیه بیست و پنجم

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۱؛

□ «ای کسانی که ایمان آورده اید! (در برابر مشکلات و هوس ها) استقامت کنید و در برابر دشمنان نیز پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید.»

۴۹. عن برید بن معاویة العجلی، عن أبی جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام فی قوله عز وجل: «یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا» فقال: اصبروا علی أداء الفرائض و صابروا عدوکم و رابطوا إمامکم المنتظر^۲.

برید بن معاویه عجلی از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت درباره آیه شریفه: «یا ایها الذین امنوا...» فرمود: [اصبروا] بر انجام واجبات و عبادات بردبار باشید [و صابروا] در برابر دشمن شکیبایی از خود نشان دهید و خود را برای یاری امام منتظر خود آماده نبرد سازید.

۵۰. روی العیاشی عن یعقوب السراج قال: قلت لأبی عبدالله علیه السلام: تبقی الأرض یوماً

۱. سورة آل عمران، آیه ۲۰۰.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ح ۴۵۹.

بغير عالمٍ منكم يفرع الناس اليه؟ قال: فقال لي: إذا لا يُعبد الله يا أبا يوسف، لا تخلو الأرض من عالمٍ منّا ظاهر يفرع الناس في حلالهم و حرامهم و انّ ذلك لمُبين في كتاب الله، قال الله: «يا أيّها الذين آمنوا اصبروا» - على دينكم - «و صابروا» - عدوّكم فمن يخالفكم - «و رابطوا» - إمامكم - «واتّقوا الله» - فيها أمرکم به وافترض عليكم^۱.

يعقوب بن سراج می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا زمین روزی بدون عالمی از شما که مردم به آن مراجعه کنند باقی می ماند؟ حضرت به من فرمود: ای ابویوسف! اگر این گونه باشد، خداوند پرستیده نمی شود، زمین از وجود عالم و فرد آگاهی از ما تُهی نمی ماند، و مردم در حلال و حرام خود به آن مراجعه می کنند و این معنا در قرآن بیان شده است. خدای سبحان فرمود: «یا ایّها الذين امنوا اصبروا» صبر و بردباری در دین داشته باشید و صابروا، در برابر دشمنان و مخالفین خود شکیبایی کنید و رابطوا - آماده یاری امامتان باشید و در آنچه خدا به شما فرمان داده و بر شما واجب گردانده است از او برسید.



سورة نساء

● آیه بیست و ششم

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ
أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا»؛

□ «ای کسانی که کتاب (خدا) به شما داده شده! به آنچه (بر پیامبر خود) نازل کردیم - و هماهنگ با نشانه‌هایی است که با شماست - ایمان بیاورید پیش از آنکه صورت‌هایی را محو کنیم، سپس به پشت سر بازگردانیم.»

۵۱. وری الحافظ القندوزی الحنفی باسناده قال: عن محمد الباقر (رضی الله عنه) فی قوله تعالى: «يا ايها الذين اوتوا الكتاب امنوا بما...» قال: لا يغلت من جيش السفیانی الهالكين فی خسف البيداء إلا ثلاثة يحول الله وجوههم فی أقفيتهم و ذلك عند قيام القائم المهدي عليه السلام.^۲

جابر جعفی از امام باقر عليه السلام روایت کرده که آن حضرت درباره آیه شریفه: «يا ايها الذين اوتوا الكتاب امنوا بما...» فرمود: از لشکر سفیانی نجات نمی‌یابند و همه آنها در سرزمین بیداء به هلاکت می‌رسند (در زمین فرو می‌روند) مگر سه نفر از آنها که خداوند

۱. سورة نساء، آیه ۴۷.

۲. منابع المودة ب ۷۱ ج ۵.

صورت آن سه نفر را به پشت سرشان برمی گرداند و این پیشامد و رخداد در زمان قیام حضرت قائم مهدی علیه السلام روی خواهد داد.

● آیه بیست و هفتم

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾؛

□ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالأمر [اوصیای پیامبر] را.»

۵۲. عن جابر بن يزيد الجعفی قال: سمعتُ جابر بن عبد الله الأنصاری يقول: لَمَّا أَنْزَلَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ عَرَفْنَا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ، فَمَنْ أُولُوا الْأَمْرِ الَّذِينَ قَرَنَ اللهُ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِكَ؟ فَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: هُمُ خُلَفَائِي يَا جَابِرُ وَ أُمَّةُ الْمُسْلِمِينَ [مِنْ] بَعْدِي أَوْلُهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ - الْمَعْرُوفُ فِي التَّوْرَةِ بِالْبَاقِرِ، وَ سَتُدْرِكُهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا لَقِيْتَهُ فَأَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ - ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ سَمِيُّ وَ كَيْسِيُّ حُجَّةَ اللهِ فِي أَرْضِهِ وَ بَقِيَّتُهُ فِي عِبَادِهِ ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ذَلِكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللهُ - تَعَالَى ذِكْرُهُ - عَلِيَّ يَدِيهِ مُشَارِقُ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا، ذَلِكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ شِيعَتِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ، غَيْبَةً لَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَيُّ الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ امْتَحَنَ اللهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ، قَالَ جَابِرُ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا رَسُولَ اللهِ فَهَلْ يَقَعُ لِشِيعَتِهِ الْإِنْتِفَاعُ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ؟

فَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِي وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ إِنَّهُمْ يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِهِ وَ يَنْتَفِعُونَ بِوِلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَ إِنْ تَجَلَّلَهَا سَحَابٌ يَا جَابِرُ هَذَا مِنْ مَكْنُونِ سِرِّ اللهِ وَ مَخْرُوجِ

عِلْمِهِ فَأَكْتُمُهُ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ^۱.

جابر بن یزید جُعْفَى گوید از جابر بن عبدالله انصاری شنیدم که می گفت: وقتی که خدای تعالی بر پیامبرش این آیه را فرو فرستاد که «یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» گفتم: یا رسول الله! خدا و رسولش را شناخته ایم اما اولوا الامری که خداوند طاعت آنها را مقرون به طاعت خود کرده چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: ای جابر! آنها جانشینان من و پس از من پیشوایان مسلمانند. نخستین فرد آنان علی بن ابی طالب و سپس حسن و پس از او حسین است بعد از او علی بن حسین، سپس محمد بن علی که در تورات به باقر معروف است و ای جابر! تو او را درک خواهی کرد، هر گاه او را دیدار کردی، سلام مرا به او برسان. بعد جعفر بن محمد صادق و پس از او موسی بن جعفر و بعد علی بن موسی و سپس محمد بن علی و بعد از او علی بن محمد و آنگاه حسن بن علی و پس از او کسی که هم نام و هم کنیه من است حجت خدا در زمین و بقیة الله در میان بندگانش، پسر حسن بن علی علیه السلام ائمة مسلمین خواهند بود. و کسی است که خدای تعالی مشرق و مغرب زمین را به دست او فتح کرده و می گشاید. او کسی است که از شیعیان و اولیائش غایب می شود که در آن غیبت جز کسانی که خداوند دلشان برای ایمان آزموده است بر اعتقاد به امامت وی باقی نمی مانند. جابر گوید: به آن حضرت عرض کردم: ای رسول خدا! آیا شیعیان او در زمان غیبت آن حضرت از وجود او بهره مند می شوند؟ حضرت فرمود: آری! به خدایی که مرا به نبوت برانگیخت آنان از ولایت او بهره مند شده و از نور او مانند خورشید پشت ابر سودمند می شوند. ای جابر! این [غیبت] از اسرار و رازهای نهان الهی و از گنجینه علم اوست، آن را جز از اهلش پنهان دار.

۵۳. عن أبي خالد الكابلي قال: دخلتُ عليَّ سيدي عليَّ بن الحسين زين العابدين عليه السلام فقلتُ له: يابن رسول الله أخبرني بالذين فرض الله عزوجل طاعتهم و مودتهم و أوجب علي عبادته الإقتداء بهم بعد رسول الله صلى الله عليه وآله؟ فقال لي: يا كَنَكْرُ إِنَّ أَوْلَى الْأَمْرِ الَّذِينَ جَعَلَهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِيْمَةً لِلنَّاسِ وَ أَوْجَبَ عَلَيْهِمْ طَاعَتَهُمْ: أمير المؤمنين عليُّ بنُ أبي

طالب عليه السلام ثم الحسن ثم الحسين ابنا علي بن أبي طالب ثم انتهى الأمر إلينا، ثم سكت. فقلت له: يا سيدي روى لنا عن أمير المؤمنين [علي] أن الأرض لا تخلو من حجة لله جل وعز علي عبادِهِ فمن الحجة والامام بعدك؟ قال: ابني محمد واسمه في التوراة باقر، يقر العلم بقرًا، هو الحجة والامام بعدى ومن بعد محمد ابنة جعفر واسمه عند أهل السماء الصادق فقلت له: يا سيدي فكيف صار اسمه الصادق وكلكم صادقون قال: حدثني أبي، عن أبيه عليه السلام أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: إذا ولد ابني جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليه السلام فسموه الصادق فإن للخامس من ولديه ولداً اسمه جعفر يدعى الإمامة اجترأ على الله وكذباً عليه فهو عند الله جعفر الكذاب المفترى على الله عز وجل والمدعى لما ليس له بأهل، المخالف علي أبيه والحاسد لأخيه، ذلك الذي يروم كشف ستر الله عند غيبته ولي الله عز وجل ثم بكى علي بن الحسين عليه السلام بكاء شديداً ثم قال: كآنى بجعفر الكذاب وقد حمل طاغية زمانه علي تفتيش أمر ولي الله والمغيب في حفظ الله والتوكيل بحرم أبيه جهلاً منه بولادته وحرصاً منه علي قتله إن ظفر به وطمعاً في ميراثه حتى يأخذه بغير حقه.

قال أبو خالد: فقلت له: يابن رسول الله و ان ذلك لكائن فقال: إي و ربى! ان ذلك لمكتوب عندنا في الصحيفة التي فيها ذكر المحن التي تجرى علينا بعد رسول الله صلى الله عليه وآله. قال أبو خالد: فقلت: يابن رسول الله ثم يكون ماذا قال: ثم تمتد الغيبة بولي الله عز وجل، الثاني عشر من أوصياء رسول الله صلى الله عليه وآله والأئمة بعده يا أبا خالد ان أهل زمان غيبته القائلين بإمامته والمنتظرين لظهوره أفض من أهل كل زمان لأن الله تبارك وتعالى أعطاهم من العقول والأفهام والمعرفة ما صارت به الغيبة عندهم بمنزلة المشاهدة وجعلهم في ذلك الزمان بمنزلة المجاهدين بين يدي رسول الله صلى الله عليه وآله بالسيف أولئك المخلصون حقاً و شيعتنا صدقاً والدعاة إلى دين الله عز وجل سراً و جهراً وقال عليه السلام إنتظار الفرج من أعظم الفرج.

ابو خالد كابلی (ملقب به كنكر) گوید: بر مولای خود امام سجاد عليه السلام وارد شدم و به

ایشان عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! کسانی را که خدای تعالی طاعت و مودتشان را واجب ساخته و اقتدای به آنان را پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واجب گردانید است چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: ای کنکر! صاحبان امری که خداوند متعال آنها را پیشوای مردم قرار داده و طاعتشان را بر آنها واجب ساخته است عبارتند از: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام سپس حسن و پس از آن حسین دو فرزند گرامی علی بن ابی طالب علیه السلام و سپس امر به ما منتهی گردید و بعد سخنی نفرمود.

[ابوخالد گوید:] گفتم: ای سرورم! از امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای ما روایت شده است که زمین از حجّت خدای تعالی بر بندگانش خالی نمی ماند، حجّت و امام پس از شما کیست؟ حضرت فرمود: فرزندم محمد و نام او در تورات، باقر است و علم را موشکافانه می شکافد. او حجّت و امام پس از من است و پس از محمد فرزندش جعفر و او را در آسمانها صادق می گویند. [راوی گوید:] گفتم: ای سرورم! چرا نام او را صادق گذاشته اند، در حالی که همه شما صادق هستید؟ حضرت فرمود: پدرم از پدرش از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت فرموده است: آنگاه که فرزندم جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب متولد شد، نامش را صادق بگذارید که پنجمین از سلاله او فرزندی است که نامش جعفر است که از روی تجرّی بر خدای تعالی و دروغ بستن بر او ادّعی امامت می کند و او نزد خدا جعفر کذاب و افترا دهنده بر خدای تعالی است و مدّعی مقامی است که اهل آن نیست و مخالف پدر خویش و حسود نسبت به برادر خود است او کسی است که می خواهد در هنگام غیبت ولیّ خدای تعالی، او را بر ملا سازد. سپس علی بن الحسین علیه السلام به سختی گریه کرد. آنگاه فرمود: گویا جعفر کذاب را می بینم که طاغی زمانش را وادار می کند تا در امر ولیّ خدا و غایب در حفظ الهی و موکّل بر حرم پدرش تفتیش کند. به خاطر جهلی که بر ولادت او دارد و حرصی که بر قتل او دارد اگر به او دسترسی پیدا کند و طمع می کند که به میراث او دارد تا آن را به ناحق غصب کند.

ابوخالد گوید: گفتم: ای فرزند رسول خدا! آیا چنین چیزی واقع خواهد شد؟ حضرت فرمود: به خدا سوگند! واقع خواهد شد و آن در صحیفه ای که نزد ماست مکتوب است. صحیفه ای که در آن ذکر محنتهایی است که بر ما پس از رسول خدا جاری می شود.

[راوی گوید:] عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! بعد از آن چه خواهد شد؟ حضرت فرمود: آنگاه غیبت ولی خدا طولانی خواهد شد. او دوازدهمین از اوصیای رسول خدا ﷺ و ائمه پس از اوست. ای اباخالد! مردم زمان غیبت آن امام که معتقد به امامت و منتظر ظهور او هستند از مردم هر زمانی برترند؛ زیرا خدای تعالی عقل و فهم و معرفتی به آنها عطا فرموده است که، غیبت نزد آنان به منزله [حضور امام و] مشاهده هاست و آنان را در آن زمان به مانند مجاهدین پیش روی رسول خدا ﷺ که با شمشیر به جهاد برخاسته‌اند قرار داده است. آنان مخلصان حقیقی و شیعیان راستین ما و داعیان به دین خدای تعالی در نهان و آشکارند و فرمود: انتظار فرج، خود بزرگترین فرج است.

● آیه بیست و هشتم

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾^۱؛

□ «و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، (در روز رستاخیز) همنشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده، از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان و آنها رفیق‌های خوبی هستند!»

۵۴. عن قیس بن اَبی حازم، عن ام سلمة قالت: سألت رسول الله ﷺ عن قول الله سبحانه: «اولئك مع الذين...» قال: الذين انعم الله عليهم من النبيين: انا؛ والصدّيقين: علي بن اَبی طالب؛ والشهداء: الحسن والحسين و حمزة؛ و حسن اولئك رفيقا: الائمة الاثنى عشر بعدى^۲.

و فی روایة اخرى: القائم ﷺ من آل محمّد ﷺ^۳.

۱. سورة نساء، آیه ۶۹.

۲. الصراط المستقیم ج ۲ ص ۱۲۲ ب ۱۰.

۳. تفسیر قمی ج ۱ ص ۱۴۲.

قیس بن حازم از ام سلمه نقل کرده که گفت: از رسول خدا ﷺ درباره آیه شریفه: «اولئك مع الذين...» سؤال کردم که منظور از این آیه چیست؟ حضرت فرمود: منظور از پیامبران که بر آنها نعمت فرو فرستادیم، من هستم و صدیقین [راستگویان] یعنی علی بن ابی طالب و [شهداء] یعنی امام حسن و امام حسین و حمزه رضی الله عنه و حسن اولئك رفیقا؛ یعنی دوازده امام پس از من.

و در روایت دیگری از امام باقر رضی الله عنه آمده که: ... منظور از صالحین؛ یعنی ائمه رضی الله عنهم و منظور از حسن اولئك رفیقا؛ یعنی قائم آل محمد رضی الله عنه.

● آیه بیست و نهم

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَ لَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾^۱

□ «آیا ندیدی کسانی را که (در مکه) به آنها گفته شد: (فعلاً) دست از جهاد بردارید! و نماز را برپا کنید! و زکات بپردازید!» (اما آنها از این دستور ناراحت بودند) ولی هنگامی که (در مدینه) فرمان جهاد به آنها داده شد، جمعی از آنان از مردم می ترسیدند همان گونه که از خدا می ترسند بلکه بیشتر! و گفتند: «پروردگارا! چرا جهاد را بر ما مقرر داشتی؟! چرا این فرمان را تا زمان نزدیکی تأخیر نینداختی؟!» به آنها بگو: «سرمایه زندگی دنیا، ناچیز است! و سرای آخرت، برای کسی که پرهیزکار باشد بهتر است! و به اندازه رشته شکاف هسته خرمایی به شما ستم نخواهد شد!»

۵۵. روى ثقة الاسلام الكلینى (ره) باسناده عن محمد بن مسلم عن ابى جعفر عليه السلام قال: والله للذى صنعه الحسن بن على عليه السلام كان خيراً لهذه الأمة ممّا طلعت عليه الشمس فوالله لقد نزلت هذه الآية: «الم تر الى الذين قيل لهم كفّوا ايديكم و اقيموا الصلوة و آتوا الزكاة» انما هى طاعة الامام و طلبوا القتال «فلما كتب عليهم القتال» مع الحسين عليه السلام «قالوا ربنا لم كتبت علينا القتال لو لا اخرتنا الى اجل قريب» أرادو تأخير ذلك الى القائم عليه السلام .^۱

محمد بن مسلم از امام باقر عليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: به خدا سوگند! آنچه را که حسن بن علی عليه السلام برای این امت انجام داد (صلح با معاویه) از آنچه که خورشید بر آن بتابد بهتر بود. به خدا سوگند! این آیه درباره او نازل شده است: «الم تر الى الذين...» مقصود از آنها، تنها اطاعت و فرمانبرداری از امام بود، آنان درخواست جنگ نمودند و آنگاه که به همراه امام حسین عليه السلام جنگ بر آنها مقرر شد، گفتند: «ربنا لم كتبت علينا القتال لو لا اخرتنا الى اجل قريب؛ خدایا! چرا جنگ را بر ما مقرر داشتی، کاش ما را تا مدتی نزدیک مهلت می دادی.» و مقصودشان از این گفته این بود که جنگ تا ظهور قائم عليه السلام به تأخیر افتد.

● آیه سیام

«و ان یتفرقا یغن الله کلاً من سعته و کان الله واسعاً حکیماً»^۲

□ «(اما) اگر (راهی برای اصلاح در میان خود نیابند و) از هم جدا شوند خداوند هر کدام از آنها را با فضل و کرم خود، بی نیاز می کند و خداوند دارای فضل و کرم و حکیم است.»

۵۶. و من خطبة لمولانا أمير المؤمنين عليه السلام تسمى المخزون جاء فيها: و يسير الصديق

۱. روضة الكافي ص ۳۳۰ ح ۵۰۶.

۲. سورة نساء، آیه ۱۳۰.

الأكبر براية الهدى والسيف ذى الفقار والمخصرة حتى ينزل أرض الهجرة مرتين و هي الكوفة فيهدم مسجدها و يبنيه على بنائه الأول و يهدم مادونه من دور الجبابرة و يسير الى البصرة حتى يشرف على بحرها و معه التابوت و عصا موسى، فيعزم عليه، فيزفر زفرة بالبصرة فتصير بحراً لُجياً فيغرقها لا يبقى فيها غير مسجدها كجَوْجُو سفينة على ظهر الماء، ثم يسير الى حروراء ثم يُحرقها و يسير من باب بنى أسد حتى يزفر زفرة في ثقيف و هم زرع فرعون ثم يسير الى مصر فيعلو منبره و يخطب الناس فتستبشر الأرض بالعدل و تعطى السماء قطرها والشجر ثمرها والأرض نباتها و تتزيّن لأهلها و تأمن الوحوش حتى ترتعى في طرف الأرض كأنعامهم و يقذف في قلوب المؤمنين العلم فلا يحتاج مؤمن إلى ما عند أخيه من العلم فيومئذٍ تأويل هذه الآية: «يغن الله كلاً من سعته.»^۱

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: «صدیق اکبر با پرچم هدایت و شمشیر ذوالفقار و تازیانه، حرکت می کند؛ تا اینکه دوباره در زمین هجرت که کوفه است فرود می آید، مسجد کوفه را خراب کرده و دوباره آن را مانند اول از نو می سازد و خانه های ستمگران را که در اطراف آن بنا شده است منهدم می کند. آنگاه به بصره می رود و به نزدیک دریا می رسد و صندوق (تابوت) و عصای حضرت موسی نیز همراه اوست بر دریا می خواند و می دهد، پس آب دریا می خروشد و بصره را غرق می کند تنها مسجد آن چون سینه کشتی بر سطح آب باقی می ماند. آنگاه به سوی حرور می رود و آنجا را آتش می زند و از باب بنی اسد می گذرد تا اینکه بر سر قبیله ثقیف که از نسل فرعون هستند فریاد می کشد. سپس به سوی مصر رهسپار شده، در آنجا منبر می رود و برای مردم سخنرانی می کند و اهل زمین را به عدالت مژده می دهد و در عصر او آسمان می بارد، درختان میوه می دهند، زمین گیاه می رویاند و سرسبز و خرم می شود، حیوانات وحشی هم دارای امنیت می شوند به گونه ای که همانند چهارپایان در گوشه ای از زمین می چرخند، علم در قلوب مؤمنین وارد می شود به نحوی که هیچ مؤمنی به علم دیگران

نیازی ندارد. در آن هنگام این آیه تأویل می‌شود: «يَغْنِ اللَّهُ كَلًّا مِنْ سَعْتِهِ؛ خداوند هر کس را با فضل و کرم خود بی‌نیاز می‌کند.»

● آیه سی و یکم

«وَأَنْ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا»^۱؛

□ «و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر اینکه پیش از مرگش به او [حضرت مسیح] ایمان می‌آورد و روز قیامت بر آنها گواه خواهد بود.»

۵۷. عن شهر بن حوشب قال: قال لي الحجاج... ان عيسى ينزل يوم القيامة الى الدنيا فلا يبقى اهل ملّة يهودي و لا غيره (نصراني) الا آمن به قبل موته و يُصَلِّي خلف المهدي عليه السلام قال: ويحك اني لك هذا و من أين جئت به؟ فقلت: حدّثني به محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليه السلام فقال: جئت بها - والله - من عين صافية^۲.

«علی بن ابراهیم» در تفسیر خویش از «ابن حوشب» آورده است که: «حجاج» می‌گفت: این آیه شریفه: «و ان من اهل الكتاب الا لیؤمنن به...» مرا دچار حیرت و سردرگمی کرده است، چرا که من به هنگام فرمان کشتار یهود و نصارا هر چه دقت می‌کنم و انتظار می‌کشم چیزی از آن نمی‌شنوم تا گزارش این آیه از آینده را درک کنم و حتی لب‌های آنان هم حرکت نمی‌کند! [راوی گوید: من گفتم: خدای، امیر را اصلاح کند، معنای آیه شریفه این‌گونه که تو می‌پنداری نیست. پرسید: پس معنای آن چگونه است؟ گفتم: «مسیح» پیش از فرا رسیدن رستاخیز به خواست خدا از آسمان فرود خواهد آمد و به امامت حضرت مهدی عليه السلام نماز خواهد خواند و آنگاه است که یهودیان و مسیحیان از رحلت او به او ایمان خواهند آورد. [حجاج] گفت: وای بر تو! این‌گونه تفسیر کردن این

۱. سوره نساء، آیه ۱۵۹.

۲. تفسیر قمی ج ۱ ص ۱۵۸.

آیه را از چه کسی آموخته‌ای؟ گفتم: از امام باقر علیه السلام. [حجاج] گفت: به خدا سوگند! که از سرچشمه‌ای زلال و جوشان نقل کردی.

۵۸. روی الطبرسی باسناده عن ابن وهب قال: قال ابن زید فی قوله: «و ان من اهل الكتاب الا لیؤمننّ به قبل موته» قال: اذا نزل عیسی ابن مریم فقتل الدجال لم یبق یهودی فی الأرض الا آمن به قال: و ذلك حین لا ینفعهم الايمان!

از ابن عباس و ابن زید وارد شده است که درباره این آیه شریفه: «و ان من اهل الكتاب الا...» گفته‌اند که: هنگامی که عیسی بن مریم علیه السلام فرود آید، دجال را به قتل می‌رساند و در زمین هیچ فرد یهودی باقی نمی‌ماند مگر اینکه به او گرایش پیدا می‌کند و این زمانی است که ایمان آنها به حالشان سودی نمی‌بخشد.



سورة مائده

● آیه سی و دوم

«الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ
أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا
فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛

□ «... امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مأیوس شدند؛ بنابراین از آنها
نترسید و از (مخالفت) من بترسید! امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود
را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم. اما
آن‌ها که در حال گرسنگی، دستشان به غذای دیگری نرسد و متمایل به گناه
نباشند (مانعی ندارد که از گوشت‌های ممنوع بخورند؛ خداوند، آمرزنده
و مهربان است.»

۵۹. روی العیاشی عن عمرو بن شمر، عن جابر قال: أبو جعفر عليه السلام في هذه الآية: «اليوم
ينس الذين كفروا من دينكم فلا تخشوهم واخشون» يوم يقوم القائم عليه السلام ينس بنو أمية،
فهم الذين كفروا ينسوا من آل محمد عليه السلام.^۲

عمرو بن شمر از جابر نقل کرده است که گفت: امام باقر عليه السلام درباره آیه: «اليوم ينس

۱. سورة مائده، آیه ۳.

۲. تفسیر العیاشی ج ۱ ص ۲۹۲ ح ۱۹؛ بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۵۵.

الذین کفروا؛ امروز کسانی که کفر ورزیدند از دین شما مایوس و ناامید شدند، از آنان بیم نداشته باشید و از من بترسید» فرمود: یعنی: روزی که قائم علیه السلام قیام کند و از آل محمد علیهم السلام مایوس گشته اند.

● آیه سی و سوم

﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا؛

□ «خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آنها، دوازده نقیب [سرپرست]

برانگیختیم.»

۶۰. روی ابن شاذان بالاسناد عن الأصبع بن نباته، عن ابن عباس، قال: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول: معاشر الناس اعلموا أنّ الله تعالى جعل لكم باباً من دخله أمن من النار و من الفزع الأكبر فقام إليه أبو سعيد الخدری فقال: يا رسول الله اهدنا إلى هذا الباب حتى نعرفه، قال: هو عليّ بن أبي طالب، سيّد الوصيّين و أمير المؤمنين و أخو رسول ربّ العالمين و خليفة الله على الناس أجمعين.

معاشر الناس من أحبّ أن يتمسّك بالعروة الوثقى التي لا انفصام لها فليتمسّك بولاية عليّ بن أبي طالب فإنّ ولايته و لايتى و طاعته طاعتي.

معاشر الناس من أحبّ أن يعرف الحجّة بعدى فليعرف عليّ بن أبي طالب. معاشر الناس من أراد أن يتولى الله و رسوله فليقتد بعليّ بن أبي طالب بعدى و الأئمّة من ذريّتى فإنّهم خزان علمى.

فقام جابر بن عبدالله الأنصارى فقال: يا رسول الله و ما عدّة الأئمّة؟ فقال: يا جابر سألتنى رحمك الله عن الاسلام بأجمعه، عدّتهم عدّة الشهور عند الله اثنا عشر شهراً فى كتاب الله خلق السموات و الأرض و عدّتهم عدّة العيون التي انفجرت لموسى بن عمران عليه السلام حين ضرب بعصاه الحجر فانفجرت منه اثنتا عشرة عينا و عدّتهم عدّة نبياء

بنی اسرائیل قال الله تعالی: «و بعثنا منهم اثنی عشر نقیباً» فالأئمة یا جابر اثنا عشر اماماً أولهم علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرهم القائم المهدی صلوات الله علیهم^۱.

اصبغ بن نباته از ابن عباس روایت کرده که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: ای مردم بدانید که خداوند برای شما دری قرار داده که هر کس به آن در وارد شود از آتش و ترس بزرگ روز قیامت در امان است. ابوسعید خدری برخاست و نزد حضرت آمد و عرض کرد: ای پیامبر! ما را به طرف آن هدایت فرما تا او را بشناسیم. حضرت فرمود: آن در علی بن ابی طالب است که سید اوصیاء و امیر مؤمنان و برادر رسول خداست. ای مردم! هر کس دوست دارد به دستگیره مطمئنی که شکست در آن راه ندارد متمسک شود باید به ولایت علی بن ابی طالب تمسک کند، همانا ولایت او ولایت من و طاعت او طاعت من است. ای مردم! هر کس دوست دارد که حجت بعد از من را بشناسد، باید علی بن ابی طالب را بشناسد. ای مردم! هر کس می خواهد خدا و رسول را دوست بدارد باید بعد از من به علی بن ابی طالب و امامان از نسل من اقتدا نماید که آنها گنجینه های علم من هستند. جابر بن عبدالله انصاری پیا خاست و عرض کرد: ای رسول خدا! امامان [بعد از شما] چند نفرند؟ حضرت فرمود: ای جابر! خدا تو را رحمت کند، از همه اسلام سؤال کردی، تعداد آنها به تعداد ماه های سال است که آن در نزد خدا، در کتاب خدا از روزی که آسمان ها و زمین را آفریده دوازده می باشند. تعداد امامان به تعداد چشمه هایی است که برای موسی بن عمران علیه السلام جاری شد زمانی که عصای خود را به سنگ زد و از آن دوازده چشمه جاری شد. تعداد امامان به تعداد رؤسای بنی اسرائیل است، خداوند فرموده است: «و بعثنا منهم اثنی عشر نقیباً». بنابراین ای جابر! امامان دوازده نفرند، اولین آنها علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرین آنها قائم مهدی صلوات الله علیهم می باشند.

● آیه سی و چهارم

«و مِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا

۱. بحار الأنوار ج ۳۶ ص ۲۶۳؛ مائة منقبة لأمير المؤمنين علیه السلام لان شاذان ص ۷۱ المنقبة ۴۱.

بِهِ فَأَعْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ^۱؛

□ «و از کسانی که ادعای نصرانیت (و یاری مسیح) داشتند نیز پیمان گرفتیم، ولی آنها قسمت مهمتی را از آنچه به آنان تذکر داده شده بود، فراموش کردند. از این رو در میان آنها تا دامنۀ قیامت، عداوت و دشمنی افکندیم و خداوند (در قیامت) آنها را از آنچه انجام می دادند (و نتایج آن) آگاه خواهد ساخت.»

۶۱. روی ثقّة الاسلام الكلینی (ره) باسناده عن أبي ربيع الشاميّ قال: قال لي أبو عبد الله عليه السلام: لا تشتري من السودان احداً فان كان فلا بدّ، فمن النوبة فإنهم من الذين قال الله عزّوجلّ: «و من الذين قالوا انا نصارى أخذنا ميثاقهم فنسوا حظاً مما ذكروا به» أما إنهم سيذكرون ذلك الحظّ، و سيخرج مع القائم عليه السلام منا عصابة منهم...^۲»

ابوربيع شامی از امام صادق عليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: از غلام‌های سیاه‌پوست کسی را خریداری نکنید و اگر ناگزیر شدید خریداری نمایید، از حبشه (اتیوپی) بخرید؛ زیرا آنان کسانی هستند که خداوند عزّوجلّ دربارهٔ آنان فرموده: «و من الذين قالوا...» هان، آگاه باش که آنان، آن بهره (میثاق پیامبر و ائمه) را یاد می کنند و گروهی از آنان با قائم عليه السلام خروج خواهند کرد.

● آیه سی و پنجم

﴿و اذ قال موسى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ اذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَ جَعَلَكُمْ مُلُوكاً وَ آتَاكُمْ مَّا لَمْ يُوْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ﴾^۳؛

۱. سوره مائده، آیه ۱۴.

۲. الکافی ج ۵ ص ۳۵۲ ح ۲؛ تفسیر البرهان ج ۱ ص ۵۴۴؛ اثبات الهداة ج ۳ ص ۴۵۲ ب ۳۲ ح ۶۴.

۳. سوره مائده، آیه ۲۰.

□ «(به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من! نعمت خدا را بر خود متذکر شوید، هنگامی که در میان شما، پیامبرانی قرار داد (وزنجیر بندگی و اسارت فرعونى را شکست) و شما را حاکم و صاحب اختیار خود قرار داد و به شما چیزهایی بخشید که به هیچ یک از جهانیان نداده بود!»

۶۲. عن محمد بن سليمان الديلمي، عن أبيه قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله عزوجل: «و جعل فيكم أنبياء و جعلكم ملوكاً» فقال: الأنبياء رسول الله صلى الله عليه وآله و ابراهيم و اسماعيل و ذرّيته، والملوك الأئمة عليهم السلام، قال: فقلت: و أىّ ملك أعطيتم؟ فقال: ملك الجنة و ملك الكرّة^۱.

محمد بن سليمان دیلمی از پدرش نقل کرده که گفت: از امام صادق عليه السلام درباره فرمایش خدای عزوجل: «و جعل فيكم انبياء و جعلكم ملوكاً» سؤال کردم، حضرت فرمود: انبياء، عبارتند از: رسول خدا صلى الله عليه وآله و ملوک یعنی: ائمه عليهم السلام. [راوی گوید:] عرض کردم: کدام ملک به شما داده شده است؟ حضرت فرمود: ملک بهشت و ملک رجعت.

● آیه سی و ششم

﴿... لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾^۲؛

□ «... آنها کسانی هستند که خدا نخواسته دل‌هایشان را پاک کند، در دنیا

۱. مختصر بصائر الدرجات ص ۳۸؛ بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۴۵.

۲. سوره مائده، آیه ۴۱.

رسوایی و در آخرت مجازات بزرگی نصیبشان خواهد شد.»

○ خزی الكفار على يد المهدي عليه السلام

۶۳. روى الشيخ الطوسى (ره) عن السدى فى قوله تعالى: «لهم فى الدنيا خزى و لهم فى الآخرة عذاب عظيم» قال: خزيهم فى الدنيا أنه إذا قام المهدي و فتحت قسطنطينية قتلهم^۱.

○ نلت و خواری کفار به دست حضرت مهدى عليه السلام

درباره فرمایش خدای متعال: «لهم فى الدنيا خزى...» از سدى نقل شده که گفت: خواری آنها در دنیا این است که هنگامی که حضرت مهدى عليه السلام قیامت کرد و قسطنطنیه (استانبول) فتح شد آنان را از دم تیغ می گذرانند.



● آیه سی و هفتم

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ... وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^۲

□ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما از آیین خود بازگردد (به خدا زیانی نمی‌رساند) خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند. در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند. آنها در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این، فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد و (فضلی) خدا وسیع و خداوند داناست.»

۱. تفسیر التبیان للطوسی ج ۱ ص ۴۲۰.

۲. سوره مائده، آیه ۵۴.

۶۴. روى النعمانى (ره) بإسناده عن سليمان بن هارون العجليّ قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إنَّ صاحب هذا الأمر محفوظه له اصحابه و لو ذهب الناس جميعاً، أتى الله بأصحابه و هم الذين قال عزّوجلّ: «فان يكفر بها هؤلاء فقد وكلنا بها قوماً ليسوا بها بكافرين»^۱ و هم الذين قال الله عزّوجلّ: «فسوف يأتي الله بقوم يحبّهم و يحبّونه أذلة على المؤمنين اعزّة على الكافرين»^۲.

حماد بن عثمان از سليمان بن هارون عجلي نقل کرده که گفت: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: یاران صاحب این امر، محفوظ هستند اگر همه مردم از بین بروند، خداوند اصحاب و یاران او را می آورد و آنان کسانی هستند که خداوند درباره آنان فرموده است: «اگر اینان به آن کفر ورزند، گروهی را بر آنان نگاهبان قرار می دهیم که به آن کفر نمی ورزند» و هم آنان که خداوند درباره آنها فرموده: «خداوند گروهی را خواهد آورد که آنها را دوست دارد و آنها نیز دوستدار اویند، نسبت به مؤمنین متواضع و به کافران سخت گیر هستند.»

۶۵. روى العیاشی بإسناده عن سليمان بن هارون، قال: قلت له: إنَّ بعض هؤلاء العجلیّة يقول: إنَّ سيف رسول الله صلى الله عليه وآله عند عبدالله بن الحسن! فقال: والله ما رآه و لا أبوه بواحدة من عينیه، إلا أن يكون رآه أبوه عند الحسين عليه السلام و إنَّ صاحب هذا الأمر محفوظ له، فلا تذهبنّ يميناً و لا شمالاً فإنَّ الأمر والله واضح والله لو أنَّ أهل السماء او الأرض اجتمعوا على أن يُحوّلوا هذا الأمر من موضعه الذي وضعه الله فيه ما استطاعوا و لو أنَّ الناس كفروا جميعاً حتّى لا يبقى احد، لجاؤ الله لهذا الأمر بأهل يكونون من أهله ثمّ قال: أما تسمع الله يقول: «يا ايّها الذين امنوا من يرتد...» حتّى فرغ من الآية و قال فى آية اخرى: «فان يكفر بها هؤلاء فقد وكلنا بها قوماً ليسوا بها بكافرين»^۳ ثمّ قال: إنَّ أهل هذه الآية هم أهل تلك الآية^۴.

سليمان بن هارون می گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: عجلیه ادعا می کنند که

۱. الأنعام / ۸۹

۲. الغيبة للنعمانى ص ۳۱۶ ح ۱۲: البرهان ج ۱ ص ۴۷۸ ح ۱.

۳. الأنعام / ۸۹

۴. تفسير العیاشی ج ۱ ص ۳۲۶ ح ۱۳۵.

شمشیر رسول خدا ﷺ نزد عبدالله بن حسن است. حضرت فرمود: به خدا سوگند! نه او و نه پدرش آن را با یک چشم خود هم ندیده است؛ مگر اینکه پدرش آن را نزد حسین ﷺ دیده است. یاران صاحب این امر محفوظند و تو به سمت راست و چپ منحرف نشوی. به خدا سوگند! امر [ظهور] روشن و واضح است. به خدا سوگند! اگر اهل آسمان و زمین جمع شوند تا این امر [ظهور] را از جایگاهی که خداوند آن را وضع نموده و قرار داده است تغییر دهند، توانایی آن را ندارند و اگر همه مردم کافر شوند به گونه‌ای که یک تن هم باقی نمی‌ماند خداوند برای این امر [ظهور] افرادی را که شایستگی آن را دارند خواهد آورد. سپس فرمود: آیا فرمایش خدای سبحان را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «یا ایها الذین امنوا من یرتد منکم...» تا اینکه آیه را تمام کرد و در آیه‌ای دیگر خداوند فرموده است: «فان یکفر بها هؤلاء...»، اگر اینان به آن کفر ورزند ما گروهی را بر آنان نگاهبان قرار می‌دهیم که به آن کفر نمی‌ورزند.» فرمود: کسانی که در این آیه ذکر شده‌اند همان افراد اهل آن آیه هستند.

● آیه سی و هشتم

«إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَ إِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»؛ □ «(با این حال) اگر آنها را مجازات کنی، بندگان توأند (و قادر به فرار از مجازات تو نیستند) و اگر آنان را ببخشی، توانا و حکیمی! (نه کیفر تو نشانه بی‌حکمتی است و نه بخشش تو نشانه ضعف!)».

۶۶. روی السیوطی قال: و أخرج أبوالشیخ، عن ابن عباس فی قوله تعالی: «ان تعذبهم فإنهم عبادك» یقول: عبیدك قد استوجبوا العذاب بمقاتلتهم «و ان تغفر لهم» ای من ترکت منهم و مدّ فی عمره حتّی أهبط من السماء الی الأرض بقتل الدّجال فنزلوا عن مقاتلتهم و وخذوک و اقرّوا انا عبید، «و ان تغفر لهم» حیث رجعوا عن مقاتلتهم، «فانك انت

العزیز الحکیم^۱»

ابوشیخ از ابن عباس دربارهٔ آیه شریفه «لا تعذبهم...» آورده است: [خدایا!] بندگان تو به واسطه گفته آنها [درباره حضرت عیسی] سزاوار عذاب شدند. «اگر آنها را ببخشایی» یعنی کسانی را که رها کرده‌ای و عمر او را طولانی نمایی تا اینکه من [عیسی] برای کشتن دجال از آسمان به زمین آیم، آنها دست از گفتهٔ خود بردارند و تو را به یگانگی ستایش کنند و اعتراف کنند که من بنده [تو هستم] زمانی که از گفته خود برگشتند اگر آنها را ببخشایی به راستی که تو عزیز و حکیم هستی.



سورة انعام

● آیه سی و نهم

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ﴾^۱

□ «او کسی است که شما را از گل آفرید، سپس مدتی مقرر داشت (تا انسان تکامل یابد) و اجل حتمی نزد اوست (و فقط او از آن آگاه است) با این همه شما (مشرکان در توحید و یگانگی و قدرت او) تردید می‌کنید!»

○ خروج السفیانی من المحتوم

۶۷. روى النعمانی بإسناده عن حمران بن اعین، عن أبی جعفر محمد بن علی علیه السلام فی قوله تعالى: «ثم قضی اجلاً و اجلٌ مسمیٌ عنده» قال:

أنهما اجلان: اجل محتوم و اجل موقوف، فقال له حمران: ما المحتوم؟ قال: الذي لا يكون غيره. قال: و ما الموقوف؟ قال: هو الذي لله فيه المشيئة. قال حمران: انى لأرجو أن يكون اجل السفیانی من الموقوف، قال ابو جعفر علیه السلام: لا والله أنه لمن المحتوم^۲.

○ خروج سفیانی از نشانه‌های قطعی است

حمران بن اعین از امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خدای تعالی: «ثم قضی اجلاً و اجلٌ مسمیٌ عنده» روایت کرده است که آن حضرت فرمود: به راستی که دو اجل (زمان) وجود

۱. سورة انعام، آیه ۲.

۲. الغيبة للنعمانی ص ۳۰۱ ح ۴ ب ۱۸؛ اثبات الهداة ج ۳ ب ۳۴ ح ۱۲۱.

دارد: یکی اجل حتمی و دیگری اجل مشروط. حمران گوید: عرض کردم: اجل (زمان) قطعی کدام است؟ حضرت فرمود: آن هنگامی که مشیت خدا در آن است، حمران گوید: عرض کردم: من امیدوارم که زمان سفیانی زمانی مشروط باشد. امام باقر علیه السلام فرمود: خیر، به خدا سوگند! که زمان او قطعی و حتمی است.

● آیه جهلم

«وَقَالُوا لَوْ لَا نَزَّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»؛

□ «و گفتند: چرا نشانه (و معجزه‌ای) از طرف پروردگارش بر او نازل نمی‌شود؟! بگو: خداوند، قادر است که نشانه‌ای نازل کند ولی بیشتر آنها نمی‌دانند.»

۶۸. روی القمیّ فی روایة أبی الجارود عن أبی جعفر علیه السلام فی قوله: «انّ الله قادر علی ان ینزل آیه» و سیریکم فی آخر الزمان آیات: منها دابة الارض والدجال و نزول عیسی ابن مریم علیه السلام و طلوع الشمس من مغربها^۱.

در روایت ابوالجارود از امام باقر علیه السلام نقل شده که درباره فرمایش خدای تعالی: «ان الله قادر علی أن ینزل آیه» فرمود: و در آخر الزمان نشانه‌هایی را به شما ارائه خواهد داد از جمله آن نشانه‌ها عبارتند از: دابة الارض، دجال و فرود آمدن حضرت عیسی بن مریم علیه السلام و طلوع خورشید از مغرب.

● آیه جهل و یکم

۱. سوره انعام، آیه ۳۷.

۲. تفسیر القمیّ ج ۱ ص ۱۹۸؛ تفسیر الصافی ج ۲ ص ۱۱۸.

﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ * فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾؛

□ «(آری) هنگامی که (اندرزها سودی نبخشید و) آنچه را به آنها یادآوری شده بود فراموش کردند، درهای همه چیز (از نعمتها) را به روی آنها گشودیم تا (کاملاً) خوشحال شدند (و دل به آن بستند) ناگهان آنها را گرفتیم (و سخت مجازات کردیم) در این هنگام همگی مأیوس شدند (و درهای امید به روی آنها بسته شد) و (به این ترتیب) دنباله (زندگی) جمعیتی که ستم کرده بودند، قطع شد و ستایش مخصوص خداوند، پروردگار جهانیان است.»

۶۹. عن المفضل بن عمر، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: و نزلت في بني فلان ثلاث آيات قوله عز وجل: «حتى إذا أخذت الارض زخرفها و ازينت و ظن أهلها أنهم قادرون عليها أتاها أمرنا ليلاً أو نهاراً» يعني القائم بالسيف «فجعلناها حصيداً كأن لم تغن بالأمس^۲» و قوله عز وجل «فتحنا عليهم ابواب كل شيء حتى إذا فرحوا بما أوتوا اخذناهم بغتة فإذا هم مبلسون فقطع دابر القوم الذين ظلموا والحمد لله رب العالمين» قال ابو عبد الله عليه السلام: السيف و قوله عز وجل: «فلما رأوا بأسنا إذا هم منها يركضون. لا تركضوا وارجعوا إلى ما أترفتم فيه و مساكنكم لعلكم تسئلون^۳» يعني القائم، يسأل بني فلان كنوز بني امية^۴.

مفضل بن عمر از امام صادق عليه السلام روایت کرده که فرمود: درباره بنی فلان، سه آیه نازل شده است یکی: «حتى إذا اخذت... امرنا ليلاً او نهاراً» امر ما یعنی قائم عليه السلام با شمشیر. و «فجعلناها...» و آیه دیگر: «فتحنا عليهم...» امام صادق عليه السلام فرمود: با شمشیر [نسل کسانی را که ظلم و ستم کردند با شمشیر قطع می گردد] و این آیه: «فلما رأوا...» مقصود قائم عليه السلام است که راجع به گنج های بنی امیه از بنی فلان سؤال می کند.

۱. سوره انعام، آیه ۴۴ و ۴۵.

۲. یونس: ۲۴.

۳. انبیاء / ۱۲ و ۱۳.

۴. دلائل الامامة ص ۲۵۰.

۷۰. عن أبي حمزة، عن أبي جعفر عليه السلام قال: أمّا قوله: «فلما نسوا ما ذكروا به» يعني فلما تركوا ولاية علي عليه السلام و قد أمروا بها، فتحنا عليهم ابواب كل شيء، يعني مع دولتهم في الدنيا و ما بسط فيها و أمّا قوله: «حتى إذا فرحوا بما اوتوا اخذناهم بغتة فاذا هم مبلسون» يعني قیام القائم عليه السلام .

ابو حمزه گوید: از امام باقر عليه السلام تفسیر تعدادی از آیات را پرسیدم: ... حضرت فرمود: اما فرمایش خدای متعال: «حتى إذا فرحوا بما...» یعنی قیام قائم عليه السلام .

● آیه چهل و دوم

«قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيعًا وَ يُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ أَنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ»^۱؛

□ «بگو او قادر است که از بالا یا از زیر پای شما عذابی بر شما بفرستد یا به صورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بیامیزد و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشاند، ببین چگونه آیات گوناگون را (برای آنها) بازگو می‌کنیم! شاید بفهمند (و باز گردند)!»

۷۱. روی علی بن ابراهیم قال: و فی روایة ابي الجارود، عن أبي جعفر عليه السلام فی قوله: «و هو القادر علی ان یبعث علیکم عذاباً من فوقکم» قال: هو الدخان والصيحة: «أو من تحت ارجلکم» و هو الخسف «أو یلبسکم شیعاً» و هو اختلاف فی الدین و طعن بعضکم علی بعض و هو ان یقتل بعضکم بعضاً و کلّ هذا فی أهل القبلة^۲.

در روایت ابوالجارود از امام باقر عليه السلام منقول است که درباره آیه شریفه: «و هو القادر

۱. بصائر الدرجات للصفار ج ۷۸ ح ۵؛ بحار الأنوار ج ۳۵ ص ۳۷۱.

۲. سورة انعام، آیه ۶۵.

۳. تفسیر القمی ج ۲ ص ۲۰۴؛ بحار الأنوار ج ۲۵ ص ۱۸۱.

علی ان یبعث علیکم عذاباً من فوقکم» فرمود: [عذابی که از بالا فرود می آید] آن دود است و صیحه آسمانی و «او من تحت ارجلکم» (و یا از زیر پایتان) یعنی فرو رفتن در زمین «او یلبسکم شیعاً» (و یا شما را به هم اندازد) یعنی اختلاف در دین و اینکه برخی از شما بعضی دیگر را کشتار نمایند و همه اینها میان مسلمانان خواهد بود.

● آیه جهل و سوم

«هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْساً إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْراً قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ»^۱

□ «آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان (مرگ) به سراغشان آیند یا خداوند (خودش) به سوی آنها بیاید یا بعضی از آیات پروردگارت (و نشانه‌های رستاخیز)؟! اما آن روز که بعضی از آیات پروردگارت تحقق پذیرد ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده‌اند یا در ایمانشان عمل نیکی انجام نداده‌اند، سودی به حالشان نخواهد داشت! بگو: «(اکنون که شما چنین انتظارات نادرستی دارید) انتظار بکشید! ما هم انتظار (کیفر شما را) می‌کشیم!»

○ آیات قبل ظهور المهدي عجل الله فرجه

۷۲. روی ابن حمّاد باسناده عن زید بن أبی عتاب، سمع أباً هريرة يقول: قال رسول الله صلى الله عليه وآله خمساً لا أدرى أيتها أول الآيات و ايتها إذا جاءت: لم «ينفع نفساً إيمانها لم تكن آمنت من قبل أو كسبت في إيمانها خيراً» طلوع الشمس من مغربها والدجال و يأجوج و مأجوج والدخان والدابة^۲.

۱. سورۃ انعام، آیه ۱۵۸.

۲. ابن حمّاد ص ۱۸۳؛ الدرالمشورج ۳ ص ۵۹.

○ نشانه‌های قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام

زید بن ابوعتاب از ابوهریره و او از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که: پنج چیز است که نمی‌دانم کدام یک از آنها اولین نشانه و کدام یک از آنها وقتی که آمد «ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده‌اند یا در ایمانشان عمل نیکی انجام نداده‌اند سودی به حالشان نخواهد داشت [آنها عبارتند از:] طلوع خورشید از مغرب، دجال، یاجوج و ماجوج، دود و دابّه.

۷۳. عن علی بن رئاب عن ابي عبدالله عليه السلام انه قال في قول الله عز وجل: «يوم يأتي بعض آيات ربك لا ينفع نفساً ايمانها لم تكن آمنت من قبل» الآيات هم الأئمة والآية المنتظرة القائم عليه السلام فيومئذ لا ينفع نفساً ايمانها لم تكن آمنت من قبل قيامه بالسيف وإن آمنت بمن تقدمه من آباؤه عليهم السلام ۱.

علی بن رئاب از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت در تأویل این آیه قرآن: «یوم یأتی بعض...» فرمود: آیات، عبارت از ائمه هستند و نشانه منتظره حضرت قائم علیه السلام است و در آن روز ایمان کسی که پیش از قیام او با شمشیر ایمان نیاورده باشد سودی ندارد گر چه به پدران او ایمان آورده باشد.

۷۴. عن ابي بصير قال: قال الصادق جعفر بن محمد عليه السلام في قول الله عز وجل: «يوم يأتي بعض آياتك ربك لا ينفع نفساً ايمانها لم تكن آمنت من قبل أو كسبت في ايمانها خيراً» يعني خروج القائم عليه السلام المنتظر منا ثم قال عليه السلام: يا أبا بصير طوبى لشيعة قائمنا المنتظرين لظهوره في غيبته والمطيعين له في ظهوره أولئك أولياء الله الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون ۲.

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت در تفسیر این فرموده خدای تعالی: «یوم یأتی بعض آیات...» فرمود: یعنی خروج قائم منتظر از ما، سپس فرمود: ای ابابصیر! خوشا به حال شیعیان قائم ما، کسانی که در غیبتش منتظر ظهور او هستند و در حال ظهورش نیز فرمان‌بردار او هستند. آنان اولیای خدا هستند که نه ترس بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند.

۱. کمال الدین ج ۲ ص ۷ باب ۳۳ ح ۸

۲. کمال الدین ج ۲ ص ۳۹ باب ۳۳ ح ۵۴

سورة اعراف

● آیه جهل و چهارم

﴿و بَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَ نَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَ هُمْ يَطْمَعُونَ﴾^۱؛

□ «و در میان آن دو [بهشتیان و دوزخیان] حجابی است و بر «اعراف» مردانی هستند که هر یک از آن دو را از چهره‌شان می‌شناسند و به بهشتیان صدا می‌زنند که: «درود بر شما باد» اما داخل بهشت نمی‌شوند در حالی که امید آن را دارند!»

۷۵. فی ینابیع المودّة عن المناقب بسنده عن زادن عن سلمان الفارسی (ره) قال: «سمعت رسول الله ﷺ يقول لعليّ أكثر من عشر مرّاتٍ: يا عليّ أذكّك والاصياء من ولدك اعراف بين الجنّة والنّار، لا يدخل الجنّة الاّ من عرفكم و عرفتموه و لا يدخل النّار الاّ من انكركم وانكرتموه»^۲.

۱. سورة اعراف، آیه ۴۶.

۲. ینابیع المودّة ص ۱۰۲.

در کتاب ینابیع المودة از سلمان فارسی نقل شده که گوید: بیش از ده مرتبه از رسول خدا ﷺ شنیدم که به علی علیه السلام می فرمود: «یا علی، تو و اوصیاء از فرزندان تو در قیامت در اعراف بین بهشت و دوزخ قرار خواهید گرفت و کسی به بهشت نخواهد رفت، مگر آنکه شما را شناخته باشد و شما نیز او را پذیرفته باشید و کسی به دوزخ نخواهد رفت مگر آنکه منکر شما بوده باشد و شما او را نپذیرفته باشید.»

۷۶. فی تفسیر القمی عن الصادق علیه السلام: «کلّ امة یحاسبها امام زمانها و تعرف الأئمة اولیائهم و اعدائهم بسیماهم و هو قوله: و علی الأعراف رجال یعرفون کلاً بسیماهم، فیعطوا اولیائهم کتابهم بيمينهم فیمرّوا الی الجنة بلا حساب و یعطوا اعدائهم کتابهم بشمالهم فیمرّوا الی النار بلا حساب.»

در تفسیر قمی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «حساب هر امتی را امام زمان آن امت خواهد نمود و ائمه علیهم السلام دوستان و دشمنان خود را از صورت و سیمای آنها می شناسند و این است معنای آیه شریفه: «و علی الأعراف رجال...» پس ائمه علیهم السلام نامه اولیاء دوستان خود را به دست راست آنها می دهند و آنها بدون حساب وارد بهشت می شوند و نامه دشمنان خود را به دست چپ آنها می دهند و آنها نیز بدون حساب وارد دوزخ می شوند.»

۷۷. و فی البصائر، عن الباقر علیه السلام، قال: الرّجال؛ هم الأئمة من آل محمّد علیهم السلام و الأعراف صراط بین الجنة فمن شفع له الأئمة منّا من المؤمنین نجی و من لم یشفعوا له هوی فیہ. در کتاب بصائر الدرجات از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: مقصود از «رجال» در این آیه، امامان از آل محمّد علیهم السلام هستند و اعراف صراطی است بین بهشت و جهنم، پس هر که را ما امامان شفاعت کنیم نجات یابد و هر که شفاعت نکنیم در دوزخ افتد.

۷۸. عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی هذه الآیة: «نحن علی الأعراف نعرف انصارنا بسیماهم و نحن الأعراف الذین لا یعرف الله عزّوجلّ بسبیل معرفتنا و نحن الأعراف یوقفنا الله

۱. بحار الأنوار ج ۸ ص ۳۳۹.

۲. بصائر الدرجات ص ۵۱۶.

عزوجل يوم القيامة على الصراط فلا يدخل الجنة الا من عرفنا و عرفناه و لا يدخل النار الا من انكرنا و انكرناه^۱»

در کافی در تفسیر این آیه از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود: «ما هستیم که در قیامت بر اعراف قرار می‌گیریم و یاران و شیعیان خود را با سیمایشان می‌شناسیم و ماییم آن کسانی که بدون معرفت و شناخت ما، خداوند شناخته نمی‌شود [و از این جهت خداوند ما را اعراف نامیده است] و ماییم اعراف که خداوند در قیامت ما را بر صراط می‌گمارد پس هیچ کس داخل بهشت نمی‌شود مگر اینکه ما را شناخته باشد و اما او را شناخته باشیم و هیچ کس وارد دوزخ نمی‌شود جز آنکه ما را نشناخته باشد و ما نیز او را نشناخته باشیم.»



● آیه جهل و پنجم

«هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ...»^۲؛

□ «آیا آنها جز انتظار تأویل آیات (و فرا رسیدن تهدیدهای الهی) دارند؟ آن روز که تأویل آنها فرا رسد (کار از کار گذشته و پشیمانی سودی ندارد و) کسانی که قبلاً آن را فراموش کرده بودند می‌گویند: فرستادگان پروردگار ما، حق را آوردند...»

۷۹. روی علی بن ابراهیم فی تفسیره المنسوب الی الصادق علیه السلام قال: فهو من الآيات التي تأويلها بعد تنزيلها قال: ذلك يوم القائم علیه السلام و يوم القيامة^۳.

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر منسوب به امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: «هر

۱. الکافی ج ۱ ص ۱۸۴.

۲. سوره اعراف، آیه ۵۳.

۳. تفسیر قمی ج ۱ ص ۲۳۵.

ينظرون الا تأويله» آورده است که این آیه درباره حضرت قائم علیه السلام و روز قیامت است.

● آیه جهل و ششم

﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾^۱؛

□ «... پس شما منتظر باشید من هم با شما انتظار می‌کشم! (شما انتظار

شکست من و من انتظار عذاب الهی برای شما!)».

۸۰. عن محمد بن الفضیل عن أبي الحسن الرضا علیه السلام قال: سألته عن شيء في الفرج فقال: أو ليس تعلم ان انتظار الفرج من الفرج، ان الله يقول: «انتظروا انى معكم من المنتظرين»^۲.

محمد بن فضیل از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که از آن حضرت درباره فرج سؤال کردم. در پاسخ فرمود: آیا نمی‌دانی که انتظار فرج از فرج [مایه گشایش] است [زیرا] خداوند فرموده است: «شما منتظر باشید من هم با شما از منتظران خواهم بود.»

۸۱. عن احمد بن محمد، عن أبي الحسن علیه السلام قال: سمعته يقول: ما احسن الصبر و انتظار الفرج، اما سمعت قول العبد الصالح: «انتظروا انى معكم من المنتظرين»^۳.

احمد بن احمد از امام رضا علیه السلام روایت کرده و گفت: شنیدم حضرت می‌فرمود: صبر و انتظار فرج، چقدر نیکو و زیباست. آیا سخن عبد صالح را نشنیدی که فرمود: منتظر باشید که من هم با شما منتظرم.

● آیه جهل و هفتم

۱. سورة اعراف، آیه ۷۱.

۲. تفسیر العیاشی ج ۲ ص ۱۳۸ ح ۵۰.

۳. تفسیر العیاشی ج ۲ ص ۲۰ ح ۵۲.

﴿قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۱؛

□ «موسیٰ به قوم خود گفت: «از خدا یاری جوید و استقامت پیشه کنید که زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد واگذار می‌کند و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است.»

۸۲. عن هشام بن سالم، عن أبي خالد الكابلي عن أبي جعفر عليه السلام قال: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام: «أَنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» أَنَا وَ أَهْلُ بَيْتِي الَّذِينَ أَوْزَنَا اللَّهُ الْأَرْضَ وَ نَحْنُ الْمُتَّقُونَ وَالْأَرْضُ كُلُّهَا لَنَا فَمَنْ أَحْيَىٰ أَرْضًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَلْيَعْمُرْهَا وَلْيُوَدِّ خَرَجَهَا إِلَى الْأَمَامِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَ لَهُ أَكَلٌ مِنْهَا فَإِنْ تَرَكَهَا أَوْ أَخْرَبَهَا وَ أَخَذَهَا رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ مِنْ بَعْدِهِ فَعَمَرَهَا وَ أَحْيَاهَا فَهِيَ أَحَقُّ بِهَا مِنَ الَّذِي تَرَكَهَا يُؤَدِّي خَرَجَهَا إِلَى الْأَمَامِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَ لَهُ مَا أَكَلُ مِنْهَا حَتَّى يَظْهَرَ الْقَائِمُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي بِالسَّيْفِ فَيُخَوِّبُهَا وَ يَمْنَعُهَا وَ يُخْرِجُهُمْ مِنْهَا كَمَا حَوَّاهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ مَنَعَهَا إِلَّا مَا كَانَ فِي أَيْدِي شِيعَتِنَا فَإِنَّهُ يُقَاطِعُهُمْ عَلَىٰ مَا فِي أَيْدِيهِمْ وَ يَتْرُكُ الْأَرْضَ فِي أَيْدِيهِمْ^۲»

امام باقر عليه السلام فرمود: ما در کتاب [حضرت] علی عليه السلام یافتیم که: «زمین متعلق به خداست و به هر کس از بندگان خویش بخواهد وامی‌گذارد و سرانجام نیک از آن پرهیزکاران است» من و خاندانم کسانی هستیم که خدا زمین را به ما واگذار کرده و ما هستیم پرهیزکاران و همه زمین از آن ماست، هر که از مسلمانان زمینی را زنده کند باید آن را آباد کند و خراج آن را به امام از خاندان من پردازد و هر چه از آن زمین استفاده کند و بخورد حق اوست و اگر زمین را واگذارد و خراب کند و مرد دیگری از مسلمین پس از وی، آن را آباد سازد و زنده کند او نسبت به آن زمین از کسی که آن را وا گذاشته سزاوارتر است و او باید خراج آن را به امام از خاندان من پردازد و هر چه از آن زمین استفاده کند، حق اوست تا زمانی که قائم از خاندان من با شمشیر ظاهر شود. آنگاه او، زمین‌ها را تصرف کند و از

۱. سورۃ اعراف، آیه ۱۲۸.

۲. الکافی ج ۱ ص ۴۰۷ ح ۱ کتاب حجت.

متصرفین جلوگیری نماید و آنها را از آنجا اخراج کند - همچنان که رسول خدا ﷺ زمین‌ها را تصرف کرد و از متصرفین جلوگیری نمود - مگر زمین‌هایی که در دست شیعیان ما باشد که حضرت قائم علیه السلام نسبت به آنچه در دست آنهاست قراردادی می‌بندد و زمین را در دست آنها واگذارد.

● آیه چهل و هشتم

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ، فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۱

□ «همان‌ها که از فرستاده خدا، پیامبر (أمی) پیروی می‌کنند، پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است می‌یابند، آنها را به معروف دستور می‌دهد و از منکر بازمی‌دارد. اشیاء پاکیزه را برای آنها حلال می‌شمرد و ناپاکی‌ها را تحریم می‌کند و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود (از دوش و گردنشان) برمی‌دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و حمایت و یاری‌اش کردند و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند.»

۸۳. عن أبي عبيدة الخدّاء قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن الاستطاعة و قول الناس، قال: و تلا هذه الآية: «و لا يزالون مختلفين إلا من رحم ربك و لذلك خلقهم» يا أبا عبيدة، الناس مختلفون في أصابة القول و كلهم هالك: قال: قلت: قوله: «الآ من رحم ربك» قال عليه السلام: هم شيعةنا و لرحمته خلقهم و هو قوله: «و لذلك خلقهم» يقول عزّوجلّ لطاعة

الامام الرحمة التي يقول: «و رحمتي وسعت كل شيء» يقول: علم الامام و وسع علمه الذي هو من علمه: «و كل شيء» هو شيعتنا، ثم قال: «فساكتبها للذين يتقون» يعني ولاية الامام و طاعته ثم قال: «يجدون مكتوباً عندهم في التوراة والانجيل» يعني النبي ﷺ والوصي والقائم عليه السلام: «يا مؤرهم بالمعروف» إذا قام و «ينهاهم عن المنكر» والمنكرين انكر فضل الامام و جرده: «و يحلّ لهم الطيبات» أخذ العلم من أهله «و يحرم عليهم الخبائث» والخبائث قول من خالف «و يضع عنهم اصرهم» و هي الذنوب التي كانوا فيها قبل معرفتهم فضل الامام «والأغلال التي كانت عليهم» والأغلال ما كانوا يقولون ممّا لم يكونوا أمروا به من ترك فضل الامام، فلما عرفوا فضل الامام وضع عنهم اصرهم والاصر: الذنب و هي الآصار.

ثم نسبهم فقال: «فالذين آمنوا به» يعني بالامام «و عزروه و نصروه و اتبعوا النور الذي أنزل معه أولئك هم المفلحون» يعني الذين اجتنبوا الجبت والطاغوت أن يعبدوها والجبت والطاغوت فلان فلان و فلان والعبادة: طاعة الناس لهم، ثم قال: و أنيبوا الى ربكم و أسلموا له من قبل، ثم جزاهم فقال: «لهم البشرى في الحياة الدنيا و في الآخرة» والامام يبشرهم بقيام القائم عليه السلام و بظهوره و بقتل اعدائهم و بالنجاة في الآخرة والورود على محمد ﷺ على الحوض^۱.

ابوعبيده حذاء گوید: از امام باقر عليه السلام از استطاعت و گفتار مردم سؤال کردم. حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «مردم پیوسته مختلف خواهند بود جز آن که پروردگارت ترحم کند و ایشان را برای ترحم آفریده آ» و فرمود: ای اباعبيده! مردم در رسیدن به حق مختلفند و همگی در هلاکتند. من عرض کردم: خداوند در ادامه آیه می فرماید: «جز کسی را که پروردگارت ترحم کند» حضرت فرمود: آنها شیعیان ما هستند و خدا آنها را برای رحمتش آفریده از این رو فرمود: «ایشان را برای ترحم آفرید». یعنی برای اطاعت امام آفرید و امام همان رحمتی است که خداوند می فرماید: «رحمت من همه چیز را فرا گرفته^۲». آن رحمت علم امام است و علم امام که مأخوذ از علم خداست همه چیز را فرا

۱. الکافی ج ۱ ص ۲۲۹ ح ۸۳

۲. هود / ۱۱۸.

۳. اعراف / ۱۵۶.

گرفته، آنها شیعیان ما هستند.

سپس خدای تعالی می‌فرماید: «محققاً بنویسیم آن رحمت خود را برای آن کسانی که پرهیز کنند» یعنی از ولایت و اطاعت غیر امام پرهیز کنند، سپس فرموده: «او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می‌یابند.^۱» مقصود از او پیغمبر ﷺ و وصی او قائم عجل الله فرجه است «که ایشان را امر به معروف می‌کنند و از منکر بازشان می‌دارد» و منکر کسی است که فضیلت امام را نپذیرد و منکر شود «و چیزهای پاکیزه را برای ایشان حلال می‌کند» و چیز پاکیزه، به دست آوردن علم از اهلش می‌باشد «و پلیدی‌ها را بر ایشان حرام کند» پلیدی‌ها گفتار مخالفین است «و بار سنگین را از گردنشان بنهد» و آن گناهی است که پیش از شناختن فضیلت امام در میانش بودند «و زنجیرهای گرانی که بر دوش داشتند» و زنجیرها همان سخنانی است که درباره ترک فضیلت امام می‌گفتند. در صورتی که به آن مأمور نبودند. پس چون فضیلت امام را شناختند بار گران را از دوششان بنهد و بار گران همان گناه است.

سپس خدای تعالی آنها را معرفی کرده و فرموده است: «کسانی که به او [امام] ایمان آورده و او را تأیید کردند و یاری نمودند و پیروی کردند نوری را که همراه او فرود آمده است، آنان همان رستگارانند^۲». یعنی کسانی که از پرستش جبت و طاغوت دوری کردند و جبت و طاغوت فلان و فلان و فلان است و عبادت، پیروی مردم است نسبت به آنها. باز خدا فرموده است: «بازگردید به سوی پروردگار خود و تسلیم او شوید^۳» و سپس به آنها پاداش داده و فرموده است: «بشارت در زندگی دنیا و آخرت برای آنهاست^۴» و امام، ایشان را به قیام قائم و ظهور حضرت قائم عجل الله فرجه و به کشته شدن دشمنانشان و به نجات در آخرت و ورود بر محمد صلی الله علیه و آله و خاندان راست‌گویش بر سر حوض بشارت دهد.



۱. اعراف / ۱۵۷.

۲. اعراف / ۱۵۷.

۳. روم / ۵۴.

۴. یونس / ۶۴.

● آیه جهل و نهم

«وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتِهِمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ»؛

□ «و (به خاطر بیاور) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم ذریه آنها را برگرفت و آنها را گواه بر خویشتن ساخت؛ (و فرمود:) «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می دهیم!» (چنین کرد مبادا) روز رستاخیز بگویند: «ما از این غافل بودیم؛ (و از پیمان فطری توحید بی خبر ماندیم!)».

۸۴. عَنْ حُمران، عن أبي جعفر عليه السلام قال: إن الله تبارك و تعالی حيث خلق الخلق ماءً عذباً و ماءً مالِحاً أجاجاً فامتزج الماءان فأخذ طيناً من أديم الأرض فعرَكَه عَرَكَاً شديداً فقال لأصحاب اليمين و هم كالدُّرِّ يدُبُون: إلى الجنة بِسَلامٍ و قال لأصحاب الشمال: إلى النار و لا أبالي ثم قال: «الست برّبكم قالوا بلى شهدنا ان تقولوا القيامة انا كنا عن هذا غافلين» ثم أخذ الميثاق على النبيين فقال: أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ وَ أَنَّ هَذَا مُحَمَّدٌ رَسُولِي وَ أَنَّ هَذَا عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ؟ قالوا: بلى، فَتَبَّتْ لَهُمُ النَّبِيُّوَةُ وَ أَخَذَ الْمِيثَاقَ عَلَىٰ أُولِي الْعِزْمِ أَنِّي رَبُّكُمْ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولِي وَ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَوْصِيَاؤُهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ لَأَةُ أَمْرِي وَ خُزَّانُ عِلْمِي وَ أَنَّ الْمَهْدِيَّ أَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِي وَ أَظْهَرُ بِهِ دَوْلَتِي وَ أَنْتَقِمُ بِهِ مِنْ أَعْدَائِي وَ أُعْبَدُ بِهِ طَوْعاً وَ كَرْهاً، قالوا: أَقْرَبْنَا يَا رَبُّ وَ شَهِدْنَا وَ لَمْ يَجْحَدْ آدَمُ وَ لَمْ يُقَرَّرْ فَتَبَّتِ الْعَزِيمَةُ لَهُؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ فِي الْمَهْدِيِّ وَ لَمْ يَكُنْ لِآدَمَ عِزْمٌ عَلَى الْإِقْرَارِ بِهِ وَ هُوَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ: «وَ لَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسَىٰ وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عِزْماً» قال: إِنَّمَا هُوَ فَتَرَكَ. ثم أمر ناراً فَأَجَّجَتْ فَقَالَ لِأَصْحَابِ الشَّامِلِ: أَدْخُلُوهَا فَهَابُوهَا وَ قَالَ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ: أَدْخُلُوهَا فَدَخَلُوهَا فَكَانَتْ عَلَيْهِمْ بَرْداً وَ سَلاماً، فقال أصحاب الشمال: يا رَبِّ أَقَلْنَا فَقَالَ: قَدْ أَقَلْتُكُمْ أَذْهَبُوا

فَادْخُلُوهَا فَهَابُوهَا فَشَمَّ ثَبَّتِ الطَّاعَةَ وَالْوَلَايَةَ وَالْمَعْصِيَةَ^۱.

امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی که خدای تبارک و تعالی چون خواست مخلوق را بیافریند نخست آبی گوارا و آبی شور و تلخ آفرید و آب تلخ و شور را به هم آویخت، سپس از روی زمین گلی برگرفت و آن را به شدت مالید و به اصحاب یمین که چون مورچه می جنبیدند فرمود: با سلامتی به سوی بهشت، و به اصحاب شمال فرمود: به سوی دوزخ و باکی ندارم، سپس فرمود: «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: بلی، گواهی می دهیم؛ تا نگویند در قیامت که ما از این بی خبر و غافل بودیم» سپس از پیغمبران پیمان گرفت و فرمود: مگر من پروردگار شما نیستم؟ و این محمد رسول و فرستاده من نیست؟ و این علی سرور مؤمنان نمی باشد؟

گفتند: بلی، و نبوت برای آنها ثبت شد و از پیامبران اولوالعزم پیمان گرفت که: به راستی من پروردگار شما هستم و محمد رسول من است و علی سرور امیر مؤمنان است و اوصیاء بعد از او والیان امر من و خزانه دارهای علم من، و اینکه همانا مهدی کسی است که به وسیله او دینم را یاری می دهیم و دولت را آشکار می کنم و از دشمنانم [به واسطه او] انتقام گیرم و به وسیله او خواهی نخواهی عبادت شوم. گفتند: پروردگارا ما اقرار می کنیم و گواهی می دهیم. اما آدم نه انکار کرد و نه اقرار نمود. پس مقام اولوالعزمی برای آن پنج نفر نسبت به مهدی ثابت شد و آدم تصمیم نگرفت که به او اقرار کند و این است تفسیر خدای عزوجل: «هر آینه از پیش با آدم عهدی کردیم و او فراموش کرد و تصمیمی در او نیافتیم»^۲ مقصود از «نسی» در اینجا «ترک» است. سپس به آتش دستور فرمود تا برافروخت و به اصحاب شمال فرمود: داخل آتش شوید، پس آنها ترسیدند و به اصحاب یمین فرمود: داخل آتش شوید، آنها وارد شدند و آتش بر آنها سرد و سلامت شد. سپس اصحاب شمال گفتند: پروردگارا از ما بگذر. پس خدا فرمود: از شما گذشتم، اکنون بروید و داخل شوید، باز ترسیدند، در آنجا اطاعت و ولایت و معصیت ثابت گشت.

۸۵. عن بکیر بن اعین قال: سألت أبا عبد الله علیه السلام: لأیّ علّة وضع الله الحجر فی الرّکن

۱ الکافی ج ۲ ص ۸ ح ۱ (ترجمه ج ۴ ص ۲۸ ح ۱).

الذی هو فیہ و ما یوضع فی غیرہ و لایّ یُقَبَّل و لایّ علّة أُخْرِجَ من الجنّة و لایّ علّة وُضِعَ فیہ میثاق العباد والعهد و لم یوضع فی غیرہ و کیف السبب فی ذلك تخبرنی جعلت فداک فان تفکری فیہ لعجب؟

قال: فقال: سألت و أعضلت فی المسألة واستقصیت فافهم و فرّغ قلبک و اصنع سمعک و أخبرک ان شاء الله، انّ الله تبارک و تعالی وضع الحجر الأسود و هو جوهرة أُخْرِجَت من الجنّة الی آدم فوضعت فی ذلك الرکن لعلّة الميثاق و ذلك أنّه لما أخذ من بنی آدم من ظهورهم ذرّیتهم حين أخذ الله علیهم الميثاق فی ذلك المكان و فی ذلك المكان ترائی لهم ربّهم و من ذلك المكان یهبط الطیر علی القائم عليه السلام فأول من یبایعه ذلك الطیر و هو والله جبرئیل عليه السلام و إلی ذلك المقام یسند ظهره و هو الحجّة والدلیل علی القائم عليه السلام و هو الشاهد لمن وافاه فی ذلك المكان والشاهد لمن أدی الیه الميثاق والعهد الذی أخذ الله (به) علی العباد.

بکیر بن اعین گوید: از امام صادق عليه السلام سؤال کردم: برای چه خداوند متعال حجر را در رکنی که فعلاً در آن است قرار داد نه در ارکان دیگر؟ و برای چه بوسیده می شود؟ و برای چه از بهشت اخراج شد؟ و برای چه میثاق و عهد بندگان در آن قرار داده شده نه در سایر ارکان. فدایت شوم از این علل مرا باخبر کنید که سرگردان و متحیرم؟ بکیر می گوید: امام عليه السلام فرمودند: از مسأله بسیار مشکل و سختی پرسیده و پیگیری نمودی. پس بدان و دلت را فارغ بدار و گوش فرا ده که اگر خدا بخواهد به تو خبر می دهم. خداوند تبارک و تعالی حجر الأسود را که سنگ گرانبهایی بود از بهشت بیرون آورد و نزد حضرت آدم قرار داد و در آن رکن را وضع کرد؛ زیرا میثاق و پیمان خلایق در آن بود و توضیح آن این است که: زمانی که ذریّه بنی آدم از پشت آنها خارج شده و حق تعالی در همان مکان از آنها اخذ میثاق نمود و ایشان را رؤیت کرد و نیز از همان مکان پرنده بر حضرت قائم عليه السلام فرود آمد، اولین کسی که با قائم آل محمد صلی الله علیه و آله بیعت نمود همان پرنده است که به خدا سوگند جبرئیل بود و به همان مقام حضرتش تکیه خواهد داد و آن تکیه گاه حجّت و برهان است بر حضرت قائم عليه السلام چنانچه شاهد است برای هر کسی که با آن جناب در آن مکان و فای به

۱۰۲ □ سیمای حضرت مهدی (عج) در قرآن
عهد کرده و نیز شهادت می‌دهد برای کسی که میثاق و عهدی را که خداوند از بندگان اخذ کرده است به آن حضرت اداء کند....

● آیه پنجاهم

﴿وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾^۱؛

□ «و از آنها که آفریدیم گروهی به حق هدایت می‌کنند و به حق اجرای عدالت می‌نمایند.»

۸۶. روی ابن شهر آشوب عن عبدالله بن سنان، عن أبي عبدالله عليه السلام في قوله: «و مِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» قال: هم الأئمة^۲.
عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام درباره تفسیر این آیه: «از میان کسانی که آفریده‌ایم گروهی هستند که به حق هدایت می‌کنند و به حق ناوری می‌نمایند» فرمود: مقصود از این آیه، ائمه اطهار عليهم السلام می‌باشند.

● آیه پنجاه و یکم

﴿يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسِيهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَغْتَةً يَسْئَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۳؛
□ «درباره قیامت از تو سؤال می‌کنند، کی فرا می‌رسد؟ بگو: «علمش فقط نزد پروردگار من است و هیچ کس جز او (نمی‌تواند) وقت آن را آشکار سازد (اما قیام قیامت حتی) در آسمان‌ها و زمین، سنگین (و بسیار پراهمیت) است و جز

۱. سوره اعراف، آیه ۱۸۱.

۲. مناقب ابن شهر آشوب ج ۴ ص ۴۰۰.

۳. سوره اعراف، آیه ۱۸۷.

به طور ناگهانی، به سراغ شما نمی آید!» (باز) از تو سؤال می کنند چنان که گویی تو از زمان وقوع آن باخبری! بگو: «علمش تنها نزد خداست ولی بیشتر مردم نمی دانند.»

۸۷. روی الشيخ الصدوق رحمته الله باسناده عن عبدالسلام بن صالح الهروي، قال: سمعتُ دعبِل بن علي الخزاعي يقول: لَمَّا أَنشَدْتُ مَوْلَايَ الرَّضَا عليه السلام قَصِيدَتِي الَّتِي أَوْلَاهَا:

مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةٍ وَ مَنْزِلٌ وَحِيٍّ مُقْفِرُ الْعَرَصَاتِ

فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى قَوْلِي:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مُحَالَةَ خَارِجٍ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَالسَّبْرَكَاتِ
يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ وَ يَجْزِي عَلَى النِّعْمَاءِ وَالنَّقِمَاتِ

بکی الرضا عليه السلام بکاءً شدیداً ثم رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى فَقَالَ لِي: يَا خُزَاعِي! نَطَقَ رُوحُ الْقُدْسِ عَلَى لِسَانِكَ بِهَذَيْنِ الْبَيِّنَيْنِ فَهَلْ تَدْرِي مَنْ هَذَا الْإِمَامُ؟ وَ مَتَى يَقُومُ؟ فَقُلْتُ: لَا سَيِّدِي إِلَّا أَنِّي سَمِعْتُ بِخُرُوجِ إِمَامٍ مِنْكُمْ يُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنَ الْفَسَادِ وَ يَمَلُؤُهَا عَدْلًا، فَقَالَ: يَا دِعْبِلُ! الْإِمَامُ بَعْدِي مُحَمَّدُ ابْنِي وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ عَلِيُّ وَ بَعْدَ عَلِيٍّ ابْنُهُ الْحَسَنُ وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ فِي غَيْبِهِ الْمُطَاعُ فِي ظُهُورِهِ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَهَا عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا ظُلْمًا وَ أَمَا مَتَى؟ فَأَخْبَارٌ عَنِ الْوَقْتِ وَ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله قِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ؟ فَقَالَ: مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ «لَا يُجَلِّهَا لَوْقَتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقَلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً!»

عبدالسلام بن صالح گوید: از دعبل بن علی خزاعی شنیدم که می گفت: چون برای امام رضا عليه السلام این قصیده را خواندم:

مدارس آیات خلت من تلاوة و منزل وحی مقفر العرصات

«یعنی: مدارس و محافلی که در آن قرآن خوانده و تدریس می شد، اکنون خالی است و

محلّ نزول وحی چون صحرایی بی آب و علف و خشک افتاده است.»
تا بدین جا رسیدم که گفته بودم:

خروج امام لا محالة خارجٌ یقوم علی اسم الله والبرکات
یَمیز فینا کلّ حقّ و باطلٍ و یجزی علی النعماء والنقّات

«یعنی: به یقین وقوع خروج امامی که ناچار خارج شود و به نام خدا همه برکات را به خود می آورد، حتمی است. و در میان ما هر حقّی را از باطل جدا می سازد و بر نیکی و بدی جزا می دهد، هر کس عمل نیکو کرد، پاداش خیر و هر که بدی کرد، سزای بد به او می دهد.»

امام علیه السلام پس از شنیدن این اشعار به شدت گریست، آنگاه سر خویش را به سوی من بالا برد و فرمود: ای خُزاعی روح القدس از زبان تو این دو بیت را سرود و سخن را گفت، آیا می دانی آن امام کیست؟ و در چه زمانی قیام می کند؟ عرض کردم: خیر ای سرورم! جز اینکه شنیده ام امامی از شما خاندان خروج می کند و روی زمین را از فساد پاک و جهان را پر از عدل و داد می نماید. آن جناب فرمود: ای دعبل! امام پس از من فرزندم محمد است و پس از محمد پسرش علی و پس از وی فرزندش حسن و پس از او فرزندش حجّت قائم علیه السلام که در زمان غیبتش انتظار او را می کشند، و در زمان حضور و ظهورش بر همه جهانیان مطاع و فرمانده باشد و اگر از روزگار باقی نماند مگر یک روز، خداوند آن یک روز را طولانی می کند، تا او خارج شود و روی زمین را پر از عدل و داد کند، همچنان که پر از ظلم و جور شده است. و اما کی و در چه وقت این واقعه روی خواهد داد، این همانند خبر دادن وقت قیامت است. و پدرم برای من از پدرش از اجداد بزرگوارش، حدیث کرد که به رسول خدا گفتند: یا رسول الله! چه وقت قائمی که از فرزندان شماست خروج می کند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مَثَلُ آن مَثَلُ سَاعَتِ قِیَامَتِ است «که آشکار نکند آن را مگر خداوند، بسیار گران است آن بر اهل آسمانها و اهل زمین، نمی آید آن مگر به طور ناگهان» [یعنی همان طور که قیامت و قتش برای احدی معلوم نیست، این قیام نیز بر کسی معلوم نخواهد بود، اما آمدنش برای بسیاری از مردم گران تمام خواهد شد.]

سورة انفال

● آیه پنجاه و دوم

«و يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يَقَطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ * لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَ يُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ»^۱؛

□ «ولی خداوند می خواهد حق را با کلمات خود تقویت و ریشه کافران را قطع کند. تا حق را تثبیت کند و باطل را از میان بردارد، هر چند مجرمان کراهت داشته باشند.»

۸۸. عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: و اما قوله: «ليحقق الحق» فإنه يعني ليقحق حق آل محمد حين يقول القائم عليه السلام و اما قوله: «و يُبْطِلُ الْبَاطِلَ» يعني القائم فاذا قام أبطل باطل بني امية^۲.

جابر از امام باقر عليه السلام در حدیثی نقل می کند که فرمود: و اما فرمایش خداوند: «تا حق را پایدار کند» مراد این است که هنگام خروج حضرت قائم عليه السلام حق آل محمد عليه السلام را تثبیت کند و اما فرمایش او «باطل را براندازد» مراد این است که چون آن حضرت قیام کند، باطل بنی امیه را براندازد.

● آیه پنجاه و سوم

۱. سورة انفال. آیه ۷-۸.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۵۰ ب ۳۲ ح ۵۵۷.

﴿و قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾^۱؛

□ «و با آنها پیکار کنید تا فتنه [شُرک و سلب آزادی] برچیده شود و دین (و پرستش) همه مخصوص خدا باشد و اگر آنها (از راه شرک و فساد بازگردند و از اعمال نادرست) خودداری کنند، (خداوند آنها را می‌پذیرد) خدا به آنچه انجام می‌دهند، بیناست.»

۸۹. عن زرارة قال: قال ابو عبد الله عليه السلام: سئل ابي عن قول الله: حتى لا تكون فتنة و يكون الدين كله لله؛ فقال: لم يجيء تأويل هذه الآية و لو قد قام قائمنا بعده سيري من يدركه ما يكون من تأويل هذه الآية^۲.

زراره نقل می‌کند که امام صادق عليه السلام فرمود: از پدرم درباره این آیه سؤال کردند: «کافران را بکشید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و همه دین خاص خدا باشد» ایشان فرمود: هنوز تأویل این آیه تحقق نیافته وقتی قائم ما (صلوات الله علیه) قیام نماید آنهایی که او را درک می‌کنند خیلی زود تأویل این آیه را خواهند دید.

۹۰. و في رواية أخرى... ليبلغن دين محمد عليه السلام ما بلغ الليل حتى لا يكون مشرك على وجه الأرض^۳.

و در روایت دیگری [بعد از اتمام حدیث سابق] چنین آمده:... و البتة دين محمد عليه السلام [در زمان قیام قائم عليه السلام] به مرحله‌ای خواهد رسید که شبی برسد و مشرکی بر روی زمین باقی نماند.



● آیه پنجاه و چهار

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ

۱. سوره اعراف، آیه ۳۹.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۵۰ ب ۳۲ ح ۵۵۸.

۳. تفسیر مجمع البیان ج ۴ ص ۵۴۳ ذیل آیه؛ المیزان ج ۹ ص ۸۷ ذیل آیه.

وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۹۱﴾

□ «و کسانی که بعداً ایمان آوردند و هجرت کردند و با شما جهاد نمودند، از شما هستند؛ و خویشاوندان نسبت به یکدیگر، در احکامی که خدا مقرر داشته،

(از دیگران) سزاوارترند، خداوند به همه چیز داناست.»

۹۱. عن ثابتِ الثُّمَالِيِّ، عن عليِّ بن الحسين بن عليِّ بن أبي طالبٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: فِينَا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «و أولوالارحام بعضهم أولى ببعض في كتاب الله» و فِينَا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «و جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ ۲» و الْإِمَامَةُ فِي عَقِبِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ إِنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَتَيْنِ إِحْدَيْهِمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَىٰ أَمَّا الْأَوْلَىٰ فَسِتَّةٌ أَيَّامٌ أَوْ سِتَّةٌ أَشْهُرٌ أَوْ سِتَّةٌ سِنِينَ وَ أَمَّا الْأُخْرَىٰ فَيَطْوُلُ أَمْدَهَا حَتَّىٰ يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِ فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوَىٰ يَقِينُهُ وَ صَحَّحَتْ مَعْرِفَتُهُ وَ لَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْنَا وَ سَلَّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. ۳»

ثابت ثُمالی از امام سجاد عليه السلام روایت کند که فرمود: این آیه: «و خویشاوندان بعضی از آنها نسبت به بعضی سزاوارترند در کتاب خدا» درباره ما نازل شده است. و این آیه نیز درباره ما نازل شده است: «او کلمه توحید را، کلمه پایدار در نسل های بعد از خود قرار داد» و تا روز قیامت، امامت در نسل حسین بن علی بن ابی طالب عليه السلام است و برای قائم ما دو غیبت است که یکی از دیگری طولانی تر است. اما غیبت اول شش روز یا شش ماه یا شش سال طول می کشد. و دومی آنقدر طولانی می شود که بیشتر معتقدین به آن از عقیده خود برمی گردند و بر آن عقیده ثابت نمی ماند، مگر کسی که یقینش قوی و معرفتش صحیح باشد و او از آنچه که ما واجب کنیم، در دل خود مشکلی ندارد و تسلیم ما اهل بیت است.



۱. سوره اعراف، آیه ۷۵.

۲. زخرف / ۲۸.

۳. کمال الدین ج ۱ ص ۳۲۳ ب ۳۱ ح ۷؛ اثبات الهداة ج ۳ ص ۴۶۷ ب ۳۲ ح ۱۲۸.

سورة توبه (برائت)

● آیه پنجاه و پنج

﴿وَ أَذَانٌ مِّنَ رَبِّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ...﴾^۱؛

□ «و این اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر [روز عید قربان] که: خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند!...»

۹۲. عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام في قوله عز وجل: «و اذان من الله و رسوله الى الناس يوم الحج الاكبر» قال: خروج القائم عليه السلام و «اذان» دعوته إلى نفسه^۲.
جابر روایت می‌کند که امام باقر عليه السلام در تأویل این آیه: «اعلامی است از ناحیه خدا و رسول به مردم در روز حج اکبر» فرمود: مربوط به خروج حضرت قائم عليه السلام است و اعلام: دعوت او به جانب خویش است.



● آیه پنجاه و شش

۱. سورة توبه، آیه ۳.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۵۰ ب ۳۲ ح ۵۶۰.

«يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ * هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۱؛

□ «آنها می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند، ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند! او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.»

۹۳. عن محمد بن الفضيل عن أبي الحسن الماضي عليه السلام في حديث في قوله تعالى: «ليظهره على الدين كله» قال: يظهره على جميع الأديان عند قيام القائم عليه السلام^۲.
محمد بن فضيل در حدیثی نقل می کند که امام موسی کاظم عليه السلام در تفسیر این آیه: «تا آن را بر همه ادیان غالب کند» فرمود: هنگام قیام قائم عليه السلام این دین را بر سایر ادیان غلبه دهد.

القمي: أنها نزلت في القائم من آل محمد عليه السلام و هو الامام الذي يظهره الله على الدين كله فيملاً الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً و هذا مما ذكرنا أن تأويله بعد تنزيله:

شیخ بزرگوار قمی، در تفسیر خود می گوید: این آیه درباره قائم آل محمد عليه السلام نازل شد و او تنها امامی است که خداوند او را بر همه ادیان پیروز خواهد نمود. او زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، بعد از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد و این از آیاتی است که تأویل آن بعد از تنزیل خواهد بود.

۹۴. عن أبي بصير قال: قال ابو عبد الله عليه السلام في قوله الله عز وجل: «هو الذي أرسل رسوله بالهدى و دین الحق ليظهره على الدين كله و لو كره المشركون» فقال: والله ما نزل تأويلها بعد و لا ينزل تأويلها حتى يخرج القائم عليه السلام فاذا خرج القائم عليه السلام لم يبق كافر بالله و لا مشرك بالامامة الا كره خروجه حتى لو كان كافراً في بطن صخرة لقات: يا

۱. سوره توبه، آیه ۳۳-۳۲.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ص ۴۴۸ ب ۳۲ ح ۴۵.

مؤمن في بطنى كافر فاكسرنى واقتله^۱.

ابوبصیر نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام درباره این آیه: «هو الذى ارسل...» فرمود: به خدا سوگند! تأویل این آیه هنوز نیامده و نخواهد آمد، تا قائم علیه السلام خروج کند. وقتی آن جناب خار شود، هیچ کافر به خداوند عظیم و مشرک به امام نماند، جز اینکه به خروج وی کراهت داشته باشد؛ به طوری که اگر کافری در شکم سنگی باشد، سنگ فریاد برآورد: ای مؤمن! در شکم من کافری است، مرا بشکن و او را به قتل برسان.

۹۵. قال ابو جعفر علیه السلام: انّ ذلك يكون عند الخروج المهدى علیه السلام من آل محمد صلوات الله عليه، فلا يبقى أحد الا اقرّ بحمد صلى الله عليه وآله^۲.

امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی تحقق این وعده خدا به هنگام قیام قائم آل محمد علیه السلام خواهد بود. آن روز است که اسلام فراگیر می‌شود و کسی در روی زمین نمی‌ماند، مگر اینکه به یکتایی خدا و رسالت پیامبر ایمان می‌آورد.

۹۶. عن عباية بن ربعي: انه سمع امير المؤمنين علیه السلام يقول: «هو الذى ارسل رسوله بالهدى و دين الحق ليظهره على الدين كله و لو كره المشركون» اظهر ذلك بعد؟ كلا والذى نفسى بيده حتى لا تبقى قرية الا و نودى فيها بشهادة أن لا اله الا الله و انّ محمداً رسول الله صلى الله عليه وآله بكرة و عشياً^۳.

عمران بن میثم از عبایه بن ربیع از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که حضرت، درباره تأویل این آیه: «هو الذى ارسل...» از حاضرین سؤال کرد که آیا این معنی محقق شده است؟ عرض کردند: آری، حضرت فرمود: هرگز، سوگند به کسی که جانم در دست اوست، تا وقتی که هیچ روستا و قریه‌ای باقی نماند، مگر اینکه هر صبح و شام در آن گواهی به یگانگی خدا داده شود، این امر محقق نمی‌گردد.

۹۷. روى العلامة الطبرسى رحمته الله عن احتجاجه عن امير المؤمنين علیه السلام فى حديث طويل قال فيه: كل ذلك لتتم النظرة التي أوحاها الله تعالى لعدوه إبليس الى أن يبلغ الكتاب أجله و يحق القول على الكافرين و يقترب الوعد الحق الذى بيّنه فى كتابه بقوله: «وعد الله الذين

۱. اثبات الهداة ب ۳۲ ح ۲۳۹.

۲. تفسیر مجمع‌البیان ج ۳ ص ۲۵ ذیل آیه.

۳. منابع المودة ب ۷۱ ص ۴۲۳.

امنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم فى الأرض كما استخلف الذين من قبلهم» و ذلك اذا لم يبق من الاسلام الا اسمه و من القرآن الا رسمه و غاب صاحب الامر بايضاح الغدر له فى ذلك لاشتمال الفتنة على القلوب حتى يكون اقرب الناس اليه اشدّهم عداوة له و عند ذلك يؤيّده الله بجنودٍ لم تروها، و يظهر دين نبيّه ﷺ على يديه «على الذين كلّه و لو كره المشركون»^۱.

از اميرالمؤمنين ﷺ روايت شده است که در حديثى طولانى فرمودند: ... همه اينها به خاطر آن است که مهلتى را که خداوند به دشمن خود، ابليس داده، تمام شود تا وعده‌اى که به ابليس داده شده، فرا رسد و گفتار خدا درباره کافران تحقق يابد و آن وعده حق نزديک گردد و عده‌اى که آن را خداوند در کتابش چنين بيان کرده است: «خداوند به کسانى از شما که ايمان آورده و کارهاى شايسته انجام داده‌اند، وعده مى دهد که قطعاً آنان را حکمران روى زمين خواهد کرد، همان گونه که به پيشينيان آنها خلافت روى زمين را بخشيد.»^۲ و آن، زمانى است که از اسلام جز نامى و از قرآن جز خطى باقى نمانده باشد. و صاحب الامر ﷺ در اثر مكرى که نسبت به او مى شود، غائب است؛ زيرا دل ها را فتنه فرا گرفته است، به گونه اى که نزديک ترين مردم به او دشمن ترين آنان به او هستند. در اين هنگام خداوند او را با لشكريانى که براى تو قابل ديدن نيستند، تاويل مى کند و آيين پيامبر خود را ﷺ را به وسيله او بر همه ادیان غالب مى نمايد، هر چند مشرکين ناراحت باشند.

۹۸. روى الشيخ الصدوق ﷺ باسناده عن عبدالرحمن بن سليط قال: قال الحسين بن على بن ابي طالب ﷺ: منّا اثناعشر مهدياً، اولهم اميرالمؤمنين على بن ابي طالب، و آخرهم التاسع من ولدى، و هو الامام القائم بالحق، يحيى الله به الأرض بعد موتها و يظهر به دين الحق على الدين كله و لو كره المشركون * له غيبة يرتد فيها اقوام و يثبت فيها على الدين آخرون، فيؤذون و يقال لهم: متى هذا الوعدان كنتم صادقين، اما ان الصابر فى غيبته على الأذى والتكذيب بمنزلة المجاهد بالسيف بين يدي رسول الله ﷺ^۳.

۱. الاحتجاج ج ۱ ص ۲۵۶؛ البحار ج ۹۳ ص ۱۲۵ ب ۱۲۹.

۲. نور / ۵۵.

۳. كمال الدين ج ۱ ص ۳۱۷ ح ۳ ب ۳۰؛ عيون اخبار الرضا ج ۱ ص ۶۸ ب ۶ ح ۳۶.

امام حسین علیه السلام فرمود: در بین ما دوازده نفر، مهدی وجود دارد. اول آنها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است و آخرین نفر آنان، نهمین نفر از نسل من می باشد. و اوست قائم علیه السلام که به حق قیام می کند خداوند زمین مرده را به وسیله او زنده می گرداند و دین حق را - علیرغم میل مشرکین - بر همه آیین ها غالب می گرداند. او غیبتی دارد که گروهی از او روی گردان شده، و جمعی دیگر بر دین خود ثابت قدم می مانند [ایشان] مورد اذیت و آزار قرار می گیرند و به آنها گفته می شود: اگر راست می گوید، این وعده الهی چه زمانی تحقق می یابد؟! آگاه باشید که صبرکننده بر اذیت و تکذیب در غیبت او همانند کسی است که با شمشیرش در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جهاد کرده باشد.

۹۹. عن محمد بن حمران، عن الصادق علیه السلام قال: ان القائم منا منصور بالرعب مؤيد بالنصر، تطوى له الأرض، و تظهر له الكنوز كلها و يظهر الله به دینه على الدين كله و لو كره المشركون، ثم ذكر جملة من علاماته ثم قال: فعند ذلك خروج قائمنا.

محمد بن عمران گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: قائم ما به ترس (دشمنان) یاری شود و به نصرت و یاری تأیید گردد، زمین برای او پیچیده شود و همه گنج ها ظاهر گردد و خداوند به دست او دینش را بر همه دین ها غالب گرداند، اگر چه مشرکان کراحت داشته باشند - پس قسمتی از علامات او را نقل می کند و می فرماید: آنگاه قائم ما ظاهر می شود.

۱۰۰. عن عبدالله بن الحسين بن سعد الكاتب قال: قال أبو محمد عليه السلام: قد وضع بنو أمية و بنو العبّاس سُيُوفَهُمْ عَلَيْنَا لَعَلَّتَيْنِ: احديهما أنّهم كانوا يعلمون انه ليس لهم في الخلافة حق فيخافون من ادعائنا اياها و تستقر في مركزها و ثانيهما أنّهم قد وقفوا من الأخبار المتواترة على أن زوال ملك الجبابرة والظلمة على يد القائم منا، و كانوا لا يشون أنّهم من الجبابرة والظلمة، فسعوا في قتل اهل بيت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و ابارة نسله طمعاً منهم في الوصول الى منع تولد القائم عليه السلام أو قتله، فأبى الله أن يكشف أمره لواحد منهم الا ان يتم نوره و لو كره الكافرون^۱.

عبدالله بن حسین بن سعد نقل می کند که امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: به دو دلیل

۱. اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۷۰ ب ۳۲ ح ۶۸۶.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۷۰ ب ۳۲ ح ۶۸۵.

بنی امیه و بنی عباس بر علیه ما شمشیر کشیدند: یکی اینکه می دانستند در خلافت حقی ندارند، لذا می ترسیدند که ما ادعای خلافت کنیم و حق در جایگاه خود قرار گیرد؛ دیگر اینکه از خبرهای متواتر به دست آورده بودند که نابودی سلطنت ستمکاران به دست قائم ما است و شک نداشتند که خودشان از زورگویان و ستمگرانند؛ لذا در کشتن اهل بیت پیغمبر ﷺ و برانداختن نسل وی بسیار تلاش کردند، تا مگر از تولد آن قائم جلوگیری کنند یا او را به قتل برسانند. ولی خدا نخواست که امر قائم برای هیچ یک آنها ظاهر شود، جز اینکه نور وی تمام گردد. اگر چه کافران کراحت داشته باشند.



● آیه پنجاه و هفت

﴿و قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾^۱؛

□ «با مشرکان دسته جمعی پیکار کنید؛ همان گونه که آنها دسته جمعی با شما پیکار می کنند. و بدانید خداوند با پرهیزگاران است.»

۱۰۱. عن زرارة قال: قال ابو عبد الله عليه السلام: سئل ابي عن قول الله: «قاتلوا المشركين كافة كما يقاتلونكم كافة» حتى لا يكون مشرك «و يكون الدين كله لله» ثم قال: انه لم يجئ تاويل هذه الآية ولو قد قام قائمنا سيري من يدرکه ما يكون من تاويل هذه الآية و ليبلغن دين محمد عليه السلام ما بلغ الليل حتى لا يكون شرك على ظهر الأرض كما قال الله «و قاتلوهم حتى لا تكون فتنه...»^۲»^۳.

علامه مجلسی در بحار از تفسیر عیاشی از زرارة نقل نموده که گوید: از امام صادق عليه السلام نسبت به این آیه سؤال شد، امام عليه السلام فرمود:

«معنای این آیه این است که: با مشرکان بجنگید، چنان که آنها با شما می جنگند و همه

۱. سوره توبه، آیه ۳۶.

۲. انفال / ۳۹.

۳. البحار ج ۱ ص ۵۵.

آنها را بکشید تا اینکه مشرکی روی زمین نماند و تنها دین خدا حاکم باشد». سپس فرمود: «هنوز تاویل این آیه ظاهر نشده است و چون قائم ما حضرت مهدی علیه السلام قیام نماید، کسانی که او را درک می کنند، تاویل این آیه را خواهند دید و در آن زمان دین محمد صلی الله علیه و آله عالم را احاطه خواهد نمود و مشرکی روی زمین نخواهد بود، چنان که خداوند فرموده: «و قاتلوهم حتی لا تكون فتنة».



● آیه پنجاه و هشت

﴿قُلْ هَلْ تَرَبُّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ﴾^۱

□ «بگو: «آیا درباره ما، جز یکی از دو نیکی را انتظار دارید؟! (یا پیروزی یا شهادت) ولی ما انتظار داریم که خداوند عذابی از سوی خودش (در آن جهان) به شما برساند یا (در این جهان) به دست ما (مجازات شوید) اکنون که چنین است، شما انتظار بکشید، ما هم با شما انتظار می کشیم!»

۱۰۲. روی ثقة الاسلام الكلینی علیه السلام باسناده عن أبي حمزة، عن أبي جعفر علیه السلام قال: ... قلت قوله عز وجل: «هل تربصون بنا إلا إحدى الحسنين»؟ قال: أمّا موت في طاعة الله، أو إدراك ظهور إمام و نحن نتربص بهم مع ما نحن فيه من الشدة أن يصيبهم الله بعذاب من عنده، قال: هو المسخ أو بأيدينا و هو القتل قال الله عز وجل لنبيه صلی الله علیه و آله: «تربصوا أنا معكم متربصون والتربص: انتظار وقوع البلاء بأعدائهم»^۲.

ابو حمزه گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: ... تفسیر این آیه چیست آنجا که خدای عزوجل می فرماید: «بگو مگر برای ما جز یکی از دو سرانجام نیک را انتظار

۱. سوره توبه، آیه ۵۲.

۲. روضة الكافي ص ۲۸۵ و ۲۸۷ ح ۴۳۱.

می‌برند...» حضرت فرمود: آن دو سرانجام نیک یا مرگ در راه اطاعت خداست و یا درک ظهور امام، «ولی ما درباره آنها انتظار می‌بریم» با این وضع سخت و ناهنجاری که داریم «که خداوند از نزد خود عذابی بدان‌ها برساند» فرمود: که آن عذاب، مسخ شدن است «و یا به دست ما» (آنها را عذاب کند) که آن کشتن آنهاست. خدای عزوجل به پیغمبرش فرمود: «بگو منتظر باشید که ما نیز با شما از منتظران هستیم» و مقصود انتظار وقوع بلا به دشمنان آنهاست.



● آیه پنجاه و نهم

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾^۱

□ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید!»

○ المهدی عجل الله فرجه من الصادقین

روى سليم بن قيس الهلالي في حديث المناشدة، قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: فأشدتكم الله تعلمون أن الله أنزل: «يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين»، فقال سلمان: يا رسول الله أعمامة هي أم خاصة؟ قال: المأمورون فالعمامة من المؤمنين أمروا بذلك و أمّا «الصادقين» فخاصة لأخي علي والأوصياء من بعده إلى يوم القيامة، قالوا: اللهم نعم^۲.

○ حضرت مهدی عجل الله فرجه از صادقین است

سليم بن قيس هلالی گوید: امام علی عليه السلام در حدیث مناشده چنین فرمود: شما را به خدا قسم می‌دهم آیا می‌دانید که خداوند در کتابش چنین نازل کرده: «... و کونوا مع الصادقین» سلمان پرسید: [از رسول صلى الله عليه وآله سؤال کرد:] یا رسول الله صلى الله عليه وآله این آیه عام

۱. سورة توبه، آیه ۱۱۹.

۲. سليم بن قيس ص ۱۸۹؛ غایة المرام ص ۲۴۸ ب ۴۳ ح ۵.

است یا خاص؟ فرمود: آنان که دستور داده شده‌اند عام‌اند؛ زیرا جمعیت مؤمنین به این دستور مأمور شده‌اند ولی «صادقین» مخصوص برادرم علی بن ابی طالب و جانشینانم بعد از او تا روز قیامت است.



سورة یونس

● آیه شصت

﴿وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِنَاسٍ فَأَنْتَظِرُونَ﴾^۱

□ «می‌گویند: چرا معجزه‌ای از پروردگارش بر او نازل نمی‌شود؟! بگو: غیب (و معجزات) تنها برای خدا (و به فرمان او) است! شما در انتظار باشید من هم با شما در انتظارم! (شما در انتظار معجزات بهانه‌جویانه باشید، و من هم در انتظار مجازات شما!)»

۱۰۴. روی الحافظ القندوزی الحنفی باسناده قال: عن جعفر الصادق عليه السلام في قوله تعالى: «من ربه فقل إنما الغيب لله» قال: الغيب في هذه الآية هو الحجّة القائم عليه السلام.^۲
یحیی بن ابوالقاسم گوید: امام صادق عليه السلام در تفسیر این قول خدای عزوجل: «فقل إنما الغيب لله...» فرمود: مراد از غیبت در این آیه حجّت قائم عليه السلام می‌باشد.

○ فضل انتظار فرجه عليه السلام و فضل شیعتیته فی زمن الغيبة

۱۰۵. روی فی البحار، عن کمال الدین بسنده عن أبی بصیر قال: قال الصادق عليه السلام: ملوین

۱. سورة یونس. آیه ۲۰.

۲. ینابیع المودة ص ۵۰۸.

لمن تمسك بأمرنا في غيبة قائمنا، فلم يزغ قلبه بعد الهداية، فقلت له: جعلت فداك و ما طوبى؟ قال: شجرة في الجنة اصلها في دار علي بن أبي طالب عليه السلام و ليس من مؤمن إلا وفي داره غصن من اغصانها و ذلك قول الله عزوج: «طوبى لهم و حسن مآب ^۱» ^۲.

○ فضیلت انتظار فرج و مقام شیعه در عصر غیبت

علامه مجلسی در کتاب شریف بحار از کمال‌الدین صدوق از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود: «درخت طوبی برای کسی است که در زمان غیبت قائم ما از او پیروی کند و قلبش منحرف نشود» ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: درخت طوبی چیست؟ فرمود: «طوبی درختی است در بهشت که اصل آن در خانه امیرالمؤمنین علیه السلام است و هیچ مؤمنی در بهشت نیست جز آنکه شاخه‌ای از آن درخت در خانه او خواهد بود، چنان که خداوند به مؤمنین وعده داده و فرموده است: «خداوند برای آنان که اهل ایمان و عمل صالح بوده‌اند، درخت طوبی و جایگاه نیکی در بهشت فراهم نموده است.»

۱۰۶. و روی عن بصائر الدرجات بسنده عن أبي بصير عن ابي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله ذات يوم و عنده جماعة من اصحابه: «اللَّهُمَّ لَقْنِي إِخْوَانِي» مَرَّتَيْنِ فَقَالَ مِنْ حَوْلِهِ مِنْ أَصْحَابِهِ: أَمَا نَحْنُ إِخْوَانُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: لَا إِنَّكُمْ أَصْحَابِي وَ إِخْوَانِي قَوْمٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا وَ لَمْ يَرُونِي، لَقَدْ عَرَفْتِنَهُمُ اللَّهُ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَخْرُجَهُمْ مِنْ أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَ أَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ، لِأَحَدِهِمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ مِنْ خُرْطِ الْقِتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الغُضَا أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى يَنْجِيهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غِبْرَاءِ مَظْلَمَةٍ ^۳.

در همان کتاب از بصائر الدرجات، از ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «روزی عده‌ای از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله نزد آن حضرت بودند و آن حضرت دوبار فرمود: خدایا! ملاقات برادرانم را برای من میسر فرما.»

۱. رعد / ۳۱.

۲. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۲۳.

۳. المصدر ص ۱۲۵.

بعضی از اصحاب گفتند: یا رسول الله! مگر ما برادران شما نیستیم؟ رسول خدا ﷺ فرمود: «خیر! شما اصحاب من هستید، برادران من کسانی هستند که در آخر الزمان می آیند، آنها به من ایمان می آورند در حالی که مرا نمی بینند و خداوند آنها را قبل از آنکه از پشت پدرها و رحم مادرها خارج کند، به من معرفی نموده و من نام آنها و نام پدرانشان را می دانم. آنها به قدری در دین خود قوی هستند که دینداری آنها در آن زمان سخت تر از تراشیدن شاخه تیغ است با دست خود در شب تاریک و یا سخت تر از نگهداشتن آتش سرخ شده. در کف دست آنها چراغ‌هایی نورانی می باشند که خداوند آنها را از هر فتنه کور و ظلمانی نجات خواهد داد.»

۱۰۷. و روی عن کمال الدین عن صالح بن عقبه، عن أبيه، عن الباقر من آباءه عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: أفضل العبادة انتظار الفرج^۱.

در همان کتاب از کمال الدین از امام باقر، از پدرانش، از رسول خدا ﷺ نقل شده که فرمود: «بهترین عبادت‌ها انتظار فرج آل محمد ﷺ است.»

۱۰۸. عن محمد بن أبي نصر قال: قال الرضا عليه السلام: ما أحسن الصبر و انتظار الفرج، أما سمعت قول الله عز وجل: «وارتقبوا اني معكم رقيب^۲» «فانتظروا اني معكم من المنتظرين» فعليكم الصبر، فانه انما يجي الفرج على اليأس، فقد كان الذين من قبلكم أصبر منكم^۳.

محمد بن ابی نصر از امام رضا عليه السلام نقل می کند که فرمود: چه نیکوست صبر و انتظار فرج؛ آیا سخن الهی را نشنیده‌ای: «مراقب باشید که من هم با شما مراقبم»، «پس منتظر باشید که من هم با منتظرانم» پس بر شما باد به صبر. چرا که فرج در حال یأس فرا می رسد و البته آنهایی که قبل از شما بوده‌اند، بیش از شما صبر کرده‌اند.»

۱۰۹. عن حماد بن عمرو، عن الصادق، عن آباءه عليه السلام قال: قال النبي ﷺ لعلي عليه السلام: يا علي! واعلم أن أعظم الناس يقيناً قوم يكونون في آخر الزمان لم يلحقوا النبي و حجب

۱. المصدر ص ۱۲۵.

۲. هود / ۹۳.

۳. تفسیر البرهان ج ۲ ص ۱۸۱ ح ۲.

عنهم الحجّة فأمنوا بسواد في بياض^۱.

در کتاب بحار الانوار از کمال الدین از امام صادق علیه السلام از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که به علی علیه السلام فرمود: «یا علی! بدان که بزرگترین مردم از جهت ایمان و قویترین آنها از جهت یقین مردمی هستند که در آخر الزمان می آیند، آنها پیامبر خود را نمی بینند و امامشان نیز در غیبت به سر می برد و تنها با نوشته ای که روی کاغذ است ایمان می آورند! [بدون اینکه پیامبر یا امام خود را دیده باشند].»

۱۱۰. و روی عنه بسنده عن عمرو بن ثابت قال: قال سيّد العابدين علیه السلام: من ثبت على و لا يتنافى غيبة قائمنا أعطاه الله أجر ألف شهيد مثل شهداء بدر و أحد^۲.

در همان کتاب از امام سجاد علیه السلام نقل شده که فرمود: کسانی که در زمان غیبت قائم ما بر ولایت ما ثابت بمانند، خداوند پاداش هزار شهید مانند شهدای بدر و احد را به آنها خواهد داد.»

۱۱۱. و روی عن المحاسن عن السندی عن جدّه قال: قلت لأبي عبد الله علیه السلام: ما تقول فيمن مات على هذا الأمر منتظراً له؟ قال: هو بمنزلة من كان مع القائم في فسطاطه ثم سكت هنيئاً ثم قال: هو كمن كان مع رسول الله صلی الله علیه و آله^۳.

در همان کتاب از کتاب محاسن نقل شده که به امام صادق علیه السلام گفته شد: درباره کسی که منتظر فرج شما باشد و از دنیا برود چه می فرماید؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «چنین شخصی مانند کسی است که در خیمه حضرت مهدی علیه السلام همراه آن حضرت باشد و سپس سکوتی نمود و باز فرمود: «مانند کسی است که با رسول الله صلی الله علیه و آله بوده باشد.»

۱۱۲. و روی عنه بسنده عن عبد الحميد الواسطي قال: قلت لأبي جعفر علیه السلام: أصلحك الله والله لقد تركنا أسواقنا انتظاراً لهذا الأمر حتى أوشك الرجل منا يسأل في يديه، فقال: يا عبد الحميد أترى من حبس نفسه على الله لا يجعل الله له مخرجاً؟ بلى والله ليجعلن الله له مخرجاً، رحم الله عبداً حبس نفسه علينا، رحم الله عبداً أحيا أمرنا قال: قلت: فان

۱. المصدر ص ۱۲۵.

۲. همان.

۳. همان.

متّ قبل أن أدرك القائم؟ فقال: القائل منكم: إن أدركت القائم من آل محمد عليه السلام نصرته، كالمقارع معه بسيفه والشهيد معه له شهادتان^۱.

در همان کتاب، از محاسن از عبدالحمید واسطی نقل شده که گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: به خدا سوگند! ما دست از تجارت و بازار خود کشیدیم و منتظر فرج شما شدیم تا جایی که نزدیک بود بعضی از ما به گدایی افتند! امام باقر علیه السلام فرمود: «ای عبدالحمید! گمان می‌کنی کسی که برای رضای خدا صبر کند و انتظار بکشد خداوند فرجی برای او نمی‌رساند؟ به خدا قسم! خداوند برای او فرج و گشایشی خواهد رساند.» سپس فرمود: «خدا رحمت کند بنده‌ای را که منتظر فرج ما بماند و امر ما را احیا نماید.» عبدالحمید گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: اگر من قبل از قیام مهدی علیه السلام بمیرم چه خواهد شد؟ امام باقر علیه السلام فرمود: «کسی که معتقد باشد که اگر حضرت مهدی علیه السلام را درک کند او را یاری خواهد کرد، مانند کسی خواهد بود که در کنار او شمشیر بزند و کسی که در رکاب آن حضرت کشته شود پاداش دو شهید را خواهد داشت.»

۱۱۳. و روی عنه بسنده عن ابن محبوب، عن عمرو بن أبي المقدم، عن مالك بن أعين قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إن الميّت منكم على هذا الأمر، بمنزلة الضارب بسيفه في سبيل الله^۲.

در همان کتاب از محاسن از مالک بن اعین از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «هر کدام از شما با اعتقاد به ولایت ما بمیرد مانند کسی است که در راه خدا شمشیر زده باشد و از دنیا برود.»

۱۱۴. و روی عن غيبة الشيخ، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لما دخل سلمان رضي الله عنه الكوفة و نظر اليها، ذكر ما يكون من بلائها حتى ذكر ملك بني امية والذين من بعدهم ثم قال: فاذا كان ذلك فالزموا أحلاس بيوتكم حتى يظهر الطاهر بن الطاهر المطهر ذوالغيبة الشريد الطريد^۳.

۱. المصدر ص ۱۲۶.

۲. همان.

۳. المصدر ص ۱۲۶.

در همان کتاب از کتاب غیبت شیخ طوسی از ابوبصیر، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «چون سلمان وارد کوفه شد و کوفه را مشاهده نمود، بلاهایی را که در آن واقع می‌شد و حکومت بنی‌امیه و دیگران را در آنجا خبر داد و سپس گفت: چون این حوادث رخ دهد در خانه‌های خود بنشینید تا آن مرد پاک و مطهر، فرزند پاکان و معصومان که مدت‌ها در آوارگی و غیبت به سر می‌برد، ظاهر شود و قیامت کند.»

۱۱۵. عن یونس بن عبدالرحمن قال: دخلت علی موسی بن جعفر علیه السلام فقلت له: یا ابن رسول الله أنت القائم بالحق؟ فقال: أنا القائم بالحق، ولكن القائم الذي يطهر الأرض من اعداء الله و يملأها عدلاً كما ملئت جوراً هو الخامس من ولدی له غيبة يطول أمدها خوفاً علی نفسه یرتد فیها أقوام و یثبت فیها آخرون، ثم قال علیه السلام: طوبی لشیعتنا المتمسکین بحبلنا فی غيبة قائمنا الثابتین علی موالیتنا والبراءة من اعدائنا اولئك منا ونحن منهم قد رضوا بنا ائمة و رضينا بهم شیعة، فطوبی لهم هم والله معنا فی درجتنا یوم القيامة^۱.

یونس بن عبدالرحمان نقل می‌کند که گفت: خدمت امام موسی کاظم علیه السلام رسید و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! آیا قائم به حق شما هستید؟ حضرت فرمود: من قائم به حق هستم ولی آن قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک و از عدل و داد پر کند، چنان که از ظلم پر شده، او پنجمین فرزند من است، او را غیبتی طولانی است، چون بر جان خود می‌ترسد و در آن غیبت گروه‌هایی از دین برگردند و جمعی پایدار و ثابت مانند سپس فرمود: «خوشا به حال آن عده از شیعیان ما که در دوره غیبت قائم ما به محبت ما چنگ انداخته‌اند و بر ولایت ما و بیزاری از دشمنانمان استوارند! آنها از ما هستند و ما از آنها هستیم، آنها به امامت ما خوشنودند و ما از شیعه بودن آنها خوشنودیم، خوشا به حالشان و بهشت گوارایشان باد. به خدا قسم! اینان در روز قیامت، هم‌درجه ما هستند!»



● آیه شصت و یکم

«أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ»^۱؛

□ «آیا کسی که هدایت به سوی حق می‌کند، برای پیروی شایسته‌تر است یا آن کس که خود هدایت نمی‌شود مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می‌شود، چگونه داوری می‌کنید؟»

۱۱۶. محمد بن یعقوب: بإسناده عن عبدالرحمن بن مسلمة الجريري قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام يوبّخونا و يكذّبونا إنا نقول: إنَّ صيحتين تكونان: يقولون من أين تُعرف المحقّة من المبطلة اذا كانتا؟ قال: فماذا تردّون عليهم؟ قلت: ما نردّ عليهم شيئاً، قال: قولوا: يصدّق بها إذا كانت من كان يؤمن بها من قبل، ان الله عزّوجلّ يقول: «افمن يهدى الى الحقّ احقّ...»^۲.

عبدالرحمن بن مسلمة جريري گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: دشمنان (و مخالفین شیعه) ما را سرزنش کرده و دروغگو می‌پندارند، ما می‌گوییم: دو فریاد و صیحه آسمانی خواهد بود، آنها می‌گویند: وقتی دو فریاد هر دو از آسمان باشد چگونه فریاد حق از باطل شناخته شود؟ حضرت فرمود: شما چه پاسخی به آنها دادید؟ عرض کردم: ما پاسخی نداریم که به آنها بگوییم، حضرت فرمود: به آنها بگویید: هنگامی که آن فریاد بلند شود، هر کس پیش از آن فریاد بدان ایمان آورده آن را باور و تصدیق کند، خدای عزّوجلّ می‌فرماید: «افمن يهدى الى الحقّ...» [گویا مقصود حضرت این است که ندای حق چنان است که همه آن را بشناسند؛ زیرا منادی حق، به حق هدایت می‌کند و منادی باطل، به باطل دعوت می‌کند و حق و باطل برای کسانی که پیش از آن به حق ایمان آورده‌اند روشن و آشکار است.]

۱. سورة یونس، آیه ۳۵.

۲. روضة الكافي ص ۲۰۸ ح ۲۵۲.

۱۱۷. محمد بن یعقوب: بإسناده عن داود بن فرقد، قال: سمع رجلاً من العجلية هذا الحديث: قوله «ينادي منادٍ ألا إن فلان بن فلان و شيعته هم الفائزون أول النهار و ينادي منادٍ آخر النهار ألا إن عثمان و شيعته هم الفائزون، قال: و ينادي أول النهار منادٍ آخر النهار فقال الرجل: فما يدرينا أيها الصادق من الكاذب؟ فقال: يصدقها عليها من كان يؤمن بها قبل أن ينادي؛ إن الله عزوجل يقول: «أفمن يهدي إلى الحق أحق أن يتبع آمن لا يهدي إلا أن يهدي»^۱.

داود بن فرقد گوید: مردی از عجلیه، این حدیث را شنید که گویند: (در هنگام ظهور) در اول روز منادی ندا کند: آگاه باشید که فلان فرزند فلان و پیروانش رستگارانند و در آخر روز منادی دیگر ندا کند: آگاه باشید که عثمان و پیروانش رستگارانند؟ آن مرد عجلی گفت: در این صورت ما ندانیم که کدام راستگو است و کدام دروغگو؟ حضرت در پاسخ فرمود: تصدیق کنید آن را، آن کس که پیش از این ندا بدان ایمان دارد، همانا خدای عزوجل فرماید: «آیا کسی که به حق هدایت کند، سزاوارتر است که پیرویش کنند یا آن کس که هدایت نمی کند، جز آنکه خود هدایت شود...»

● آیه شصت و دوم

«و يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^۲؛

□ «و می گویند: «اگر راست می گویی، این وعده (مجازات) کی خواهد بود؟»

۱۱۸. عن عبدالرحمن بن سليط، قال: قال الحسين بن علي بن ابي طالب عليه السلام: «منا اثنا عشر مهدياً، أولهم امير المؤمنين علي بن ابي طالب و آخرهم التاسع من ولدي و هو الامام القائم بالحق، يحيى الله به الأرض بعد موتها و يظهر به دين الحق على الدين كله و

۱. روضة الكافي ص ۲۰۹ ح ۲۵۳.

۲. سورة يونس، آية ۴۸.

لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، لَهُ غَيْبَةٌ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيَثْبُتُ فِيهَا عَلَى الدِّينِ آخَرُونَ فَيُؤَدُّونَ وَيُقَالُ لَهُمْ: «مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» أَمَا إِنْ الصَّابِرِ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَالتَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمَجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.

عبدالرحمن بن سلیط گوید: امام حسین علیه السلام فرمود: از ما خاندان دوازدهمین آنها حضرت مهدی خواهد بود که اولین آنها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب است و آخرین آنها، نهمین نفر از فرزندان من است و او امام قائم به حق است و خدای تعالی زمین را به واسطه او پس از موت، زنده کند و دین حق را به دست او بر همه ادیان غالب گرداند؛ گر چه مشرکان را ناخوش آید، او را غیبتی است که گروهی [به واسطه آن غیبت] مرتد شوند و گروهی دیگر ثابت قدم باشند و اذیت شوند و به آنها بگویند: اگر راست می گویند این وعده چه وقت عملی شود؟ بدانید که در دوران غیبت او بر آزار و تکذیب صابر باشد همانند مجاهدی است که با شمشیر پیشروی رسول خدا صلی الله علیه و آله مجاهده کرده است.



● آیه شصت و سوم

﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾؛

□ «آگاه باشید (دوستان و) اولیای خدا نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند.»

۱۱۹. روی الشیخ الصدوق بإسناده عن ابی بصیر، قال: قال الصادق جعفر بن محمد علیه السلام:
یا أبابصیر طوبی لشیعة قائمنا المنتظرین لظهوره فی غیبتہ والمطیعین له فی ظهوره،
اولئک اولیاء الله الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون^۱.

۱. سوره یونس، آیه ۶۲.

۲. کمال الدین ج ۲ ص ۳۵۷ ب ۳۳ ح ۵۴.

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود: ای ابابصیر! خوشا به حال شیعیان قائم ما، کسانی که در غیبتش منتظر ظهور او هستند و در حال ظهورش نیز فرمانبردار هستند، آنان اولیای خدا هستند که نه خوفی بر آنهاست و نه اندوهگین می شوند.



● آیه شصت و چهارم

«لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»؛

□ «در زندگی دنیا و در آخرت، شاد (و مسرور) اند، وعده‌های الهی تخلف‌ناپذیر است! این است آن رستگاری بزرگ!»

۱۲۰. عن أبي عبيدة الحذاء، قال: سألت أبا جعفر عليه السلام... فقال: «لهم البُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ» والامام يبشرهم بقيام القائم و بظهوره و بقتل اعدائهم و بالنجاة في الآخرة والورود على محمد عليه السلام و آله الصادقين على الحوض^۱.

امام باقر عليه السلام فرمود: «لهم البشری فی الحیوة الدنیا و الآخرة» امام به آنها مژده و بشارت دهد به قیام قائم و ظهور او و کشتن دشمنانشان و به نجات در آخرت و ورود بر محمد صلی الله علیه و آله و خاندان راستگوش بر سر حوض.



● آیه شصت و پنجم

«فَلَوْ كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَا آمَنُوا كَشَفْنَا

۱. سوره یونس، آیه ۶۴.

۲. الکافی ج ۱ ص ۲۲۹ ح ۸۳

عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ^۱؛

□ «چرا هیچ یک از شهرها و آبادی‌ها ایمان نیاوردند که (ایمانشان به موقع باشد و) به حالشان مفید افتد؟ مگر قوم یونس، هنگامی که آنها ایمان آوردند، عذاب رسواکننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف ساختیم و تا مدت معینی [پایان زندگی و اجلشان] آنها را بهره‌مند ساختیم.»

۱۲۱. عن أبي بصير، قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: قول الله عز وجل: «عذاب الخزي في الحياة الدنيا» و في الآخرة، ما هو عذاب خزي الدنيا؟ فقال عليه السلام: و أيّ خزي أخزي يا أبا بصير من أن يكون الرجل في بيته جعلته على خوانه وسط عياله، اذ شق أهله الجيوب عليه و صرخوا، فيقول الناس ما هذا؟ فقال: مسح فلان الساعة، فقلت: قبل قيام القائم عليه السلام أو بعده؟ قال: «لا بل قبله^۲».

ابوبصیر نقل می‌کند که به امام صادق عليه السلام عرض کردم: اینکه خداوند می‌فرماید: «عذاب الخزی فی الحیوة الدنیا» در دنیا چه عذابی برای کافران هست؟ حضرت فرمود: ابوبصیر! چه عذابی از این بالاتر که در آن میان که شخصی در حجله خویش میان اهل و عیالش بر سر سفره نشسته ناگهان اهل و کسانش بر او گریبان پاره کنند و فریاد زنند، مردم می‌پرسند: که چه شده است؟ گویند: همین الآن فلانی مسح شد. عرض کردم: این واقعه پیش از قیام حضرت قائم است یا بعد از قیام؟ حضرت فرمود: نه! بلکه قبل از قیام حضرت قائم عليه السلام است.



۱. سوره یونس، آیه ۹۸.

۲. الغیبة للنعمانی ص ۲۶۹ ح ۴۱؛ اثبات الهداة ج ۳ ب ۳۴ ح ۱۰۹.

سورة هود

● آیه شصت و ششم

﴿وَلَمَّا أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ﴾^۱؛

□ «و اگر مجازات را تا زمان محدودی از آنها به تأخیر اندازیم (از روی استهزاء) می‌گویند: چه چیز مانع آن شده است؟»

۱۲۲. ابوعلی الطبرسی فی «مجمع البیان»: قیل أنّ الأُمَّة المَعْدُودَةَ، هم أصحاب المهدی فی آخر الزمان، ثلاثمائة و بضعة عشر رجلاً کعدّة أهل بدر، یجتمعون فی ساعة واحدة كما یجتمع قزح الخریف، قال: و هو المروئی عن أبی جعفر و أبی عبد الله علیهما السلام.^۲
در روایتی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام آمده است که: مراد از «أُمَّة مَعْدُودَةَ» در این آیه شریفه، یاران حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان است که به تعداد اصحاب بدر اندکی بیشتر از سیصد و ده تن می‌باشند که به هنگام قیام آن حضرت، همانند ابرهای پاییزی در کنار هم اجتماع خواهند کرد.

۱۲۳. عن الخزّان، عن أبی عبد الله علیه السلام: «و لئن أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ» قال: هو القائم و أصحابه.^۳

۱. سورة هود، آیه ۸

۲. تفسیر مجمع البیان ج ۵ ص ۱۴۴ ذیل الآیه.

۳. تفسیر العیاشی ج ۲ ص ۱۴۰ ح ۹؛ بحار الأنوار ج ۱ ص ۵۵.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه: «و لئن أخرنا عنهم العذاب الى امة معدودة» فرمود: مراد از این آیه حضرت قائم علیه السلام و یاران وی می باشند.

● آیه شصت و هفتم

﴿أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾^۱؛

□ «ای لعنت خدا بر ظالمان باد!»

○ من علامات الظهور، النداء من السماء

۱۲۴. عن الحسن بن محبوب، عن أبي الحسن الرضا علیه السلام قال: لا بدّ من فتنة صماء صيلم يسقط فيها كل بطانة و وليجة و ذلك عند فقدان الثالث من ولدي، يبكي عليه أهل السماء و أهل الأرض و كم من مؤمن متأسف حيران حزين عند فقدان المعين كأنّي بهم أشّر ما يكون و قد نودوا نداء يسمعه من بعد كما يسمعه من قرب يكون رحمة للمؤمنين و عذاباً للكافرين، قلت: و ايّ نداء هو؟ قال: ينادون في رجب ثلاثة اصوات من السماء صوتاً منها: ألا لعنة الله على الظالمين؛ والصوت الثاني: أذفت الأذفة يا معشر المؤمنين والصوت الثالث: يرون بدننا بارزاً نحو عين الشمس هذا أمير المؤمنين علیه السلام قد كرّ في هلاك الظالمين^۲.

○ از نشانه های ظهور، ندایی از آسمان است

حسن بن محبوب نقل می کند که امام رضا علیه السلام فرمود: به ناچار فتنه و آشوبی بسیار سهمگین و خونین روی خواهد داد که هر نوع خویشی و نزدیکی و دوستی ساقط خواهد شد و از بین می رود و این امر پس از مرگ سومین فرزند من است که اهل آسمان و زمین برای او اشک می ریزند و چه مؤمنانی که در فقدان آب روان، اسفناک و سرگردان و

۱. سوره هود، آیه ۱۸.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ص ۷۲۶ ب ۳۴ ح ۵۰.

غمگین باشند، گویا آنها را می بینم که در بدترین حالات ندایی بشنوند که از دور و نزدیک یکنواخت به گوش رسد، برای مؤمنان رحمت و برای کافران عذاب باشد. [راوی گوید: پرسیدم: این چه ندایی است؟ حضرت فرمود: در ماه رجب سه ندا از آسمان بلند شود: اول: آگاه باشید! لعنت خدا بر ستمکاران، دوم: ای گروه مؤمنان! حادثه نزدیک، نزدیک شد. سوم: طرف چشمه خورشید بدن ظاهری ببینند، او امیرالمؤمنین علیه السلام است که برای هلاکت ستمکاران برگشته است.

● آیه شصت و هشتم

﴿قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوَىٰ إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ﴾^۱؛

□ «گفت:» (افسوس!) ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم تا تکیه گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود! (آنگاه می دانستم با شما زشت سیرتان ددمنش چه کنم!)»

۱۲۵. عن صالح بن سعيد، عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله: «لو ان لي بكم قوّة أو آوى الى ركنٍ شديدٍ» قال: قوّة: القائم عليه السلام، والركن الشديد: الثلثمائة و ثلاثة عشر أصحابه^۲.
صالح بن سعيد نقل می کند که امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه (که حضرت لوط به قوم خود گفت): «ای کاش من در مقابل شما قوتی داشتم یا به رکن محکمی پناهنده می شدم» فرمود: مراد از قوت: حضرت قائم علیه السلام است و مراد از رکن محکم، سیصد و سیزده نفر از یاران وی می باشند.

۱۲۶. عن أبي بصير، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: ما كان قول لوط عليه السلام لقومه: «لو ان لي بكم قوّة أي آوى الى ركنٍ شديدٍ» الا تمّنياً لقوّة القائم عليه السلام و لا ذكر الا شدّة أصحابه، فإنّ

۱. سوره هود، آیه ۸۰

۲. اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۵۱ ب ۳۲ ح ۶۵۴

الرَّجُلُ مِنْهُمْ لِيُعْطَى قُوَّةً أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ إِنْ قَلْبَهُ لِأَشَدَّ مِنْ زُبُرِ الْحَدِيدِ وَ لَوْ مَرُّوا بِجِبَالِ الْحَدِيدِ لَقَلَعُوهَا وَ لَا يَكْفُونَ سُيُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ^۱.

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود: وقتی لوط علیه السلام به قومش می گفت: ای کاش در برابر شما توانایی می داشتم یا به رکن شدید پناه می گرفتم، آرزو داشت که توانایی قائم علیه السلام را داشته باشد و با این کلام استواری یاران او را یاد کرده است؛ زیرا مردی از اصحاب او توانایی چهل مرد را دارد و قلب او از پاره آهن استوارتر است و اگر از کوه های آهنین عبور کنند، آنها را از جای برمی کنند و شمشیرهای خود را بر زمین نمی گذارند تا خداوند عزوجل از آنها راضی گردد.

○ احوال اصحابه و انصاره علیهم السلام و عددهم و شعارهم

۱۲۷. عن عاصم بن ضمره عن علي عليه السلام أنه قال: لتملأن الأرض ظلماً و جوراً حتى لا يقول احد: الله، الا مستخفياً ثم يأتي الله بقوم الصالحين يملؤها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً^۲.

○ احوال یاوران حضرت مهدی علیه السلام و تعداد و شعار آنها

عاصم بن ضمره از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل نموده که فرمود: «زمین چنان از ظلم و جور پر خواهد شد که کسی جز در پنهان نمی تواند نام خدا را ببرد. سپس خداوند مردمان صالح و شایسته ای را حاکم خواهد نمود که زمین را پر از عدل و داد خواهند کرد، چنان که پر از ظلم و ستم شده باشد.»

۱۲۸. عن علي عليه السلام قال: ويحاً لطاقان، فان لله فيها كنوزاً ليست من ذهب و لا فضة ولكن بها رجال عرفوا الله حق معرفته و هم أنصار المهدي آخر الزمان^۳.

امام علی علیه السلام فرمود: «خوشا به شهر طالقان [و رحمت خدا بر آن باد!] گنج هایی در آن نهفته است که نه طلا هستند و نه نقره، بلکه مردانی در آن خواهند بود که خدا را به حقیقت می شناسند؛ آنها یاوران حضرت مهدی در آخرالزمان هستند.»

۱. کمال الدین ج ۲ ص ۶۷۳ ح ۱۸ ب ۵۸.

۲. منتخب الاثر ص ۴۸۴.

۳. کنز العمال ص ۳۴ ح ۶.

۱۲۹. عن أبي جعفر عليه السلام قال: انّ الله تعالى يلقى في قلوب محبينا الرعب فاذا قام قائمنا و ظهر مهدينا كان الرجل اجري من ليث و امضى من سنان^۱.

امام باقر عليه السلام فرمود: چون هنگامی که حضرت مهدی عليه السلام قیام نماید، خدای تعالی در قلوب دوستان ما چنان قدرت و هیبتی قرار می دهد که یک نفر از آنها از شیر درنده و شمشیر برنده برای دشمنان ما سخت تر خواهد بود.

۱۳۰. عن يونس بن ظبيان قال: كنت عند أبي عبدالله عليه السلام فذكر اصحاب القائم فقال: ثلاثمائة و ثلاثة عشر و كل واحد يري نفسه في ثلاثمائة^۲.

یونس بن ظبیان گوید: در خدمت امام صادق عليه السلام بودم. آن حضرت نام اصحاب مهدی عليه السلام را ذکر کرد و فرمود: «آنها سیصد و سیزده نفر هستند و هر یک از آنها در خود قدرت سیصد نفر را احساس می کند.»

۱۳۱. عن ابن زريق الغافقي سمع علياً عليه السلام يقول: يخرج المهدي في اثني عشر ألفاً ان قلّوا و خمسة عشر ألفاً ان كثروا و يسير الرعب بين يديه لا يلقاه عدوّ الا هزمهم، شعارهم أمّ أمّ، لا يبالون في الله لومة لائم^۳.

ابن زریر گوید: از امام علی عليه السلام شنیدم که فرمود: «حضرت مهدی عليه السلام با جمعیتی بین دوازده تا پانزده هزار نفر قیام خواهد نمود و با هیبت و عظمتی حرکت می کند که هر دشمنی در مقابل او قرار گیرد، مغلوب و نابود خواهد شد و شعار یاران او در مقابل دشمنان آن حضرت این است: «بمیرا بمیرا!» و آنها در راه خدا از ملامت هیچ ملامت کننده ای هراس ندارند.»

۱۳۲. قال الصادق عليه السلام: انّ المؤمن في زمان القائم و هو بالمشرق ليرى اخاه الذي في المغرب و كذا الذي في المغرب يرى اخاه الذي بالمشرق^۴.

امام صادق عليه السلام فرمود: «در زمان حکومت حضرت مهدی عليه السلام اگر مؤمنی در مشرق

۱. ينابيع المودة ص ۴۸۹.

۲. منتخب الأثر ص ۴۸۵.

۳. منتخب الأثر ص ۴۸۶.

۴. حق اليقين للسيد الشيرازي ص ۲۲۹.

باشد، برادر خود را در مغرب مشاهده خواهد نمود و اگر در مغرب باشد، برادر خود را در مشرق مشاهده خواهد کرد.»

۱۳۳. عن ابی الربیع الشامی قال: سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول: انّ قائمنا اذا قام مدّ الله لشیعتنا فی اسماعهم و ابصارهم حتّی لا یكون بینهم و بین القائم برید یکلمهم فیسمعون و ینظرون الیه و هو فی مکانه^۱.

ابی ربیع شامی گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرمود: «چون قائم ما، حضرت مهدی علیه السلام قیام نماید، خداوند دست رحمت بر سر شیعیان ما می کشد و گوش ها و چشم های آنان را به قدری نیرومند می فرماید که دیگر نیازی به نامه رسان بین خود و امام زمان خود ندارند؛ بلکه حضرت مهدی علیه السلام هر کجا باشد، با آنها صحبت می کند و آنها او را می بینند و صدای او را می شنوند.»

۱۳۴. عن ابی جعفر علیه السلام قال: اذا قام قائمنا وضع الله یده علی رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و کملت بها احلامهم^۲.

امام باقر علیه السلام فرمود: «چون قائم ما حضرت مهدی علیه السلام قیام نماید خداوند دست رحمت بر سر بندگان خود می کشد و عقل های آنان را مجتمع و کامل می فرماید» [آنچه از صفات و ویژگی های یاران حضرت ذکر کردیم، غالباً مربوط به یاران ویژه حضرت (۳۱۳) یاور مخصوص امام) بود یاورانی که فرماندهان لشکر، دستیاران و حکام او هستند؛ لیکن یاران حضرت منحصر در این تعداد نیستند. در روایات، برای حضرت از لشکر ده هزار نفری و همچنین دوازده تا پانزده هزار نفری «حدیث ۱۳۱ همین کتاب» نیز سخن به میان آمده قیام حضرت از مکه پس از اجتماع آنان خواهد بود و اینان علاوه بر خیل عظیم مؤمنانی هستند که در میانه راه به حضرت خواهند پیوست.]



۱. روضة الكافي.

۲. منتخب الأثر ص ۴۸۳.

● آیه شصت و نهم

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۱؛

□ «آنچه خداوند برای شما باقی گذارده (از سرمایه‌های حلال) برایتان بهتر است، اگر ایمان داشته باشید.»

○ المهدی عليه السلام بقیة الله في الأرض

۱۳۵. عن محمد بن مسلم الثَّقَفِيِّ قال: سمعتُ أبا جعفرٍ محمدَ بنَ عليِّ الباقرِ عليه السلام قال: القائمُ مِنَّا منصورٌ بالرُّعبِ، مُؤَيَّدٌ بالنُّصرِ، تُطوى لَهُ الأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الكُنُوزُ يبلغُ سلطانهُ الشَّمِرقَ والمَغربَ و يظهرُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ دينه على الدِّينِ كُلِّهِ و لو كرهَ المشركونَ، فلا يَبقى في الأَرْضِ خرابٌ إلا قَدْ عُمِرَ وَ يَنزِلُ رُوحُ اللهِ عيسى ابنُ مريمَ عليها السلام فَيُصَلِّي خَلْقَهُ قال: قلتُ: يا بنِ رسولِ اللهِ متى يَخْرُجُ قائمُكُمْ؟ قال: إذا تَشَبَّهَ الرِّجالُ بالنِّساءِ، والنِّساءُ بالرِّجالِ، وَاكتَفَى الرِّجالُ بالرِّجالِ والنِّساءُ وَ رَكِبَ ذواتُ الفُروجِ السُّروجَ وَ قُبلتْ شَهاداتُ الزُّورِ وَ رُدَّتْ شَهاداتُ العُدُولِ وَ اسْتَحَفَّ النَّاسُ بالدِّماءِ وَ ارتكَبَ الزُّنَا وَ أَكَلِ الرِّبا وَ اتَّقَى الأَشْراؤَ مَخافَةَ ألسِنَتِهِمْ وَ خروِجِ السُّفِيانيِّ مِنَ الشَّامِ وَ اليَمانيِّ مِنَ اليَمَنِ وَ خَسَفُ البَيْداءِ وَ قُتِلَ غُلامٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام بَيْنَ الرُّكْنِ والمَقامِ، اسْمُهُ مُحَمَّدُ بنُ الحَسَنِ - النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ - وَ جِئَتْ صَيِّحَةٌ مِنَ السَّمَاءِ بِأَنَّ الحَقَّ فِيهِ وَ فِي شِيعَتِهِ فَعِنْدَ ذَلِكَ خروِجُ قائِمِنَا فَإِذا خَرَجَ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إلى الكَعْبَةِ وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ ذَلِكَ وَ ثَلَاثَةُ عَشَرَ رَجُلًا وَ أوَّلُ ما يَنْطِقُ بِهِ هَذا الآيَةُ: «بَقِيَّةُ اللهِ خَيْرٌ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» ثُمَّ يَقولُ: أنا بَقِيَّةُ اللهِ فِي أرضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ فلا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ إلا قال: السَّلَامُ عَلَيْكَ يا بَقِيَّةُ اللهِ فِي أرضِهِ فَإِذا اجْتَمَعَ إِلَيْهِ العَقَدُ وَ هُوَ عَشْرَةُ آلافِ رَجُلٍ خَرَجَ فلا يَبقى فِي الأَرْضِ مَعْبودٌ دُونَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ صَنَمٍ [وَ وَثْنٍ] وَ غَيْرِهِ إلا وَقَعَتْ فِيهِ نارٌ فَاحْتَرِقَ وَ ذَلِكَ بَعْدَ غَيْبَةِ طَوِيلَةٍ لِيَعْلَمَ اللهُ مَنْ يُطِيعُهُ بِالغَيْبِ وَ يُؤْمِنُ بِهِ^۲»

۱. سورة هود، آیه ۸۶

۲. کمال الدین ص ۳۳۰ ب ۳۲ ح ۱۶.

○ حضرت مهدی علیه السلام بقیة الله و خلیفه خدا در زمین است

محمد بن مسلم گوید: شنیدم از امام باقر علیه السلام که می فرمود: قائم ما به وسیله ترس و بیم یاری شده است و همیشه پیروز است، زمین در اختیار اوست و گنج های خود را برای او ظاهر می سازد. حکومت او مشرق و مغرب را فرا می گیرد، خداوند به وسیله او آیین خود را بر همه ادیان غالب می گرداند. هر چند مشرکان ناراحت باشند. در زمین هیچ ویرانی باقی نمی ماند مگر اینکه آباد می شود، عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان به زمین فرود می آید و پشت سر او نماز می خواند [محمد بن مسلم گوید: عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! قائم شما چه زمانی ظهور می کند؟ حضرت فرمود: آن هنگام که مردان شبیه زنان و زنان شبیه مردان گردند و مردها به مردها و زنها به زنها اکتفاء کنند و زنان بر زین ها سوار شوند و شهادت دروغ پذیرفته شود و شهادت افراد عادل پذیرفته نشود و مردم، خونریزی و زنا و خوردن ربا را سبک بشمارند [و برای آنان امری عادی جلوه دهد] و از بدکاران به خاطر ترس از زبانشان پرهیز شود، سفیانی از شام و یمانی از یمن خروج کنند و بیداء در زمین فرو می رود. نوجوانی از آل محمد علیه السلام بین رکن و مقام کشته می شود، نام او محمد بن الحسن است و انسان پاکی است. صدایی از آسمان می آید که می گوید: حق با مهدی و شیعیان اوست. آری هنگام پدیدار شدن این نشانه ها قائم ما ظهور می کند. وی هنگام ظهور به کعبه تکیه می کند، سیصد و سیزده نفر دور او گرد می آیند و نخستین سخن او این آیه است: «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین؛ بقیة الله برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید» بعد از آن می گوید: منم بقیة الله و خلیفه او در زمین، منم حجّت خدا بر شما، سلام کننده ای بر او سلام نمی کند مگر اینکه می گوید: السلام علیک یا بقیة الله فی أرضه (سلام بر تو ای بقیة الله در زمین) که لشکر ده هزار نفری دور او جمع شدند، خروج می کند و در زمین، معبودی غیر از خدا از بت و غیر آن باقی نمی ماند و آتشی در آنها افکنده می شود و آنها را می سوزاند و همه آنها بعد از غیبت طولانی واقع می شوند تا خداوند کسانی را که مطیع او هستند و از روی غیب به او ایمان دارند، مشخص کند.

۱۳۶. عن عمر بن ذاهب، قال: قال رجل لجعفر بن محمد علیه السلام: نسلم علی القائم بامرہ المؤمنین؟ قال: لا، ذلک اسم سمّاه الله به أمير المؤمنین لا یسمّی به احد قبله و لا بعده الا

کافر، قال: كيف نسلم عليه؟ قال: تقول: السلام عليك يا بقیة الله قال: ثم قرأ جعفر عليه السلام:
«بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین»^۱.

عمر بن ذاهب می گوید: مردی به امام صادق عليه السلام عرض کرد: آیا به قائم عليه السلام با عبارت [امرة المؤمنین] امیرالمؤمنین سلام کنیم یا نه؟ امام عليه السلام در پاسخ فرمود: خیر، این نامی است که خداوند آن را فقط به امیرالمؤمنین عليه السلام اختصاص داده است، هیچ کس، چه قبل و چه بعد از او جز کافران به این نام نامیده نشده اند. آن مرد گفت: پس چگونه بر او سلام کنیم؟ حضرت فرمود: بگو: «السلام عليك يا بقیة الله» آن مرد گفت. سپس امام صادق عليه السلام این آیه را قرائت کرد: «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین».

● آیه هفتاد

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَ لَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ
لَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ وَ إِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ﴾^۲

□ «ما به موسی کتاب آسمانی دادیم، سپس در آن اختلاف شد و اگر فرمان قبلی خدا (در زمینه آزمایش و اتمام حجت بر آنها) نبود، در میان آنان داوری می شد و آنها (هنوز) در شک اند، شکی نمیخسته به بدگمانی.»

۱۳۷. عن أبي حمزة، عن أبي جعفر عليه السلام في قوله عز وجل: «و لقد آتينا موسى الكتاب فاختلف فيه» قال: اختلفوا كما اختلفت هذه الأمة في الكتاب و سيختلفون في الكتاب الذي مع القائم عليه السلام الذي يأتيهم به حتى ينكره ناس كثير فيقدمهم فيضرب أعناقهم^۳.
امام باقر عليه السلام در تفسیر قول خدای عزوجل: «و لقد آتينا موسى الكتاب...» فرمود: اختلاف کردند، چنانچه این امت در قرآن اختلاف کردند و محققاً در کتابی هم که با

۱. تفسیر فرات الکوفی ص ۶۳؛ الکافی ج ۱ ص ۴۱۱ ح ۲ (کتاب حجت باب نادر).

۲. سوره هود، آیه ۱۱۰.

۳. روضة الکافی ص ۲۸۷ ح ۴۳۲.

قائم عليه السلام است و برای آنها می آورد، اختلاف خواهند کرد. بدان حد که جمع زیادی آن را انکار کنند و آن حضرت آنها را فراخوانده و گردنشان را می زند.



سورة رعد

● آیه هفتاد و یکم

«وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»^۱؛

□ «کسانی که کافر شدند می‌گویند: «چرا آیه (و معجزه‌ای) از پروردگارش بر او نازل نشده؟!» تو فقط بیم دهنده‌ای! و برای هر گروهی هدایت‌کننده‌ای است (و اینها همه بهانه است نه برای جستجوی حقیقت)!»

۱۳۸. عن الباقر عليه السلام قال: «رسول الله صلى الله عليه وآله المنذر و لكلّ زمان مّنا هادٍ يهديهم الى ما جاء به نبيّ الله، ثمّ الهداة من بعده: عليّ ثمّ الأوصياء واحداً بعد واحد^۲.»
امام باقر عليه السلام فرمود: «رسول خدا صلى الله عليه وآله منذر است و در هر زمانی یک نفر از ما امام خواهد بود که مردم را به آنچه پیامبر خدا صلى الله عليه وآله آورده هدایت خواهد نمود و امامان هادی بعد از پیامبر صلى الله عليه وآله و بعد از او جانشینان او، یکی پس از دیگری هستند.»

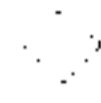
۱۳۹. عن الصادق عليه السلام: «كلّ امام هادٍ للقرآن الذي هو فيهم^۳.»

۱. سورة رعد، آیه ۷.

۲. الکافی ج ۱ ص ۱۹۳.

۳. تفسیر الصافی ذیل الآیه.

در تفسیر صافی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «هر امامی هادی و هدایتگر آن زمانی است که در آن زندگی می‌کند.»



● آیه هفتاد و دوم

﴿وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ﴾^۱؛

□ «و او قدرتی بی‌انتهای (و مجازاتی دردناک) دارد!»

۱۴۰. عن الأصبع بن نباته قال: سمعت علياً عليه السلام يقول: ان قبل قيام القائم عليه السلام سنين خداعة يكذب فيها الصادق و يصدق فيها الكاذب و يقرب فيها الماحل و ينطق فيها الروبيضة فقلت: و ما الروبيضة و ما الماحل؟ قال: أو ما تقرؤون القرآن قوله: «و هو شديد المحال» يريد المكر^۲.

اصبع بن نباته گوید: شنیدم از امیرالمؤمنین علیه السلام که می‌فرمود: پیش از قیام حضرت قائم علیه السلام سال‌های خدعه‌گر و فریبنده‌ای است؛ که در آنها راستگو را تکذیب و دروغگو را تصدیق و سخن‌چین و مکار را به خود نزدیک کنند و روبیضه را به سخن آرند. گفتم: روبیضه و ماحل چیست؟ فرمود: مگر قرآن نمی‌خوانید: «و او سخت محال است» مراد مکر است.



● آیه هفتاد و سوم

۱. سورة رعد، آیه ۱۳.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ص ۷۳۸ ب ۳۴ ح ۱۱۵.

«الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَا بٍ»^۱؛

□ «آنها که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند پاکیزه‌ترین (زندگی)

نصیبشان است؛ و بهترین سرانجام‌ها.»

۱۴۱. عن أبي بصيرٍ قال: قال الصادق عليه السلام: «طوبى لمن تمسك بأمرنا في غيبة قائمنا فلم يزرع قلبه بعد الهداية، فقلتُ له: جعلت فداك و ما طوبى؟ قال: شجرة في الجنة أصلها في دارِ علي بن أبي طالب عليه السلام و ليس من مؤمنٍ إلا و في دارِهِ عُصْنٌ مِنْ أَغصَانِهَا و ذلك قولُ الله عزَّوجلَّ: «طوبى لهم و حسنُ ما بٍ»^۲.

ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: خوشا به حال کسی که در غیبت قائم ما به امر ما تمسک جوید (و از ما پیروی کند) و قلبش پس از هدایت منحرف نشود. [راوی گوید:] گفتم: فدایت شوم، طوبی چیست؟ حضرت فرمود: درختی در بهشت است که ریشه آن در خانه علی بن ابی طالب عليه السلام است و هیچ مؤمنی نیست جز آنکه شاخه‌ای از شاخه‌های آن درخت در خانه اوست و آن همان قول خدای تعالی است که فرمود: «طوبی لهم و حسن ما بٍ».



۱. سورة رعد، آیه ۲۹.

۲. معانی الأخبار ص ۱۱۲ ح ۱؛ کمال الدین ج ۲ ب ۳۳ ح ۵۵.

سورة ابراهيم

● آية هفتاد و چهار

﴿وَذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ﴾^۱

□ «و ايام الله را به آنان یاد آور!»

۱۴۲. عن الباقر عليه السلام قال: ايام الله ثلاثة: يوم القائم صلواتُ الله عليه، و يوم الموت و يوم القيامة^۲.

و في رواية اخرى: يوم الكثرة^۳.

امام باقر عليه السلام فرمود: روزهای خدا، سه روز است: روز قیام حضرت مهدی عليه السلام، روز مرگ و روز قیامت.

و در روایتی دیگر (به جای روز مرگ) روز رجعت آمده است.



● آية هفتاد و پنجم

۱. سورة ابراهيم، آية ۵.

۲. تفسير قمی، ذیل آیه.

۳. منابع المودة ص ۵۰۹.

﴿وَسَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَ تَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَ ضَرَبْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ﴾^۱؛

□ «(آری شما بودید که) در منازل (و کاخ‌های) کسانی که به خویشتن ستم کردند، ساکن شدید و برای شما آشکار شد چگونه با آنان رفتار کردیم و برای شما مَثَل‌ها (از سرگذشت پیشینیان) زدیم (باز هم بیدار نشدید)!»

۱۴۳. عن سعد بن عمر عن غير واحد، عن أبي عبد الله عليه السلام في حديث أنه ذكر عنده دور العباسيين فقل رجل: أرانا الله أيها خراباً، فقال: لا تقل هكذا بل تكن مساكن القائم و أصحابه، أما سمعت الله يقول: «و سكنتم في مساكن الذين ظلموا أنفسهم»^۲.

سعد بن عمر از جماعتی در حدیثی نقل می‌کند که: خدمت امام صادق عليه السلام سخن از خانه‌های بنی عباس به میان آمد، مردی گفت: خداوند خرابی آنها را به ما بنمایاند. حضرت فرمود: چنین مگو، بلکه آنجا مسکن حضرت قائم عليه السلام و یارانش خواهد شد. مگر نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: «و در خانه کسانی که به خویشتن ستم کردند، نشستید.»



۱. سورة ابراهيم، آیه ۴۵.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۵۱ ب ۳۲ ح ۵۶۶.

سورة حجر

● آیه هفتاد و ششم

﴿وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجاً وَزَيَّنَّاها لِلنَّاظِرِينَ * وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ﴾؛

□ «ما در آسمان برج‌هایی قرار دادیم و آن را برای بینندگان آراستیم. و آن را از هر شیطان رانده‌شده‌ای حفظ کردیم.»

○ رجم الشیطان فی عهد المهدی علیه السلام

۱۴۴. عن عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی قال: سمعت أبا الحسن علی بن محمد العسکری علیه السلام يقول: معنی الرجیم، انه مرجوم باللعن، مطرود من مواضع الخیر، لا یذكر مؤمن الا لعنه و ان فی علم الله السابق انه اذا خرج القائم علیه السلام لا یبقی مؤمن فی زمانه الا وجهه بالحجارة كما كان قبل ذلك مرجوماً باللعن^۱.

○ رجم شیطان در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام

عبدالعظیم بن عبدالله حسنی گوید: از امام هادی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: معنای رجیم [در آیات قرآن] آن است که (شیطان) با لعن از درگاه خدا رانده شده و از هر جای خیر و

۱. سورة حجر، آیه ۱۶ - ۱۷.

۲. معانی الاخبار ج ۱ ص ۱۳۹ ب ۷۲ ح ۱.

نیکی دور شده، مؤمنی او را یاد نکند مگر اینکه بر او لعن و نفرین فرستد، به راستی که در علم خدا گذشته است: هنگامی که حضرت قائم آل محمد علیه السلام ظهور کند در زمان او مؤمنی نماند، مگر اینکه شیطان را رجم کند و با سنگ، او را از خود دور نماید چنانچه پیش از آن هم مورد لعن و نفرین آنان می بوده است.



● آیه هفتاد و هفتم

﴿قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾^۱؛

□ «فرمود: تو از مهلت یافتگانی! (اما نه تا روز رستاخیز، بلکه) تا روز و وقت معینی.»

○ الوقت المعلوم يوم قيام القائم عليه السلام

۱۴۵. عن وهب بن جميع مولى اسحاق بن عمّار قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قوله تعالى: «انك من المنظرين، الى يوم الوقت المعلوم» قال له وهب: جعلت فداك أى يوم؟ قال: يا وهب تحسب أنه يوم يبعث الله فيه الناس ان الله أنظره الى يوم يبعث فيه قائمنا، فاذا بعث الله قائمنا كان فى مسجد الكوفة و جاء ابليس حتى يجثو بين يديه على ركبتيه، فيقول: يا ويلة من هذا اليوم فيأخذ بناصيته فيضرب عنقه، فذلك يوم الوقت المعلوم^۲.

○ وقت معلوم؛ روز قیامت حضرت مهدی عليه السلام می باشد

وهب بن جميع گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: این روزی که خداوند (به شیطان) می فرماید: «تو تا روز وقت معلوم مهلت داده شده‌ای» چه روزی است؟

حضرت فرمود: ای وهب، گمان می کنی این روز، روز قیامت است؟ (نه، چنین نیست) خداوند او را تا روز مبعوث شدن قائم ما مهلت داده، وقتی که خداوند آن جناب را در مسجد کوفه مبعوث کند، شیطان بیاید در مقابل او زانو زند و گوید: ای وای از این

۱. سورة حجر، آیه ۳۷ - ۳۸.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۵۱ ب ۳۲ ح ۵۶۷.

روز؛ آنگاه حضرت موی پیشانی شیطان را می‌گیرد و گردنش را می‌زند، این روز، روز وقت معلوم است.

● آیه هفتاد و هشتم

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ * وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ﴾^۱؛

□ «در این (سرگذشت عبرت‌انگیز) نشانه‌هایی است برای هوشیاران! و ویرانه‌های سرزمین آنها، بر سر راه (کاروانها) همواره ثابت و برقرار است.»

۱۴۶. روی جابر، عن الباقر عليه السلام قال: كَانِي أَنْظِرَ إِلَى الْقَائِمِ عليه السلام وَأَصْحَابِهِ فِي نَجْفِ الْكُوفَةِ كَأَنَّ عَلَى رُؤُوسِهِمُ الطَّيْرَ فَنِيَتْ أَزْوَادَهُمْ وَخَلَقَتْ ثِيَابَهُمْ (مَتَنَكِبِينَ قَسِيَّهُمْ) قَدْ أَثَرَ السَّجُودَ بِجِبَاهِهِمْ، لُبُوثٌ بِالنَّهَارِ وَرُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ، يُعْطَى الرَّجُلُ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا (وَيُعْطِيهِمْ صَاحِبُهُمُ التَّوَسُّمَ) لَا يَقْتُلُ أَحَدٌ مِنْهُمْ إِلَّا كَافِرًا أَوْ مُنَافِقًا، فَقَدْ وَصَفَهُمُ اللَّهُ بِالتَّوَسُّمِ فِي كِتَابِهِ: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ^۲».

جابر و او از امام باقر عليه السلام نقل کرده است که فرمود: گویا قائم عليه السلام و یارانش را در نجف کوفه می‌بینم، گویی پرنده‌ای روی سرشان نشسته است، زاد و توشه آنان تمام شده و لباس‌هایشان کهنه گردیده است (کمانشان را به شانه گرفته‌اند)، اثر سجده در پیشانی آنها نمایان است، شیران روزند و راهبان شب، گویا دل‌هایشان پاره‌هایی از آهن است، به یک نفر از آنها نیروی چهل مرد داده شده است (صاحبشان به آنها هوشیاری می‌بخشد). آنان جز منافق و کافر را نمی‌کشند. خداوند در کتابش، آنها را هوشیار توصیف کرده [آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ؛ در آن نشانه‌هایی است برای هوشیاران.»]

۱۴۷. عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام لَمْ يَقُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ الرَّحْمَنِ إِلَّا

۱. سوره حجر، آیه ۷۵ - ۷۶.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۸۵ ب ۳۲ ح ۷۹۱.

عرفه صالح هو أم طالح و فيه آية للمتوسمين و هو السبيل المقيم^۱»
 از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «هنگامی که حضرت مهدی روحی فداه قیام کند، هیچ کس در برابر او قرار نمی‌گیرد مگر این که می‌داند او صالح است یا غیر صالح و در هر انسانی برای ائمه علیهم السلام نشانه‌ای است که به وسیله آن، او را می‌شناسد و امام راه رسیدن به بهشت است.»



● آیه هفتاد و نهم

﴿و لَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾^۲؛

□ «ما به تو سوره حمد و قرآن عظیم دادیم.»

۱۴۸. عن یونس بن عبدالرحمن عمّن رفعه قال: سألت أبا عبدالله علیه السلام عن قوله عزّوجلّ: «و لقد آتیناک سبعاً من المثنائی والقرآن العظیم» قال: ان ظاهرها الحمد و باطنها ولد الولد، والسابع منها القائم علیه السلام^۳.

یونس بن عبدالرحمان از کسی که نام نبرده نقل می‌کند که گفت: درباره فرمایش خدای عزّوجلّ: «و لقد آتیناک سبعاً من المثنائی» از امام صادق علیه السلام سؤال کردم، حضرت فرمود: ظاهر این آیه سوره حمد است (که هفت آیه است و دوبار نازل شده) و باطن این آیه فرزند فرزند است و هفتمین آنها حضرت قائم علیه السلام است.



۱. کمال الدین ص ۶۷۱ ب ۵۸ ح ۱۱.

۲. سوره حجر، آیه ۸۷.

۳. اثبات الهداة ج ۳ ب ۳۲ ح ۵۶۸.

سورة نحل

● آیه هشتماد

«أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ»^۱؛

□ «فرمان خدا (برای مجازات مشرکان و مجرمان) فرا رسیده است، برای آن عجله نکنید! منزّه و برتر است خداوند از آنچه همتای او قرار می‌دهند.»

۱۴۹. عن أبان بن تغلب قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: «أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُ الْقَائِمَ عليه السلام جَبْرَائِيلُ: يُنَزَّلُ فِي صُورَةِ طَيْرٍ أبيضَ فَيُبَايِعُهُ ثُمَّ يَضَعُ رِجْلًا عَلَى بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَرِجْلًا عَلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ ثُمَّ يُنَادِي بِصَوْتٍ طَلِقٍ تَسْمَعُهُ الْخَلَائِقُ: «أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ»^۲.

ابان بن تغلب از امام صادق عليه السلام روایت کرده است که فرمود: نخستین کسی که با حضرت مهدی عليه السلام بیعت می‌کند جبرئیل عليه السلام است که به صورت پرنده‌ای سفید بر او نازل شده و با او بیعت می‌کند، سپس یک پای خود را بر بام خانه خدا و یکی را بر بیت المقدس می‌نهد و با صدای بلند ندا می‌دهد به نحوی که همه مردم آن را می‌شنوند: «اتی امر الله فلا تستعجلوه»؛ امر خدا آمد، پس برای آن عجله و شتاب نکنید.»



۱. سورة نحل، آیه ۱.

۲. کمال الدین ج ۲ ص ۶۷۱ ب ۵۸ ح ۹.

● آیه هشتاد و یکم

«وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ»^۱؛

□ «و نیز علاماتی قرار داد و (شب هنگام) به وسیله ستارگان هدایت می شوند.»

۱۵۰. قال ابو عبدالله عليه السلام: «نحن العلامات، والنجم رسول الله صلى الله عليه وآله ان الله جعل النجوم اماناً لأهل السماء و جعل اهل بيتي اماناً لأهل الأرض»^۲.

در تفسیر مجمع البیان از امام صادق عليه السلام نقل شده که فرمود: «علامات، ما هستیم و نجم رسول خداست. رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: خداوند ستارگان را امان رای اهل آسمان قرار داد و اهل بیت مرا امان برای اهل زمین قرار داد.»
و در روایت دیگری از امام باقر عليه السلام چنین آمده: «مقصود از نجم، محمد صلى الله عليه وآله است و مقصود از علامات، اوصیای او هستند.»^۳

● آیه هشتاد و دو

«و اَسْمُوا بِاللّٰهِ جِهْدَ اِيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللّٰهُ مَنْ يَمُوتُ بَلٰى وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا وَلٰكِنْ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»^۴؛

□ «آنها سوگندهای شدید به خدا یاد کردند که: «هرگز خداوند کسی را که می میرد، بر نمی انگیزد!» آری، این وعده قطعی خداست (که همه مردگان را برای جزا باز می گرداند) ولی بیشتر مردم نمی دانند!»

۱۵۱. عن أبي بصير قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: قوله تبارك و تعالی: «و أقسموا بالله جهد

۱. سوره نحل، آیه ۱۶.

۲. مجمع البیان ذیل الآیه.

۳. شواهد التنزیل ج ۱ ص ۳۲۷.

۴. سوره نحل، آیه ۳۸.

ایمانهم لا یبعث الله من یموت بلی وعداً علیه حقاً ولكن اکثر الناس لا یعلمون»؟ قال: فقال لی: یا أبابصیر ما تقول فی هذه الآیة؟ قال: قلت: انّ المشرکین یزعمون و یحلفون لرسول الله ﷺ أن الله لا یبعث الموتی قال: فقال: تبتاً لمن قال هذا، سلهم هل کان المشرکون یحلفون بالله أم باللات والعزی؟ قال: قلت: جعلت فداک فأوجدنیه قال: فقال لی: یا أبابصیر لو قد قام قائمنا بعث الله الیه قوماً من شیعتنا قباع سیوفهم علی عوانقهم فیبلغ قوماً من شیعتنا لم یموتوا فیقولون: بعث فلان و فلان و فلان من قبورهم و هم مع القائم فیبلغ ذلك قوماً من عدونا فیقولون: یا معشر الشیعة ما أكذبکم هذه دولتکم و انتم تقولون فیها الکذب لا والله ما عاش هؤلاء و لا یعیشون الی یوم القیامة قال: فحکی الله قولهم فقال: «و اقسموا بالله جهد ایمانهم لا یبعث الله من یموت».

ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: معنای فرمایش خدای تبارک و تعالی چیست، آنجا که می فرماید: «و اقسموا بالله...» حضرت فرمود: ای ابابصیر! نظر تو درباره این آیه چیست؟ و از مردم درباره تفسیر این آیه چه شنیده ای؟ [ابوبصیر گوید:] عرض کردم: مشرکان چنین گمان می کردند و برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز سوگند می خوردند که خدا مردگان را زنده نمی کند. حضرت فرمود: نابود باد هر که چنین گوید. از اینها پرس که آیا مشرکان به خدا قسم می خوردند یا به لات و عزی؟ عرض کردم: فدایت شوم، پس شما معنای آن را به من تعلیم ده. حضرت فرمود: ای ابابصیر! هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند گروهی از شیعیان ما را که دسته های شمشیرشان را روی دوششان گذارده اند، زنده کند، این خبر به گوش جمعی از شیعیان ما که هنوز نمرده اند، برسد. آنها به همدیگر گویند: فلانی و فلانی و فلانی از قبرها بیرون آمده اند و همراه حضرت قائم علیه السلام هستند، ولی چون به گوش دشمنان ما برسد گویند: ای گروه شیعه! چقدر دروغگو هستید. اکنون هم که دولت دست شماست باز هم دروغ می گویند. نه به خدا این افراد که می گویند زنده نشده اند و تا روز قیامت هم زنده نخواهند شد. پس خدای تعالی گفتار ایشان را در این آیه حکایت فرموده است.

سورة إسرائ

۱۵۲. عن الحسين بن أبي العلاء، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من قرأ سورة بني إسرائيل في كل ليلة جمعة لم يمت حتى يدرك القائم عليه السلام و يكون من أصحابه.^۱
حسين بن ابى العلاء گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که سوره بنى اسرائيل (اسراء) را در هر شب جمعه قرائت کند نمیرد، مگر اینکه قائم آل محمد را درک کند و از یاران آن حضرت باشد.

● آیه هشتاد و سوم

﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ
لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا. فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ
بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا. ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ
الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَآمَدْنَاكُم بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُم أَكْثَرَ نَفِيرًا. إِنَّ
أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ
لِيَسُؤُوا وُجُوهَكُمْ وَ لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيَتَّبِعُوا مَا
عَلَّمُوا تَتَّبِعُونَ﴾^۲

□ «ما به بنى اسرائيل در كتاب (تورات) اعلام كرديم كه دوبار در زمين فساد

۱. ثواب الأعمال ص ۱۳۳ ح ۱.

۲. سورة إسرائ، آیه ۴ - ۷.

خواهید کرد و برتری جویی بزرگی خواهید نمود. هنگامی که نخستین وعده فرا رسد، گروهی از بندگان پیکارجوی خود را بر ضد شما می‌انگیزیم (تا شما را سخت درهم کوبند؛ حتی برای به دست آوردن مجرمان)، خانه‌ها را جستجو می‌کنند و این وعده‌ای است قطعی! سپس شما را بر آنها چیره می‌کنیم؛ و شما را به وسیله دارایی‌ها و فرزندان کمک خواهیم کرد و نفرات شما را بیشتر (از دشمن) قرار می‌دهیم. اگر نیکی کنید به خودتان نیکی می‌کنید و اگر بدی کنید باز هم به خود می‌کنید و هنگامی که وعده دوم فرا رسد، (آنچنان دشمن بر شما سخت خواهد گرفت که) آثار غم و اندوه در صورت‌هایتان ظاهر می‌شود و داخل مسجد (الأقصى) می‌شوند همان‌گونه که بار اول وارد شدند و آنچه رازیر سلطه خود می‌گیرند، درهم می‌کوبند.»

۱۵۳. عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله تعالى: «وقضينا الى بني اسرائيل في الكتاب لتفسدن في الأرض مرتين» قال: قتل علي بن أبي طالب عليه السلام و طعن الحسين عليه السلام «و لتعلن علواً كبيراً» قال: قتل الحسين عليه السلام «فاذا جاء وعد اوليها» فاذا جاء نصر دم الحسين عليه السلام «بعثنا عليكم عباداً لنا اولى بأس شديد فجاسوا خلال الديار» قوم يبعثهم الله قبل خروج القائم عليه السلام فلا يدعون وتراً لآل محمد الا قتلوه «و كان وعداً مفعولاً» خروج القائم عليه السلام «ثم ردوناكم الكفرة عليهم» خروج الحسين عليه السلام في سبعين من أصحابه عليهم البيض المذهب لكل بيضة و جهان المؤذون إلى الناس أن الحسين قد خرج حتى لا يشك المؤمنون فيه و أنه ليس بدجال و لا شيطان والحجة القائم بين أظهرهم فاذا استقرت المعرفة في قلوب المؤمنين أنه الحسين عليه السلام جاء الحجة الموت فيكون الذي يغسله و يكفنه و يحنطه و يلحده في حفرته الحسين بن علي عليه السلام و لا يلي الوصي إلا الوصي .
امام صادق عليه السلام در گفتار خدای تعالی که می‌فرماید: «و قضاوت و اعلام کردیم بر بنی اسرائیل در آن کتاب که شما دوبار در زمین فساد می‌کنید» فرمود: یکی کشتن علی بن ابی طالب عليه السلام است و دیگری نیزه زدن به حسن بن علی عليه السلام و (دنباله آیه که می‌فرماید)

«و همانا سرکشی می کنید، سرکشی بزرگ» مقصود: کشتن امام حسین علیه السلام است «پس چون موعد نخستین آن بیاید» یعنی: هنگام پیروزی خون خواهان حسین علیه السلام «گماشتیم بر سر شما بندگان که داشتیم و سخت دلاور بودند تا در داخل خانه ها کشتار کنند» فرمود: مردمی هستند که خدا آنها را پیش از آمدن حضرت قائم علیه السلام بفرستد. پس خونی از آل محمد به جای نگذارند جز آنکه او را بکشند «و این وعده ای است انجام شده» یعنی قیام حضرت قائم علیه السلام «آنگاه بر ضد آنها پیروزی را به شما دادیم» یعنی: آمدن حسین علیه السلام با هفتاد تن از اصحابش (در زمان رجعت) که کلاه خودهایی طلاکاری شده که دور او دارد بر سر دارند و به مردم رجعت و زنده شدن دوباره امام حسین علیه السلام را اطلاع می دهند تا مؤمنان به شک و شبهه نیفتند و بدانند که او دجال و شیطان نیست و حضرت حجّت قائم هنوز در میان آنهاست و چون معرفت صحیح درباره حسین علیه السلام در دل مردم جا گرفت، آنگاه حضرت حجّت را مرگ فرا رسد، و کسی که او را غسل دهد و کفن و حنوط کند و به خاک سپارد، همان حسین بن علی علیه السلام است و کسی متصدی کار دفن و کفن وصی، جز وصی و امام نمی گردد.

۱۵۴. روى القمى فى قوله تعالى: «إِن أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَاذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ» يعنى القائم صلوات الله عليه و أصحابه.^۱
 علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود در ذیل این آیه: «ان احسنتم احسنتم لأنفسکم و...» از معصوم علیه السلام روایت کرده که مراد، حضرت قائم علیه السلام و یاران ایشان می باشند.

● آیه هشتاد و چهارم

﴿و لا تقتلوا النفسَ الّتی حرّمَ اللهُ إلاّ بالحقّ و من قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوِليّه سُلطاناً فلا يُسْرِفُ فى القتلِ انّه كانَ منصُوراً﴾^۲

۱. تفسیر القمى ج ۲ ص ۱۴.

۲. سورة اسراء، آیه ۳۳.

□ «و کسی را که خداوند خورش را حرام شمرده، نکشید جز به حق! و آن کسی که مظلوم کشته شده، برای ولیش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم اما در قتل اسراف نکند چرا که او مورد حمایت است.»

۱۵۵. عن محمد بن سنان، عن رجل، قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قوله تعالى: «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً فلا يسرف في القتل أنه كان منصوراً» قال: ذلك القائم آل البيت عليهم السلام يخرج فيقتل بدم الحسين عليه السلام فلو قتل أهل الأرض لم يكن مسرفاً و قوله: «فلا يسرف في القتل» أي لم يكن ليصنع شيئاً فيكون مسرفاً ثم قال ابو عبد الله عليه السلام: يقتل والله ذراري قتله الحسين عليه السلام لفعال آبائهم^۱.

۱۵۶. عن أبي جعفر عليه السلام في قوله: «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً» قال: الحسين عليه السلام: «فلا يسرف في القتل أنه كان منصوراً» قال: سمى الله المهدي المنصور كما سمى أحمد محمداً و كما سمى عيسى المسيح عليه السلام^۲.

امام باقر عليه السلام درباره تفسیر این آیه شریفه: «و من قتل مظلوماً...» فرمود: مقصود از این آیه، امام حسین عليه السلام است و مراد از این قسمت آیه: «فلا يسرف في القتل» حضرت مهدی عليه السلام است که در قتل اسراف نمی کند همانا خداوند مهدی را منصور نامیده است، همان طوری که احمد را محمد نامیده و همان گونه که حضرت عیسی را مسیح نامیده است.

۱۵۷. عن سلام بن المستنیر عن أبي جعفر عليه السلام في قوله: «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً فلا يسرف في القتل، أنه كان منصوراً» قال: هو الحسين بن علي عليه السلام قتل مظلوماً و نحن اولياؤه والقائم منا اذا قام طلب بئار الحسين، فيقتل حتى يقال قد اسرف في القتل، و قال: المقتول الحسين عليه السلام و وليه القائم والاسراف في القتل ان يقتل غير قائله أنه كان منصوراً، فإنه لا يذهب من الدنيا حتى ينتصر برجل من آل رسول الله صلى الله عليه وآله يملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً^۳.

۱. کامل الزیارات ص ۶۳ ح ۵.

۲. تفسیر فرات الکوفی ص ۱۲۲؛ البحار ج ۵۱ ص ۳۰ ب ۲ ح ۸.

۳. تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۲۹۰.

سلام بن مستنیر می گوید: امام محمد باقر علیه السلام درباره این آیه: «و من قتل مظلوماً» فرمود: «او حسین بن علی علیه السلام است که مظلوم کشته شد و ما اولیای او هستیم و قائم ما چون قیام کند در طلب انتقام خون امام حسین علیه السلام برآید، پس می کشد تا جایی که گفته می شود اسراف در قتل کرده است. مقتول، حسین علیه السلام و ولی او قائم علیه السلام است و اسراف در قتل این است که غیر قاتل او کشته شود، او منصور است؛ زیرا از دنیا نمی گذرد تا اینکه یاری شود به مردی از خاندان پیامبر خدا که زمین را پر از عدل و داد کند، همچنان که پس از ظلم و ستم پر شده باشد.»



● آیه هشتاد و پنجم

«يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظَلَمُونَ فَتِيلًا»^۱

□ (به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می خوانیم! کسانی که نامه عملشان به دست راستشان داده شود، آن را (با شادی و سرور) می خوانند و به قدر رشته شکاف هسته خرمايي به آنان ستم نمی شود!

۱۵۸. عن الفضيل بن يسار قال: سألتُ ابا عبد الله عليه السلام عن قول الله تبارك و تعالى: «يوم ندعوا كل اناس بامامهم» فقال: يا فضيل، اعرف امامك، فانك اذا عرفت امامك لم يضرك، تقدم هذا الامر او تاخر و من عرف امامه ثم مات قبل ان يقوم صاحب هذا الامر، كان بمنزلة من كان قاعداً في عسكره لا بل بمنزلة من قعدت تحت لوائه، قال: و قال بعض اصحابه: بمنزلة من استشهد مع رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم.

فضیل بن یسار گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خدای تبارک و تعالی: «روزی که

۱. سوره اسراء، آیه ۷۱.

۲. الکافی ج ۱ ص ۳۷۱ ح ۲ (کتاب حجت).

هر دسته از مردم را با امامشان می خوانیم» سؤال کردم: حضرت فرمود: ای فضیل! تو امامت را بشناس؛ زیرا هر گاه امامت را شناختی تقدّم یا تأخر این امر تو را ضرری نمی رساند، کسی که امامش را بشناسد و پیش از قیام صاحب الامر بمیرد، مانند کسی است که در لشکر آن حضرت بوده است نه، بلکه مانند کسی که زیر پرچم آن حضرت نشسته باشد. در اینجا یکی از اصحاب حضرت گفت: مانند کسی است که در رکاب رسول خدا ﷺ شهید شده باشد.

۱۵۹. عن عُمَرَ بْنِ أَبَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِعْرِفِ الْعَلَامَةَ، فَإِذَا عَرَفْتَهُ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ؛ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» فَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ كَانَ كَمَنْ كَانَ فِي فُسْطَاطِ الْمُنتَظَرِ^۱.

عمر بن ابان گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود: تو، نشانه را (امام را) بشناس. چون او را شناختی تقدّم یا تأخر این امر به تو ضرر و زیانی نرساند؛ زیرا خدای عزوجل می فرماید: «روزی که هر دسته از مردم را با امامشان می خوانیم» پس هر که امامش را شناخت همچون کسی است که در میان چادر امام منتظر عَلَيْهِ السَّلَامُ باشد.

۱۶۰. عن اسماعيل بن محمد الخُزاعي قال: سأل ابوبصيرَ أبا عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ و أنا أسمعُ، فقال: تراني أدركُ القائمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ فقال: يا أبابصير، ألسنتَ تعرفُ إمامك؟ فقال: إي والله و أنتَ هو - و تناولَ يدهُ - فقال: والله ما تُبالي يا أبابصير، ألا تكونُ مُحْتَبياً بِسَيْفِكَ في ظلِّ رواقِ القائمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ^۲.

اسماعیل بن محمد خزاعی گوید: من می شنیدم که ابوبصیر از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می پرسید: به نظر شما من حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ را درک می کنم و آیا او را می بینم؟ حضرت فرمود: ای ابابصیر! مگر نه این است که تو امامت را می شناسی؟ عرض کرد: چرا به خدا! شما امام من هستید - و دست حضرت را گرفت - حضرت فرمود: ای ابابصیر! به خدا از این که در سایه خیمه قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ، تکیه به شمشیر خود نکرده ای هیچ باک نداشته باش (یعنی

۱. همان مدرک ح ۷.

۲. همان ح ۴.

با این عقیده‌ای که تو داری، ثواب چنان کسی نیز برای تو هست).

۱۶۱. عن فضیل بن یسار قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتُهُ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ^۱.

فضیل بن یسار گوید: شنیدم که امام باقر عليه السلام می فرمود: کسی که بمیرد و امامی نداشته باشد، همانند مردم در دوران جاهلیت مرده است.

۱۶۲. عن ابن أبي يعفور قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول رسول الله صلى الله عليه وآله: «من مات و ليس له إمام فميتته ميتة جاهليّة» قال: فقُلْتُ: مِيتَةٌ كُفْرٍ؟ قال: مِيتَةٌ ضَلَالٍ، قُلْتُ: فمن مات اليوم و ليس له إمام فميتته ميتة جاهليّة؟ فقال: نَعَمْ^۲.

ابن ابی یعفور گوید: از امام صادق عليه السلام درباره قول و فرمایش رسول خدا صلى الله عليه وآله: «هر که بمیرد و امامی نداشته باشد همانند مردم جاهلیت مرده» سؤال کردم و گفتم: مقصود از مردن، مردن در حالت کفر است؟ حضرت فرمود: مردن در حالت گمراهی و ضلالت است. عرض کردم: هر که در این زمان هم بمیرد و او را امام و پیشوایی نباشد آیا مردنش، مردن جاهلیت است؟ حضرت فرمود: آری.



● آیه هشتاد و ششم

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾^۳؛

□ «و بگو: «حق آمد و باطل نابود شد، یقیناً باطل نابودشدنی است.»»

۱۶۳. عن أبي جعفر عليه السلام في قوله عز وجل: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ

۱. همان ح ۵.

۲. الکافی ج ۱ ص ۳۷۵ ح ۳.

۳. سوره اسراء، آیه ۸۱.

كان زهوقاً» قال: إذا قام القائم عليه السلام ذهب دولة الباطل^۱.
امام باقر عليه السلام در تفسیر قول خدای عزوجل: «بگو حق آمد و باطل نابود شد» فرمود:
هنگامی که حضرت قائم عليه السلام قیام کند، دولت باطل از بین می‌رود.



سورة مريم

● آية هشتم و هفتم

«حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا * وَ يَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ مَّرَدًّا»؛

□ «تا زمانی که وعده الهی را با چشم خود ببینند یا عذاب (این دنیا) یا (عذاب) قیامت! (آن روز) خواهند دانست چه کسی جایش بدتر و لشکرش ناتوان تر است!» (اما) کسانی که در راه هدایت گام نهاده‌اند، خداوند بر هدایتشان می‌افزاید و آثار شایسته‌ای که (از انسان) باقی می‌ماند، ثوابش در پیشگاه پروردگارت بهتر، و عاقبتش خوبتر است!»

۱۶۴. عن ابی بصیر، عن ابی عبد الله عليه السلام فی قول الله عزوجل: ... قُلْتُ: قَوْلُهُ: «حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَ إِمَّا السَّاعَةَ، فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَ أضعف جُنْدًا»؟ قَالَ: أَمَّا قَوْلُهُ: «حَتَّىٰ إِذَا أَوْ مَا يُوعَدُونَ» فَهُوَ خُرُوجُ الْقَائِمِ وَ هُوَ السَّاعَةُ، فَسَيَعْلَمُونَ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَ مَا نَزَلَ بِهِمْ مِنَ اللَّهِ عَلَىٰ يَدَيْ قَائِمِهِ فَذَلِكَ قَوْلُهُ: «مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا» (يعني عند القائم) وَ أضعف جُنْدًا» قلت: قَوْلُهُ: «وَ يَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى» قال: يزيدهم ذلك

اليوم هدى على هدى ياتبعهم القائم حيث لا يجحدونه ولا ينكرونه...^۱»
 ابوبصير گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: مقصود از «حتی اذا رأوا ما يوعدون» قیام
 حضرت مهدی علیه السلام است و چون آن ساعت را درک کنند، خواهند دانست که خداوند به
 دست حضرت مهدی علیه السلام چه فرستاده است؟ و کدام یک از دو گروه (معتقد به ولایت و
 منکر ولایت او) نزد آن حضرت پست تر و ناتوان تر خواهند بود. [ابوبصیر گوید: | تفسیر
 دنباله آیه که می فرماید: «خداوند بر هدایت، هدایت یافتگان می افزاید» چیست؟ حضرت
 فرمود: آن روز خداوند به پیروی از حضرت قائم علیه السلام هدایت آنها را می افزاید که او را
 منکر نشوند.



سورة انبياء

● آیه هشتاد و هشتم

﴿فَلَمَّا أَحْسَبُوا بِأَسْنَا إِذَا هُمْ مِّنْهَا يَرْكُضُونَ * لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَسَاكِينِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ﴾^۱؛

□ «هنگامی که عذاب ما را احساس کردند، ناگهان پا به فرار گذاشتند! (گفتیم:) فرار نکنید؛ و به زندگی پر ناز و نعمت و به مسکنهای پرزرق و برقتان بازگردید! شاید (سائلان بیایند و) از شما تقاضا کنند (شما هم آنان را محروم بازگردانید)!»

۱۶۵. عن جابر قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله عز وجل: «فَلَمَّا أَحْسَبُوا بِأَسْنَا إِذَا هُمْ مِّنْهَا يَرْكُضُونَ» قال: ذلك عند قيام القائم عليه السلام^۲.
جابر گوید: از امام باقر عليه السلام درباره این آیه سؤال کردم، حضرت فرمود: این آیه مربوط به وقت قیام حضرت مهدی عليه السلام است.

۱۶۶. عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجل: «فَلَمَّا أَحْسَبُوا بِأَسْنَا» يعني خروج القائم؛ اذاهم منها يركضون؛ قال الكنوز التي كانوا يكتنون؛ قالوا يا ويلنا انا كنا ظالمين فما

۱. سورة انبياء، آیه ۱۲ - ۱۳.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۶۲ ب ۳۲ ح ۶۳۷.

زالت تلك دعواهم حتى جعلناهم حصيداً؛ بالسيف؛ خامدين، لا تبقى منهم عين تطرف^۱.
اسماعیل بن جابر از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه: «فلما احسّوا بأسنا» روایت کرده است که حضرت فرمود: این جریان، هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام است که ناگهان از آن پا به فرار می‌گذارند [در ادامه روایت چنین آمده: فرمود: مراد گنج‌هایی است که انباشته می‌کردند، که می‌گویند: وای بر ما که ستمگر بودیم و پیوسته فریادشان همین است، تا اینکه ایشان را به وسیله شمشیر خاموش می‌کنیم به طوری که هیچ چشمی که بر هم خورد از آنها باقی نماند.

۱۶۷. عن علی بن ابراهیم القمّی فی تفسیره: «فلما احسّوا بأسنا» یعنی بنی امیّه إذا احسّوا بالقائم من آل محمّد «إذا هم منها...» یعنی الكنوز الّتی کنزوها قال: فیدخل بنو امیّه الی الروم إذا طلبهم القائم صلوات الله علیه ثم یرجهم من الروم و یطالبهم بالکنوز الّتی کنزوها فیقولون کما حکى الله: «یا ویلنا انا کنا ظالمین فما زالت...» قال: بالسيف و تحت ظلال السیوف^۲.

شیخ قمی (ره) در تفسیر خود می‌گوید: مراد از این آیه: بنی امیه هستند که چون با قیام حضرت مهدی علیه السلام عذاب را احساس کنند فرار خواهند نمود. به آنها گفته می‌شود: فرار کنید و در خانه‌های خود و نعمت‌ها و گنج‌هایی که اندوخته‌اید بمانید تا مورد سؤال واقع شوید. سپس می‌گوید: بنی امیه به روم می‌روند و حضرت مهدی علیه السلام آنها را از روم خارج نموده و مورد سؤال قرار می‌دهد و گنج‌ها و اندوخته‌ها را از آنها مطالبه می‌فرماید. پس آنها چنان که خداوند در ذیل آیه فرموده^۳ می‌گویند: وای بر ما که ستمگر بودیم؛ و چنین خواهند گفت تا اینکه با شمشیر حضرت مهدی علیه السلام نابود شوند.



● آیه هشتم و نهم

۱. همان مدرک ح ۶۳۸.

۲. تفسیر القمّی: ذیل الآیه؛ روضة الکافی ح ۱۵.

۳. انبیاء / ۱۴ و ۱۵.

﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ﴾^۱؛

□ «آنها می‌گویند: «اگر راست می‌گویید این وعده (قیامت) کی فرا می‌رسد؟!»

۱۶۸. عن عبدالرحمن بن سَلِيْبٍ قَالَ: قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: «مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا، أَوْلَاهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَآخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وَلَدِي وَهُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، يُحْيِي اللَّهُ تَعَالَىٰ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَيُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، لَهُ غَيْبَةٌ يَرْتَدُّ فِيهَا قَوْمٌ وَيُثْبِتُ عَلِيُّ الدِّينَ فِيهَا آخِرُونَ فَيُؤَدُّونَ، فَيَقَالُ لَهُمْ: مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؟ أَمَا إِنْ الصَّابِرِ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَىٰ وَالتَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»^۲.

امام حسین عليه السلام فرمود: در بین ما دوازده نفر، [حضرت] مهدی وجود دارد اول آنها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب عليه السلام است و آخرین نفر آنان، نهمین فرزند از نسل من می‌باشد و اوست که به حق قیام می‌کند و خداوند به وسیله او زمین مرده را زنده می‌کند و دین حق را - علیرغم میل مشرکین - به دست او بر سایر ادیان غالب می‌گرداند. او غیبتی دارد که گروهی در طول آن مرتد می‌شوند و گروهی نیز ثابت قدم می‌مانند و مورد اذیت و آزار واقع می‌شوند؟ به آنها گفته می‌شود: اگر راست می‌گویید: این وعده الهی، کی فرا می‌رسد؟ آگاه باشید، کسی که در زمان غیبت، اذیت و تکذیب مردم را تحمل کند و صبر نماید مانند کسی است که در رکاب رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نبرد کند.



● آیه نود

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ

۱. سوره انبیاء، آیه ۳۸.

۲. عیون اخبار الرضا ج ۱ ب ۶ ح ۳۶.

الصَّالِحُونَ^۱؛

□ «در (زبور) بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!»

۱۶۹. علی بن ابراهیم فی تفسیره المنسوب الی الصادق علیه السلام فی معنی الآیة: قال، قال: الكتب كلها ذكر الله، «ان الأرض يرثها عبادي الصالحون» قال: القائم علیه السلام و أصحابه^۲ و فی روایة أخرى: عن الباقر علیه السلام: هم اصحاب المهدي علیه السلام فی آخر الزمان^۳.
امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه: «بندگان شایسته‌ام وارث زمین خواهند شد» فرمود: مراد از بندگان شایسته، حضرت قائم علیه السلام و یاران او هستند.
و در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام چنین آمده: مراد از آن بندگان صالح اصحاب حضرت مهدی علیه السلام هستند که در آخر الزمان می‌آیند.



۱. سورۃ انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲. تفسیر القمی ج ۲ ص ۷۷.

۳. اثبات الهداة ب ۳۲ ح ۴۱۹.

سورة حج

● آیه نود و یکم

﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾^۱؛
□ «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است،
چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آنها تواناست.»

۱۷۰. عن عبدالله بن عجلان، عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله عزوجل: «أذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا وإن الله على نصرهم لقدير» قال: في القائم عليه السلام وأصحابه^۲.
عبدالله بن عجلان گوید: امام باقر عليه السلام در تأویل این آیه: «کسانی که مورد حمله دشمنان واقع شده‌اند چون ستم دیده‌اند اجازه جنگ خدا بر یاری آنها تواناست» فرموده: درباره حضرت قائم عليه السلام و یاران وی نازل شده است.

۱۷۱. عن ابن مسكان، عن أبي عبدالله عليه السلام في قوله: «أذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا وإن الله على نصرهم لقدير» قال: إن العلامة يقولون: نزلت في رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لما أخرجته قريش من مكة وإنما هو القائم عليه السلام إذا خرج يطلب بدم الحسين عليه السلام وهو قوله: نحن أولياء الدم وطلب الدية^۳.

۱. سورة حج، آیه ۳۹.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۶۳ ب ۳۲ ح ۶۴۰.

۳. تفسیر القمین ج ۲ ص ۱۸۴ الصافی ج ۳ ص ۳۸۰ - ۳۸۱؛ اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۵۳ ح ۵۷۴.

ابن مسکان گوید: امام صادق علیه السلام درباره این آیه: «اذن للذین...» فرمود: اهل سنت می گویند که این آیه درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده است، آن هنگام که قریش، آن حضرت را از مکه بیرون کرد ولی این آیه درباره حضرت قائم علیه السلام است زمانی که او ظهور کند به خونخواهی حسین علیه السلام قیام می کند و خواهد گفت: ما اولیاء خون احسین علیه السلام و طلب کنندگان دینه [او] می باشیم.

● آیه نود و دوم

«الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و امرؤا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبة الامور»^۱

□ «همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را بر پا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و پایان همه کارها از آن خداست.»

۱۷۲. عن ابي الجارود عن ابي جعفر علیه السلام فی قوله عزوجل: «الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکاة و امرؤا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبة الامور» قال: هذه لآل محمد، المهدي علیه السلام و أصحابه یملکهم الله مشارق الارض و مغاربها و ینظر الدین و ینمیت الله عزوجل به و بأصحابه البدع و الباطل کما أمات السفهة الحق حتی لا یری أثر من الظلم^۲.

ابوالجارود گوید: امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه: «ان مکنّاهم فی الارض...» فرمود: این آیه مربوط به آل محمد علیهم السلام است تا آخر آن، خداوند حضرت مهدی علیه السلام و یاران او را فرمان روای مشارق و مغارب زمین می گرداند، به وسیله او و یارانش، خداوند دین را غالب نموده و بدعت و باطل را نابود می کند، همان گونه که بی خردی، حقیقت را از

۱. سوره حج، آیه ۴۱.

۲. تفسیر القمی ج ۲ ص ۸۷؛ تأویل الآیات ج ۱ ص ۳۴۳ ح ۲۵.

بین می‌برد، تا اثری از ظلم و ستم دیده نشود.

۱۷۳. عن زید بن علی قال: إذا قام القائم من آل محمد عليه السلام يقول: يا أيها الناس نحن الذين وعدكم الله في كتابه: «الذين ان مكناهم في الأرض» الآية^۱.

زید بن علی بن الحسین علیه السلام گوید: هنگامی که حضرت قائم علیه السلام از آل محمد علیهم السلام قیام کند می‌فرماید: ای مردم! ما همان کسانی هستیم که خداوند در کتاب خود چنین وعده داده است: «الذین ان مکنّاهم فی الأرض...» تا آخر آیه.



● آیه نود و سوم

«و يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَوُّوفٌ رَحِيمٌ»^۲؛

□ «و آسمان [کرات و سنگ‌های آسمانی] را نگه‌می‌دارد تا جز به فرمان او، بر زمین فرو نیفتند؟ خداوند نسبت به مردم رحیم و مهربان است.»

۱۷۴. روى الشيخ الصدوق (ره) باسناده عن سليمان بن مهران الأعمش، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه محمد بن علي، عن أبيه علي بن الحسين عليه السلام قال: نحن أئمة المسلمين و حجج الله على العالمين و سادة المؤمنين و قادة الغرّ المحجلين و موالى المؤمنين و نحن امان لأهل الأرض كما انّ النجوم امان لأهل السماء و نحن الذين بنا يُمسك الله السماء ان تقع على الأرض الا بإذنه و بنا يُمسك الأرض أن تميد بأهلها و بنا ينزل الغيث و ينشر الرّحمة و يخرج بركات الأرض و لو لا ما فى الأرض منّا لساخت بأهلها، ثمّ قال: و لم تخل الأرض منذ خلق الله آدم من حجّة الله فيها ظاهرٍ مشهور أو غائبٍ مستورٍ و لا تخلو إلى أن تقوم الساعة من حجّة الله فيها و لو لا ذلك لم يعبد الله. قال سليمان: فقلت للصادق عليه السلام: فكيف ينتفع الناس بالحجّة الغائب المستور؟ قال: كما

۱. اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۶۷ ب ۳۲ ح ۶۶۵

۲. سورة حج، آیه ۶۵.

يَنْتَفِعُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ^۱»

امام صادق علیه السلام از امام باقر و او از امام سجاده علیه السلام چنین روایت کند که فرمود:
 «ما پیشوایان مسلمانان و حجّت‌های خداوند بر جهانیان و سرور مؤمنان و رهبر
 سپیدجبینان و مولای اهل ایمان هستیم و ما امان اهل زمینیم. همچنان‌که ستارگان امان
 اهل آسمانند و ما کسانی هستیم که خداوند به واسطه ما آسمان را نگاه داشته تا بر زمین
 فروید نیاید مگر به اذن او، و به خاطر ما زمین را نگاه داشته که اهلش را نلرزاند، به
 خاطر ما باران را فرو فرستد و رحمت را منتشر کند و برکات زمین را خارج سازند و اگر
 نبود که ما بر روی زمین هستیم، اهلش را فرو می‌برد.» سپس فرمود: «از روزی که خداوند
 آدم را آفرید، زمین خالی از حجّت نماند که یا ظاهر و مشهور است و یا غایب و پنهان
 و تا روز قیامت از حجّت خدا خالی نخواهد بود و اگر چنین نبود خداوند مورد پرستش
 قرار نمی‌گرفت.»

سلیمان [راوی] گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردم چگونه از حجّت غایب
 بهره‌مند می‌شوند؟ حضرت فرمود: همچنان‌که از خورشید پشت ابر بهره‌مند می‌شوند.



سورة مؤمنون

● آیه نود و چهارم

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ؛ ۱... فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ
وَلَا يَتَسَاءَلُونَ﴾؛ ۲

□ «مؤمنان رستگار شدند... هنگامی که در صور دمیده شود، هیچ‌یک از
بیوندهای خویشاوندی میان آنها در آن روز نخواهد بود و از یکدیگر تقاضای
کمک نمی‌کنند (چون کاری از کسی ساخته نیست)!»

۱۷۵. عن جهم بن أبي جهمة، قال: سمعت أبا الحسن موسى عليه السلام يقول: إن الله تبارك
وتعالى خلق الأرواح قبل الأجساد بألفي عام ثم خلق الأبدان بعد ذلك فما تعارف
منها في السماء تعارف في الأرض و ما تناكر منها في السماء تناكر في الأرض فاذا
قام القائم عليه السلام ورث الأخ في الدين و لم يورث الأخ في الولادة و ذلك قول الله
عز وجل في كتابه: «قد افلح المؤمنون»، «فاذا نفخ في الصور فلا أنساب بينهم يومئذ
ولا يتساءلون»^۳.

جهم بن ابی جهمه گوید: شنیدم که امام موسی کاظم علیه السلام می فرمود: همانا خداوند

۱. سورة مؤمنون، آیه ۱.

۲. سورة مؤمنون، آیه ۱۰۱.

۳. تفسیر البرهان ج ۳ ص ۱۲۰ ح ۶: دلائل الامامة ص ۲۶۰.

تبارک و تعالی، ارواح را دو هزار سال قبل از بدن‌ها آفریده و بدن‌ها را بعد از آن خلق کرده است، هر کدام از ارواح در آسمان با یکدیگر الفت و آشنایی پیدا کردند، در زمین هم با هم الفت دارند و هر کدام از آنها در آسمان الفتی نداشتند در زمین هم الفت و آشنایی ندارند، هنگامی که قائم عجله قیام کند برادر دینی ارث می‌برد و برادر تنی ارث نمی‌برد و این همان سخن خدای عزوجل در قرآن است: «قد افلح المؤمنون؛ هنگامی که در صور دمیده شود هیچ یک از پیوندهای خویشاوندی در آن روز نخواهد بود و از یکدیگر سؤال نمی‌کنند.»



سورة نور

● آية نود و پنجم

﴿وَأَقْسِمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَنُنْ أَمَرْتَهُمْ لِيَخْرُجُنَّ قُلٌّ لَا تُقْسِمُوا طَاعَةً مَّعْرُوفَةً إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾^۱

□ «آنها با نهایت تأکید سوگند یاد کردند که اگر به آنان فرمان دهی، (از خانه و اموال خود) بیرون می روند (و جان را در طبق اخلاص گذارده تقدیم می کنند)؛ بگو: سوگند یاد نکنید، شما طاعت خالصانه نشان دهید که خداوند به آنچه می دهید آگاه است.»

۱۷۶. عن عبدالله بن عجلان قال: ذكرنا خروج القائم عند أبي عبدالله عليه السلام فقلنا: كيف لنا أن نعلم ذلك؟ قال: يصبح أحدكم و تحت رأسه صحيفة عليها مكتوب: طاعة معروفة^۲.
عبدالله بن عجلان گوید:

در خدمت امام صادق عليه السلام بودیم که سخن از حضرت قائم عليه السلام به میان آمد، پس از

۱. سورة نور، آية ۵۳.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۸۲ ب ۳۲ ح ۷۶۸ و ب ۳۴ ح ۳۳.

حضرت سؤال کردیم: چگونه می‌توانیم ظهور او را بفهمیم؟ حضرت فرمود: چون صبح شد هر یک کاغذی زیر سر می‌یابد که در آن نوشته شده: طاعتی شایسته است.



● آیه نود و ششم

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۱

□ «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد. همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آنچنان که تنه مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند.»

۱۷۷. روی ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی فی کتاب مجمع‌البیان فی تفسیر قوله تعالی: «وعد الله الذين امنوا و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض؛ قال المروى، عن أهل البيت عليهم السلام: أنها في المهدي عليه السلام من آل محمد عليهم السلام»^۲.

طبرسی در مجمع‌البیان در تفسیر این آیه: «خداوند آنان را که ایمان آورند و عمل صالح کنند، وعده داده که آنها را در زمین جانشین خود کند» می‌فرماید: از اهل بیت عليهم السلام روایت شده که: این آیه در شأن حضرت مهدی عليه السلام از آل محمد عليهم السلام نازل شده است.

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

۲. اثبات الهداة ب ۳۲ ح ۴۲۱.

۱۷۸. و روى العیاشی باسناده عن علی بن الحسین علیه السلام أنه قرأ الآیة و قال: هم والله شیعتنا یفعل ذلك بهم علی یدی رجل منا، و هو مهدی هذه الأمة و هو الذى قال رسول الله صلی الله علیه و آله: أنه لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطوّل الله ذلك الیوم حتى یلی رجل من عترتی، اسمه اسمی، یملأ الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً^۱.

طبرسی در مجمع البیان از عیاشی نقل می کند که: امام سجاد علیه السلام این آیه را قرائت کرد و فرمود: به خدا قسم! اینها شیعیان ما هستند، این دولت به دست مردی از ما که مهدی این امت است نصیب آنها شود و او همان است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اگر بیش از یک روز از دنیا نماند خداوند همان روز را طولانی کند تا مردی از عترت من و هم نام من سلطنت کند و زمین را پس از آنکه از ظلم و ستم پر شده از عدل و داد سرشار کند.

۱۷۹. عن امیر المؤمنین علیه السلام ... من حدیث طویل قال فیہ... «کلّ ذلك لتتم النظرة الّتی أوحاها الله تعالى لعدوّه ابلیس الی أن یملغ الكتاب أجله و یحق القول علی الکافرین و یقترب الوعد الحق، الی بینه فی کتابه بقوله: وعد الله الّذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الأرض كما استخلف الّذین من قبلهم؟ و ذلك اذا لم یبق من الاسلام الا اسمه و من القرآن الا رسمه؛ و غاب صاحب الأمر بایضاح الغدر له فی ذلك لاشتمال الفتنة علی القلوب حتّی یمکن اقرب الناس الیه اشارهم عداوة له و عند ذلك یؤیده الله بجنوده لم تروها و یمظهر دین نبیه صلی الله علیه و آله علی یدیہ علی الدّین کلّهم و لو کره المشرکون^۲».

از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود: ... همه اینها به خاطر آن است که مهلتی را که خداوند به دشمن خود ابلیس داده تمام شود تا وعده ای که به ابلیس داده شد فرا رسد و گفتار خدا درباره کافران تحقق یابد و آن وعده حق نزدیک گردد. وعده ای که آن را خداوند در کتابش چنین بیان کرده است: «وعد الله الّذین امنوا...» و آن زمانی است که از اسلام جز نامی و از قرآن جز خطی باقی نمانده باشد و صاحب الأمر در اثر مکرری که نسبت به او می شود غائب است؛ زیرا دلها را فتنه فرا گرفته است به گونه ای که

۱. مجمع البیان ج ۷ ص ۱۵۲ ذیل آیه؛ اثبات الهداة ب ۳۲ ح ۴۲۲.

۲. الاحتجاج للطبرسی ج ۱ ص ۲۵۶.

سوره نور □ ۱۷۳

نزدیک‌ترین مردم به او دشمن‌ترین آنان به او هستند. در این هنگام خداوند او را با لشکریانی که برای تو قابل دیدن نیستند، تأیید می‌کند و آیین پیامبر خود ﷺ را به وسیله او بر همه ادیان غالب می‌گرداند هر چند مشرکین ناراحت باشند.



سورة شعراء

● آیه نود و هفتم

﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِّنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾^۱؛
□ «اگر ما اراده کنیم، از آسمان بر آنان آیه‌ای نازل می‌کنیم که گردن‌هایشان
در برابر آن خاضع گردد!»

۱۸۰. محمد بن یعقوب، باسناده عن عمر بن حنظلة، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول:
خمس علامات قبل قيام القائم عليه السلام: الصيحة، والسفيانى والخسف و قتل النفس الزكية
واليماني، فقلت: جعلت فداك، فإن خرج أحدٌ من أهل بيتك قبل هذه العلامات أنخرج
معه؟ قال: لا، فلما كان من الغد، تلوت هذه الآية: «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً
فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ» فقلت له: أهي الصيحة؟ فقال: أما لو كانت، خضعت أعناق
أعداء الله عزوجل^۲.»

عمر بن حنظله گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود: پنج علامت و نشانه قبل
از قیام حضرت مهدی عليه السلام به وقوع خواهد پیوست: ۱. صیحه آسمانی؛ ۲. خروج سفیانی؛
۳. فرو رفتن (لشکر سفیانی در سرزمین بیداء)؛ ۴. کشته شدن انسانی پاک و پاکیزه؛
۵. خروج یمانی.

۱. سورة شعراء، آیه ۴.

۲. روضة الكافي ص ۳۱۰ ح ۴۸۳.

[راوی گوید:] عرض کردم: فدایت شوم، اگر یکی از خاندان شما، پیش از وقوع این نشانه‌ها خروج کند، آیا با او خروج کنیم؟ حضرت فرمود: خیر، و چون فردا شد این آیه را برای حضرت تلاوت کردم: «اگر بخواهیم بر ایشان آیه و نشانه‌ای از آسمان نازل کنیم که گردن‌هایشان در مقابل آن خاضع گردد» و به ایشان عرض کردم: آیا این نشانه‌ها همان صیحه آسمانی است؟ حضرت فرمود: آگاه باش که اگر آن باشد گردن دشمنان خدا در برابرش خاضع گردد.

۱۸۱. عن الحسين بن خالد قال: قال علي بن موسى الرضا عليه السلام: لا دين لمن ولا ورع له ولا ايمان لمن لا تقية له: ان اكرمكم عند الله اعمالكم بالتقية، فقيل له: يابن رسول الله الي متى؟ قال: الي يوم الوقت المعلوم و هو يوم خروج قائمنا اهل البيت فمن ترك التقية قبل خروج قائمنا فليس منا، فقيل له: يابن رسول الله و من القائم منكم اهل البيت؟ قال: الرابع من ولدي ابن سيده الاماء، يطهر الله به الارض من كل جور و يقدها من كل ظلم، و هو الذي يشك الناس في ولادته و هو صاحب الغيبة قبل خروجه، فاذا خرج اشرق الارض بنوره و وضع ميزان العدل بين الناس فلا يظلم احدٌ اُحداً و هو الذي تطوى له الارض و لا يكون له ظلٌ و هو الذي ينادى منادٍ من السماء باسمه يسمعه جميع اهل الارض بالدعا عليه يقول: «ألا ان حجة الله قد ظهر عند بيت الله فاتبعوه، فان الحق معه و فيه و هو قول الله عزوجل: «ان نشأ نزل عليهم من السماء آية فظلت أعناقهم لها خاضعين»^۱.

حسین بن خالد گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: کسی که ورع نداشته باشد، دین ندارد و کسی که تقیه نداشته باشد ایمان ندارد. گرامی‌ترین شما نزد پروردگار کسی است که بیشتر به تقیه عمل کند. گفتند: ای فرزند رسول خدا! تا به کی؟ حضرت فرمود: تا روز وقت معلوم که روز خروج قائم ما اهل بیت است و کسی که تقیه را پیش از خروج قائم ما ترک کند از ما نیست. گفتند: ای فرزند رسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟ حضرت فرمود: چهارمین نفر از فرزندان من، فرزند سرور کنیزان، خداوند به واسطه وی زمین را از هر ستمی پاک گرداند و از هر ظلمی منزّه سازد و او کسی است که مردم در ولادتش شگفتی

می‌کنند و او کسی است که قبل از خروجش غیبت می‌کند و آنگاه که خروج کند، زمین به نورش روشن گردد و در میان مردم میزان عدالت وضع کند و هیچ کس به دیگری ستم نکند و او کسی است که زمین برای او درهم پیچیده شود و برای او سایه‌ای نباشد و او کسی است که از آسمان ندا کننده‌ای او را به نام، ندا کند و مردم را به وی دعوت نمایند به گونه‌ای که همه اهل زمین آن ندا را بشنوند، می‌گوید: **إلا ان حجة الله قد ظهر عند بيت الله فاتبعوه فان الحق معه و فيه؛ و این همان قول خدای تعالی است که می‌فرماید: «ان نشأ نزل عليهم من السماء آية فظلت اعناقهم لها خاضعين.»**

۱۸۲. روی الشيخ المفيد (ره) باسناده عن أبي بصير، قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: في قوله تعالى شأنه: «ان نشأ نزل عليهم من السماء آية فظلت اعناقهم لها خاضعين» قال: سيفعل الله ذلك لهم، قلت: و من هم؟ قال: بنو أمية و شيعتهم، قلت: و ما الآية؟ قال: ركود الشمس ما بين زوال الشمس إلى وقت العصر و خروج صدر رجل و وجهه في عين الشمس، يُعرف بحسبه و نسبه و ذلك في زمان السفينى و عندها يكون بواره و بوار قومه^۱.

ابوبصیر گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که درباره تفسیر این آیه شریفه: «ان نشأ نزل...» فرمود: به زودی خدای متعال مصداق فرموده خود را ایجاد می‌فرماید. [راوی گوید:] پرسیدم: آنها که مصداق این آیه‌اند چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: بنی‌امیه و پیروانشان. [راوی گوید:] سؤال کردم: آن نشانی که در آیه شریفه فرموده چیست؟ حضرت فرمود: باقی ماندن خورشید در هنگام زوال تا وقت عصر و در عین الشمس سینه و صورت مردی ظاهر می‌شود که او را به خوبی به عنوان حسب و نسب می‌شناسند، این پیشامد در هنگام خروج سفیانی به وقوع می‌پیوندد و در این وقت مدت شوم او و پیروانش سپری می‌شود.

● آیه نود و هشتم

﴿فَفَرَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَ جَعَلَنِي مِنْ

الْمُرْسَلِينَ^۱؛

□ «پس هنگامی که از شما ترسیدم فرار کردم و پروردگارم به من حکمت و دانش بخشید و مرا از پیامبران قرار داد.»

۱۸۳. عن أبي جعفر عليه السلام قال: إذا قام القائم عليه السلام قال: «فررت منكم لما خفتكم فوهب لي ربي حكماً وجعلني من المرسلين^۲».

مفضل بن عمر از امام صادق عليه السلام و او از امام باقر عليه السلام روایت کند که فرمود: چون قائم عليه السلام قیام کند، می فرماید: «چون از شما ترسیدم از نزد شما گریختم و پروردگارم مرا حکومت بخشید و مرا از پیامبران قرار داد.»



● آیه نود و نهم

﴿أَفْرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ، ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ﴾^۳؛

□ «به ما خبر ده اگر (باز هم) سالیانی آنها را از این زندگی بهره مند سازیم، سپس عذابی که به آنها وعده داده شده به سراغشان بیاید.»

۱۸۴. عن معلى بن خنيس، عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله عز وجل: «أفرايت ان متعناهم سنين، ثم جاءهم ما كانوا يوعدون» قال: خروج القائم عليه السلام^۴.

معلى بن خنيس گوید: امام صادق عليه السلام درباره تفسیر این آیه شریفه: «افرايت ان متعناهم... يوعدون» فرمود: مراد از این آیه خروج حضرت قائم عليه السلام است.



۱. سورة شعراء، آیه ۲۱.

۲. کمال الدین ج ۱ ص ۳۲۸ ب ۳۲ ح ۱۰.

۳. سورة شعراء، آیه ۲۰۵ و ۲۰۶.

۴. تأویل الآيات الظاهرة ج ۱ ص ۳۹۲ - ۳۹۳ ح ۱۸.

سورة نمل

● آية يكصد

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَعْلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ﴾^۱

□ «یا کسی کہ دعای مضطر را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می سازد و شما را خلفای زمین قرار می دهد؛ آیا معبودی با خداست؟! کمتر متذکر می شوید!»

۱۸۵. عن محمد بن مسلم بن أبي جعفر عليه السلام في قوله: «أمن يجيب المضطر إذا دعاه» قال: نزلت في القائم عليه السلام و جبرئيل على الميزاب في صورة طير أبيض، فيكون أول خلق الله يبایعه و يبایعه الناس الثلاثمائة والثلاثة عشر فمن كان ابتلى بالمسيروا في تلك الساعة و من افتقد عن فراشه؛ و هو قول امير المؤمنين عليه السلام: المفقودون عن فرشهم و هو قول الله عزوجل: «فاستبقوا الخيرات اينما تكونوا يأت بكم الله جميعاً» قال: الخيرات الولاية^۲.

محمد بن مسلم نقل می کند که: امام باقر عليه السلام فرمود: این آیه شریفه: «أمن يجيب المضطر إذا دعاه و يكشف السوء» درباره حضرت قائم عليه السلام نازل شده. جبرئیل به صورت

۱. سورة نمل، آية ۶۲.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۴۶ ب ۳۲ ح ۵۳۸.

پرنده‌ای سفید بالای ناودان رحمت بایستد و او اوّل کسی است که با آن جناب بیعت می‌کند. سپس سیصد و سیزده نفر با وی بیعت می‌کنند؛ آنها که به راه افتاده‌اند و آنها که از رختخواب‌های خود ناپدید می‌شوند، همان ساعت می‌رسند و این است منظور امیرالمؤمنین علیه السلام که می‌فرماید: آنان که از بسترهای خود ناپدید شوند. و همین است معنای این آیه: «در خیرات سبقت گیرید هر کجا باشید خداوند همه را حاضر می‌کند»^۱ مراد از خیرات، ولایت است.

۱۸۶. عن ابراهیم بن عبدالحمید عن ابي عبدالله علیه السلام قال: ان القائم اذا خرج دخل المسجد الحرام فيستقبل الكعبة و يجعل ظهره الى المقام و يصلّي ركعتين الى ان قال ثم يرفع يديه الى السماء فيدعو و يتضرّع حتى يقع على وجهه و هو قول الله: «امن يجيب المضطرّ اذا دعاه و يكشف السوء»^۲.

ابراهیم بن عبدالحمید گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام خروج کند وارد مسجدالحرام شود و پشت به مقام ابراهیم و رو به کعبه می‌ایستد و دو رکعت نماز می‌گزارد - تا آنجا که فرمود: - سپس دست به آسمان برمی‌دارد و دعا و تضرّع می‌کند تا به روی زمین افتد و این است مراد از این آیه: «امن يجيب المضطرّ اذا دعاه و يكشف السوء»^۳.

۱۸۷. عن محمد بن مسلم عن ابي جعفر علیه السلام في قول الله عزّوجلّ: «امن يجيب المضطرّ اذا دعاه» قال: هذه نزلت في القائم علیه السلام إذا خرج تعمم و صلّي عندالمقام و تضرّع الى ربّه فلا تردله راية أبداً^۳.

محمد بن مسلم گوید: امام باقر علیه السلام درباره تفسیر این آیه شریفه: «امن يجيب...» فرمود: این آیه درباره حضرت مهدی روحی له الفداء نازل شده که چون ظاهر گردد و عمامه بر سر گزارد و در مقام ابراهیم نماز گزارد و به درگاه خدا تضرّع و زاری کند، هیچ پرچمی از او برنگردد.

۱. بقره / ۱۴۸.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ب ۳۲ ح ۶۴۳.

۳. اثبات الهداة ج ۳ ب ۳۲ ح ۶۴۴.

۱۸۸. عن أبي عبد الله عليه السلام قال: نزلت في القائم من آل محمد عليه السلام، هو والله المضطر إذا صلى في المقام ركعتين و دعا الله فأجابه و يكشف السوء و يجعله خليفة في الأرض^۱.
و في رواية اخرى: ... فهذا مما لم يكن بعد و سيكون ان شاء الله^۲.

علی بن ابراهیم قمی (ره) در تفسیر خود می فرماید: امام صادق عليه السلام درباره تفسیر آیه مزبور می فرماید: این آیه درباره حضرت قائم آل محمد عليه السلام نازل شده است. به خدا سوگند! او مضطر است زمانی که در مقام، دو رکعت نماز بگزارد و خدا را بخواند و خداوند دعای او را مستجاب می کند و رنج او را برطرف می نماید و او را در زمین خلیفه قرار می دهد.

و در حدیثی دیگر از امام صادق عليه السلام [بعد از بیان مطلب فوق] چنین روایت شده که: و این از چیزهایی است که هنوز نیامده و اگر خدا بخواهد، خواهد آمد.



۱. تفسیر القمى ج ۲ ص ۱۲۹.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ب ۳۲ ح ۷۳۰.

سورة قصص

● آیه صد و یکم

«و نُرِيدُ أَنْ نَمُنُّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱؛

□ «ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم!»

۱۸۹. عن علي عليه السلام في قوله تعالى: «و نريد أن نمُنَّ على الذين استضعفوا في الأرض و نجعلهم أئمةً و نجعلهم الوارثين» قال: هم آل محمد يبعث الله مهديهم بعد جهدهم فيعزهم و يذلّ عدوهم^۲.

امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: «مقصود از این آیه آل محمد عليهم السلام هستند که خداوند بعد از سختی‌ها، مهدی آنها را مبعوث خواهد نمود و او اهل حق را عزیز و دشمنانشان را زایل خواهد کرد.



۱. سورة قصص، آیه ۵.

۲. غيبة الطوسی ص ۱۱۳؛ اثبات الهداة ج ۳ ب ۳۲ ح ۲۹۹.

سورة عنكبوت

● آیه صد و دوم

﴿الْم، أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾^۱؛
□ «الم، آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم» به حال خود
رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟!»

۱۹۰. الفضل بن شاذان عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال:
لا يكون ما تمدنَّ إليه أعناقكم حتى تميزوا و تمحصوا فلا يبقى منكم إلا القليل ثم
قرأ: «الم أحسب الناس أن يتركوا أن يقولوا آمنا وهم لا يفتنون» ثم قال: إن من
علامات الفرج حدثاً يكون بين المسجدين و يقتل فلان من ولد فلان خمسة عشر كبشاً
من العرب^۲.

فضل بن شاذان از حضرت ابوالحسن رضا عليه السلام روایت کرده که فرمود: ظهور قائم
اهل بیت که همگان، گردن به ادراک آن کشیده به وقوع نمی‌پیوندد، مگر هنگامی که متفرق
و پراکنده شوید و جز اندکی باقی نمانید. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «الم أحسب
الناس...» مردم گمان کرده‌اند به مجردی که بگویند ایمان آورده‌اند به خود وا گذاشته
می‌شوند و آزمایشی در کار نمی‌باشد. سپس فرمود: از جمله نشانه‌های ظهور، پیشامدی

۱. سورة عنكبوت، آیه ۲ و ۱.

۲. الارشاد ص ۳۶۰ ب ۴۰ ح ۱۵.

است که میان مسجد کوفه و سهله به وقوع می پیوندد و فلان کس که از پشت فلان شخص است پانزده نفر از بزرگان عرب را می کشد.



● آیه صد و سوم

﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُوا بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ﴾^۱؛

□ «ولی این آیات روشنی است که در سینه دانشوران جای دارد و آیات ما را جز ستمگران انکار نمی کنند!»

۱۹۱. عن علی بن اسباط قال: سأل رجل أبا عبد الله عليه السلام عن قوله عز وجل: «بل هو آيات بيّنات في صدور الذين أوتوا العلم» قال: نحن هم قلت: جعلت فداك حتى يقوم القائم عليه السلام؟ قال: كلنا قائم بأمر الله واحد بعد واحد، حتى يجيء صاحب السيف فاذا جاء صاحب السيف جاء بأمرنا غير هذا^۲.

علی بن اسباط گوید: مردی درباره این آیه «بلکه قرآن آیه های روشنی است در سینه کسانی که علمشان داده اند» از امام صادق عليه السلام سؤال کرد: حضرت فرمود: ما هستیم آنهایی که علمشان داده اند، عرض کردم: فدایت شوم! تا زمان قیام حضرت قائم عليه السلام؟ حضرت فرمود: ما همه - یکی پس از دیگری - قائم به امر خداییم تا صاحب شمشیر بیاید و برنامه ای غیر از این بیاورد.

۱. سورة عنكبوت، آیه ۴۹.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ب ۳۲ ح ۶۴۵.

سورة روم

● آیه صد و چهارم

﴿وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ﴾^۱؛

□ «و در آن روز مؤمنان (به خاطر پیروزی دیگری) خوشحال خواهند شد، به سبب یاری خداوند.»

۱۹۲. عن یونس بن یعقوب، عن الصادق علیه السلام فی قول الله عزوجل: «و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله» قال: فی قبورهم بخروج القائم علیه السلام.^۲
یونس بن یعقوب گوید: امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه: «آن روز مؤمنان از یاری خداوند شادمان می شوند» فرمود: در قبرها به خاطر خروج حضرت مهدی علیه السلام خشنود می شوند.



۱. سورة روم، آیه ۴ - ۵.

۲. ۱۲۱۰۱ الامامه من ۲۴۸؛ اثبات الهداة ج ۳ ب ۳۲ ح ۷۱۰.

سورة لقمان

● آیه صد و پنجم

﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾^۱

□ «و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است.»

۱۹۳. عن أبي أحمد محمد بن زياد الأزدي قال: سألت سيدي موسى بن جعفر عليه السلام عن قول الله عز وجل: «وأسبغ عليكم نعمه ظاهرة و باطنة» فقال: النعمة الظاهرة الامام الظاهر والباطنة الامام الغائب، فقلت له: ويكون في الأئمة من يغيب؟ قال: نعم يغيب عن أبصار الناس شخصه و لا يغيب عن قلوب المؤمنين ذكره و هو الثاني عشر منّا، يسهل الله كل عسير و يذل كل صعب، و يظهر له كنوز الأرض و يقرب له كل بعيد و يبتر به كل جبار عنيد و يهلك على يده كل شيطان مرید ذلك ابن سيده الاماء الذي تخفى على الناس ولادته و لا يحل لهم تسميته حتى يظهره الله عز وجل فيملاء الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً^۲.

محمد بن زياد ازدي گوید: از سرور خود موسی بن جعفر عليه السلام از تفسیر این کلام الهی پرسیدم: «واسبغ عليكم نعمه ظاهرة و باطنة» فرمود: نعمت آشکار امام ظاهر است و

۱. سورة لقمان، آیه ۲۰.

۲. کمال الدین ج ۲ ص ۶۳۸ ب ۳۴ ح ۶.

نعمت باطن امام غایب است. گفتم: آیا در میان ائمه کسی هست که غایب شود؟ حضرت فرمود: آری شخص او از دیدگان مردم غایب می‌شود اما یاد او از قلوب مؤمنین غایب نمی‌شود و او دوازدهمین نفر از ما امامان است، خداوند برای او هر امر سختی را آسان و هر امر دشواری را هموار سازد و گنج‌های زمین را برایش آشکار کند و هر امر بعیدی را برای وی نزدیک سازد و به واسطه وی تمامی جباران ستمگر را نابود کند و هر شیطان متمرّدی را به دست وی هلاک سازد. او فرزند سرور کنیزان است. کسی که ولادتش بر مردمان پوشیده و ذکر نامش بر آنها روا نیست تا زمانی که خدای تعالی او را آشکار ساخته و زمین را پر از عدل و داد نماید. همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.



سورة سجده

● آیه صد و ششم

﴿وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾^۱؛
□ «به آنان از عذاب نزدیک (عذاب این دنیا) پیش از عذاب بزرگ (آخرت) می‌چشانیم، شاید بازگردند!»

۱۹۴. عن مفضل بن عمر قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله عز وجل: «وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» قال: الأدنى غلاء السعير والأكبر المهدي بالسيف.^۲
مفضل بن عمر گوید: از امام صادق عليه السلام درباره معنی این آیه شریفه سؤال کردم: «عذاب نزدیکتر را پیش از عذاب بزرگتر به آنها می‌چشانیم» حضرت فرمود: عذاب نزدیکتر (یا عقیف‌تر) گرانی است و عذاب بزرگتر خروج حضرت مهدی عليه السلام با شمشیر است.



۱. سورة سجده، آیه ۲۱.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۶۴ ب ۳۲ ح ۶۴۶.

سورة سبأ

● آیه صد و هفتم

﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُورَىٰ ظَاهِرَةً وَ قَدَرْنَا فِيهَا السِّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَ أَيَّاماً آمِنِينَ﴾؛

□ «و میان آنها و شهرهایی که برکت داده بودیم آبادی های آشکاری قرار دادیم و سفر در میان آنها را به طور متناسب (با فاصله نزدیک) مقرر داشتیم (و به آنان گفتیم:) شبها و روزها در این آبادی ها با ایمنی (کامل) سفر کنید!»

۱۹۵. عن أبوزهير بن شبيب بن أنس عن بعض أصحابه، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام إذ دخل عليه غلام من كِنْدَةَ فاستفتاه في مسألة، فأفتاه فيها، فعرفت الغلام والمسألة فقدمت الكوفة، فدخلت على أبي حنيفة فإذا ذاك الغلام بعينه يستفتيه في تلك المسألة بعينها، فأفتاه فيها بخلاف ما أفتاه أبو عبد الله عليه السلام فقلت: ويلك يا أبا حنيفة أني كنت العام حاجاً فأتيت أبا عبد الله عليه السلام مُسَلِّماً عليه فوجدت هذا الغلام يستفتيه في هذه المسألة بعينها فأفتاه بخلاف ما أفتيته، فقال:

و ما يعلم جعفر بن محمد أنا اعلم منه، أنا لقيت الرجال و سمعت من أفواههم و جعفر بن محمد صحفى أخذ العلم من الكتب!

فقلت في نفسي: والله لأحجّن و لو حبواً.

قال: فكنت في طلب حجة، فجاءتني حجة فحججت، فأتيت أبا عبد الله عليه السلام فحكيت له الكلام، فضحك ثم قال:

أما في قوله: إني رجل ضحفي فقد صدق. قرأت صحف آبائي إبراهيم و موسى، فقلت: و من له بمثل تلك الصحف؟

قال: فما لبثت أن طرق الباب طارق و كان عنده جماعة من أصحابه فقال للغلام: انظر من ذا، فرجع الغلام، فقال: أبو حنيفة.

قال: ادخله فدخل فسلم على أبي عبد الله عليه السلام فردّ عليه ثم قال: اصلحك الله أتأذن لي في العقود؟

فأقبل على أصحابه يحدثهم و لم يلتفت إليه ثم قال: الثانية والثالثة فلم يلتفت إليه، فجلس أبو حنيفة من غير إذنه، فلما علم أنه قد جلس التفت إليه فقال: أين أبو حنيفة؟ فقيل: هو ذا أصلحك الله.

فقال: أنت فقيه أهل العراق؟

قال: نعم!

قال: فيما تفتيهم؟

قال: بكتاب الله و سنة نبيه صلى الله عليه وآله وسلم.

قال: يا أبا حنيفة تعرف كتاب الله حق معرفته و تعرف الناسخ والمنسوخ؟

قال: نعم.

قال: يا أبا حنيفة لقد ادّعت علماء، ويملك ما جعل الله ذلك إلا عند أهل الكتاب الذين أنزل عليهم، ويملك و لا هو إلا عند الخاص من ذرية نبيّ صلى الله عليه وآله وسلم و ما ورثك الله من كتابه حرفاً فإن كنت كما تقول و لست كما تقول فأخبرني عن قول الله عزّ وجلّ:

﴿سَيُورُوا فِيهَا لِيَالِي و أَيَّاماً آمَنِينَ﴾ أين ذلك من الأرض؟

قال: أحسبه ما بين مكة والمدينة.

فالتفت أبو عبد الله عليه السلام إلى أصحابه فقال: تعلمون أنّ الناس يقطع عليهم بين المدينة و مكة، فتؤخذ أموالهم و لا يؤمنون على أنفسهم و يقتلون.

قالوا: نعم.

قال: فسكت أبو حنيفة.

فقال: يا أبا حنيفة أخبرني عن قول الله عزّ وجلّ: ﴿و من دخله كان آمناً﴾، أين ذلك من الأرض؟

قال: الكعبة.

قال: أفتعلم أنّ الحجّاج بن يوسف حين وضع المنجنيق على ابن الزبير في الكعبة فقتله، كان آمناً فيها؟

قال: فسكت، ثمّ قال له يا أبا حنيفة: إذا ورد عليك شيء ليس في كتاب الله و لم تأت به الآثار والسُّنة كيف تصنع؟

فقال: أصلحك الله: أقيس و أعمل فيه برأبي.

قال: يا أبا حنيفة إنّ أوّل من قاس إبليس الملعون، قاس على ربّنا تبارك و تعالى فقال: ﴿أنا خير منه خلقتني من نار و خلقتة من طين﴾ فسكت أبو حنيفة.

فقال: يا أبا حنيفة: أيّما أرجس البول أو الجنابة؟

فقال: البول.

فقال: فما بال الناس يغتسلون من الجنابة و لا يغتسلون من البول؟ فسكت.

فقال: يا أبا حنيفة أيّما أفضل الصلاة أم الصوم؟

فقال: الصلاة.

قال: فما بال الحائض تقضى صومها و لا تقضى صلاتها؟

فسكت.

فقال: يا أبا حنيفة أخبرني عن رجل كانت له أمّ و ولد و له منها ابنة و كانت له حرة

لاتلد فزارت الصبيّة بنت أمّ الولد أباهما فقام الرجل بعد فراغه من صلاة الفجر، فواقع أهله التي لاتلد و خرج إلى الحمام فأرادت الحرّة أن تكيد أمّ الولد و ابنتها عند الرجل فقامت إليها بحرارة ذلك الماء فوقعت عليها و هي نائمة فعالجتها كما يعالج الرجل المرأة فعلقته أيّ شيء عندك فيها؟

قال: لا والله ما عندي فيها شيء.

فقال: يا أباحنيفة أخبرني عن رجل كانت له جارية فزوّجها من ملوك له و غاب المملوك، فولد له من أهله مولود و ولد للملوك مولود من أمّ ولد له فسقط البيت على الجارتين و مات المولى من الوارث؟

فقال: جعلت فداك لا والله ما عندي فيها شيء.

فقال ابوحنيفة: أصلحك الله انّ عندنا قوماً بالكوفة يزعمون أنّك تأمرهم بالبراءة من فلان و فلان و فلان.

فقال: ويلك يا أباحنيفة لم يكن هذا، معاذ الله.

فقال: أصلحك الله أنّهم يعظّمون الأمر فيهم.

قال: فما تأمرني؟

قال: تكتب إليهم.

قال: بماذا؟

قال: تسألهم الكفّ عنهم.

قال: لا يطيعوني.

قال: بلي أصلحك الله إذا كنت أنت الكاتب و أنا الرسول أطاعوني.

قال: يا أباحنيفة أبيت إلاّ جهلاً كم بيني و بين الكوفة من الفراسخ؟

قال: أصلحك الله ما لا يحصى.

فقال: كم بيني و بينك؟

قال: لا شيء.

قال: أنت دخلت عليّ في منزلي فاستأذنت في الجلوس ثلاث مرّات فلم اذن لك.

فجلست بغير إذني خلافاً عليّ كيف يطيعوني اولئك و هم هناك و أنا ههنا؟

قال: فَكَبَّلَ رَأْسَهُ وَخَرَجَ وَهُوَ يَقُولُ: أَعْلَمُ النَّاسَ وَ لَمْ نَرَهُ عِنْدَهُ عَالِمًا.
 فقال أبو بكر الحضرمي: جعلت فداك الجواب في المسألتين الأوليين؟
 فقال: يا أبا بكر، سيروا فيها ليالي و أياماً آمين، فقال: مع قائمنا أهل البيت و أمّا
 قوله و من دخله كان آمناً. فمن يبايعه و دخل معه و مسح على يده و دخل في عقد
 أصحابه كان آمناً^۱.

شیخ صدوق در علل الشرایع گوید: پدرم و محمد بن الحسن - رحمة الله علیهما -
 فرمودند: سعد بن عبدالله از احمد بن ابی عبدالله برقی، از ابوزهیر بن شیبب بن انس، از
 برخی از اصحابش از امام صادق علیه السلام روایت می کند که: [راوی می گوید:] در محضر امام
 صادق علیه السلام بودم که جوانی از کِنْدَه^۲ آمد و بر آن حضرت وارد شد و مسأله ای از امام علیه السلام
 پرسید و حضرت جوابش را دادند، من جوان را شناخته و مسأله اش را نیز دانستم. پس به
 کوفه رفته و بر ابوحنیفه داخل شدم. جوان را در آنجا دیدم که عیناً همان مسأله را از وی
 می پرسید. ابوحنیفه جوابی برخلاف امام علیه السلام به وی داد، ایستادم و گفتم:

وای بر تو ای ابوحنیفه، امسال برای مراسم حجّ به مکه رفته بودم، محضر امام
 صادق علیه السلام رسیدم. به آن جناب سلام کردم، این جوان را در مجلس حضرت دیدم که
 همین مسأله را از حضرتش پرسید و امام علیه السلام برخلاف جوابی که تو دادی به وی دادند.
 ابوحنیفه گفت: به آنچه جعفر بن محمد داناست من داناتر هستم. من با رجال و اساتید
 بسیار ملاقات کرده و از زبانشان شنیده و بهره ها برده ام. ولی جعفر بن محمد صُحُفِی
 است یعنی علمش را از کتب اخذ نموده و علمی که از افواه رجال گرفته شده باشد به
 مراتب والاتر و بهتر است از علمی که از کتب اخذ شده!

راوی می گوید: با خود گفتم: به خدا سوگند! به حج خواهم رفت اگرچه هزینه آن را
 نداشته و دیگران به من ببخشند، وی می گوید:

پیوسته در صد حج و طلب آن بودم، ایام حج فرا رسید و من به حج رفتم، محضر امام
 صادق علیه السلام رسیده و سخنان ابوحنیفه را برای حضرت بازگو کردم.

۱. علل الشرایع ج ۱ ب ۸۱ ح ۵. [ترجمه و تحقیق: سید محمدجواد ذهنی تهرانی - (ره)].

۲. کنده به کسر کاف قبیله ای از اهل یمن هستند.

امام علیه السلام خندیده و سپس فرمودند: اینکه ابوحنیفه گفت من مرد صُحُفِی بوده و علم را از کتب اخذ کرده‌ام، راست گفته، من صُحُفِ پدران خود، ابراهیم و موسی را قرائت کرده‌ام.

[راوی گوید:] عرض کردم: چه کسی مثل این صحف را دارد؟

سپس راوی می‌گوید: طولی نکشید و از توقّفم نزد حضرت زمانی نگذشته بود که شخصی درب منزل حضرت را کوبید و همراهش جماعتی بودند، حضرت به غلام فرمود: نگاه کن ببین کیست؟ غلام رفت و برگشت. عرض کرد: ابوحنیفه است.

حضرت فرمودند: او را به داخل راهنمایی کن. پس ابوحنیفه داخل شد و سلام نمود. امام علیه السلام جواب سلامش را دادند، ابوحنیفه عرض کرد: خدا حالتان را نیکو گرداند! اجازه می‌فرمایید بنشینیم؟

حضرت رو به اصحاب ابوحنیفه کرده و با آنها به صحبت پرداخته و توجهی به ابوحنیفه نفرمود. سپس ابوحنیفه برای بار دوم و سوم کلامش را تکرار کرد. ولی حضرت به او عنایت و توجهی نفرمود. ابوحنیفه این بار بدون اذن امام علیه السلام نشست. حضرت وقتی دیدند او نشست، به وی توجه نموده و فرمودند: ابوحنیفه کجاست؟

خدمتش عرض شد: خدا حالتان را نیکو گرداند! او ابوحنیفه است.

حضرت فرمودند: تو فقیه اهل عراق هستی؟

عرض کرد: بلی.

حضرت فرمودند: برای ایشان با چه مدرکی فتویٰ می‌دهی؟

عرض کرد: با کتاب خدا و سنّت پیامبرش صلی الله علیه و آله.

حضرت فرمودند: ای ابوحنیفه! به کتاب خدا آگاه و عالم هستی و آن طور که باید آگاه

باشی آیا آگاه و واقف می‌باشی؟ آیا ناسخ و منسوخش را می‌دانی؟

عرض کرد: بلی.

حضرت فرمودند: ای ابوحنیفه! ادّعی علم نمودی. وای بر تو! خداوند متعال این علم

را فقط در بین اهل قرآن که آن را برایشان نازل کرده، قرار داده. وای بر تو! این علم صرفاً

نزد افراد خاص از ذریه پیغمبر ﷺ بوده و از آن یک حرف هم خدا به تو تعلیم نفرموده و اگر آن طور که ادعا می‌کنی هستی که نیستی خبر ده مرا از فرموده حق عزوجل: سیروا فیها لیلالی و ایاماً آمنین (به آنها گفتیم در این ده و شهرهای نزدیک به هم شب‌ها و روزها با ایمنی کامل مسافرت کنید). این ده و شهرها در کدام نقطه زمین بودند؟

ابوحنیفه گفت: تصور می‌کنم بین مکه و مدینه بودند.

امام ﷺ به اصحابش نگریست و فرمود: شما می‌دانید که در بین مکه و مدینه راه امن نبوده و قُطَاع الطَّرِيق در اینجا راه را بر مسافری می‌بستند و اموالشان را به یغما می‌بردند و آنها هیچ بر نفوس خود اطمینانی نداشتند و بسا بود که کشته می‌شدند. پس مقصود حق عزوجل این ده و شهرها نمی‌باشد.

اصحاب عرض کردند: بلی همین طور است که شما می‌فرمایید.

[راوی می‌گوید:] ابوحنیفه ساکت شد.

پس از آن حضرت فرمودند: ای ابوحنیفه! خبر ده مرا از فرموده حق عزوجل: «و من دخله کان آمناً (کسی که داخل آن مکان شود در امان می‌باشد)» این مکان کدام نقطه زمین می‌باشد؟

ابوحنیفه گفت: مراد کعبه است.

امام ﷺ فرمودند: آیا می‌دانی حجّاج بن یوسف در کعبه منجینق قرار داد و ابن‌زبیر را کشت. پس چطور ابن‌زبیر در امان قرار نگرفت؟

[راوی می‌گوید:] ابوحنیفه ساکت شد. سپس امام ﷺ به وی فرمود: ای ابوحنیفه! وقتی

به موضوعی برخورد کردی که در کتاب خدا حکمش نبوده و اخبار و سنن نبوی نیز بیان‌کننده آن نباشد، چه خواهی کرد؟

ابوحنیفه عرض کرد: خدا حال شما را نیکو گرداند، قیاس کرده و در آن به رأی خود

عمل می‌نمایم!

حضرت فرمودند: ای ابوحنیفه! اولین کسی که قیاس نمود ابلیس معلون بود. وی در

مقابل پروردگار متعال قیاس کرده و گفت: من از آدم بهترم؛ زیرا مرا از آتش و او را از گل آفریده‌ای.

ابوحنیفه ساکت شد. سپس حضرت فرمود: ای ابوحنیفه! آیا ادرار نجس تر است یا منی؟

ابوحنیفه گفت: ادرار.

امام علیه السلام فرمودند: پس چرا مردم برای منی غسل کرده و برای ادرار چنین نمی‌کنند؟
ابوحنیفه ساکت و خاموش شد.

امام علیه السلام فرمودند: ای ابوحنیفه! نماز افضل است یا روزه؟
عرض کرد: نماز.

حضرت فرمودند: پس چرا حائض موظف است روزه را قضا کند، ولی قضای نماز بر او واجب نیست؟

ابوحنیفه ساکت و خاموش شد.

حضرت فرمودند: ای ابوحنیفه! جواب این سؤال را بگو: مردی کنیزی امّ ولد^۱ داشته که از او دختری و نیز همسر آزادی برایش بوده که نازا می‌باشد. حال در یک سحری دختر این مرد که از امّ ولد می‌باشد به زیارت پدر آمده و مرد بعد از خواندن نماز صبح با همسر آزادی نزدیکی کرده و سپس به حمام می‌رود. زن آزاد در مقام کید و حيله با امّ ولد و دخترش برآمده در همان گرمی که شوهر به حمام رفته برخاسته و به سراغ دختر شوهرش که از امّ ولد هست، رفته و در حالی که وی خواب می‌باشد خودش را روی او انداخته و به همان نحو که شوهر با او مواجهه نموده و آب در رحمش ریخته وی نیز همان آب را در رحم دختر می‌ریزد و دختر از همان آب حمل برمی‌دارد، حکم این حمل از نظر تو چیست؟

ابوحنیفه عرضه داشت: به خدا سوگند درباره آن هیچ نمی‌دانم.

حضرت فرمودند: ای ابوحنیفه جواب این سؤال را بگو: مردی کنیزی دارد که وی را به تزویج مملوکش درمی‌آورد و مملوک از او غائب می‌شود. سپس از همسر مرد فرزندی متولد شده و از کنیز امّ ولدی که دارد و مملوک مزبور او را حامل نموده مولود می‌دهد.

۱. امّ ولد در اصطلاح فقهاء به کنیزی من‌قولیه که از مولای و آقايش صاحب فرزندان است.

دنیا می آید. پس از آن خانه فرو می ریزد و مرد که مولی بوده و دو کنیز که یکی ام ولد بوده و دیگری کنیزی که مولی او را تزویج عبد کرده هر سه می میرند. حال شما بگو که وارث کیست؟

ابوحنیفه عرض کرد: فدایت شوم! به خدا سوگند درباره آن هیچ نمی دانم. سپس ابوحنیفه گفت: خدا حالتان را نیکو نماید! در کوفه نزد ما جماعتی هستند که معتقدند شما ایشان را فرمان داده اید که از فلان و فلان و فلان^۱ براثت و بیزاری جویند، آیا این مطلب صحیح است؟

حضرت فرمودند: وای بر تو ای ابوحنیفه! این صحیح نیست، پناه به خدا می برم!! ابوحنیفه گفت: خدا حالتان را نیکو نماید این جماعت امر را در این سه نفر خیلی بزرگ شمرده و مسأله تبرّی و بیزاری از ایشان را سخت پی گیر می باشند.

حضرت فرمودند: از من چه می خواهی؟

ابوحنیفه گفت: نامه ای به ایشان مرقوم فرمایید.

حضرت فرمودند: به چه مضمون؟

ابوحنیفه گفت: از ایشان بخواهید خود را از تبرّی جستن نسبت به این سه نفر بازدارند.

حضرت فرمودند: از من اطاعت نمی کنند.

ابوحنیفه گفت: چرا، خدا حالتان را نیکو نماید. در صورتی که شما نامه را نوشته و من فرستاده شما باشم، البته مرا اطاعت خواهند نمود.

حضرت فرمودند: ای ابوحنیفه! این اصرار تو نیست مگر از روی نادانی، بین من و کوفه چند فرسخ فاصله می باشد؟

ابوحنیفه گفت: بسیار بسیار زیاد به حدّی که به شمار نمی آید.

حضرت فرمودند: بین من و تو چقدر فاصله است؟

ابوحنیفه عرضه داشت: هیچ فاصله ای نیست.

۱. مقصود سه خلیفه اول و دوم و سوم می باشد.

حضرت فرمودند: تو در منزل من بر من وارد شدی و سه مرتبه اجازه در نشستن گرفتی، پس به تو اجازه ندادم با این حال بدون اجازه من نشستی و مخالفت مرا نمودی. چگونه آن جماعت در حالی که آن همه با من فاصله دارند و من اینجا می‌باشم، اطاعتم را کنند؟

[راوی می‌گوید:] ابوحنیفه سر مبارک امام را بوسید و از نزد آن حضرت خارج شد، در حالی که می‌گفت: او داناترین مردمان است و حال آنکه نزد هیچ عالمی وی را ندیده‌ایم.

ابوبکر حضرمی می‌گوید: فدایت شوم جواب دو مسأله اول و دوم چیست؟
حضرت فرمودند: ای ابوبکر! مقصود از «سیروا فیها لیالی و ایاماً آمنین» این است که با قائم ما اهل بیت سیر و مسافرت کنید که در ایمنی کامل می‌باشید.
و مراد از «و من دخله کان آمناً» این است که هر کس با قائم ما بیعت کرده و در گروه آن حضرت باشد و دست آن بزرگوار را مسح کند و در گروه یارانش باشد، البته از هر بلایی در امان می‌باشد.



سورة یس

● آیه صد و هشتم

﴿يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾^۱؛

□ «افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت آنان نیامد مگر اینکه او را استهزا می‌کردند!»

۱۹۶. عن المفضل بن عمر عن أبي عبد الله عليه السلام في حديث ان أمير المؤمنين عليه السلام قال: ... اعلموا ان الأرض لا تخلو من حجة الله عز وجل ولكن الله سيعمي خلقه عنها بظلمهم وجهلهم و لو خلت الأرض ساعة واحدة من حجة الله لساخت بأهلها ولكن الحجة تعرف الناس ولا يعرفونها، كما كان يوسف يعرف الناس و هم له منكرون، ثم تلا: «يا حسرة على العباد ما يأتيهم من رسول إلا كانوا به يستهزئون»^۲.

مفضل بن عمر از امام صادق عليه السلام در حدیثی نقل می‌کند که: امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: «... بدانید که زمین از حجّت خدا خالی نمی‌ماند، ولی نزدیک است که خداوند بندگان

۱. سورة یس، آیه ۳۰.

۲. العبد للمعصنين ص ۱۴۱ ب ۱۰ ح ۲.

خود را به خاطر ظلم و نادانی از دیدن حجت خود محروم می‌کند و اگر یک ساعت زمین از حجت خالی بماند اهلش را فرو می‌برد، ولی او مردم را می‌شناسد و مردم او را نمی‌شناسند چنان‌که حضرت یوسف برادران خود را شناخت و آنها او را شناختند، سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «یا حسرة علی العباد...» تا آخر آیه.



● آیه صد و نهم

﴿قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾^۱؛

□ «ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟! (آری) این همان است که خداوند رحمان وعده داده و فرستادگان (او) راست گفتند!»

۱۹۷. عن الحسن بن شاذان الواسطي قال: كتبت إلى أبي الحسن الرضا عليه السلام أشكو جفاء أهل واسط و حملهم عليّ و كانت عصابة من العثمانيّة تؤذيني. فوقّع بخطّه: إنّ الله تبارك و تعالی أخذ ميثاق أوليائنا على الصبر في دولة الباطل فاصبر لحكم ربك فلو قد قام سيجد الخلق لقالوا: «يا ويلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون»^۲.

حسن بن شاذان واسطی گوید: به امام رضا عليه السلام نامه‌ای نوشتم و از جفای مردم واسط و حملاتی که به من می‌کردند به آن حضرت شکایت می‌کردم و آنها (که به من جفا می‌کردند) جمعی از طرفداران عثمان بودند که مرتباً مرا آزار می‌دادند.

پس آن حضرت با دست شریف خود به من نوشت:

(به راستی خدای تبارک و تعالی از دوستان ما عهد و پیمان گرفته که در زمان حکم مومنان باطل، شکیبایی و صبر ورزند، پس در برابر حکم پروردگارت صبور باش و در آن

۱. سوره یس، آیه ۵۲.

۲. روضة الكافي ص ۲۴۷ ح ۳۴۶.

۲۰۰ □ سیمای حضرت مهدی (عج) در قرآن

هنگامی که آقای خلیق (امام زمان علیه السلام) ظهور کند، اینها خواهند گفت: «ای وای بر ما! کیست که ما را از خوابگاهمان برانگیزد؟ این است آنچه خدای رحمان وعده کرده بود و پیغمبران راست گفتند.»

سورة صافات

● آية يكصدوده

﴿وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ﴾^١

□ «و از پیروان او ابراهیم بود.»

۱۹۸. عن الحرّ العامليّ في كتابه: و نقل من كتاب جامع الفوائد في حديث ان ابراهيم عليه السلام رأى نوراً الى جانب العرش فقال: الهى ما هذا؟ فقيل له: هذا نور محمّد صفوتى من خلقى و رأى الى جانبه نوراً فقال: الهى ما هذا النور؟ فقيل له: هذا نور على بن أبى طالب ناصر دينى و رأى الى جنبيهما ثلثة انوار، فقال: يا ربّ ما هذه الأنوار؟ فقيل له: هذا نور فاطمة والحسن والحسين، قال: الهى و سيّدى أرى تسعة انوار قد احدقوا بهم، قيل: يا ابراهيم هؤلاء الائمة من ولد على و فاطمة، فقال ابراهيم: الهى بحق هؤلاء الخمسة الا عرفتني من التسعة من ولد على؟ قيل: يا ابراهيم اولهم على بن الحسين و ابنه محمّد و ابنه جعفر، و ابنه موسى، و ابنه على و ابنه محمّد و ابنه على و ابنه الحسن والحجّة القائم ابنه الى ان قال: فقال ابراهيم: اللهم اجعلنى من شيعة على امير المؤمنين فأخبر الله في كتابه فقال: و انّ من شيعة لإبراهيم^٢.

علامه حرّ عاملى در كتاب اثبات الهداة از كتاب جامع الفوائد نقل کرده: در حدیثی كه

۱. سورة صافات، آية ۸۳.

۲. اثبات الهداة ج ۱ ص ۶۵۶ ب ۹ فصل ۷۰ ح ۸۳۸ و ب ۹ ف ۵۳ ح ۷۸۷.

ابراهیم علیه السلام در کنار عرش نوری دید، عرض کرد: خدایا این چیست؟ به او گفته شد: این نور محمد برگزیده من از مخلوق است، و در کنارش نوری دید، عرض کرد: پروردگارا! این نور چیست؟ به او گفته شد: این نور علی بن ابی طالب یاور و یاری دهنده دین من است، و در کنار آن دو [نور] سه نور دیگر دید؛ عرض کرد: ای خدای من این نورها چیست؟ پس به او گفته شد: این نور فاطمه و حسن و حسین است، عرض کرد: ای خدا و ای سرور من! نه نور دیگر می بینم که به ایشان احاطه کرده، گفته شد: ای ابراهیم! اینها امامهایی از فرزندان علی و فاطمه می باشند. حضرت ابراهیم عرض کرد: بار خدایا! به حق این پنج نفر تو را سوگند می دهم که به من معرفی کنی که این نه نفر اولاد علی چه کسانی هستند؟ گفته شد: ای ابراهیم! اول از آن نه نفر، علی بن الحسین است و سپس فرزندش محمد و فرزند وی جعفر و فرزند جعفر، موسی و فرزند موسی، علی، و فرزند علی، محمد، و فرزند محمد علی، و فرزند علی، حسن و فرزند حسن، حجت قائم (روحی له الفداء)؛ تا اینکه گفت: حضرت ابراهیم عرض کرد: بار خدایا! مرا از شیعیان علی امیرالمؤمنین قرار بده، پس خداوند در قرآن خبر داده و فرمود: «و همانا از شیعیان او ابراهیم است.»



سورة ص

● آیه صد و یازدهم

«اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ»^۱؛

□ «در برابر آنچه می‌گویند شکیباً باش.»

۱۹۹. عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله تعالى: «فاصبر على ما يقولون» يا محمد من تكذبتهم اياك، فإني منتقم منهم برجل منك و هو قائمى الذى سلطته على دماء الظلمة^۲.

ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام در تفسیر این آیه شریفه: «بر آنچه می‌گویند صبر کن»^۳ فرمود: یعنی ای محمد! از آنان که تو را تکذیب می‌کنند، پرهیز کن که من به دست مردی از نسل تو که بر خون ستمکاران مسلطش کنم، از آنها انتقام خواهم گرفت.

● آیه صد و دوازدهم

۱. سورة ص، آیه ۱۷.

۲. تأویل الآيات ج ۲ ص ۵۰۳ ح ۱۱ و اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۶۴ ب ۳۲ ح ۶۴۸.

۳. این آیه در سوره‌های: طه، ص، ق و مزمل آمده است.

﴿وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ﴾^۱؛

□ «و خبر آن را بعد از مدّتی می شنوید!»

۲۰۰. عن أبي حمزة عن أبي جعفر عليه السلام في قوله عزّ وجلّ: «و لتعلمنّ نبأه بعد حينٍ» قال: عند خروج القائم عليه السلام.^۲

ابو حمزه گوید: امام باقر عليه السلام در تفسیر این آیه شریفه: «و خبر آن را بعد از مدّتی می شنوید» فرمود: یعنی هنگام خروج حضرت قائم عليه السلام.



۱. سوره ص، آیه ۸۸

۲. دوسمه الخافض ص ۲۸۷ ح ۴۳۲.

سورة فصلت

● آیه صد و سیزدهم

«سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»؛

□ «به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آنها

نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است.»

۲۰۱. عن أبي بصير قال: سئل أبو جعفر عليه السلام عن تفسير قول الله عز وجل: «سنريهم آياتنا في الآفاق و في انفسهم» فقال: يريهم في انفسهم المسخ و يريهم في الآفاق انتقاص الآفاق عليهم يرون قدرة الله عليهم في انفسهم و في الآفاق و قوله: «حتى يتبين لهم أنه الحق» يعني خروج القائم هو الحق من عند الله عز وجل يراه هذا الخلق لا بد منه^۲.

ابوبصير گوید: از امام باقر عليه السلام درباره تفسیر این آیه شریفه: «به زودی نشانه‌های خود را در آفاق عالم و وجود خودشان به آنها می‌نماییم» سؤال کردند. حضرت فرمودند: در وجود خودشان مسخ است (که صورتشان تبدیل شود) و در آفاق کم شدن (برکات) آن، آنگاه در آفاق و در وجود خویش قدرت حق را ببینند و اینکه می‌فرماید: «تا بر آنها روشن شود که آن حق است» یعنی تا ابد بدانند خروج حضرت قائم عليه السلام از جانب خدا حق است و از آن گریزی نیست.

۱. سورة فصلت، آیه ۵۳.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ص ۷۳۷ ب ۳۴ ح ۱۰۸.

سورة شوری

● آیه صد و چهاردهم

«يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَ
يَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ»؛

□ «کسانی که به قیامت ایمان ندارند، درباره آن شتاب می کنند، ولی آنها که ایمان آورده اند پیوسته از آن هراسانند و می دانند آن حق است.»

۲۰۲. عن المفضل قال: عن الصادق عليه السلام في حديث في قوله تعالى: «ويستعجل بها الذين لا يؤمنون بها» قال: والله ما هي الا قيام القائم عليه السلام.
مفضل گوید: امام صادق عليه السلام در حدیثی در تأویل این آیه: «آنها که به قیامت ایمان ندارند در آن شتاب می کنند» فرمود: به خدا سوگند! این نیست جز قیام حضرت مهدی عليه السلام.

● آیه صد و پانزدهم

۱. سورة شوری، آیه ۱۸.
۲. اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۷۲ ب ۳۲ ح ۷۰۰.

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ»^۱؛

□ «کسی که زراعت آخرت را بخواهد، به کشت او برکت و افزایش می‌دهیم و بر محصولش می‌افزاییم و کسی که فقط کشت دنیا را بطلبد، کمی از آن به او می‌دهیم. اما در آخرت هیچ بهره‌ای ندارد!»

۲۰۳. روی ثقة الاسلام الكليني (ره) باسناده عن أبي بصير، عن أبي عبدالله عليه السلام في قول الله عزّوجلّ: «من كان يريد حرث الآخرة» قال: معرفة أمير المؤمنين عليه السلام والأئمة عليهم السلام. «نزد له في حرثه» قال: نزیده منها، قال: يستوفى نصيبه من دولتهم «و من كان يريد حرث الدنيا نؤته منه و ما له في الآخرة من نصيب» قال: ليس له في دولة الحق مع القائم نصيب^۲.

ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام درباره تفسیر این آیه شریفه: «هر کس کشت آخرت خواهد» فرمود: یعنی معرفت امیرالمؤمنین عليه السلام و ائمه معصومین عليهم السلام و «در کشتش بیفزاییم» یعنی معرفتش را بیفزاییم تا بهره خود را از دولت ائمه دریافت کند و «هر که کشت دنیا را خواهد، از دنیا به او دهیم و در آخرت او را بهره‌ای نیست» یعنی برای او از دولت حق با امام قائم عليه السلام بهره و نصیبی نخواهد بود.

● آیه صد و شانزدهم

«وَ لَوْ لَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^۳؛

□ «اگر مهلت معینی برای آنها نبود، در میانشان داوری می‌شد (و دستور

۱. سوره شوری، آیه ۲۰.

۲. الکافی ج ۱ ص ۴۳۵ ح ۹۲.

۳. سوره شوری، آیه ۲۱.

عذاب صادر می‌گشت) و برای ظالمان عذاب دردناکی است.»

۲۰۴. روی ثقة الاسلام الكلینی (ره) باسناده عن أبي حمزة، عن أبي جعفر عليه السلام قال: أمّا قوله: «و لو لا كلمة الفصل لقضى بينهم و ان الظالمين لهم عذابٌ اليم» قال: لو لا ما تقدّم من أمر الله عزّوجلّ ما أبقى القائم منهم واحداً^۱.

ابو حمزه گوید: امام باقر عليه السلام در تفسیر این آیه شریفه: «اگر مهلت معینی نبود، میانشان قضاوت می‌شد و راستی که ستمکاران را عذابی است دردناک» فرمود: یعنی اگر نباشد آنچه از جانب خداوند از پیش درباره آنها گذشته است، حضرت قائم عليه السلام یک نفر از آنها را زنده نگذارد.



● آیه صد و هفدهم

﴿و لَمَن اِنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ﴾^۲؛

□ «و کسی که بعد از مظلوم شدن یاری بطلبد، ایرادی بر او نیست.»

۲۰۵. عن أبي حمزة الثمالي عن أبي جعفر عليه السلام قال: سمعته يقول: «و لمن انتصر بعد ظلمه» یعنی القائم عليه السلام و أصحابه: «فأولئك ما عليهم من سبيل» والقائم اذا قام انتصر من بني امية و من المكذبين والصاب هو و أصحابه^۳.

ابو حمزه ثمالی گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که درباره این آیه شریفه: «آن که پس از ستم دیدن انتقام گیرد، ایرادی بر او نیست» می‌فرمود: مراد از این آیه حضرت قائم عليه السلام و یاران او هستند؛ چون آن حضرت قیام کند، با یارانش، از بنی امیه و تکذیب‌کنندگان و دشمنان انتقام می‌گیرند.



۱. روضة الكافي ص ۲۸۷ ح ۴۳۲.

۲. سورة شوری، آیه ۴۱.

۳. اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۵۳ ب ۳۲ ح ۵۷۸.

● آیه صد و هجدهم

«و تَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ
طَرْفِ حَفِيٍّ»^۱

□ «و آنها را می بینی که بر آتش عرضه می شوند، در حالی که از شدت مذلت
خاشعند و زیر چشمی (به آن) نگاه می کنند!»

۲۰۶. عن جابر بن يزيد عن أبي جعفر عليه السلام في قوله تعالى: «خاشعين من الذل ينظرون
من طرف حفي» قال: يعني الى القائم عليه السلام^۲.

جابر بن یزید گوید: امام باقر عليه السلام در تفسیر این آیه شریفه: «در حالی که از
شدت خواری خاشعند و زیر چشمی به آن نگاه می کنند» فرمود: یعنی به حضرت
قائم عليه السلام می نگرند.



۱. سوره شوری، آیه ۴۵.
۲. اثبات الهداة ج ۳ ب ۳۲ ح ۶۵۳.

سورة زخرف

● آیه صد و نوزدهم

﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾^۱

□ «او کلمه توحید را کلمه پاینده‌ای در نسل‌های بعد از خود قرار داد، شاید به سوی خدا بازگردانند!»

۲۰۷. عن ثابتِ الثَّمَالِيِّ، عن عليِّ بن الحسين بن عليِّ بن أبي طالبٍ عليه السلام أنه قال: فينا نزلت هذه الآية: «و اولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتاب الله^۲» و فينا نزلت هذه الآية: «و جعلها كلمة باقية في عقبه» والامامة في عقب الحسين بن علي بن أبي طالب عليه السلام الى يوم القيامة و انّ للقائم عليه السلام منّا غيبتين احديهما أطول من الأخرى، أمّا الأولى فسنة ايام، أو ستة أشهر، أو ستة سنين و أمّا الأخرى فيطول أمدها حتى يرجع عن هذا الأمر اكثر من يقول به فلا يثبت عليه الا من قوى يقينه و صحّث معرفته و لم يجد في نفسه حرجاً ممّا قضينا و سلّم لنا أهل البيت^۳.

ثابت ثمالی از امام سجّاد عليه السلام روایت کند که فرمود: این آیه درباره‌ی ما نازل شده است: «و

۱. سورة زخرف، آیه ۲۸.

۲. الاحزاب / ۶.

۳. کمال الدین ج ۱ ص ۳۲۳ ب ۳۱ ح ۷.

اولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتاب الله^۱ و این آیه نیز درباره ما نازل شده است: «و جعلها كلمة باقية في عقبه» و امامت تا روز قیامت در نسل حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام است و برای قائم ما دو غیبت است که یکی از دیگری طولانی تر است. اما غیبت اول، شش روز یا شش ماه یا شش سال به طول می انجامد. و اما غیبت دیگر طولانی تر می شود تا هنگامی که بیشتر معتقدین به آن امام از اعتقاد خود برگردند و بر آن ثابت نمانند، مگر کسی که یقینش قوی و معرفتش درست باشد و در دلش حرجی از آنچه حکم می کنیم نبوده و تسلیم ما اهل بیت باشد.



● آیه صد و بیستم

«هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ»^۲؛

□ «آیا جز این انتظاری دارند که قیامت ناگهان به سراغشان آید، در حالی که نمی فهمند؟»

۲۰۸. عن زرارة بن أعين قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله عز وجل: «هل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم بغتة» قال: هي ساعة القائم تأتيهم بغتة^۳.

زرارة بن اعین گوید: درباره تفسیر این آیه شریفه: «آیا جز این انتظاری دارند که قیامت ناگهان به سراغشان آید» از امام باقر علیه السلام سؤال کردم و حضرت فرمودند: آن ساعت [هنگام ظهور] قائم علیه السلام است که ناگهان بر آنان فرود خواهد آمد.



۱. احزاب / ۶.

۲. سورة زخرف، آیه ۶۶.

۳. الثبات الهداة ج ۳ ب ۳۲ ح ۶۵۴.

سورة جاثیه

● آیه صد و بیست و یکم

﴿قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ﴾^۱؛

□ «به مؤمنان بگو: کسانی را که امید به ایام الله [روز رستاخیز] ندارند مورد عفو قرار دهند.»

۲۰۹. عن مثنى الحنّاط قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: أيام الله عزّوجلّ ثلاثة: يوم يقوم القائم عليه السلام، و يوم الكرّة و يوم القيامة^۲.
مثنى الحنّاط گوید: شنیدم که امام باقر عليه السلام می فرمود: روزهای خدای عزّوجلّ سه روز است: ۱. روزی که حضرت قائم عليه السلام قیام می کند؛ ۲. روز رجعت؛ ۳. روز رستاخیز.



۱ سورة جاثیه، آیه ۱۴.
۲ الخصال ج ۱ ب ۳ ح ۷۵.

سورة فتح

● آیه صد و بیست و دوم

﴿لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً﴾^۱؛

□ «و اگر مؤمنان و کفار (در مکّه) از هم جدا می شدند، کافران را عذاب دردناکی می کردیم!»

۲۱۰. عن ابراهيم الكرخي قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام أو قال له رجل: أصلحك الله ألم يكن علي عليه السلام قوياً في دين الله عزّوجلّ؟ قال: بلى. قال: فكيف ظهر عليه القوم؟ وكيف لم يدفعهم و ما منعه من ذلك؟ قال: آية في كتاب الله عزّوجلّ منعه. قال: قلت: وأي آية؟ قال: قوله تعالى: ﴿لو تزيّلوا لعذبنا الذين كفروا منهم عذاباً أليماً﴾ أنّه كان لله عزّوجلّ ودائع مؤمنين في أصلاب قوم كافرين و منافقين فلم يكن علي عليه السلام ليقتل الآباء حتّى تخرج الودائع فلمّا خرج الودائع ظهر علي عليه السلام على من ظهر فقاتله وكذلك قائمنا أهل البيت لن يظهر أبداً حتّى تظهر ودايع الله عزّوجلّ فإذا ظهرت ظهر علي من ظهر فقتله^۲.

ابراهيم کرخی گوید: محضر مبارک امام صادق عليه السلام عرضه داشتیم، (يامردی عرض

۱. سورة فتح، آیه ۲۵.

۲. علل الشرايع ج ۱ ب ۱۲۲ ح ۳.

کرد: خدا حالتان را نیکو دارد! آیا علی علیه السلام در دین خدای عزوجل قوی و نیرومند نبود؟
حضرت فرمود: آری.

عرض کرد: پس چرا قوم اعداء و دشمنان بر او غالب شدند؟ و چرا حضرت آنها را
دفع نکرد و مانع آن حضرت برای دفع آنان چه بود؟

حضرت فرمودند: یک آیه در قرآن آن حضرت را منع نمود.

عرض کرد: آن کدام آیه بود؟

حضرت فرمودند: آیه شریفه: «لو تزیلوا لعذبنا الذین کفروا منهم عذاباً الیماً» خداوند
متعال امانت‌های مؤمن را در اصلاب کفار و منافقین داشت و پس از خروج این امانات،
امیرالمؤمنین علیه السلام بر کسانی که قبلاً غالب بودند، غلبه نموده و آنها را کشتند. همچنین است
قائم ما اهل بیت، هرگز آن جناب ظاهر نمی‌شوند تا ودائع و امانات خدای عزوجل ظاهر
شوند و پس از ظهور آنها، حضرت نیز بر کسانی که قبلاً ظاهر و غالب بودند غلبه کرده و
آنها را می‌کشند.

۲۱۱. عن محمد بن أبی عمیر عن ذکره عن أبی عبدالله علیه السلام قال: قلت له: ما بال
أمیرالمؤمنین علیه السلام لم یقاتل فلاناً و فلاناً و فلاناً؟ قال: لآیه فی کتاب الله عزوجل: «لو
تزیلوا لعذبنا الذین کفروا منهم عذاباً الیماً» قال:

قلت: و ما یعنی بتزایلهم؟ قال: ودائع مؤمنین فی اصلاب قوم کافرین و كذلك
القائم علیه السلام لن ینظر أبداً حتی تخرج ودائع الله تعالی فإذا خرجت ظهر علی من ظهر من
أعداء الله فقتلهم^۱.

محمد بن ابی عمیر از کسی که نامش را برده از حضرت ابی عبدالله علیه السلام روایت کرده
که: محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم: چرا امیرالمؤمنین علیه السلام با فلان و فلان و
فلان^۲ مقاتله و ستیز نفرمودند؟ حضرت فرمودند: به خاطر یک آیه‌ای که در قرآن
می‌باشد. و آن این است: «لو تزیلوا لعذبنا الذین کفروا منهم عذاباً الیماً». [راوی گوید:]
عرض کردم: مقصود از تزایل کفار و مؤمنین چیست؟

۱ همان مدرک ح ۲.

۲ معصوم، سه خلیفه اول و دوم و سوم می‌باشند.

حضرت فرمودند: امانت‌های مؤمنین در اصلاب کافرین بوده تا ظهور حضرت قائم علیه السلام و تا مادامی که این امانات از اصلاب کفار خارج نشده‌اند، حضرت ظهور نمی‌فرمایند. ولی پس از خروج آنها، حضرت نیز ظهور کرده و بر دشمنان خدا غلبه نموده و آنها را به قتل می‌رسانند.

سورة ذاریات

● آیه صد و بیست و سوم

﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ﴾^۱؛

□ «و روزی شما در آسمان است و آنچه به شما وعده داده می شود.»

۲۱۲. عن ابن عباس فی قوله تعالى: «و فی السماء رزقکم و ما توعدون» قال: هو خروج المهدي عليه السلام^۲.

ابن عباس در تفسیر این آیه شریفه: «و روزیتان و آنچه شما را وعده می دهند در آسمان است» گفت: مراد از آنچه وعده می دهند، خروج حضرت مهدی عليه السلام است.



۱. سورة ذاریات، آیه ۲۲.

۲. کتاب الهدایة ج ۳ ب ۳۲ ح ۲۸۶.

سورة قمر

● آية صد و بیست و چهارم

«اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ»^۱؛

□ «قیامت نزدیک شد و ماه از هم شکافت!»

۲۱۳. روى الحرّ العاملى (ره) فى كتابه: قال: و روى فى قوله تعالى: «اقتربت الساعة» قال: خروج القائم عليه السلام^۲.

از معصوم عليه السلام روایت شده که مراد از این آیه: «ساعت نزدیک شد» خروج حضرت قائم عليه السلام است.



۱. سورة قمر، آية ۱.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ب ۳۲ ح ۵۸۰.

سورة رحمن

● آیه صد و بیست و پنجم

﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأُقْدَامِ﴾^۱؛

□ «مجرمان از چهره‌هایشان شناخته می‌شوند و آنگاه آنها را از موهای پیش سر و پاهایشان می‌گیرند (و به دوزخ می‌افکنند)!»

۲۱۴. عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله تعالى: «يعرف المجرمون بسيماهم» قال: والله يعرفهم ولكن نزلت في القائم عليه السلام يعرفهم بسيماهم فيخبطهم بالسيف هو و أصحابه خبطاً^۲.

ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام درباره تفسیر این آیه شریفه: «گنهکاران به چهره‌های خود شناخته شوند» فرمود: خدا آنها را می‌شناسد، ولی این آیه درباره حضرت قائم عليه السلام نازل شده است که آنان را به چهره‌هایشان می‌شناسد و با یارانش آنان را طعمه شمشیر می‌کند.



سورة حديد

● آیه صد و بیست و ششم

«أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَ لَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ»^۱؛

□ «آیا وقت آن نرسیده است که دل های مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل کرده است خاشع گردد؟ و مانند کسانی نباشند که در گذشته به آنها کتاب آسمانی داده شد، سپس زمانی طولانی بر آنها گذشت و قلب هایشان قساوت پیدا کرد و بسیاری از آنها گنه کارند!»

۲۱۵. عن سماعة و غيره، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: نزلت هذه الآية في القائم عليه السلام: «و لا تكونوا كالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ»^۲.

سماعه و دیگران نقل می کنند که: امام صادق عليه السلام فرمود: این آیه شریفه: «مثل آنها نباشید که از پیش کتابشان داده شد و مدتشان دراز شد و دل هایشان سخت شد و بسیاری

۱. سورة حديد، آیه ۱۶.

۲. کمال الدین ج ۲ ص ۶۸۸ ب ۵۸ ح ۳.

از آنها از دین خارج هستند» درباره حضرت قائم علیه السلام نازل شد.

● آیه صد و بیست و هفتم

﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ
لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^۱؛

□ «بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می‌کند! ما آیات (خود) را برای
شما بیان کردیم، شاید اندیشه کنید!»

۲۱۶. عن سلام بن المستنیر، عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله عز وجل: «اعلموا ان الله يحيي الأرض بعد موتها» قال: يحييها الله عز وجل بالقائم عليه السلام بعد موتها يعني بموتها كفر أهلها والكافر ميت^۲.

سلام بن مستنیر گوید: امام باقر عليه السلام درباره این آیه شریفه: «بدانید که خداوند زمین را پس از مرگ زنده می‌کند» فرمود: خداوند زمین را به وجود حضرت قائم عليه السلام زنده می‌کند بعد از آنکه مرده باشد و مقصود از مردن آن، کفر اهل آن است و کافر همان مرده است.

۲۱۷. روى الحرّ العامليّ (ره) قال: وقالوا عليه السلام في قوله تعالى: «انّ الله يحيي الأرض بعد موتها» أي يحييها بعدل القائم بعد ظهوره عليه السلام بعد موتها بجور ائمة الضلال^۳.

از معصوم عليه السلام در تفسیر این آیه شریفه: «بدانید، خداوند زمین را پس از مرگش زنده می‌کند» روایت شده که: یعنی زمین را پس از آنکه واسطه ظلم پیشوایان گمراهی و ضلالت مرده است بعد از ظهور حضرت قائم عليه السلام به واسطه عدل وی زنده می‌کند.

۲۱۸. عن أحمد بن الحسن الميثمي عن رجل من أصحاب أبي عبدالله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام قال: سمعته يقول: نزلت هذه الآية: «و لا تكونوا كالذين اوتوا الكتاب من

۱. سورة الحديد، آية ۱۷.

۲. انبات الهداة ج ۳ ب ۳۲ ح ۲۳۸.

۳. انبات الهداة ج ۳ ب ۳۲ ح ۴۵۸.

قبل فطال عليهم الأمد فقست قلوبهم و كثير منهم فاسقون» في أهل زمان الغيبة، ثم قال عزوجل: «ان الله يحيي الأرض بعد موتها» و قال: انما الأمد، الغيبة^۱.

احمد بن حسن ميثمي از مردی از اصحاب امام صادق عليه السلام نقل می کند که گفت: شنیدم که آن حضرت می فرمود: این آیه: «و لا تكونوا كالذين...» درباره مردم زمان غیبت [حضرت قائم عليه السلام] نازل شده است. سپس خداوند [در ادامه آیه] می فرماید: «خداوند زمین را پس از مرگش زنده می کند» حضرت فرمود: مراد از مدت، غیبت است.

۲۱۹. عن ابن عباس في قوله تعالى: «اعلموا ان الله يحيي الأرض بعد موتها» قال: يعني يصلح الأرض بقائم آل محمد من بعد موتها، يعني من بعد موت أهل مملكتها، «قد بيننا لكم الآيات» بقائم آل محمد لعلكم تعقلون^۲.

ابن عباس نقل می کند که این آیه: «بدانید خداوند زمین را پس از مرگ آن زنده می کند» یعنی زمین را پس از مرگ اهل کشورهايش به وجود حضرت مهدی عليه السلام اصلاح می کند و «آیات را» به وسیله قائم آل محمد عليه السلام برای شما بیان کردیم، شاید درک کنید.



● آیه صد و بیست و هشتم

«وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ»^۳؛

□ «کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آوردند، آنها صدیقین و شهدا نزد پروردگارشانند، برای آنان است پاداش (اعمال)شان و نور (ایمان)شان.»

۲۲۰. روى العياشى، عن الحرث بن المغيرة قال: كنا عند أبي جعفر عليه السلام فقال: العارف منكم هذا الأمر، المنتظر له، المحتسب فيه الخبر، كمن جاهد والله مع قائم آل محمد

۱. همان مدرک، ح ۴۵۷.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ب ۳۲ ح ۲۸۷.

۳. سورة حديد، آیه ۱۹.

بسیفه، ثم قال الثالثة؛ بل والله كمن استشهد مع رسول الله ﷺ في فسطاطه و فيكم آية من كتاب الله. قلت: و اي آية جعلت فداك؟ قال: قول الله عزوجل: «والذين امنوا بالله ورسله اولئك هم الصديقون والشهداء عند ربهم» ثم قال: صرتم والله صادقين شهداء عند ربكم!

عیاشی از حرث بن مغیره روایت کرده که گفت: در محضر امام باقر علیه السلام بودیم که حضرت فرمود: هر کس از شما به این امر آشنا و در انتظار او باشد و درباره او گمان نیک برد، سوگند به خدا مانند کسی است که با شمشیر خویش در کنار قائم آل محمد علیه السلام جهاد کند، سپس سه بار فرمود: بلکه به خدا سوگند! مانند کسی است که در خیمه رسول خدا صلی الله علیه و آله و در کنار آن حضرت شهید شده باشد، از کتاب خدا آیه ای درباره شما وجود دارد. [راوی گوید:] عرض کردم: فدایت شوم آن آیه کدام است؟ حضرت فرمود: فرمایش خدای عزوجل: «والذین امنوا بالله ورسله...» سپس فرمود: به خدا سوگند! شماها نزد پروردگارتان راستگویان و گواهانید.



سورة ملك

● آیه صد و بیست و نهم

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ﴾^۱؛

□ «بگو: «به من خبر دهید اگر آبهای (سرزمین) شما در زمین فرو رود چه کسی می‌تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟!»

۲۲۱. عن أبي عبيدة بن محمد بن عمار عن أبيه عن جدّه عمار قال: قال رسول الله ﷺ: يا عمار انّ الله تبارك و تعالی عهد إلىّ انه يخرج من صلب الحسين ائمة تسعة والتاسع من ولده يغيب عنهم و ذلك قوله عزّوجلّ: «قل ارأيتم ان أصبح ماؤكم غوراً فمن يأتيكم بماءٍ معين» يكون له غيبة طويلة يرجع عنها قوم و يثبت عليها آخرون فإذا كان آخر الزمان يخرج فيملاً الدنيا قسطاً و عدلاً و يقاتل على التأويل كما قاتلت على التنزيل و هو سمىّ و أشبه الناس بي يا عمّار! سيكون بعدى فتنة فإذا كان ذلك فاتّبع عليّاً و حزبه^۲.

عبیده بن محمد بن عمار، از پدرش از جدّش عمار از پیامبر ﷺ نقل کرده است که فرمود: ای عمّار! خداوند تبارک و تعالی با من عهد کرده که نه امام از نسل حسین به وجود خواهند آمد و نهمین فرزند او از چشم آنها غایب می‌شود و این همان گفته خدای

۱. سورة ملك، آیه ۳۰.

۲. کفایة الأثر ص ۱۲۰.

عزوجل است: «قل ارأیتم إن أصبح ماؤکم غوراً فمن یأتیکم بماءٍ معین» او غیبتی طولانی دارد که گروهی از اعتقاد به آن حضرت باز می‌گردند و جمعی بر آن ثابت می‌مانند و چون آخرالزمان شود، ظهور می‌کند و دنیا را از عدل و داد سرشار می‌کند و برای تأویل قرآن می‌جنگد آن چنان‌که من بر تنزیل آن جنگیدم. و همان‌من و شبیه‌ترین مردم به من است. ای عمار! به زودی بعد از من فتنه برپا خواهد شد، هر گاه چنین شد از وی و حزب او پیروی کن.

۲۲۲. عن أبی بصیر، عن أبی جعفر علیه السلام فی قول الله عزوجل: «قل ارأیتکم إن أصبح ماؤکم غوراً فمن یأتیکم بماءٍ معین» قال: هذه نزلت فی القائم علیه السلام یقول: ان أصبح امامکم غایباً عنکم لاتدرون این هو فمن یأتیکم بامام ظاهر یأتیکم باخبار السماء والأرض؟ و حلال الله عزوجل و حرامه؟ ثم قال: والله ما جاء تأویل هذه الآیة و لا بد أن یجیء تأویلها.

ابوبصیر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: این آیه شریفه: «بگو اگر آب‌های شما فرو رود کیست که آب روان برایتان آورد؟» درباره حضرت مهدی علیه السلام نازل شده، می‌فرماید: اگر امامتان غایب شد و ندانستید کجاست؟ کیست که امام ظاهری برایتان آورد که شما را از خبرهای آسمان و زمین و حلال و حرام خدا آگاه کند؟ سپس فرمود: به خدا سوگند! تأویل این آیه هنوز نیامده و به ناچار خواهد آمد.



سورة معارج

● آية صدوسی

«سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ»^۱؛

□ «تقاضاکننده‌ای تقاضای عذابی کرد که واقع شد!»

۲۲۳. روی علی بن ابراهیم فی تفسیر قوله تعالى: «سأل سائل بعذاب واقع» قال: سئل أبو جعفر عليه السلام عن معنى هذا فقال: نار تخرج من المغرب و ملك يسوقها من خلفها حتى يأتي دار بني سعد بن همام عند مسجدكم فلاتدع داراً لبني امية الا أحرقتها و أهلها و لاتدع داراً فيها وتر لآل محمد الا أحرقتها و ذلك المهدي عليه السلام.^۲

از امام باقر عليه السلام درباره تفسیر این آیه شریفه: «سأل سائل بعذاب واقع» سؤال کردند، حضرت فرمودند: آن عذاب، آتشی است که از طرف مغرب بیرون می آید و پادشاهی آن را از پشت سر براند تا به خانه بنی سعد بن همام نزدیک این مسجد شما برسد و به هیچ خانه‌ای از بنی امیه نرسد؛ مگر اینکه آن را با اهلش بسوزانند و هیچ خانه‌ای که در آن خونی

۱. سورة معارج. آية ۱.

۲. تفسیر القمی ج ۲ ص ۳۸۵.

از آل محمد باشد وانگذارد جز اینکه آن را بسوزاند.



● آیه صدوسی و یکم

«وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ»^۱؛

□ «و آنها که به روز جزا ایمان دارند.»

۲۲۴. روی ثقة الاسلام محمد بن یعقوب الكلینی (ره) باسناده عن عاصم بن حمید، عن
 ابي جعفر عليه السلام فی قوله: «والَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ» قال: بخروج القائم عليه السلام.^۲
 عاصم بن حمید گوید: امام باقر عليه السلام در تفسیر این آیه شریفه: «آنان که به روز جزا ایمان
 دارند» فرمود: مقصود روز ظهور حضرت قائم عليه السلام است.



● آیه صدوسی و دوم

«خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ»^۳؛

□ «در حالی که چشم‌هایشان از شرم و وحشت به زیر افتاده و پرده‌ای از ذلت
 و خواری آنها را پوشانده است! این همان روزی است که به آنها وعده
 داده می‌شود!»

۲۲۵. روی شرف الدین النفی (ره) باسناده عن يحيى بن ميسر عن ابي جعفر عليه السلام فی
 قوله عزوجل: «خَاشِعَةً ابْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ» قال: «یعنی

۱. سوره معارج، آیه ۲۶.

۲. روضة الكافي ص ۲۸۷ ح ۴۳۲.

۳. سوره معارج، آیه ۴۴.

يوم خروج القائم عليه السلام ^۱.

محمد بن يحيى از میسر در تفسیر آیه شریفه: «خاشعة أبصارهم...» از امام باقر عليه السلام
روایت کرده است که: یعنی روز ظهور حضرت قائم عليه السلام.

سورة مدثر

● آية صد و سی و سوم

﴿و ثِيَابَكَ فَطَهَّرْ﴾^۱

□ «و لباست را پاک کن!»

۲۲۶. روى ثقة الاسلام الكليني (ره) بإسناده عن معلى بن خنيس بن أبى عبد الله عليه السلام قال: انّ علياً عليه السلام كان عندكم فأتى بنى ديوان فاشتري ثلاثة أثواب بدينار، المقيص إلى فوق الكعب والأزار إلى نصف الساق والرداء من بين يديه إلى ثدييه و من خلفه إلى إيتيه ثم رفعه إلى السماء فلم يزل يحمد الله على ما كساه حتى دخل المنزل. ثم قال: هذا اللباس والذي ينبغي للمسلمين أن يلبسوه قال أبو عبد الله عليه السلام: ولكن لا يقدر أن يلبسوا هذا اليوم و لو فعلنا لقالوا مجنون و لقالوا: مرأء والله تعالى يقول: «و ثيابك فطهر» قال: و ثيابك ارفعها و لا تجرّها و اذا قام قائمنا كان على هذا اللباس^۲.
أبو خديجه از معلى بن خنيس از امام صادق عليه السلام روايت کرده است: همانا حضرت

۱. سورة مدثر، آية ۴.

۲. الكافي ج ۶ ص ۴۵۵ ح ۲.

علی رضی الله عنه نزد بنی دیوان رفت و سه عدد لباس را به یک دینار خرید، پیراهنی که بلندی آن تا قوزک پا بود و تگه بالای احرام که تا نصف ساق پا می رسید و رداء (شبییه عبا) که از جلو قسمت بالای بدن را و از پشت سر تا وسط را می پوشاند. سپس دست های خود را به آسمان بلند کرد و بر نعمت آن پوشش تا رسیدن به منزل خدا را حمد و سپاس می گفت. بعد فرمود: سزاوار است مسلمان ها این گونه لباس بپوشند. امام صادق رضی الله عنه فرمود: ولی مسلمان های امروز نمی توانند این گونه لباس بپوشند و اگر ما این گونه لباس بپوشیم می گویند دیوانه است، ریاکار است، خداوند متعال می فرماید: «لباس های خود را پاکیزه کن» آنگاه فرمود: و لباس هایت را بالا بگیر و آنها را به زمین مکش، زمانی که قائم ما قیام کند، لباس این گونه است.



● آیه صدوسی و چهارم

﴿فَإِذَا نَقَرَ فِي النَّاقُورِ﴾^۱

□ «هنگامی که در صور دمیده شود.»

۲۲۷. عن المفضل بن عمر عن أبي عبد الله رضی الله عنه في قول الله عز وجل: «فإذا نقر في الناقور» قال: إن منّا إماماً مظفراً مستتراً، فإذا أراد الله عز ذكره إظهار أمره نكت في قلبه نكته فظهر فقام بأمر الله تبارك و تعالی^۲.

مفضل بن عمر در حدیثی نقل می کند که: تأویل این آیه شریفه: «فإذا نقر في الناقور» را از امام صادق رضی الله عنه پرسیدم، حضرت فرمود: یکی از ما امامی است پیروز و پنهان، هنگامی که خداوند امر او را آشکار کند در قلب مبارکش نشانه و اثری گذارد که ظهور کند و به امر خداوند متعال قیام فرماید.



۱. سوره مدثر، آیه ۸

۲. اثبات الهداة ج ۳ ب ۳۲ ح ۳۹.

سورة تکویر

● آیه صدوسی و پنجم

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ * الْجَوَارِ الْكُنُوسِ﴾^۱؛

□ «سوگند به ستارگانی که بازمی‌گردند، حرکت می‌کنند و از دیده‌ها پنهان می‌شوند.»

۲۲۸. عن امّ هانی قالت: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله عزّوجلّ: «فلا أقسم بالخنس الجوار الكنس» فقال: يا امّ هانی امام یخنس نفسه سنة ستین و مأتین ثمّ ینظر کالشهاب الثاقب فی اللیلة الظلماء فإن أدركت زمانه، قرت عینک یا امّ هانی^۲.

امّ هانی گوید: از امام باقر عليه السلام از معنی این آیه شریفه: «فلا أقسم بالخنس الجوار الكنس» سؤال کردم، حضرت فرمود: مراد، امامی است که در زمان خود در سال دو بیست و شصت پنهان می‌شود، سپس چون شهاب درخشان در شب تاریک ظاهر می‌شود. اگر زمان او را درک کردی، چشمت روشن شود.

۲۲۹. عن امّ هانی الثقفیه قالت: غدوت علی سیدی محمد بن علی الباقر عليه السلام فقلت له: یا سیدی آیه فی کتاب الله عزّوجلّ عرضت بقلبی اقلقتنی و اسهرتنی قال: فاسئلی یا امّ

۱. سورة تکویر، آیه ۱۵ و ۱۶.

۲. اثبات الهداة، ج ۳ ب ۳۲ ح ۳۲ و ح ۶۵۹

هانی. قالت: قلت قول الله عزّوجلّ: «فلا أقسم بالخنس الجوار الكنس» قال: نعم المسئلة سألتني عنها يا أمّ هانی هذا مولود في آخر الزمان هو: [والله] المهدي من هذه العترة تكون له حيرة و غيبة يضل فيها اقوام و يهتدى فيها أقوام فيا طوبى لك ان ادركته و يا طوبى لمن ادركه!

ام هانی ثقفی گوید: یک روز صبح، خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم و عرض کردم: ای سرور من! یک آیه از قرآن در دل من خطور کرده و مرا پریشان کرده، و خواب از چشمانم ربوده است.

حضرت فرمود: سؤال کن.

گفتم: این آیه شریفه: «فلا أقسم بالخنس الجوار الكنس». حضرت فرمود: خوب مسأله‌ای پرسیدی ای امّ هانی! این مولودی در آخر الزمان است. به خدا! او مهدی این عترت است که درباره او غیبت و حیرتی دست دهد که گروه‌هایی گمراه و عده‌ای هدایت می‌شوند. خوشا به حال تو اگر او را درک کنی و خوشا به حال آنان که او را دریابند.



سورة انشقاق

● آیه صد و سی و ششم

«لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ»^۱؛

□ «که همه شما پیوسته از حالی به حال دیگر منتقل می‌شوید (تا به کمال برسید)!»

۲۳۰. عن حنان بن سدير عن أبيه عن أبي عبد الله عليه السلام قال: انّ للقائم منّا غيبة يطول أمدّها فقلت له: يا بن رسول الله و لم ذاك؟ قال: لأنّ الله عزّوجلّ أبى إلا أن تجرى فيه سنن الأنبياء عليهم السلام في غيبتهم و أنّه لا بدّ يا سدير من استيفاء مدة غيبتهم قال الله تعالى: «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ» أي سنن من كان قبلكم^۲.

حنان بن سدير از پدرش و او از امام صادق عليه السلام روایت کرده است که حضرت عليه السلام فرمود: به راستی که قائم ما غیبتی دارد که طولانی خواهد شد.

[راوی گوید:] به امام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! چرا چنین خواهد شد؟ حضرت فرمود: چون خداوند عزّوجلّ اراده کرده که سنت‌های انبیاء عليهم السلام در غیبت‌هایشان درباره آن حضرت جاری شود. ای سریر! چاره‌ای نیست و باید غیبت او به اندازه غیبت همه انبیاء طول بکشد [زیرا] خداوند متعال فرموده است: «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ» یعنی سنت‌های کسانی که پیش از شما بوده‌اند.

۱ سورة انشقاق، آیه ۱۹.

۲ کمال الدین ۲ ب ۴۴ ح ۶.

سورة طارق

● آیه صد و سی و هفتم

«إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا * وَ أَكِيدُ كَيْدًا * فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُوَيْدًا»^۱؛

□ «آنها پیوسته حيله می‌کنند و من هم در برابر آنها چاره می‌کنم! حال که چنین است کافران را (فقط) اندکی مهلت ده (تا سزای اعمالشان را ببینند)!»

۲۳۱. عن أبي حمزة عن أبيه عن أبي بصير في قوله: «فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ» قال عليه السلام: ما له قوة يقوى بها على خالقه و لا ناصر من الله ينصره إن أراد به سوءاً. قلت: «أَنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا وَ أَكِيدُ كَيْدًا»؟ قال: كَادُوا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ كَادُوا عَلِيًّا عليه السلام وَ كَادُوا فَاطِمَةَ عليها السلام، فقال الله يا محمد: «أَنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا وَ أَكِيدُ كَيْدًا فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ - يَا مُحَمَّد - أَمْهَلُهُمْ رُوَيْدًا» لوقت بعث القائم عليه السلام فينتقم له من الجبابرة والطواغيت من قريش و بني امية و سائر الناس^۲.

أبي حمزة از ابوبصير در تفسير آيه: «فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ» او نه نيرويي دارد و نه ياورى» از امام صادق عليه السلام روايت کرده است که فرمود: يعنى اگر كسى قصد سويى به امام زمان عليه السلام داشته باشد، در برابر خداوند هيچ قدرتى ندارد که با آن قدرتمند شود و ياورى

۱. سورة طارق، آيه ۱۵ - ۱۷.

۲. تفسير القمى ج ۲ ص ۴۱۶؛ تاويل الآيات ج ۲ ص ۷۸۴ ح ۲.

نیز از سوی خدا نخواهد داشت [راوی می‌گوید:] به امام عرض کردم: «انهم یکیدون کیداً» یعنی چه؟ حضرت فرمود: با پیامبر ﷺ و علی ﷺ نیرنگ نمودند، با حضرت فاطمه ﷺ نیرنگ کردند و خداوند فرمود: ای محمد! آنان نیرنگ زدند چه نیرنگی، من نیز نیرنگ می‌کنم چه نیرنگی، ای محمد! به کافرین مهلت بده. به آنها اندکی مهلت بده تا وقت ظهور قائم ﷺ و به خاطر من از ستمگران و طاغوت‌های قریش و بنی امیه و سایر مردم انتقام بگیرد.



سورة غاشيه

● آية صد و سی و هشتم

«هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ * وَجُوهُ يُومِنُ خَاشِعَةً * عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ *
تَصَلِّي نَاراً حَامِيَةً»؛^۱

□ «آیا داستان غاشیه به تو رسیده است؟ چهره‌هایی در آن روز خاشع و ذلت‌بارند، آنها که پیوسته عمل کرده و خسته شده‌اند (و نتیجه‌ای عایدشان نشده است) و در آتش سوزان وارد می‌گردند.»

۲۳۲. عن محمد بن سليمان عن أبيه قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام قول الله عز وجل: «هل أتاك حديث الغاشية» قال: يغشاهم القائم عليه السلام بالسيف؛ الى أن قال: قلت: «تصلي نارا حامية» قال: تصلي نار الحرب على عهد القائم عليه السلام وفي الآخرة نار جهنم.^۲
محمد بن سليمان از پدرش نقل می‌کند که گفت: از امام صادق عليه السلام تأویل این آیه را پرسیدم: «هل أتاك حديث الغاشية» حضرت فرمود: حضرت قائم عليه السلام آنها را با شمشیر فرا گیرد [تا آنجا که گفت:] تأویل این آیه را نیز پرسیدم: «تصلي نارا حامية» فرمود: در دوران حضرت قائم عليه السلام در آتش جنگ و در آخرت در آتش دوزخ وارد شوند.

۱. سورة غاشيه، آیه ۱ - ۴.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ب ۳۲ ح ۲۶۷.

سورة فجر

● آیه صدوسی و نهم

﴿وَالْفَجْرِ وَ لَيَالٍ عَشْرٍ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ﴾^۱

□ «به سپیده دم سوگند و به شب های دهگانه و به زوج و فرد!»

۲۳۳. عن جابر الجعفی عن الباقر علیه السلام فی تفسیر قوله: «والفجر و لیال عشر» یا جابر والفجر جدی، «و لیال عشر» عشرة الأئمة و «الشفع» امیر المؤمنین علیه السلام؛ و «الوتر» اسم القائم علیه السلام.^۲

جابر جعفی گوید: امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه: «والفجر و لیال عشر» فرمود: ای جابر! سپیده دم، جد من است و شب های ده گانه، ده امام است و منظور از شفیع (زوج) امیر المؤمنین علیه السلام و وتر (فرد) اسم حضرت قائم علیه السلام است.



۱. سورة فجر، آیه ۱-۳.

۲. انبات الهداة ج ۱ ص ۶۶۹ ب ۹ ح ۸۸۸

سورة شمس

● آية صد و جهل

﴿وَالشَّمْسِ وَضُحِيِّهَا * وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّيْنَاهَا * وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّيْنَاهَا﴾؛
□ «به خورشید و گسترش نور آن سوگند و به ماه هنگامی که بعد از آن درآید
و به روز هنگامی که صفحه زمین را روشن سازد!»

۲۳۴. عن الفضل بن العباس، عن أبي عبدالله عليه السلام أنه قال: «والشمس وضحيتها» قال:
الشمس امير المؤمنين عليه السلام وضحها قيام القائم عليه السلام «والقمر اذا تلاها» الحسن والحسين
«والنهار اذا جليها» هو قيام القائم عليه السلام ۲.

فضل بن عباس گوید: امام صادق عليه السلام در تأویل این آیات: «قسم به خورشید و
روشنایی اش و ماه چون از پی آن درآید و روز چون زمین را روشن کند» فرمود: مراد از
خورشید، امیرالمؤمنین عليه السلام است و منظور از ضحیها (نور خورشید) قیام حضرت قائم عليه السلام
است و ماه که از پی آن درآید امام حسن و امام حسین عليه السلام هستند و روز که زمین را
روشن کند، نیز قیام قائم عليه السلام است.

۱. سورة شمس، آية ۱ - ۳.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ب ۳۲ ح ۶۶۰.

سورة لیل

● آیه صد و چهل و یکم

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ * وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ﴾^۱؛

□ «قسم به شب در آن هنگام که (جهان را) بپوشاند و قسم به روز هنگامی که تجلی کند.»

۲۳۵. عن جابر عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله عز وجل: «والليل اذا يغشى» قال: دولة ابليس الى يوم القيامة و هو يوم قيام القائم «والنهار اذا تجلّى» و هو قيام القائم اذا قام^۲.

جابر گوید: امام صادق عليه السلام در تأویل این دو آیه: «قسم به شب وقتی که فراگیرد و روز وقتی که روشن شود» فرمود: مراد از شب، دولت شیطان است تا روز قیامت (صغری) که همان روز قیام حضرت قائم عليه السلام است و مراد از روز، قیام حضرت قائم عليه السلام است هنگامی که قیام می کند.



۱. سورة لیل، آیه ۱ - ۲.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ب ۳۲ ح ۶۶۲.

سورة عصر

● آیه صد و چهل و دوم

﴿وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾؛

□ «به عصر سوگند! که انسان‌ها همه در زیانند مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند!»

۲۳۶. عن المفضل بن عمر قال: سألت الصادق عليه السلام عن قول الله عز وجل: «والعصر» فقال عليه السلام العصر، عصر خروج القائم عليه السلام، ان الانسان لفي خسر؛ یعنی أعدائنا، الا الذين آمنوا؛ یعنی بآیاتنا، و عملوا الصالحات؛ یعنی مواساة الاخوان و تواصوا بالحق؛ یعنی بالامامة، و تواصوا بالصبر؛ یعنی فی الفترة^۲.

مفضل بن عمر گوید: درباره تفسیر سوره عصر از امام صادق ۷ سؤال کردم، حضرت فرمود:

مراد از «العصر» یعنی عصر و دوره خروج حضرت قائم ۷، «همانا انسان» یعنی دشمنان ما «در زیان‌اند مگر آنان که ایمان آوردند» یعنی به آیات ما «و عمل صالح» یعنی مواسات و برابری با برادران کردند «و یکدیگر را سفارش به حق کردند» یعنی به امامت «و صبر و شکیبایی کردند» یعنی در فترت و غیبت امام.

۱. سوره عصر، آیه ۱ - ۳.

۲. اثبات الهداة ج ۳ ب ۳۲ ح ۲۳۶.

منابع و ماخذ

تأويل الآيات	القرآن الكريم
الاحتجاج طبرسي	الارشاد للشيخ المفيد، كتابفروشي
تفسير البرهان للبحراني	اسلاميه
الغيبة النعماني	اثبات الهداة
مكيال المكارم	اصول كافي
تفسير العياشي	كمال الدين و تمام النعمة؛ للصدوق
نورالثقلين	عيون اخبار الرضا للصدوق
المحجة البيضاء	روضة الكافي للكليني
الصراط المستقيم للبيضاي	ينابيع المودة
التبيان	دارالسلام، شيخ محمود عراقي
الدر المنثور	نجم الثاقب
مناقب ابن شهر آشوب	مهدي موعود <small>عليه السلام</small>
دلائل الامامة للطبري	علل الشرايع
الاختصاص للشيخ المفيد	كتاب الصافي في تفسير القرآن
الخصال الصدوق	اسرار آل محمد <small>عليهم السلام</small>
الغيبة للطوسي	المهدي في القرآن والسنة
معاني الأخبار للصدوق	تفسير مجمع البيان
ثواب الأعمال للصدوق	تفسير الميزان
كامل الزيارات	دولة المهدي يا حكومت امام زمان <small>عليه السلام</small>